وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (القرآن الحکیم)

طلسمات طلسمِ ہندی

تسخیر و جنیات

وعزائمِ جنیان

و نوامیسِ افلاطون و بلیناس

و والیسِ اسکندرانی

روحانی و عملیاتی کتب کا سب سے بڑا مرکز

فری عملیات بُک

Free Amliyaat Books

سرفراز شاہ

بسم الله الرحمن الرحیم

در علم طلسمات و تسخیر روحانیات و عزائم جنیان

از طلسمات طمطم هندی و دوالیس اسکندرانی و برس الهرامسة و نوامیس افلاطون و بلیناس

بسمه سبحانه و تعالی حضرت قاسم المعطیات و عالم الخفیات له الحد فی العددات
بکون عنایت بی نهایت حضرت سید السادات و متبع جمیع سعادات اعنی حبیب لازم
الترحیب خود را صلوات الله و سلامه علیه و علی عترته المقربین له بیکبوت صفویت
پوشانید و بر منصه علوم جلوه جمال ارزانی فرمود که و یعلمهم الله و الحکمة
و چون بر زبان معجز نشان در طلب حقایق دانش دعای سرعت انتمای ارنا الا
شیاء کما هی جاری داشته تاکید اجابت را این کلمات معالی سمات تلقین فرمود
که و قل رب زدنی علما و از اینجا معلوم میشود که در خزاین قدرت جوهری شریف

اگر خواهی که کسی قلب را تسخیر کنی

احضار و محبت اگر خواهی که قلب کسی را تسخیر کنی و آنکس مطیع و مسخر
تو گردد و آسایش و خور و خواب بر او حرام شود و ساعتی بی تو آرام نگیرد
و با محبت بسوی تو باز آید طریقه عمل چنین است ابتدا چهل و یک ظرف
مسی بشکل پشقاب بساز و در ساعت مشتری و زهره بر درجه طالع یا رابع یا سابع
و از نظر نحوس محفوظ و باید میان مریخ و عطارد هیچگونه نظری نباشد و
باید که شمس در پنجم یا نهم یا یازدهم باشد و در این ساعت پشقابها را بیاور
و عزایم بزرگ را که در زیر مذکور خواهد شد روی تمام آنها نقش نموده
باسم طرفین و پشقاب اول را که نقش شد باید طالب با دست خود در آتش
گذارد و نیت محبت نماید و چهل پشقاب دیگر را در روز سه شنبه یا نزدیک
ظهر جمعه در چاه آب یا قناة انداخته شود و طالب باید طلسم هفت جوش سلیمانی
را همراه داشته باشد که اکنون در اینجا مذکور خواهد شد طلا که سکه باشد
نقره پاک مس میراثی برنج قلع سرب و فولاد مجموع در بوته آب نموده
و لوحی بسازید که حد اقل چهارده مثقال بوده باشد و در وقتی مقارن آفتاب
که قمر در سرطان و ثور نباشد و میان او و آفتاب دوازده درجه بیش نباشد و
طالع در مشتری در چنین وقتی طلسم سلیمانی را روی لوح نقش نموده و طالب
همراه کند باسم طرفین و اما عزایم بزرگ که باید روی پشقابها نقش شود
اینست عزمت علیکم یا اصحاب السحر و الوسواس و یا معشر
الجن و الشیاطین من جنود ابلیس بحق هذه الرؤساء الجن و

الشياطين يا خناطف ويا ذو بعد ويا دنهش الدناهش يا مسفر نطش
العجلو بحق ابو مرة ابليس وبحق وزهره سيدرك رسد راسول
وبحق ربعه وذو بعد وبحق هذه الكلام طش طش افذ افه
بح بح عجلو يا روساء الجن والشياطين هيجو هيجان
الشديد المهيج المهيج قلب ولسان وعيون وشهوة فرزائيده
بحبت وعشق وهوس ووسوسه واطاعت وقبول قول فرزاده
بطريق المحبة عقد نومها بطرفة العين العين في الدموع والقلب
بالحركة والليل بالاحتراق والجسد بالضربان فرعلى حب
لا قرار ولا اكل ولا راحة ولا شرب ولا قيام ولا قعود
لها بالليل والنهار بحق شهوطش وشقونقاش وبلقافور والثعبان
ومطرود ومهرگوش وبحق هذه الكلام العجب العجب الساعة لا
مبين فانعه اسرع بطرفة العين وجمع البقر وبحق بمهطواش افيه
اه اه اه انه انه اه اه بحق سليمان بن داود اهيه بطرش الفياء
هرهيه العجل وبحق ابيض واسود واصفر واحمر ومهاكال و
شيطان وسمندون وهام بن هيم وجابرون ولابليس وعليه
بنت ابليس وذو بعد الطيار وابرجيطيفورش ولقيطيفورش
وهمه ديوان وپريان بيقرارش گردانيد العجل العجل
العجل الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا الذر الذر الذر الحريق

الحریق الحریق احضار محبت اگر خواهی کسی را حاضر کرد ای که بنزدیک
تو باشد و با محبت به نزد تو آید این نقش را روی قطعه از مس نقش نما
در ساعتی که مشتری با عطارد نزدیک باشد با اسم طالب و مطلوب و
در آتش دفن نما طولی نکشد که هراسان به پیش تو آید از وقتی که طلسم
در آتش رود مطلوب هر ساعت ناراحت تر شود تا آنکه خود را به تو رساند
این طلسم از محمد بن جواد مکلک است و گویند از چهارصد کتاب بیرون
آورده اما اندر بدانید و زنهار بدست نا اهل ندهید و نسلی حرام بهم
نرسانید اینست کاا ۹۲ ۹۱ ۸ ۱۱ ۱۹۵ الخ صح صح صح صح صح
صح صح صح صح صح صح صح صح صح صح صح صح صح صح صح ط ۱۹ ۱۱۱۱ ۹ ۱۱ ۲ ۹ صح
لا لوم و لا بابلم فم زاشیه فم مالخب و عشق فم زاشیده فم العجل
العجل الوحا الوحا الساعة الساعة [illegible] احضار و محبة
اگر خواسته باشی کسی را از راه دور بیاوری لوحی از هفت جوش
ساخته در ساعت مشتری روز چهارشنبه این آشکال و اعداد را بر
آن نقش نموده و سه شب تیر آن را با آب و گلاب و قند بگیر و در آتش
گو دفن نما چنان بیقرار گردد که ساعتی آرام نگیرد تا بسوی تو باز آید
جواب مجرب اینست کاا م ۱۱ م ۱۱ ح ۲۱ ه ۲۱ ح ۱۱ ۹ ع ۱۱ ۶ ۳ ۲ ۲
ط ۲۹۱ ۵ ۱۱۱۱ ع ۹ ۱ ۸ ۰۰ و ع و ک ع ۱۱ ح ۱ ۲ ۲ ۰ ۰
ع ۱۱ و ۱ م ه ه ه ۱۱۱۱ ح ۷ ۱۱۱ حرفت قلب فم زاشیده فم

علی محبت و عشق فرزانه فرزانه العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة
الوحا الوحا الوحا اجیبوا اجیبوا اجیبوا اگر خواهی که جمیع خلق الناس یا
از نژاد سیاه یا از نژاد سفید مرد و زن بزرگ و کوچک خویش و
بیگانه با تو الفت و محبت پیدا کنند و در نزد مردم عزیز و محترم باشی
و همه با دوستی تو رغبت کنند و ابواب روزی بر تو گشاده گردد و از
تمام بلایا محفوظ باشی و درهای بسته بروی تو باز شود و هیچ سحری بتو
کار نکند و زبان بدگویان بسته گردد و اگر تمام ساحران و جادوگران برای
تو سحر و جادو کنند کار نکند این سوره را یعنی آیة الکرسی مغربی را روی
پشقابی نقش کن بساعت مشتری و در وقت نقش نمودن باید بخور محبت
در آتش بسوزانی و حکاک در موقع کندن شیرین کام و پاک باشد آنگاه
پشقاب را آب کرده و مقابل قبله مقابل خود گذاری و هفت عزایم سلیمانی
را بر آب خوانده و با آن غسل کنی و آن ظرف منقوش بسیار بکار تو آید
اگر همه ماه آبش را به سر ریزی نزد جمیع مردم عزیز و محترم گردی و اگر به
شیرینی زده و نیت محبت کنی باسم هر که خواهی و آن شیرینی را بدهی او بخورد
با تو دوست و مهربان گردد و اگر پشقاب را آب نموده و هفت مبین بکن
را با آب بخوانی هر دختری را که بختش بسته باشد در حمام بسر ریزد آن
دختر بزودی شوهر کند و بختش بیدار شود و اگر به گلاب زده و
بصورت زنی کار تو رونق گیرد و اگر زنی تا چهل روز آبش را بصورت زند نزد شوهر

عزیز و گرامی شود و اگر بین رو حلال ناسازگاری باشد و آب پشقاب
را بخورند سازگاری پیدا شود و این پشقاب شرح بسیار دارد و ما در
اینجا مختصر کردیم سوره مبارکه آیة الکرسی اینست بسم الله الرحمن الرحیم
الله لا اله الا هو الحی القیوم عزمت علیکم و اقسمت علیکم
برب الملائکة المقربین اجب یا جبرائیل یا رفتمائیل سامعا مطیعا
تمام خلق زاده حوا علی حب فی زائیده فی بحق لا تاخذه سنة و لا نوم
له ما فی السموات و ما فی الارض عزمت علیکم و اقسمت علیکم برب
الملائکة المقربین اجب یا اسرافیل یا هواکیل یا تنکفیل سامعا
مطیعا بحق من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه عزمت علیکم و اقسمت
علیکم برب الملائکة المقربین اجب یا میکائیل یا جزبائیل یا قاقا
ئیل یا میقائیل یا نمتائیل سامعا مطیعا تمام خلق زاده حوا بحق یعلم ما بین
ایدیهم و ما خلفهم عزمت علیکم و اقسمت علیکم برب الملائکة
المقربین اجب یا شوزائیل یا سامائیل یا احمائیل سامعا مطیعا تمام خلق
زاده حوا بحق و لا یحیطون بشیء من علمه عزمت علیکم و اقسمت
علیکم برب الملائکة المقربین اجب یا میکائیل یا حفلائیل یا
طومائیل یا موتائیل سامعا مطیعا تمام خلق زاده حوا بحق الا بما
شاء وسع کرسیه السموات و الارض عزمت علیکم و اقسمت علیکم

برب الملائکة المقربین اجب یا فتحیائیل یا روبائیل یا رفتمائیل یا سمعا
ئیل سامعا مطیعا تمام خلق زادهٔ حوا بحق ولا یؤده حفظهما عزمت
علیکم واقسمت علیکم برب الملائکة المقربین اجب یا برقائیل
یا ثرثائیل یا هرقائیل یا طرقائیل یا طوقائیل سامعا مطیعا تمام خلق
زادهٔ حوا بحق وهو العلی العظیم عزمت علیکم واقسمت علیکم برب
الملائکة المقربین اجب یا برقائیل یا ثرثائیل یا طوقائیل سامعا
مطیعا تمام خلق زادهٔ حوا بحق اسماء العظیم ان تقضی لنا حاجتی به
رحمتک یا ارحم الراحمین احضار و محبت اگر خواهی کسی را
نزد خود حاضر گردانی بیاور قطعه مسی و اول هفت کواکب را بر آن
مس بخوان و بساعت سعد این عزایم را روی آن مس نقش نموده
و در آتش دفن کن و بگو سوختم قلب و شهوة فم زائیده فم را بمحبت
فم زائیده فم حاضر شود در اینمکان اگر صد فرسنگ راه باشد طولی
نکشد که بنزد تو آید وقتی احضار شد بیرون آور که بیم هلاک میرود
اینست ط ه ۱۱ ۹ ۱۱ ط ۹ ر ک ۶ ۶ ه ط ۱۱ ۶ ۶ عهو عزمت
علیکم یا معشر الشیاطین الموکلین علی هذه العزیمه احرقوا
سوختم قلب و لسان و شهوة فم زائیده فم حاضر شود به محبة

تفریق و سردی اگر مردی با زنی بحرام علاقه پیدا کند و عاشق آن
زن شود و خواهی که میان ایشان جدائی افتد و مرد سرد شود و از
آن زن اسمی نبرد و نخواهد روی آن زن را ببیند این نسخه را نوشته
با ترشی شسته و به طرفین بده تا بخورند و اگر به یکی هم بدهید نیکوست
و اگر روی قطعهٔ مس نقش شود و مس را بآب زده به لباس هر دو
بپاشند و قدری هم بخورند همین اثر را دارد اینست اللهم فرقت
بین فرزاده فرعلی بغض و کدورة فرزاده فر کما فرقت بین الماء والنار
فرقت بین الکفر والایمان فرقت بین الیهود والنصاری و بحق
هذه الآیة وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا
فاغشیناهم فهم لا یبصرون مله مله طلسم بلقیس
هر کس طلسم بلقیس را روی طلا یا برنج و یا مس نقش نموده همراه
نگاه دارد قلب جمیع خلایق را تسخیر نماید اگر زنی همراه نموده و
آبش را بصورت زند و بشیرینی زده بشوهر دهد بخورد مطیع و مسخر
و فرمانبردار آن زن گردد و اگر مردی همین عمل را نموده زن او
مطیع و مسخر او گردد نسخهٔ طلسم بلقیس از زمان سلیمان بن داود
در کتابها نوشته و این نسخه را صاحب کتاب از کتاب سلیمانی
نوشته و همیشه به تجربه رسیده و باید اسم صاحب طلسم پشت طلسم کنده شود

اگر زنی بخواهد که دلِ شوهر با او مهربان گردد و شوهر بطبع او شود و
از حرف زن سر پیچی نکند باید هفت جوش هندی ساخته و در
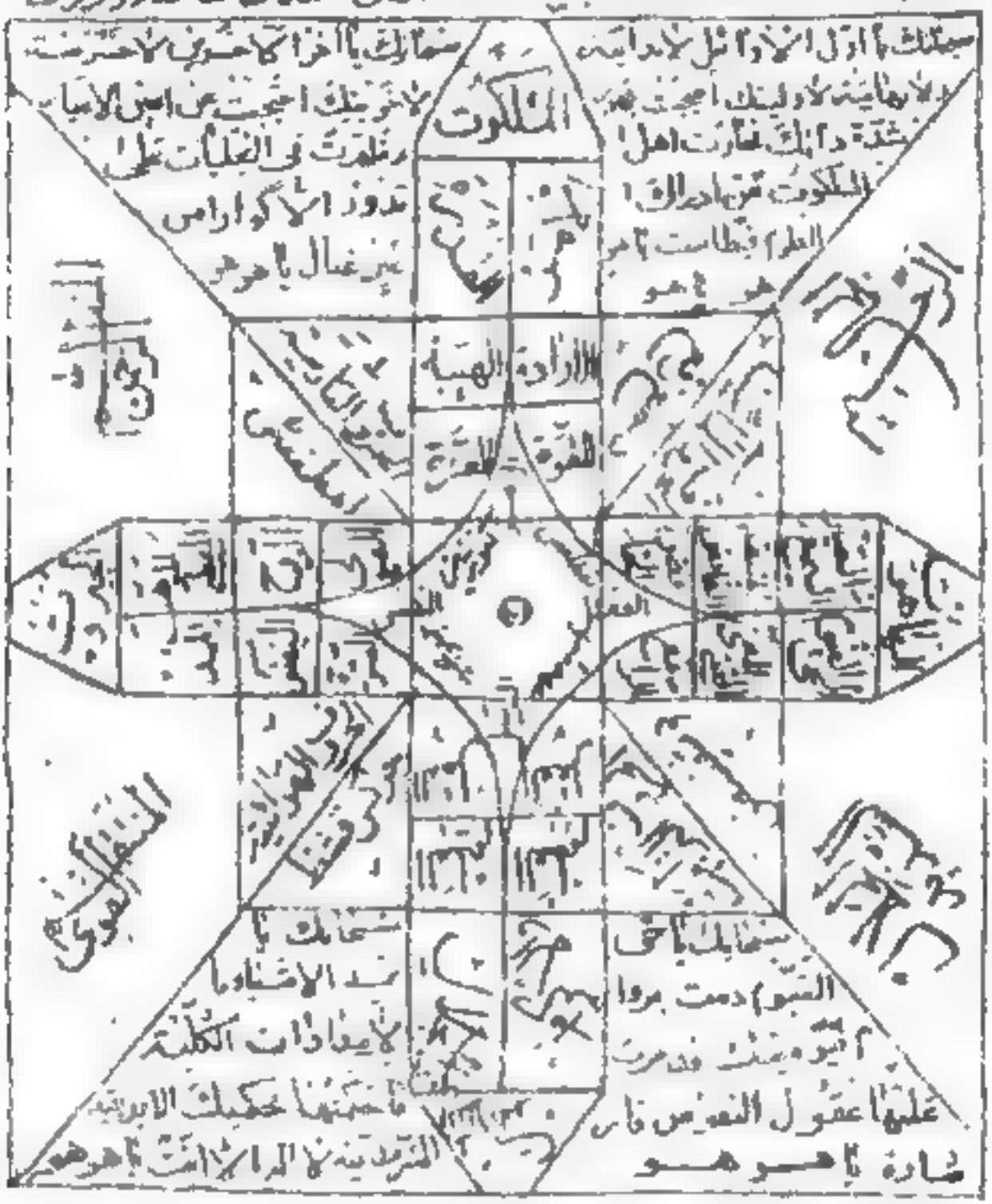

مشتری این طلسم را روی هفت جوش نقش کرده همراه نگاهدارد

محبّت زن و شوهر اگر خواهی میان زن و شوهر سازگاری پیدا شود و کدورة برطرف شود و دل مرد با زن مهربان گردد و مطیع او شود باید در ساعت سعد که عطارد نزدیک مریخ باشد و از نحوست خالی این تعویذ را با گلاب و زعفران نوشته و بدهد به مرد آبش را بخورد و قدری چهار گوشه باشد البته اصلاح و سازگاری پیدا شود و دل مرد با زن مهربان گردد اینست. س ص ص م م م م م م م م محم راو کلاه د و و و و و و و و ق سل سل سل سهه سهه س س و ها

۴۷ بخت گشائی
اگر بخت دختری بسته باشد و عقد او سر نگیرد و در طالع او سحر و جادو کرده باشند باید آب هفت چاه را بیامیزد و از هفت دکان عطاری گلاب گرفته در آب داخل کرده و هفت نقش سلیمان و بلقیس را که طلسم بلقیس روی آن نقش شده باشد در آب و گلاب انداخته ... بل فبلد بس ... انا مبین هفتم بر آب خوانده و روز سه شنبه آب را به سر بریزد و سوره احزاب را نوشته با زعفران بنام خود و تمام خلق و در الحاق خواب خود در حقه ای نهاده و بماند و طلسم بلقیس را همراه کنند ۳۱ مص ۱۱ لا ۱۱ و د و و و این طلسم را با آب سیر و فلفل و گلاب نوشته همراه کند و هفت روز چهار شنبه همین طلسم را بهمان ترتیب نوشته و با هفت دانه فلفل سیاه بسوزانند

ب	ح	۲۰	۱۱	سط
۱۹ علا	کلاه	۱۰۰	ق	مل
۳۵	۴۵	ی	س	سح
۱۲۸	۶۳	ع	۳ سح	[illegible]

اگر محبت شدید خواهی جهت محبت بسیار مجربست اگر زنی خواهد مردی
را بمحبت خود حاضر گرداند و دمی آرام و قرار نداشته باشد این دو مربع
را یکی بر مس و یکی را بر لوحی از نقره خام نقش نموده لوح نقره را در سرکه
و مس را در آتش گذارد صاحب طلسم گوید همان وقت قلب مطلوب آتش
خواهد گرفت و بدون او آرام نگیرد تا خود را بطالب برساند این است

۶۳		
۶۴ ۷۴	۷۵	۷۶ ۷۰
۶۵ ۷۳	نام مطلوب و مادر	۶۹
۷۲ ۶۶	۶۷	۶۸ ۷۸
	۷۹	

۴۷		
۴۴ ۵۸	۵۹	۶۰
۴۹ ۵۷	نام طالب و مادر	۵۳ ۶۸
۵۰	۵۱	۵۲ ۶۲
	۶۳	

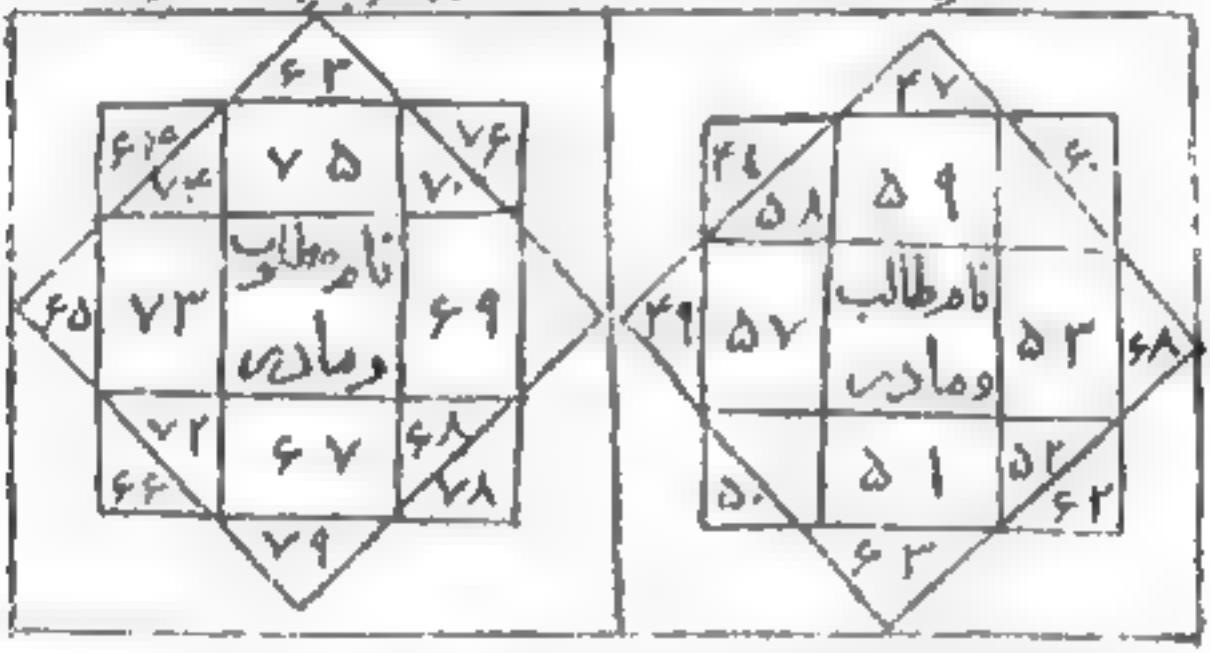

جدائی و سردی اگر خواهی میان دو کس سرد و جدائی شود این آیه و
عزایم را بر پوست گردو نوشته و با قدری سرکه در شیشه ریخته و در
گور کهنه دفن نماید و به عقب خود نگاه نکند عجایب بیند اینست
والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیامة وما صلحو
وطلحو کنعیف طلحو محبت اگر خواهی کسی را از عشق
بیقرار گردانی بطاور هفت دانه انجیر و این اشکال را بر آنها نوشته به
مطلوب دهد [illegible]

احضار محبت اگر خواهی کسیرا بنزد خود حاضر گردانی این عزایم را بر
بیضهٔ مرغ سیاه نوشته در کنار آتش دفن کن که حرارت باو برسد در
برج آتشی هراسان بنزد تو آید اینست حرق قلب فرزائیده فرعلی محبة
وعشق وهوس ووسوسه واطاعت فرزاده فرلح سطوس اهوس
ملوس ملوس سملوس ملیهوس لسلسلمو مطوطا وسوس
غاها ملوس احضروا بمحبت وعشق فرزائیده فر
[illegible]
[illegible]
[illegible] العجل الساعة جهت محبت ومطیع شدن
اگر خواهی کسیرا با تو مهربان شود این اشکال را بر کرباس کهنه نوشته و
آنرا فتیله سازد و قندیل یا چراغدان نو باسم مطلوب بسوزاند و یا بر وصله
از لباس تن مطلوب نوشته با روغن کرچک بسوزاند اینست [illegible] عویل
[illegible] طله [illegible] سعوه ۴۱ [illegible] بجهت سردی وجدائی اگر خواهی
میان دو حرام را سردی وجدائی اندازی سوره الم ترکیف را بدینصورت
که در اینجا ذکر میشود نوشته بآب مرده باسم طرفین وسر راه آنها دفن
کن سرد وجدا شوند واگر بآب مرده نوشته باسم آنها وشسته وبدهد
طرفین بخورند جدا شوند واگر نوشته شود روی کفن مرده بشویند
وهر دو طرف از آن آب صورت خود را بشویند از نظر هم بیفتند واگر

در مکان جمعی دفن شود آواره گردند و اگر روی پارهٔ مس کنده شود
باسم طرفین و در گورستان کهنه دفن شود چنان بین ایشان عداوت
و دشمنی افتد که روی همرا دیگر نه بینند اینست الم تر کیف یا جبرائیل
فعل ربک یا شمعائیل باصحاب الفیل یا کلکائیل الم یجعل کیدهم
یا نومائیل فی تضلیل یا میکائیل و ارسل علیهم یا اسرافیل طیرا
ابابیل یا عزرائیل ترمیهم بحجارة من سجیل یا کشفائیل فجعلهم
کعصف مأکول یا شکعیل یا الله تحبیب اگر خواهی به نزد کسی
روی و با او کاری و یا حاجتی داری و میخواهی وقت صحبت کردن حرف ترا
قبول کند و با چشم خوب در تو نظر کند این شکلها را یکی بر دست راست
و یکی بر دست چپ نوشته با او رو برو شو و بدانکه از حرف تو بیرون نرود
اینست دست راست [illegible] دست چپ
[illegible] عشق و اگر خواهی که جمیع
مردم با تو مهربان باشند و کار
تو رونق گیرد و دشواریها بر تو
آسان گردد مربع و لکن الله را
روی طلا یا هفت جوش سلیمانی
نقش کرده همراه نگاه دار اما ساعت
مشتری که خالی از نحوست باشد

[illegible] ۷۸	[illegible] ۱۵۰	[illegible] ۲۰۸	[illegible] ۱۷۲
۲۱۷	۱۷۳	۷۷	۱۵۱
۷۴	۲۲۰	۱۴۸	۷۶
۱۴۹	۷۵	۱۷۵	۲۱۹

عشق محبّه اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی این صورت
را در ساعت سعد که قمر در برج آتشی باشد این صورت را بنویس و در
بیضهٔ مرغ سیاه گذارد و چهل و یک فلفل سیاه در میانش کند و در گل
کوزه گران گیرد و در آتش دفن کند بسیار مجرّب و بتجربه رسیده بارها.

عزیم اینست

عزمت علیکم یا معشر
الجن والشیاطین و یا اصحاب
السحر والوسواس الخناس
من الجنة والناس من
جنود ابلیس بحق هذه
الرؤساء الجن والشیا
طین یا خاطف و یا ذوبعه
و یا دنهش الدناهش و یا
مستقر نطفش عجلوا بحق
ربعه و ذوبعه و یا دنهش الدناهش و یا مستقر نطفش عجلوا بحق ابو
مرة ابلیس و بحق و زهره سیدوک ابن رسد راسول و بحق ربعه و ذو
بعه و بحق هذه الکلام طش طش افذ افذ بح بح عجلوا یا رؤساء الجن
والشیاطین هیجو هیجان الشدید الهیج قلب و لسان و عیون و شهوة

احرقت قلب و لسان و عیون
و شهوة فلان زائیده فلان
علی محبت و عشق و هوس
و وسوسه فلان زائیده فلان

فلان زائیده فلان علی محبت و عشق فلان زائیده فلان بطرفة العین
فی الدموع و القلب بالحرکة و اللیل بالاحتراق و الجد بالضربان فلان
زائیده لا نوم و لا قرار لها باللیل و النهار بحق شهوطش و شغونقاش
و بلقاقور و الثعبان و مطرود و مهرگوش العجل لامیته فانعه اسرع
بطرفة العین من برق لامع و بحق سهطواش افیه اه اه اه اه اه اه
اه اه بحق خاتم سلیمان ابن داود اهیه بطرش الفیاه هرهیه العجل
العجل الساعة جهنمة احضار اگر خواهی کسی را حاضر گردانی این آیه
را هفت مرتبه به نمک خوانده و در آتش انداز باسم مطلوب حاضر
گردد قال من یحیی العظام و هی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول
مرة و هو بکل خلق علیم الذی جعل لکم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم
منه توقدون در بغض و عداوت این شکل و آیه را بنویس باسم دو طرف
در گورستان کهنه و یا در رهگذار دفن شود یا شسته بخورند جدائی افتد

و القینا بینهم العداوة و البغضاء
الی یوم القیامة کلما اوقدوا نارا
للحرب اطفاها الله و یسعون فی الارض
فسادا و الله لا یحب المفسدین

باب الحب و العشق اگر خواهی شخصی با تو الفت و محبت پیدا کند این تعویذ را نوشته با گلاب بشوئید و بخورد هر که خواهید بدهید مطیع تو گردد

ااا ع ع ط م م و د داد ل د فز العجل دال ع ع ع

دراساح ام وداع دام دا م اول م ع ۸ له روا درد العجل

ایضاً بجهت عشق بر کاغذ یا چلوار نوشته فتیله کند و در چراغدان به سوزاند به مطلوب برسد و مطلوب تا خود را نرساند آرام قرار نگیرد

سلع ص	سسع	او ء ح	طلح سح	سع للمح	ک
سلح	سح	ک	نسم	سع اه ا	ک ح

ایضاً مهر و محبت اگر خواهی عشق و محبت کسی را بطرف جلب نمائی این اشکال را بر کاغذ یا میش نوشته و یا کنده در آتش دفن نمائید اینست ک سحق لا مفعلب طا ل لا هع ط ط زبانبند سکاکی اگر خواهی زبان جمیع خلق روی زمین زن و مرد سیاه و سفید از هر طبقه و نژاد بروی تو بسته باشد و بر خلاف گفته تو عمل نکنند و یا حرفی نزنند و سخنی نگویند این زبانبند را روی طلا و یا هفت جوش سکاکی نقش نموده همراه نگاهدار و اگر هم در محل خواب خود گذاری مؤثر است و اما اگر باسم کسی باشد زبان او بروی تو بسته گردد و اگر خواهی باسم جمیع خلق باشد باید در محل اسم کنده شود بستم زبان تمام خلق را بروی فم زاده فم البسته باید بساعت سعد باشد تا مؤثر افتد

این زبانبند از حکمای یونان است واز محمد سکاکی باقیمانده و شیخ سکاکی فرماید این را از میان صد و بیست کتاب بیرون آوردم و سرّی از اسرار در آن نهفته است قدر این نسخه را بدانید و

عقدة
لسان فرزانیده و
جعلنا من بین ایدیهم
سدا ومن خلفهم سدا
فاغشیناهم فهم
لا یبصرون

حرمت گزارید و بدست نااهل ندهید که گناه عظیم دارد و اما اگر باسم یکنفر باشد اولی است بجهة گشایش کار اگر مردی بیکار باشد و همه درها بروی او بسته شده باشد این مربع را روی پاره مس و یا برنج نقش نموده همراه گذارد جمیع ابواب رزق بر وی گشوده شود انشاء الله تعالی

رب اشرح	لی صدری	ویسر لی	امری
۷ ۱ ۱	۳ ۴ ۴	۳ ۱ ۶	۲ ۵ ۱
۳ ۱ ۷	۲ ۵ ۰	۷ ۱ ۲	۳ ۴ ۳
۱ ۴ ۹	۳ ۱ ۴	۳ ۴ ۶	۷ ۱ ۳
۳ ۴ ۵	۷ ۱ ۴	۲ ۴ ۸	۶ ۱ ۵

برای محبت و زبانبند اگر کسی لوح زیر را روی فلزی نقش کند که نیمی طلای پاک
و نیمهٔ دیگرش نصف نقره و نصف برنج باشد و همراه بدارد و بگلاب زده به
بصورت زند برای محبت خلق و زبانبند نیکست و از جمیع بلایا ایمن شود

احضار از راه دور اگر خواهی کسی را از راه دور بنزد خود حاضر گردانی
این نسخه را بر چهار پاره کاغذ نوشته و یکی را در بلندی بباد آویزید
و یکی را در آب روان اندازید و یکی در خاک دفن کنید و یکی را میان گل کوزه
گذاشته در آتش دفن کنید حاضر شود وقتی آمد آتشی را بیرون آورید

اقتربت الساعة و آتش القمر

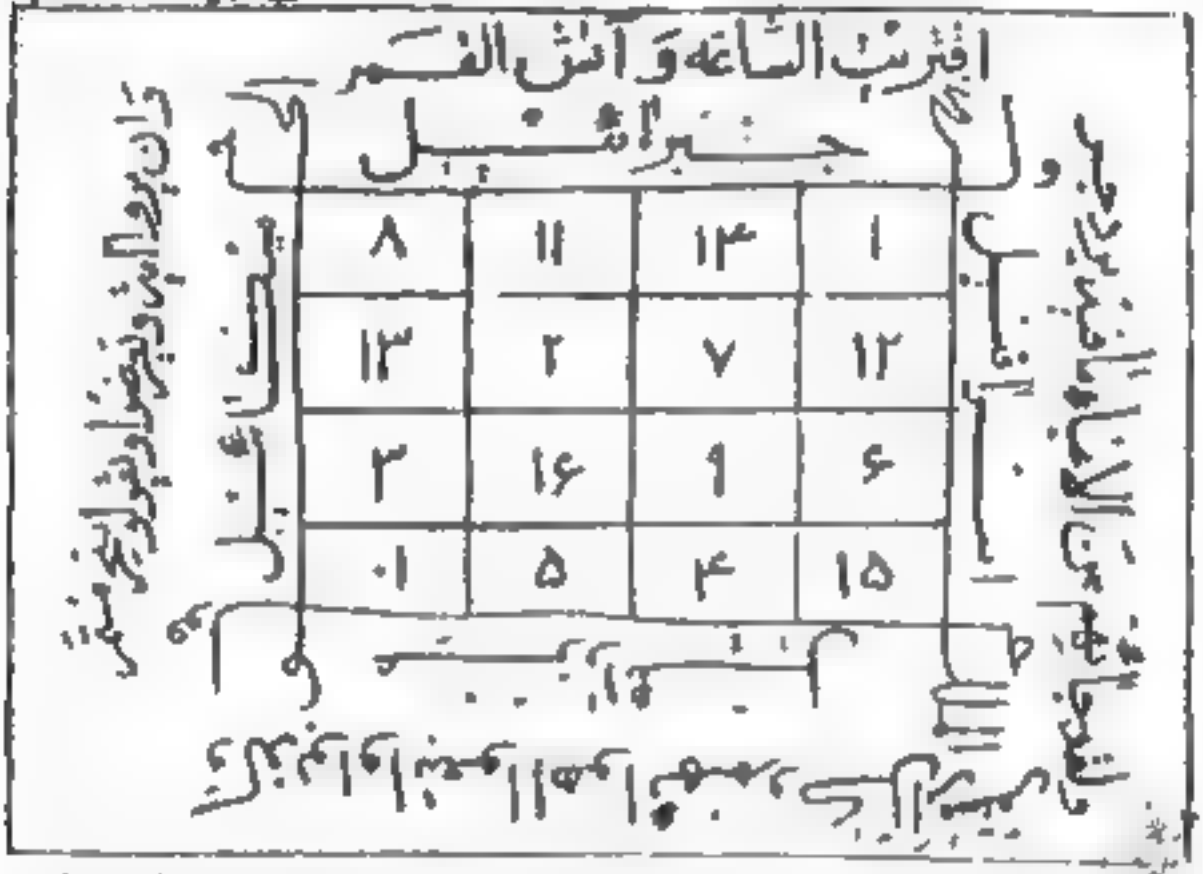

جبرائیل

۸	۱۱	۱۴	۱
۱۳	۲	۷	۱۲
۳	۱۶	۹	۶
۱۰	۵	۴	۱۵

الفریق و جدائی اگر خواهی کسی را تفریق نمائی یعنی و زندگی او را از هم بپاشی بنویس
این سوره بر هفت قطعه سفال آب ندیده یک قطعه از آن سفالها را در منزل
او پنهان کن و شش عدد دیگر را نرم کوبیده در راه رو منزل او بپاشید
بزودی تفرقه شود و زندگی او از هم بپاشد ساعت نوشتن سوره تبت
شب سه شنبه آخر ماه است زنهار این کار را مکن مگر برای ستمگران

مسد من حمل جیدها فی الحطب حمالة وامرأتا لهب ذات نار اسیصلی
کسب وما ماله عنه ما اغنی وتبت لهب ایی یدا تبت عشق تو بجنبه
اگر خواهی کسی از عشق تو بیقرار گردد و بطرف تو آید این تسخیر را
نوشته در میان دل گوسفند بگذارید با چهل و یکدانه فلفل سیاه و
دل را در میان گل رش گرفته و در زیر آتش پنهان کنید مجربست

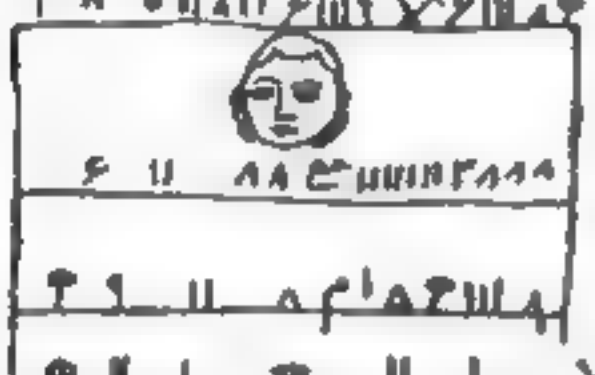

هیا هیا هیا اه اه اه اه الهی
الهی اهیا عشرا هیا اصباؤث
اذونی العجل حوقت وحرکت
ولیت وسخرت قلب ولسان
وعیون وشهوة
فلان زائیده فلان
علی حب وعشق وهوس
ووسوسه وقبول قول
واطاعت فلان زاده
فلان بحق هذه الطلسم

عزمت علیکم یا اصحاب السحر والوسواس
من جنود ابلیس بحق ومهاکال و
وشیطان وسمندون وعنیة بنت
ابلیس وهام ابن هیم ودنهش الدنا
هش ودظوا حمل الطمالز وابرجیطیفورش

وَجَایِزُونَ لَا فِرَارٌ وَلَا نُوْمٌ وَلَا اَکْلٌ لَهَا بِاللَّیْلِ وسورهٔ قُلْ اَعُوذُ را بدین
طریق که نوشته بشود چهل و یک بار بر چهل و یک نلفل سیاه بخواند و یک یک در آتش
اندازد قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ اُحْضِرُوا فلان زائیده فلان بجت فلان
مَلِكِ النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِی یُوَسْوِسُ
اُحْضِرُوا فلان زاده فلان علی محبت وعشق فلان زائیده فلان فی صُدُورِ
النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ تعویذ از برای جدائی درمیان کنان سفید
نوشته و در چراغدان آهنی بسوزان در حال ازهم جدا شوند انشاء

۲	خ	ح	۳	ع
۸	ط	۱۰	۴	۸

کنادن مرد تسه اگر مردی را بسته باشند که
هیچکس نتواند او را باز کند بیاور هفت دانه
تازه اگر نبود خشک و این اشکال را بر آنها نوشته و روز پنجشنبه انها را
بخورد گشاده گردد [ک] [ملا] [علا] [ملا] [کر]
[عیاه] [سوره] [عاه] [ناکاه] [عل] [ناکاه] [علی] [کلا]
زبانند این ایات و اعداد را روی لوحی از طلا نقش نموده همراه کند
زبان بدگویان بسته گردد و اگر چیزی از کسی خواهد و یا حاجتی دارد زود
برآورده شود حاجت او را آنکس برآورد صُمٌّ بُكْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا یَعْقِلُونَ
وَجَعَلْنَا مِنْ بَیْنِ اَیْدِیهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَغْشَیْنَاهُمْ
فَهُمْ لَا یُبْصِرُونَ [illegible] کهیعص [illegible]
[illegible] این ایه روی اکثر تفنگ نقش شود برای زبانبند و
بماند اِنَّا جَعَلْنَا فِی اَعْنَاقِهِمْ اَغْلَالًا فَهِیَ اِلَی الْاَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ

اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی که دمی آرام و قرار نداشته باشد
و اگر از تو دور باشد بنزد تو آید و مطیع و مسخر تو گردد و بفرمان تو در آید
این هفت فتیله را بر هفت پارهٔ چلوار یا کاغذ نوشته و سه روز و ۳
شب روزی دو عدد بسوزان این شش فتیله شرح بسیار و خواص بیشمار
دارد و از کتابخانهٔ بزرگ هندوستان بدست آمده و دستورش چنین
است بر شش پارهٔ چلوار یا کاغذ نوشته و بصورت فتیله در آید و تا
سه روز هر روز یکی را ظهر و یکی را شب با روغن یاسمین یا روغن کرچک
بسوزان و روز آخر باقیمانده را کنار آب روان پنهان کن در خاک مرکب
و اگر روی شش قطعه هفت جوش سلیمانی کنده شود و هر روز یکی را در آتش
دفن کن تا اثرش چند برابر گردد عجایب بینی اینست فتیلهٔ اول
حرقت و حرکت و لینت و سخرت و لب و دهن و هیجت قلب و لسان
و عیون و سمع و شهوة و لب و دهن فلان زائیده فلان بمحبت و
عشق و هوس و وسوسه و اطاعت و قبول قول فلان زائیده فلان
حتی قطعت النوم و منعت الطعام ۳ ۱۱ ۹ | ۱۰ ۱۲ ۱۳ ۱۶ ۷ ۱۰ | ۴ ۵ ۴
۱۳ ۱۲ ۷ ۶ ۲۶ ۲۷ ۳۶ ۵ ۰ ۳ ۱ ۳ ۴ ۵ ۱۰ ۴ ۱۷ ۵ ۱۴ ۵۲ ۴ ۱۱ ۳ ۱ ۶
۴ ۳ ۱۲ ۵ ۶ ۳ ۹ ۷ ۶ ۳ ط ی ۱۱ ۱۱ ۹ ۱۱۱ ۱ ۶ ۱۱ ۱۱
۱۲ ۹ ۸ ۸ ۸ ۸ ۸ ۱۱۱ ۸ ۱ ۶ ۱ ۹ ط ط ط ۱۹ ۱۲ ۱۶ ط ی ۱۱ ع
ک ۱۱۱ ۶ ۶ ۱۱۱ ۶ ۱۶ ۱۱۱ ۱۶ ۱ ۶ ع فتیله دوم

[illegible] يجلب يحبب ابهل

ابهل ايها السيدة الجليلة الكريمة منية بنت ابليس وذويعة و

[illegible] من نوم قرار وسكونا والعبر على الليل والنهار حتى تقد

مثل الكلب ويهيج مثل وزليخا حتى يأتين ولا تصبر عني الساعة و

أخذة ولا يلطيفت على احد غيري باالذي خلق السموات والارض

وخلقكم من النار والسموم لما دهيت انت بنفسك مع اعوانك و

ضلك ورجالك وهيجتم فلان زائيده فلان بمحبت وعشق فلان زاده

فلان لا قرار ولا نوم ولا صبر ولا قيام ولا قعود لها بالليل والنهار

العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا الحريق

الحريق الحريق الحريق فتيلة سويم [illegible]

[illegible]

[illegible]

حرقت وحركت ولينت وسخرت قلب ولسان وعيون وشهوة فلان

زائيده فلان على محبت وعشق وهوس ووسوسه فلان زائيده فلان

لا قرار ولا نوم له بالليل والنهار عزمت يا اصحاب السحر والوسواس

در شعبش المافتوح الكوت بحق ميمون بلاى الشياطين وجنود

ابليس سرا امدى السمواة اشتعلوا النار في قلب فلان زائيده فلان

علوا لوال عط العجل العجل الساعة الوحا الحريق

فتیله چهارم [illegible]

[illegible]

[illegible] حرقت و حرکت و لینت و سخرت قلب
و لسان و عیون و شهوة فلان زائیده فلان علی محبت و عشق و هوس
فلان زائیده فلان بحق ابیض و احمر و اخضر و اسود و مهاکال
و غنیه بنت ابلیس [illegible]

[illegible] لها با اللیل

فتیله پنجم [illegible]

حرقت و حرکت و لینت و هیجت قلب و لسان و عیون و سخرة و شهوة
فلان زائیده فلان بمحبت و عشق و هوس و وسوسه فلان زائیده
فلان بحق ابیض و احمر و اسود و اصفر و مهاکال و شیطان و غنیه
بنت ابلیس و طام ابن هیم و ابرجیطیفورش و زوبعة الطیار و
و دنهش الدناهش و مسترطکهوش و احشاطهش و بخاتم ابلیس و
ملکانوش و صعبوش و اجنقهش و کامال و کالیکا و نونلت و
چیبال که دلش را بسوزانند با جگر و جگرش را با دل لا قرار و لا نوم
و لا راحة لها با اللیل و النهار العجل الساعة الوحا فتیله ششم
هیجت الجن علی الشیاطین و هیجت الشیاطین علی الجن و هیجت الجن
الشیاطین علی الابلیس سید الشیاطین و هیجت الشیاطین علی الانسان

و محبت ابلیس و اولاده علی فلان زائیده فلان به محبت و عشق و
هوس و وسوسه و بی آرامی و بیقراری و قبول قول فلان زائیده فلان
ان یجعلوا و تحرقوا قلب و لسان و فواد و جمیع البدن و الجد فلان
زائیده فلان بمحبت و الفت و عشق فلان زائیده فلان
انی قلب الایام و منعت الطعام و قطعت النوم حتی اطیعوا فی و تحرقوا
قلبها و جسدها و فوادها الساعة بحق ابلیس راس الشیاطین و یا اهل
الفساد ثم باسم ابلیس بمتقصر باخوش جرمشطیفورش سجورش الیفورش
اصباؤث اذونی [illegible] وترا وترا لیتا وترا
[illegible] ما حالی [illegible] هلا هیا شراهیا العجل الساعة
احضار و محبة اگر خواهی کسی را از راه دور بیاوری که با تو محبة
پیدا کند و هراسان بنزد تو آید این حروفها و اشکال را روی چلوار
آب ندیده نوشته و در گل کوزه گران گیر و در آتش دفن کن که حرارت
بدو رسد طولی نکشد که حاضر شود [illegible]
[illegible] آه آه آه [illegible]
[illegible] آو آو آو [illegible]
[illegible] بطریق المحبة و المودة فی قلب فلان زاده فلان علی حب
فلان زائیده فلان بحق هذه الاسماء [illegible]
[illegible] بحق الملک الموکل

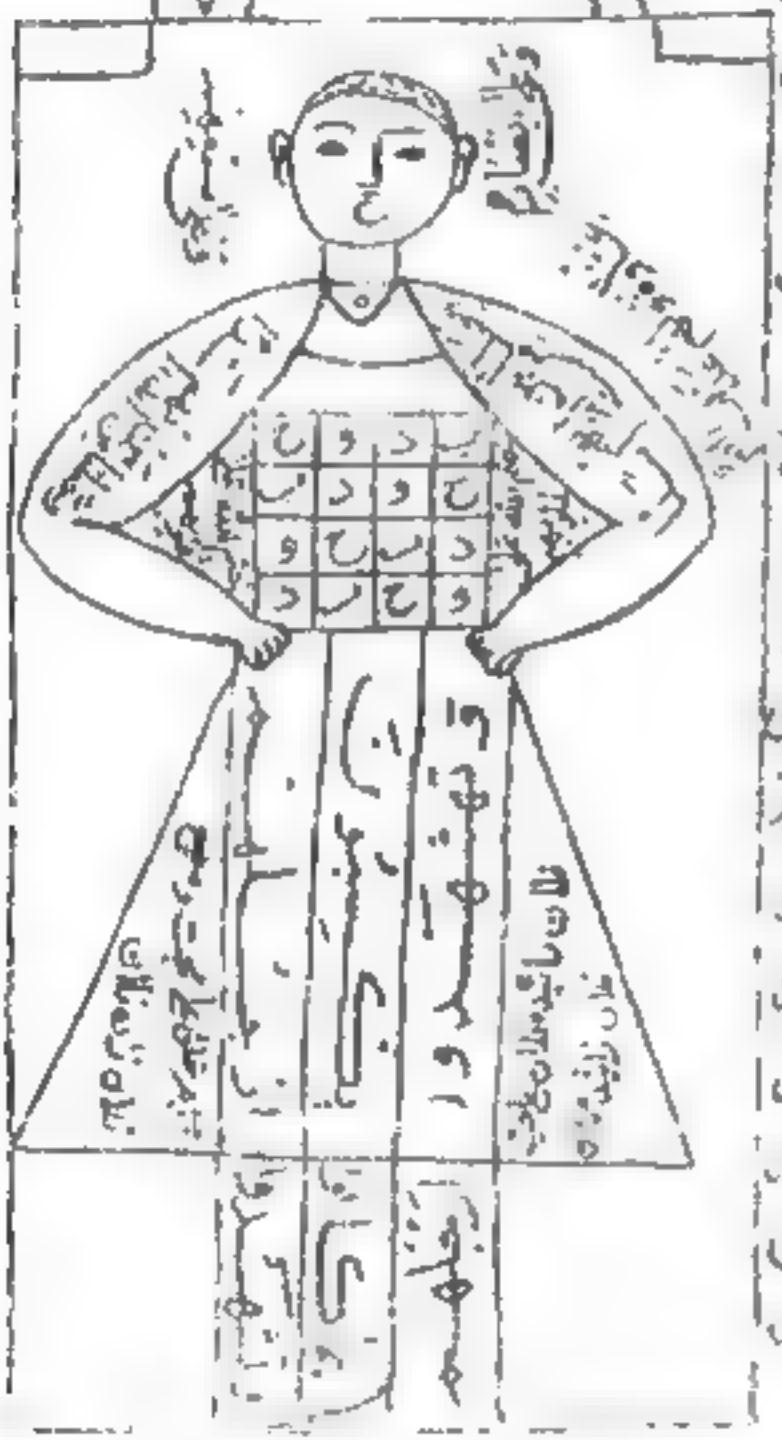

عشق و محبت اگر میخواهی مهر و محبت کنی با تو زیاد شود و با تو الفت
پیدا کند و همیشه مطیع تو گردد این شکل را روی پارهٔ مس نقش کن
و اسم مطلوب و خود را در زیر لوح بدین صورت نقش نما و جائیکه نمناک
بوده باشد دفن نما و سنگ
گرانی بر سر آن گذار چنان
مطیع تو گردد که عجایب بینی
و اگر صورت را روی چهار
پاره کاغذ زرد نوشته و
یکی در محل باد آویزی و یکی
در آب اندازی و یکی را در
خاک پای کوهی دفن نمائی
و یکی را شسته و بمطلوب دهی
همان اثر را دارد اما باید روز
چهارشنبه نوشته شود
محمد سکاکی گوید قدر بدانید
و بدست نااهل ندهید
و زنهار برای حرام نکنی که
گناه عظیم دارد و دین
تمام خلق گردن تو باشد
والسلام است

احضار و محبت اگر خواسته باشی شخصی را از راه دور حاضر گردانی
و آرام نگیرد تا خود را به مکان تو برساند این شکل را روی نعل
بی سوراخ باسم مطلوب و مادر او و نام خود و مادر خود نقش کرده و
باید که قمر در برج آتشی باشد بگروی نعل را روغن حیوانی و روی
دیگر را عسل مالیده و نیت محبت نموده و در آتش مو مدفون سازی
و اگر روز چهارشنبه دهه اول ماه کنده شود اثر مطلوب را خواهد داد

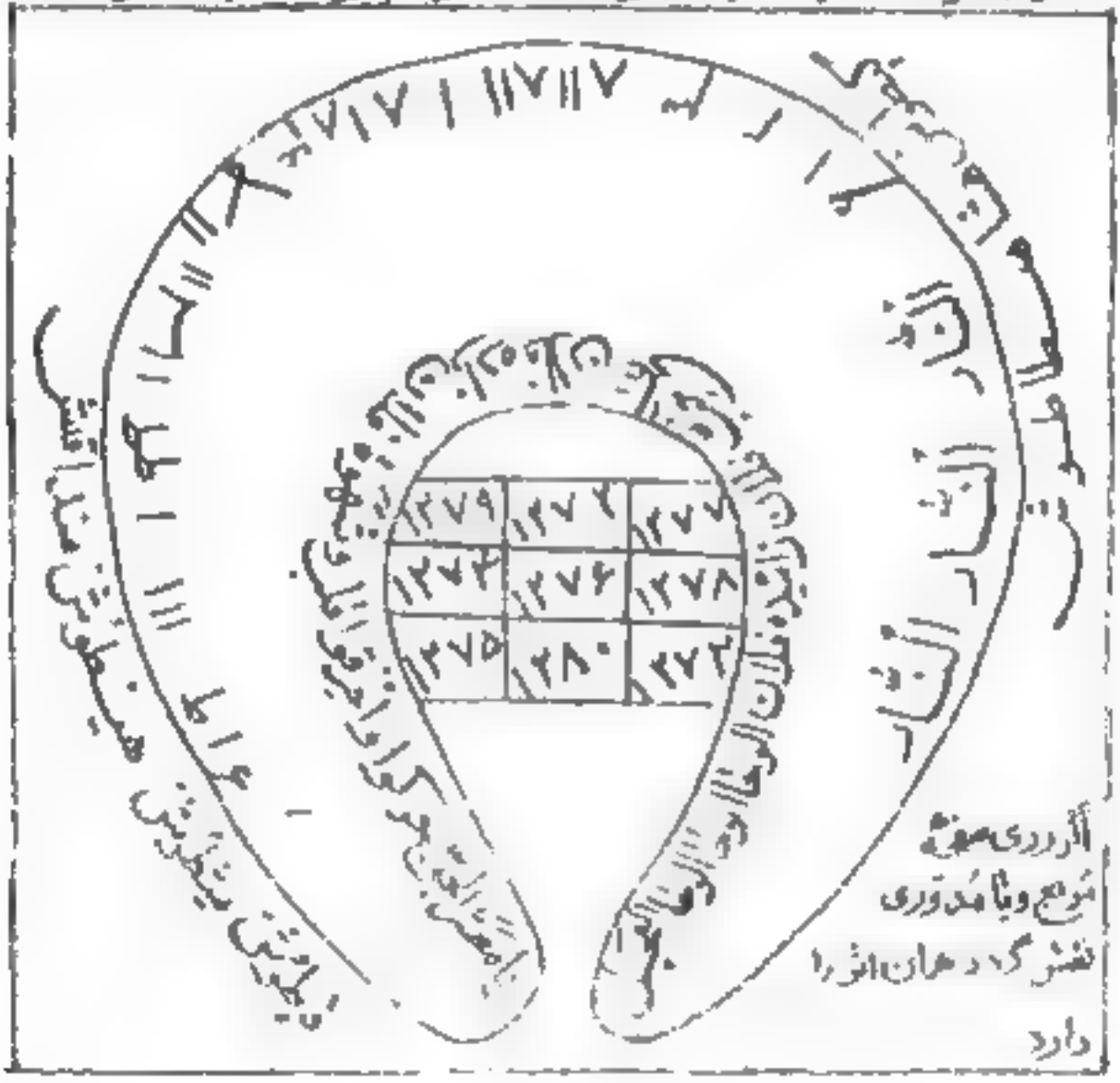

محبت شدید اگر خواهی کسی همیشه مطیع تو باشد و از حرف تو بیرون نرود
این عزایم را روی قطعهٔ از آهن و یا مس نقش نموده و در آتش دفن
کن اینست پهیلفیورش بحق ابو مرة ابلیس
ط ۵۵ ۱۳ ط ص ک ۹۱ الطرح دو الساعة العجل
العجل العجل الحریق الحریق الحریق احبوا احبوا احبوا
محبت شدید اگر خواسته باشی که دو نفر را با یکدیگر پیوند محبة
دهی که از هم جدا نشوند بیاور موی سر طرفین را و سورهٔ مبارکهٔ
یس را تا مبین اول که خواندی موی طرفین را یک گره بزن و بگو
پیوند کردم قلب فلان زائیده فلان به قلب و جان فلان زائیده فلان
بهر مبین که رسیدی نیت محبت کن بطریقی که گذشت تا هفت مبین
تمام شود و آن مو را بپای خرچنگی نوشته بسته و در آب رها کن
احضار محبت اگر خواسته باشی کسی را احضار نمائی این شکلها را بر
قطعهٔ از مس نقش نموده در ساعت مشتری روز چهارشنبه و آن
مس را ساعتی با آب و گلاب و سرکه بجوشان و بعد در آتش دفن
کن تا بسوی تو آید اینست احضروا فی هذه المکان فلان زائیده فلان به
محبت فلان زائیده فلان [illegible]

احضار و محبته اگر طلسم زیر را روی کاغذ نوشته و بپای گنجشکی
بسته و بطرف محل مطلوب رهایش کنی بسوی تو خواهد شتافت و
اگر بپای خرچنگی بسته و رها کنی او را در آب اگر بطرف قبله رود بسوی
تو خواهد آمد اینست

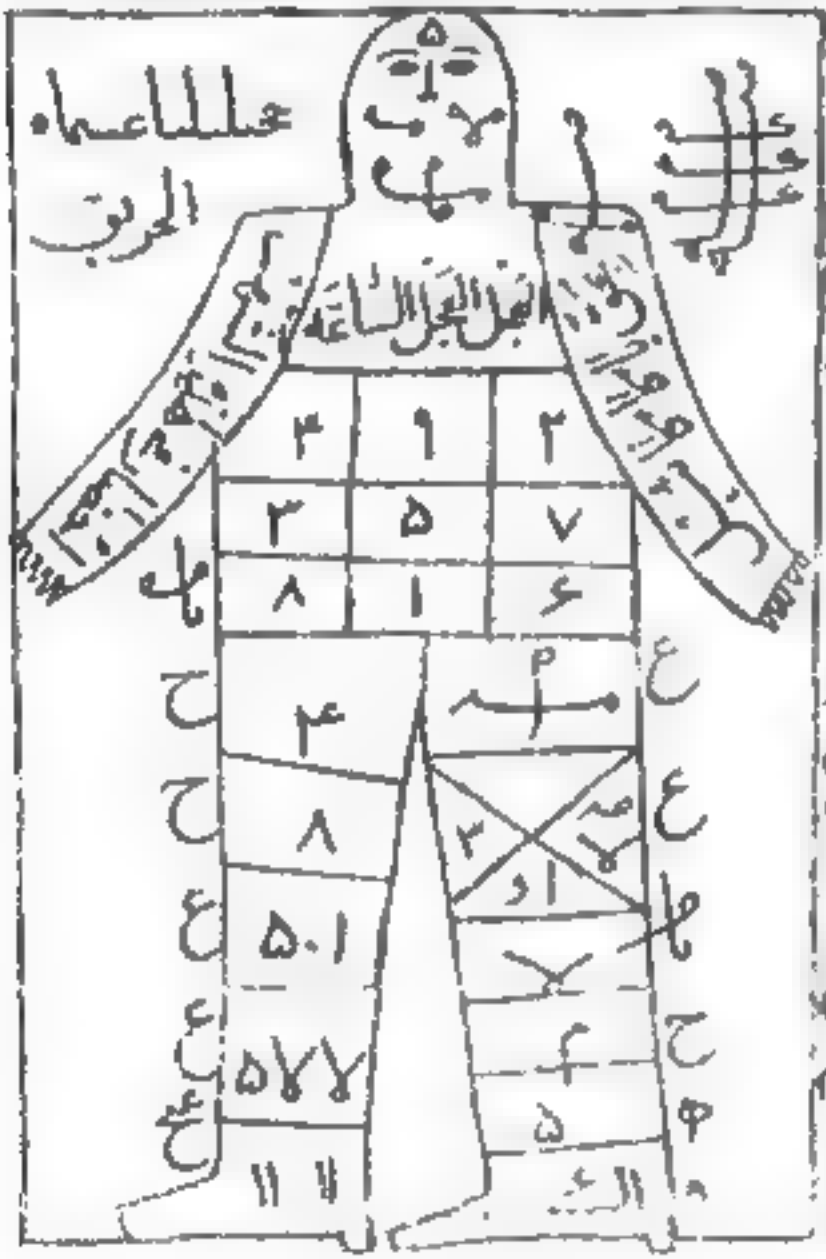

احضار هندی اگر خواهی
شخصی را حاضر گردانی
این شکل را روی نعل
بی سوراخ کنده و در زیر
پنهان کن و این عزیمه
را پنجاه و نه بار بآتش
نعل بخوان کاتی کونا
کاتی ان کالاتی چرپا
رندی یاطما پرتانی کر
نانی بحق رندا رندی آن
کرندی چر ناشند خرنا
ندی بشندی بحق
ان کانت الا صیحة
واحدة فاذا هم
جمیع لدینا محضرون
الساعة الساعة الساعة

کشودن مرد بسته اگر مردی را بسته باشند و بخواهد کشوده گردد این
دایره ها را بر تخم مرغ سیاه نوشته اول آفتاب جمعه دهم دوم ماه و آن
بیضه را کنار آتش بخته و بخورد گشاده گردد اینست (هو) (مجب) (ما)
(جرلیحا) (ماه) (سلم) (٥ع) ایضاً بجهة گشودن این آیه را بر تخم مرغ سیاه
نوشته و بخورد گشاده گردد بسم الله الرحمن الرحیم ولو ان قرآنا
سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا
۱۱۱۰ محر ۱۱ م ایضاً گشادن مرد بسته این نسخه را بر تخم مرغ
سیاه نوشته و کنار آتش گذارد تا بترکد ۱۱۱ ۳۶۶ ۱۲ ۵۱۰ ۱۹۹ ۹۱۹ ع
احضار و محبة روی کاغذ زرد نوشته بپای گنجشک بسته رها کند
اینست ف ۸ ۱۱ ۱۲ ۹ ۱۹ ۹۸ ۱۱ ۱۲ ۹ ۱۲ ۹ احرقوا و
احضروا فی هذه المکان و علی حب فلان علی هذه البیت بحق هذه الاسما
احضار شدید اگر خواهی کسی را به نزد خود حاضر گردانی این نسخه
را روی قطعه چلوار آب ندیده بنویس و فتیله کن و با روغن بادام
شب تا سه شب بسوزان تا خود را بتو برساند آرام نگیرد اینست
صمیتسا العتمساه ناماناماناماناما عسو الهج
معهوطارسورش بحق
لیلطیفوش

بخت گشائی اگر بخت دختری را بسته باشند و بخواهد گشایش شود
نسخهٔ زیر را بر چهل و یک پاره کاغذ نوشته و روزی یکی را بشوید
و بصورت زند و جلو خانهٔ خود بپاشد البته بختش باز شود اینست

[illegible]

بحق الملک الموکل یا سمیفوج یا جیاه یا ابو مرة الابلیس و
بنت ابلیس بحق هذه الاسماء ٦٦ ع ع [illegible]

احضار و محبة از شیخ سکاکی نقل شده که در تمام دنیا نسخهٔ بالاتر
و قوی تر از این نسخه نیست و بارها به تجربه رسیده و بسیار مجرب است
اگر اشکال زیر را روی قطعهٔ از مس کنده و در آتش گرد و دفن کنند
عجایب بینند و بیم هلاک رود وقتی آمد از آتش بیرون آورد اینست

حب شدید اگر خواهی کسی با تو الفت و دوستی کند و همیشه محبت
تو در دل او باشد این اشکال را روی کاغذ نوشته و هر یک را با فلفل
سیاه در آتش انداز و بگو سوختم دل و جان فلان زاده فلان را
بمحبت و عشق و هوس فلان زاده فلان اینست

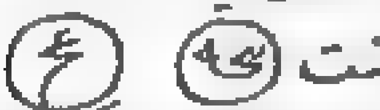

ایضا حب شدید روی کتف گوسفند نوشته و در آتش بسوزانید
مجربست و اگر بر سفال آب ندیده نوشته و در آتش دفن کنید
مؤثر است [illegible]

[illegible]

[illegible] باب الحب اگر خواهی کسی را بی
قرار گردانی چنانکه آرام نگیرد بر هفت پاره کاغذ این هفت عزیمه
را بنویس و هر یک را با هفت دانه فلفل سیاه در روز خود در آتش
انداز بیقرار گردد و اگر بر هفت قطعه هفت جوش نقش شود با اسم
طالب و مطلوب و مادر آنها در آتش گذاری عجایب بینی و دیگر
مطلوب از نزد تو نرود از روزی که خواهی در آتش گذاری باید پیوسته
بسوزد و یا در آتش رود بسیار مؤثر است یکشنبه عطفت قلب
فلان زاده فلان علی محبة فلان زاده فلان بحق هذه الاسماء ۸
۶۷۲ ۶۵ ۳ ۲۲ ۴ ۶۵ ۶ ۳ ۲ ۶ ۸ ۱۱ ۳ ۲ ۱ ۲ صحو کاس [illegible]

[illegible] دوشنبه احرقت قلب فلان زائده
فلان على المحبة فلان زائده فلان والقيت بينهما المودة والمحبة
بحق هذه الاسماء [illegible] سنه شنبه احرقت قلب فلان زائده فلان واخذته وجذبته
الى محبة فلان زائده فلان وحرقته بالنار كما تحترق هذه الاسماء
توكلوا يا خدام بما امرتكم به هيا الوحا بحق هذه الاسماء
[illegible]
[illegible] يا خدام هذه الاسماء والفلفطيريات يا الفاء المحبة والمودة
في قلب فلان زائده فلان وحركوا روحانيته الى المحبة فلان
زائده فلان لا يفارقه ليلا ولا نهارا ولا يصفى له امر الحق
هذه الاسماء وحرمتها عليكم [illegible]
[illegible] يجذبه توكلوا يا خدام هذه الاسماء
بحق الملك الموكل عليكم الطائعين لامره
محل العلياثيل ان توكلوا بجذب قلب فلان زائده فلان
الى المحبة فلان زائده فلان وتؤلفوا بينهما بالمودة والقربى بحق

هذه الاسماء عليكم [illegible] حلطلطلطلحال هيطل هيطل
كان ابجد عيل حلحل ههيهل كان جمعيه توكلوا يا خدام
هذه الاسماء بجلب وجذب قلب فلان زائيده فلان الى المحبت
فلان زائيده فلان والفوا بينهما بالالفة والمودة بحق هذه الاسماء
[illegible]
[illegible] لعلكم [illegible] شنبه توكلوا يا خدام
هذه الاسماء المباركة وحركوا روحانية المحبة والمودة و
الالفة بين فلان زائيده فلان وعلى حب فلان زائيده فلان
بالمودة التامة الدائمة بحق هذه الاسماء عليكم وطاعتها
لديكم [illegible]
[illegible]
مسلع مسع [illegible] كسل تمت
محبت بر تخم مرغ عزايم زير را نوشته و كنار آتش گذارد
كه بيقرار گردد وقت نوشتن بايد كه روز پنجشنبه يا جمعه و يا
شنبه كه قمر در برج آتشى باشد مانند حمل قوس اسد اين است
[illegible] صحبل طاهر فا الظهر [illegible] لطح دوح ح

العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة الوحا الوحا الوحا ا
اجيبوا اجيبوا اجيبوا جهتيه احضار و محبت این اسماء را بر نعل اسب
بی سوراخ و یا سفال آب ندیده کنده و یا نوشته در آتش دفن نما
بیقرار گردد طها س کعوس نرموس هلس باد طیلع با لهو
لوس طهو نسوس مها عرت برای احضار و محبت این اسماء را بر
تخم مرغ سیاه بنویس در کنار آتش دفن نموده که حرارت بدو رسد
در برج آتشی حرق قلب فلان زائیده فلان علی محبة فلان زاده
فلان بلح سطوس اهوس ملوس ملوس سعیلوس ملیهوس
لسلسلو منطو طار سورس غاها ملوس احضرا فلان زائیده فلان
بمحبت و عشق فلان زائیده فلان له لکلمان محمد کمن
لسلملو کعلو مسلها بالاسم الذی لان الحدید لداود ع و سخرة
بالاسم الذی سخره الله به الریح لسلیمان ابن داود علیه السلام
و ی ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ک ۱۱۱۱ ۹ ۱۱۱ ۸۸۸ ۸ ۸ ۹ ۱ ط ط ۱۹ ب ۱۹ طری
مع
محبة ۱۱ ع ع ۱۱۱۱ ع ۱ ع ۹ ۱۱۱ ۹ ۹۱ ۱۱ ع ط ۸ ع ۱ ع ۱ ۱ ع ۱
۱۱۱۱ ۸ ۱ ع ۱ العجل العجل الساعة عشق و محبت
اگر این شکلها را روی چوب بید نوشته بسوزانید موثر
است ح ل ۱ لسلسلحواه داه اندباه حرقت قلبم علی حب فم

سیاه کردن اگر خواهی زنی را در نظر دیگران سیاه کنی که دیگر کسی باو نگاه
نکند و از نظر جمیع مردان و زنان
بیفتد چهل و یک قطعه مص بیاور
و این صورت دیو را بر آنها نقش
کرده در ساعت نحس قمر در برج خاکی
باشد و پشت آنها اسم آن را بنویس
و یکی در قبر دفن کن و چهل عدد
دیگر را در چاه آب انداز و بگو سیاه
کردم فلان زائیده فلان را در نظر
تمام مردان زاده حوا ابن آدم بحق
والقینا بینهم العداوة والبغضاء
الی یوم القیامة چنان سیاه شود
و از نظرها بیفتد که دیگر کسی باو
نگاه نکند و اگر روی کاغذ نوشته
شود همین اثر را دارد این نسخه را
نوشتم و ثبت کردم اما لعنت خدا و نفرین
رسول خدا بر آنکس باد که این عمل از
او سر زند اگرچه دشمن خلق و تو
باشد زنهار که چنین کار نکنی انشاء

سردی اگر خواهی مردی را از نما
زنها سر گردانی که بهیچ زن
و دختری میل نکند و مهر کسی
را در دل نگیرد و از تمام زنها
روی کند باید این لوح مرده
را روی سه قطعه فلز نقش کنی
یکی روی قطعه مس در ساعت
مریخ و یکی روی قطعه برنج در ساعت
زحل و یکی روی قطعه طلای پاک
در ساعت عطارد و در روز شنبه
اول آفتاب باید که عزایم سلیمانی
بلوح مس و عزایم شیطانی به لوح
برنج و عزایم رحمانی به لوح طلا
بخوانی و در روز سه شنبه یا
پنجشنبه لوح طلا را در آب چاه
اندازی و وقت در چاه انداختن
عزایم مربوطه را بار دیگر بخوانی

ولوح برنج را پائین کوهی زیر درخت گردو دفن کنی و وقت دفن کردن
عزایم برنج را خوانده و بگوئی سرد گردم فلان زائیده فلان در نظر تمام
زنها و دخترهای عالم بحق لا اله الا انت سبحانک انی کنت من
من الظالمین و اما لوح مس را در مقبره کهنه یا پاره از لباس مرد دفن
و وقت دفن کردن عزایم مربوطه مس را بخوانی و بگوئی فلان زائیده
را سرد کردم از جمیع دختران حوا غیر از فلان زائیده فلان چنان سرد
گردد که دیگر بطرف هیچ زن صاحب جمالی نرود و هیچگاه محبت زنی
در دلش جا نگیرد و میل بمعاشرت با زنان نکند و لعنت ابدی بر من
اگر دروغ نوشته باشم عمل کن فایده زیاد دارد و اما چون این شکل
موکل دارد اگر شبانگاه شبحی بنظر عمل کننده آید باید نترسد
و دل قوی دارد تا به مقصود برسد زیرا موکل این لوح از
پریان است و خود را می نمایاند و اسمش لیقورش است باید قوی
باشد زیرا زیان ندارد ایکسیکه این کتاب بدست تو می افتد لعنت
خدا بر تو باد اگر این نسخه را بعرصه ظهور برسانی و برای کسی عمل کنی
زیرا گناه عظیم دارد زنهار که این کار را مکن که ارواح متبرکه
بتو نفرین کنند و بآتش ابدی بسوزی از ناگفتن بود حال خود دانی
عشق و محبت اگر این اعداد و اشکال را بر هفت کاغذ بنویسی که هفت
رنگ داشته باشند و روزی یکی را آتش زنی عجایب بینی این است
[illegible] (۵۳) نو محبت و عشق نو

زبانبند اگر خواهی زبان جمع بدگویان و حاسدان و بدخواهان بروی تو بسته گردد و اگر بکسی حاجتی داشتی حاجت تو برآورده نماید این طلسم را بروی لوحی از نقرهٔ پاک نقش نموده و همیشه همراه نگاه دارید البته

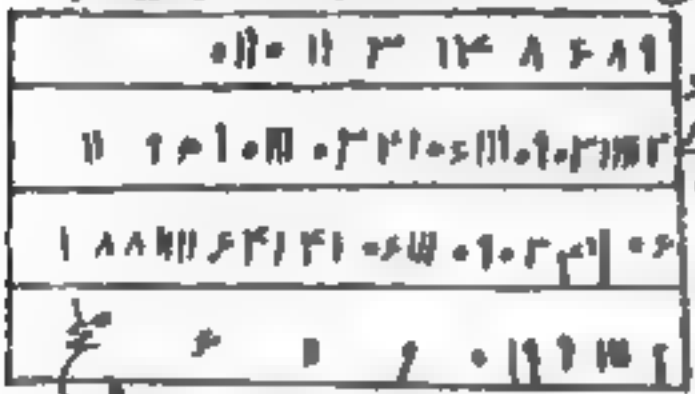

زبان خلق بروی تو بسته گردد و از گزند دشمن در امان خدای تعالی خواهی بود ساعت کندن طلسم رجوع به جدول ساعات نحبیب قوی اگر خواهی که شخصی را احضار کنی که با تو محبت پیدا کند و بفرمان تو درآید بیاور کت گوسفند و این مربع طلسم را بر کت تو نوشته با سیم مطلوب و در آتش بسوزانید و اگر بر شمال نوشته در آتش دفن کنید همان اثر را دارد و اگر بر

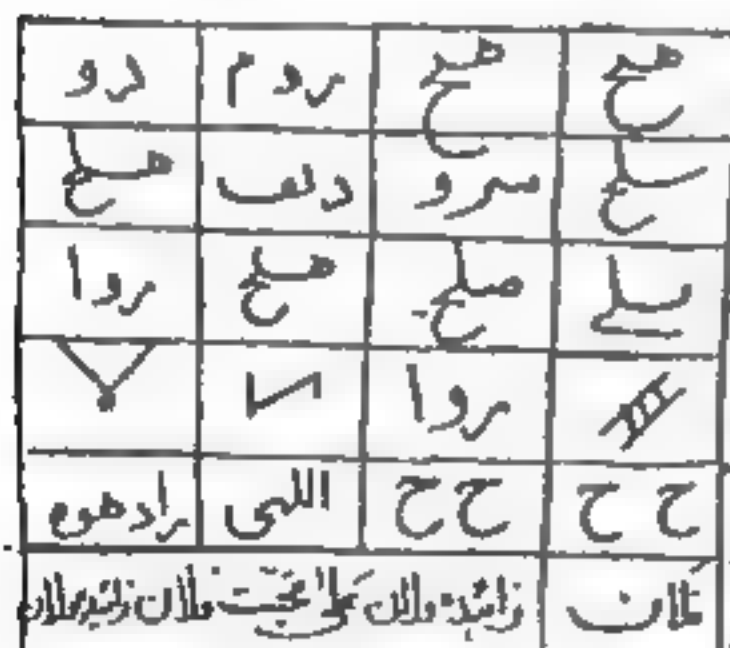

چلوار آب ندیده نویسی و بصورت فتیله شب بسوزانی با روغن کرچک مؤثر است و اگر بر کاغذ نویسی و با چهل و یک دانه فلفل در آتش اندازی اثرش نیکو ست و ما مختصر کردیم اینست

شفا یافتن اگر کسی بیمار باشد که سالها بیماری او بطول انجامیده باشد

ورحمة	ما هو شفاء	من القرآن	وننزل
۶۵۴	۴۳۴	۴۷۲	۱۴۳
۴۷۱	۱۴۰۴	۶۵۳	۴۳۵
۱۴۵	۴۷۴	۴۳۲	۶۵۲
۴۳۳	۶۵۱	۱۴۶	۴۷۳

وتمام اطباء او را جواب داده باشند این مربع را بر کاغذ سبز نویسد و شسته و آب را با گلاب بنوشد بحکم خدای تعالی شفا یابد و اگر کسی بر لوحی از نقره نقش کند و همراه نگاه دارد از جمیع بلایا ایمن شود انشاء الله تعالی

احضار و محبت اگر خواهی کسی را از راه دور احضار کنی که خوردن و خوابیدن را بر او حرام سازی و دمی آرام و قرار نداشته باشد این طلسم را در ساعت

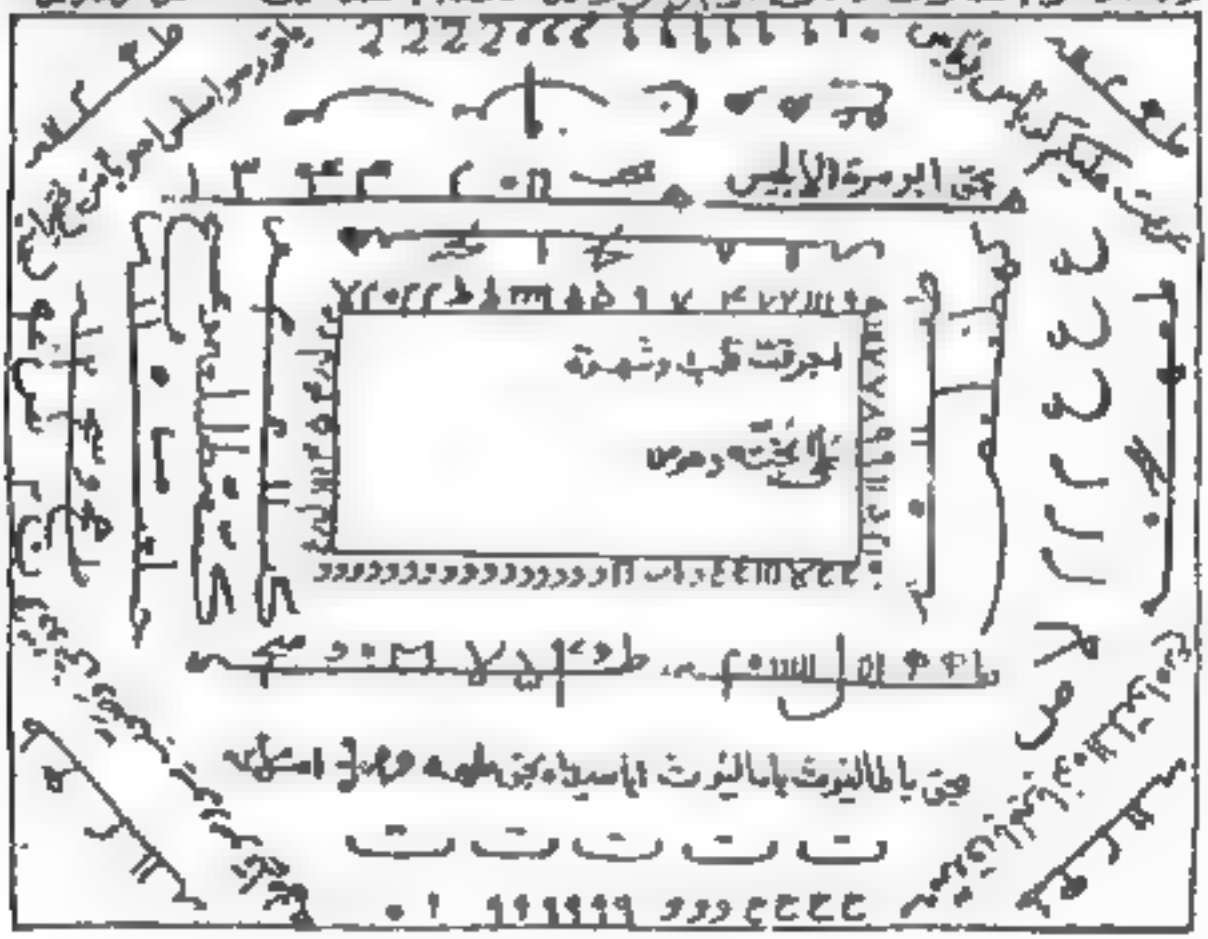

مشتری روی لوحی از برنج نقش نموده و یکی هم در ساعت قمر که در برج آتش
باشد و در میان لوح باید اسم مطلوب و مادر او و اسم طالب و مادر او حک
شود و در ساعت سعد طالب با دست خود در آتش گذارد چون شب
روزی گذشت بسوی تو آید مگر در زنجیر و یا محبوس باشد احضار محبت
اگر خواهی کسی را از راه دور بیاوری این نسخه را روی نعل بی سوراخ در
ساعت عطارد که قمر در نیمه برج عطارد و از نحوست دور نقش نموده
و در آتش مو پنهان کن وقتی که نعل را زیر آتش میگذاری این عزیمه
را بخوان عزمت علیکم یا اصحاب السحر و الوسواس و یا معشر الجن و الشیاطین
هیجو هیجان الشدید المهیج قلب لسان و عیون و شهوة فلان زائیده
علی محبت و عشق و
هوس و وسوسه
و اطاعت و
قبول قول
فلان زائیده
فلان بحق
کاکائیل بحق
جبرائیل و بحق
اسرافیل عزرائیل و
میکائیل

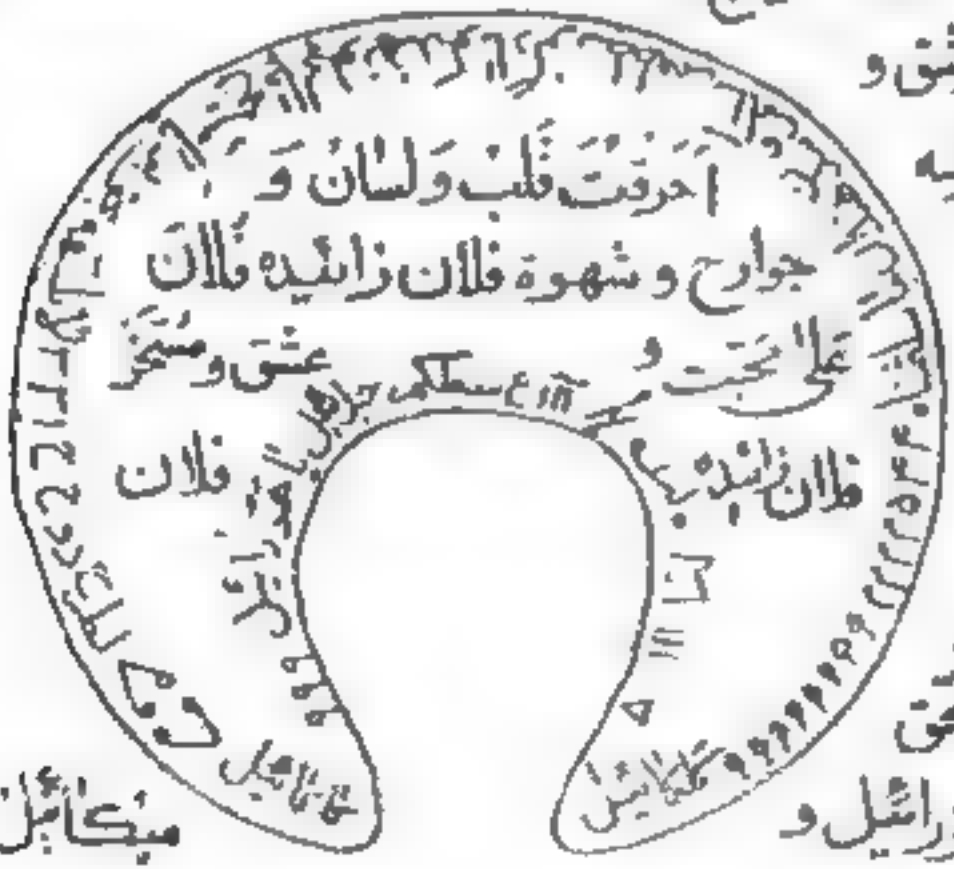

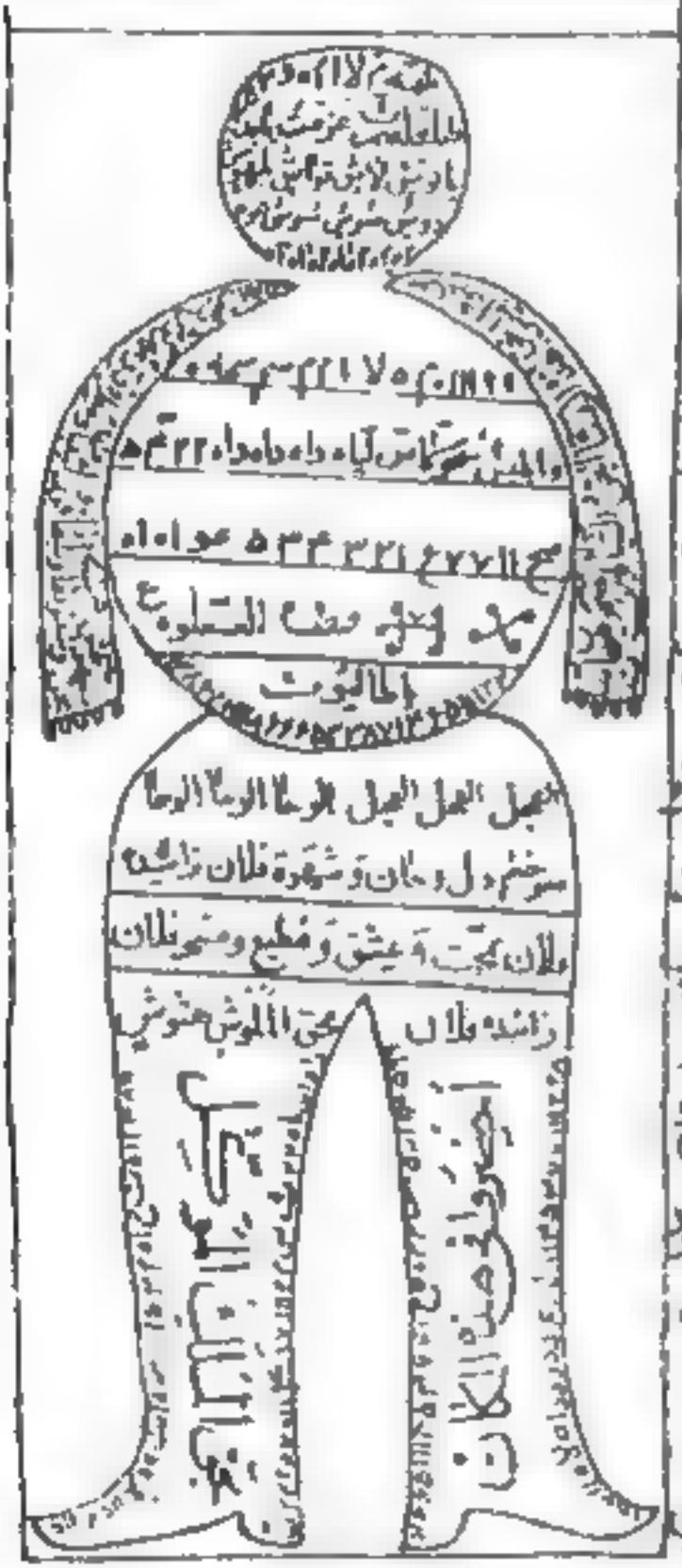

شود و به هیچ زن و یا دختری
علاقه پیدا نکند و هرچه آن زن
گوید همان کند و از فرمانش
نه پیچد بیاورد دو قطعه
مس و اگر خواهد اثرش
خیلی خیلی فوری باشد دو
قطعه هفت جوش سلیمانی
ترتیب دهد و این دو شکل
را روی آن هفت جوشها
در ساعت شمس که نزول به
به زهره و متصل به عطارد
نقش نماید و اسمهای مطلوب
و مادر او و طالب و مادر او
را در محل نامها بکند و این دو
صورت را رو به رو بهم گذارد
و با ابریشم هفت رنگ به
پیچد و سه روز و شب در

اطاق خود بیاویزد بعد از این

مدت یکبار سورهٔ یس مغربی را بهر کدام بخواند و بگوید انداختم محبت

فلان زائیده فلان را
بدل و جان و روح
و قلب فلان زائیده
فلان بحق سورهٔ
مبارکهٔ یس و
کهیعص
و بعد از آن عزایم
بلقیس بخواند بنام
طالب و مطلوب
و صورت مرد را
در آتش گذارد و
صورت زن را
در چاه یا قناة آب
اندازد و بعد تا مدتی
در آتش بماند وقتی
مقصود حاصل شد
از آتش بیرون آورد
بسیار مجرب است
و بتجربه هم رسیده است

فروش ملك و متاع اگر ملکی با خانه و یا متاعی داری که کسی آنرا نمیخرد و
خواهی بفروش برسد این طلسم را روی قطعهٔ برنج یا پارهٔ مس نقش نمود

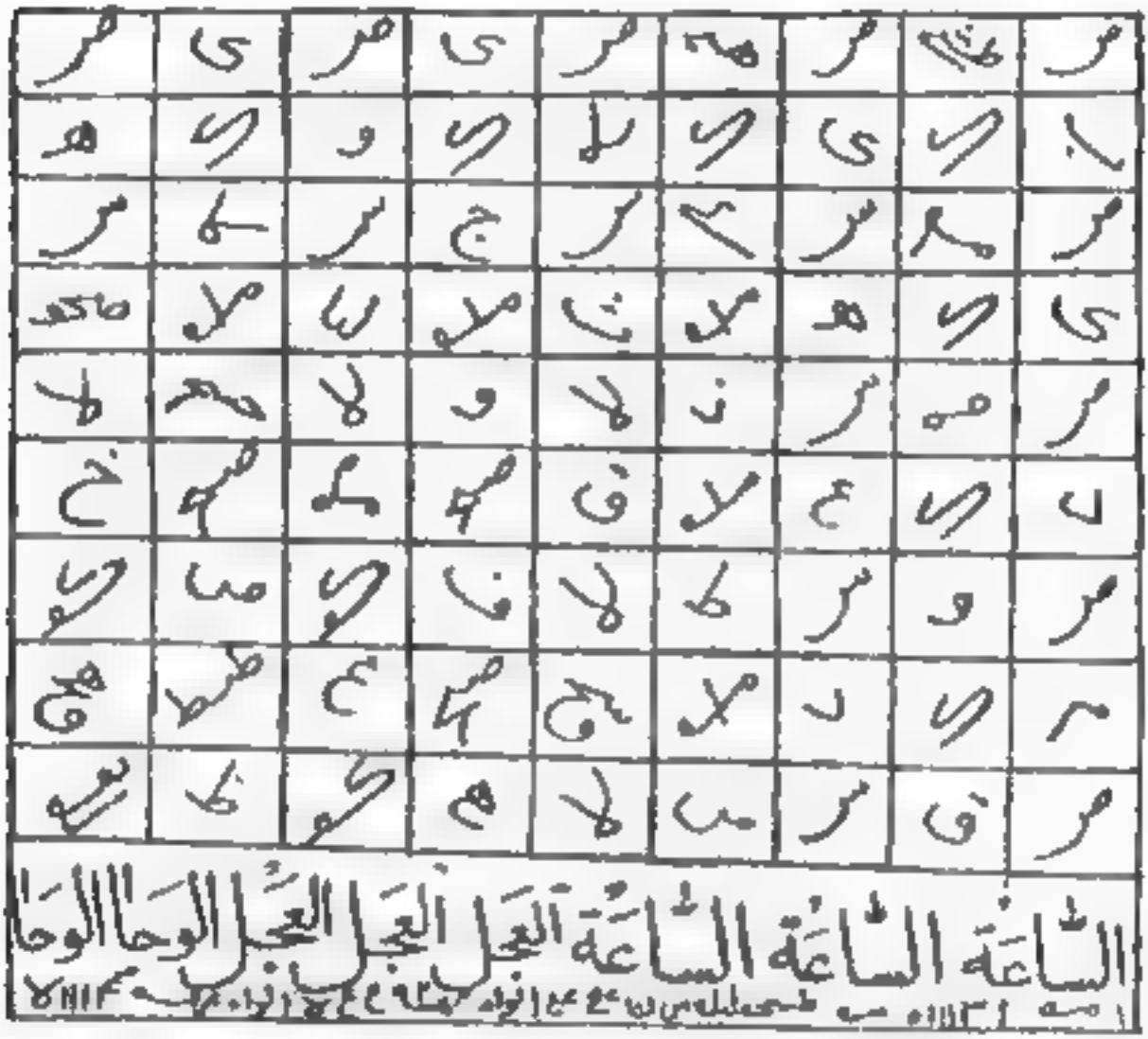

صر	ی	صر	ی	صر	[illegible]	صر	[illegible]	صر
هـ	[illegible]	و	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ی	[illegible]	[illegible]
مر	[illegible]	[illegible]	ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	صر
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	هـ	[illegible]	ی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	و	[illegible]	ن	[illegible]	[illegible]	صر
خ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ق	[illegible]	ع	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ط	[illegible]	و	صر
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	هـ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ق	صر

الساعة الساعة الساعة العجل العجل العجل الوحا الوحا

و پشت طلسم باید کنده شود تمام خلق زاده حوا احضروا فی هذه المکان و به
محبت و خریداری این ملك و طلسم را در آن مکان آویخته و یا مدفون کرده
و این مربع را بر هفت کاغذ زرد نوشته و هر روز یکی را در آن مکان
با هفت دانه اسفند بسوزان تمام خلق احضروا فی هذه المکان بحق جبرائیل

اگر خواهی کسی را احضار کنی این صورت را روی هفت قطعه کاغذ زرد نوشته

کنار گذارو بعد اهمین صورت
را روی قطعهٔ برنج یا
مس نقش نموده بنام مطلب
ومطلوب در ساعت معد
ساعت باید مقارن آفتاب
باشد و به مشتری نزدیک
و تحت الشعاع نباشد
رجوع بجدول محمد سکاکی
بعد اهفت کاغذ اکنوشته
وحاضر است یکی را در
دل گوسفند گذاشته و
دل را در گل گیرد در آتش
گرد و دفن کند و یکی را در آب
روان انداخته و موقع باید
انداختن با کسی سخن نگوید
سوم را در باد آویزد و چهارم
را در بیابانی دفن نموده

و پنجم را در آتش بسوزانید و ششم در چاه آبی پاک انداخته و هفتم را سر راه
مطلوب دفن کنید و اما لوح را با ابریشم هفت رنگ در خانهٔ طالب
آویخته و روز هفتم با ۷ دانه فلفل سیاه و هفت دانهٔ دل دل و قدری سرکه
و گلاب و آب چاه بجوشانید تا سه روز و بعدا صورت را عزایم خوانده
بالای کوهی که یخچال باشد دفن کنید اگر صد فرسنگ راه باشد و یا اگر
مانعی داشته باشد خواهد آمد با محبت و ناراحتی محبت خلق اگر خواسته
باشی که جمیع خلق با تو دوست و مهربان گردند و همیشه و در همه جا حرف
تو افضل باشد و زن و مرد در روی تو بخوبی نگاه کنند این لوح را در
ساعت مشتری نزدیک بقمر در خانه روشنائی و یا در ساعت اول آفتاب
جمعه تا نزدیک ظهر و اگر تمام نشد ظهر سه شنبه و عصر دوشنبه
روی دو قطعه طلای خالص با تیز آبی نقش نموده با سیم خلق و یکی را همراه
گذارد و یکی را در چاه عمیقی اندازد که کسی را بر آن لوح دسترس نباشد
و وقت بچاه انداختن باید مطلوب با دست خود انداخته و این اسامی را
بگوید یا حسین بن روح یا عثمان بن سعید یا صاحب
الزمان و بعد بگوید و بحق هذه الآیة وجعلنا من بین ایدیهم
سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون
آنگاه خواهد دید که چه اثر عظیم دارد لوح مذکور در بالا اینست

احضار وعشق ومحبته اگر خواهی کسی را از راه دور یا نزدیک احضار نمائی
کنار احت بوی تو اید و آرام نگیرد اگر او را اعنا نکنی بیشتر علاقه پیدا
کند باید از روی ساعت و دقیقه عمل کنی و عمل زحمت نمائی تا به مطلوب
برسی زیرا اعمال غریبه نتیجه میکو دارد و بدون شک بمقصود میرسی

این عمل احضار بزرگ است و اگر کسی را که میخواهی حاضر کنی مانع داشته
باشد و به هیچ طوری نتواند بیاید و حتی اگر از آمدنش مانع شوند و
نگذارند آنقدر منقلب شود که دیوانه وار از مکان خود بیرون آید و بعجل
احضار رهسپار گردد و هیچکس جلو او را نتواند گرفت و طریقهٔ عمل چنین
است ابتدا باید هفت لوح از طلای ناب بشکل مربع ترتیب دهد و
در ساعت سعد عزایم سلیمانی بزرگ را بهر لوح یکبار بخواند آنگاه
این لوحها را که در صفحهٔ بعد منقوش میشود بر روی یک یک لوحها در حالت
مشتری در کاملاً خالی از نحوس باشد نقش میکنی حکاک در وقت کندن باید
پاک و کامش شیرین و مقابل قبله نشیند و بخور اسکندرانی در آتش کند
یعنی هفتاد و یک گیاه هندی و مشغول کندن شود وقتی الواح تمام شد
یکی از لوحها را دو شبانروز با همان هفتاد و یک گیاه و گلاب بجوشاند
بعد از این مدت در آتش گرد و وبید و مورد فن نماید و شش عدد
دیگر را در شش چاه آب عمیق اندازد و هر کدام را که در چاه انداخت
بگوید یا عثمان بن سعید یا حسین بن روح یا صاحب الزمان و کسی از این
راز آگاه نکنند زیرا بیم آن میرود که لوح را بیرون آورند و مقصود
حاصل نشود و آتش در آتش بماند بیاید و اگر تا روز چهارم خبری نشد
لوح را از آتش بیرون آورد و اسماء آتش فرشتگان را بر پشت لوح
نقش کن و با موی بز بسفید در آتش دفن کن تردید نداشته باش که

که هراسان بطرف تو خواهد آمد اگر خواب باشد و اما در عمل هراس مکن و نترس
و این اعمال را با کمال خوبی انجام ده و اگر نشد لعنت جهود و نصاری و گبر
بر من باد دوباره ساعات عزایم و کندن طلسم و در چاه انداختن ذکر میشود
ساعت عزایم اول آفتاب جمعه یا ظهر سه شنبه یا عصر یکشنبه ساعت کندن
طلسم مشتری کاملاً خالی از نحوست ساعت آتش کردن جمعه ظهر یکشنبه ظهر
و چهار شنبه اول آفتاب ساعت در چاه انداختن جمعه و شنبه اول روز چهارشنبه
و دوشنبه اذان ظهر، سه شنبه و یکشنبه نیم چاشت طلسم اینست

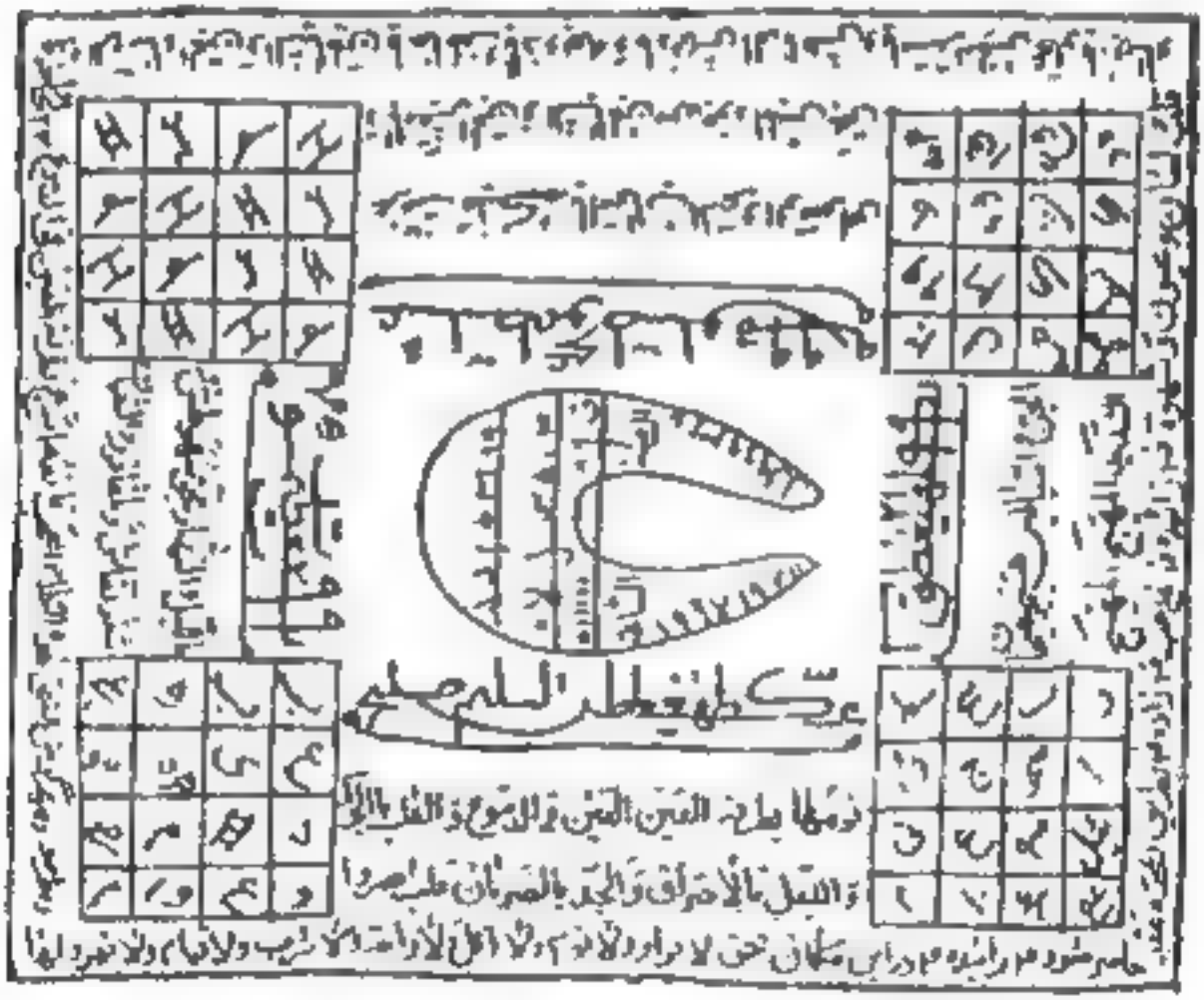

زبان بندی اگر خواهی زبان جمیع خلایق بروی تو بسته گردد این زبان بند
را لوح طلا یا برنج کند همراه کند و یا بر کاغذ نوشته بنام تمام خلق و همیشه
کند بسیار مؤثر است بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله خضما
لا اله الا الله از آسمان تا زمین لا اله الا الله از زمین تا آسمان لا اله
الا الله از آسمان تا عرش لا اله الا الله از عرش تا کرسی لا اله الا الله
از کرسی تا لوح لا اله الا الله از لوح تا قلم لا اله الا الله از قلم تا
نور رب العالمین لا اله الا الله محمد رسول الله بستم زبان جملهٔ ثنا
و بدگویان و غماران و حسودان و خصمان شب و خصمان روز و خصم
سیاه و خصم سفید روی زمین بستم زبان تمام بنی آدم از سفید و سیاه
و زرد و سرخ و بنات حوا را در حق صاحب این هیکل بحق لا اله الا
الله محمد رسول الله بستم زبان و چشم و سمع و شعر و شش
رگ بنی آدم و بنات حوا را بسوی صاحب این هیکل بستم بستم
بستم بستباد زبان جملهٔ خصمان از اولین و آخرین را بحق توراة
موسی و انجیل عیسی و زبور داود و صحف ابراهیم و فرقان محمد
مصطفی بستم بحق شش هزار و ششصد و شش آیات کلام الله بستم
کر بستباد چشم و گوش و دست و پای بدگویان بستم بحق صد و چهار
سوره و کلام الله بستم بحق حروف تهجی ا ب ت ث ج ح خ
د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ ل

ان هر لای ه ة سه سه حبیب بستم بماه بحق داوده دوازده ماه و
بماه سی روز و سی شب و هفته هفت روزه و روز بیست و چهار ساعت بحق
بحق [illegible] سرطان اسد سنبله میزان عقرب قوس
و جدی دلو حوت بستم بحق [illegible] کواکب سیاره زحل مریخ مشتری
شمس زهره عطارد زمین بستم بحق عرش کرسی لوح قلم صراط میزان
و بهشت دوزخ بستم زبان بدگویانرا بحق کعبه و زمزم و حجر الاسود
و مقام ابراهیم و رکنها بحرم و مروه و صفا و منی و کوه ابو قبیس و مسجد
الاقصی و مدینه و کربلا و نجف و مشهد امام رضا ع و بحق خاتم سلیمان
بن داود ع بستم زبان دشمنانرا از نرینه و مادینه بحق نامهای عظیم
و کلام قدیم بحق لا اله الا الله محمد رسول الله و مهر کردم
بحق محمد رسول الله منظر کردم بحق علی بن ابی طالب و بحق و جعلنا
من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم
لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یبصرون فهم لا یرجعون بحق
ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوة و لهم
عذاب عظیم عقدت لسان بنی آدم و بنات حوا بروی صاحب هیکل
بحق هذه الایة و جعلنا من بین ایدیهم و بحق و تبارک الله احسن
الخالقین بستم زبان جمیع بدگویان و حسودان و غمازان و مفسدان
و ساحران از هر نژاد سیاه و سفید خورد و کلان زن و مرد را بطرف
صاحب این طلسم و هیکل بحق لا اله الا الله محمد رسول الله صلعم

بجهة محبة خلقی اگر خواهی که جمیع خلق با تو محبت داشته باشند آیت
وَالقَیتَ عَلَیكَ را الی آخر با خون مرغ سیاه نوشته همراه نگاهدار آیت
اینست وَ القَیتَ عَلَیكَ مَحَبَّةً مِنّی وَلِتُصنَعَ عَلی عَینی اِذ تَمشی اُختُكَ
فَتَقُولُ هَل اَدُلُّكُم عَلی مَن یَكفُلُهُ فَرَجَعناكَ اِلی اُمِّكَ كَی تَقَرَّ عَینُها
وَلا تَحزَنَ وَ قَتَلتَ نَفساً فَنَجَّیناكَ مِنَ الغَمِّ وَفَتَنّاكَ فُتُوناً برای
محبة و احضار برای محبة و احضار روی کاغذ زرد دوازده عدد
نوشته باسم مطلوب و مادر او و طالب و مادر او و روزی سه دانه را
بسوزان العجل العجل الساعة العجل ۸۸۶۶۱۱۲
المسا پهیلفیورش [illegible] لا نوم و لا بنام فر زائیده
فر احضار بطرف فر زائیده فر بجهة احضار این اشکال را نوشته
بر چهار قطعه کاغذ آبی و چهار اذان پیوسته با پوست پیاز و سیر
بسوزان بسوی تو آید اینست [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
السمعا ه ه ه ه ه ه ه بحق داه اندباه هندهوه داه لیاه بحق چالچکو
نهند ذکر کوما آو آو آو [illegible] [illegible]
[illegible] صحر الساعة [illegible]
بجهة احضار و محبة اگر خواهی کسی را حاضر گردانی بیاور تخم مرغ سیاه و
این عزیمه و شکلها را بر آن بنویس و کنار آتش دفن کن تا سه روز

واسم باید چنین نوشته شود فلان زائیده فلان احضار در این مکان و به
محبة فلان زائیده فلان اینست [illegible] اهوس ملوس بحق سلیمان بن داود علیه السلام کمن محید
احمیارا [illegible] ی ی ی د د د د ا ا ا ا ا
طمعهم و [illegible] اطله میا طلعمهم بحق خاتم سلیمان بجهة
فروش خانه و یا ملکی اگر خانه و یا ملکی داشته باشی که بفروش نرود
و کسی را آنرا نخرد بنویس این اشکال را بر پاره کتان و یا بر قطعه
از مس خالص نقش نموده و در محل دفن نموده تا خریدار پیدا شود
اینست [illegible]
[illegible]
العجب العجب [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] الساعة الساعة الساعة العجل العجل العجل
احضروا تمام خلق زائیده حوا ابن آدم فی هذه المکان بحق جبرائیل
اسرافیل عزرائیل میکائیل بحق ایاک نعبد و ایاک نستعین
احضار مطلوب اگر خواهی که مطلوب را حاضر گردانی این حروفها را بر
نعل بی سوراخ کنده در آتش دفن نماید اینست آل آل آل آل آ
رو در در ده ه ه ه ه صع صم رقوه ملع [illegible]
[illegible]

احضار هندی بجهت احضار مطلوب اگر زنی یا مردی را خواهی حاضر
گردانی و بهیچ قسم نتواند پیش تو آید و نتوانی که او را حاضر گردانی این
طلسم را بر قطعه از آهن که مدور باشد نقش کن و در آتش دفن
کن بسوی تو آید وقتی آمد بیرون آور که بیم دیوانه شدن میرود و اگر
برای محبت گذاری نیکست اسم مطلوب و مادرش در روی طلسم در محل
خود نقش گردد عمل کن که نتیجهٔ بسیار دارد اینست طلسم بزرگ
المکوش المملوش هیوش عزمت یا ملهوش ابکیحوش ایلوش
الموقیش هیاقیش هتوش طوش طاش لاش لواش براش
طراش لمهاش کلوقیش لکش لکواش ریاش قراش لاش کرلاش
هاش احتباها بالاسم المغرق المکتوب علی جهة المتوکل السخیر
القلوب سواس سواس سواس دن دن به به وه وه هرسیلاس
سخرت لموسی به قلب مریم علی عینی احضروا واحرقوا قلب فم زائیده فم
علی محبت فم زائیده فم حاضر شود الساعة الساعة الساعة العجل
العجل العجل الیوم الیوم الیوم النار النار النار بشماشیل

بسم الله الرحمن الرحیم

احضار مطلوب این مربع را روی نعل بی سوراخ کنده در آتش گذار و یا روی کاغذ نوشته با هفت دانه دانه فلفل در آتش انداخته بسوزد مؤثر است و اگر خواهی که عمل در حال انجام گیرد این لوح را روی هفت جوش نقش و در آتش گذار عجایب بینی یا شمعونا یا شعیونا یا شعلیثا احضروا فی هذه المکان فلان زائیده فلان علی حب فلان زائیده فلان العجل العجل العجل الساعة الحریق الحریق الحریق ابتلبوا

ج	ص	ت	ع
۴۰۱	۹۹۹	۴	۸۹
۹۹۸	۳۹۸	۹۲	۵
۹۱	۶	۹۹۷	۳۹۹

گشایش روزی اگر کسی فقیر باشد و معیشت بر او تنگ گردیده باشد این لوح را روی نقره نقش نموده همراه کند غنی گردد و ماه نو بر این لوح نظر کند

لا اله	الا الله	محمد	رسول الله
۱۷۱	۹۸	۶۲	۱۱۲
۱۱۸	۱۱۷	۲۷	۲۹
۷۸	۱۲۷	۱۳۷	۱۷۱

گشایش در کارها هر کس این اسم را بر روی سکه طلای رایج نقش کند و همراه داشته باشد غنی گردد و هرگز محتاج نشود یا مستطیع برای فتح و گشایش برای غلبه بر مشکلات و سختیهای زندگی و رفع مهمات این لوح مربع را بر طلا یا برنج کنده همراه کند و اسم پشت طلسم باشد تمام خلق علی حب فلان زائیده فلان

ف	ت	ا	ح
ت	۱۴۳	۴۷۲	ف
ا	۴۳۴	۶۵۴	ی
ح	ف	ی	ظ

آواره شدن جمعی اگر خواهی بین جماعتی تفرقه اندازی که اصلاح نشود و یا اهل
خانه آواره شوند این عزیمه و آیات را نوشته با آب مرده و یا آب چاه
و در قبر گرفته در آستانه آن خانه دفن کن چنان آواره شوند و تفرقه گردند
که روی هم را نه بینند اینست وهو هذه به به ال لا ا لا ا و وقه
معه غلظ حجر صحر لا [illegible] اج عج ع ع کع معه حرمه
مهه عت به له [illegible] فلان و فلان و فلان آواره گردند قومی کو
نی الله ان یقول له کن فیکون سبحان الذی ملکوت کل شیء و
الیه ترجعون بستم لمزیل متاع فلان زاده فلان الساعة الساعة
الساعة الوحا الوحا الوحا العجل العجل العجل الذر الذر الذر الحریق
الحریق الحریق [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
محبة و الفت این اشکال را نوشته و در موم گیرد یکی را سر راه مطلوب
دفن کن و یکی را همراه گذار ساعت نوشتن جمعه اول آفتاب و وقت
دفن کردن اول آفتاب سه شنبه اینست مطیعا معا میعا
[illegible] الحا کعا معا رو کا کلها [illegible]
[illegible]
زبان بند این زبانبند از محمد سکاکی استاد علوم غریبه و عجیبه
استاد عصر خویش است شیخ محمد فرماید اگر کسی این زبان
بند را روی هفت که ۱۴ مثقال بوده باشد و مس آن از مس میراثی

باشد در ساعت زبانبند رجوع بجدول بلیناس نقش کند ووقت نقش
کردن بخورات هندی بسوزاند وهمراه کند بسیار بصاحب خود نفع رساند
وفایده زیاد دارد زبان بدگویان بسته گردد کاز آزار حسودان ومفسدان
دلمان باشد ودر نظر همه مردم عزیز ومحترم گردد ومشکلات براو آسان
شود اینست فهم عمی وهم لا یبصرون باذن الله تعالی لا یعقلون
فهم لا یرجعون ساعت ۱۰۱۰۱۰۱۰۱۰۱ ۳۳۳ ۳ ۳ ـ ـ ـ
بسم الله الرحمن الرحیم ج ب الله ی ۷۷۷ لالالا لا بکم لا صم الله عمی ۴۴۴ ۹ الله ۰
صم صم صم بکم بکم عمی عمی فهم لا یرجعون بستم زبان بد
گویان وبدان وچشم بد ونظر بد را بر دارنده اینما عمی فهم لا
یسمعون لا یتکلمون بستم زبان فلان زائیده فلانرا بروی فلان زائیده
فلان عمی فهم لا یعقلون ولا ینطقون بستم بستم کدبستم باد
زبان جمیع خلق خدارا از گبر و نصاری ویهود سیاه و سفید زرد وسرخ
بروی صاحب الطلسم عمی فهم لا یعقلون برای فتح وپیروزی
روی طلا ویا برنج ویا نقره
بساعت مشتری خالی نحوس و به
زهره نزدیک نقش نموده همراه
نگاه دارد البته طولی نمیکشد
که کارهای روزی گیرد وفتح کند

م	ج	ی	د
ن	۴۲۶	۶۵۳	۱
۱	۱۴۳	۴۷۱	ه
ن	۱	ص	س

در طلب فرزند در اخبار و حدیث آمده که اگر این کلمات را زن عقیم بر پوست
و بر بازوی چپ بندد و با شوهر جمع شود بفرمان خدای تعالی باردار گردد
بسم الله الرحمن الرحیم هو هو هو هو هو هو هو هو هو هو الله
الله الله الله الله الله الله الله حی حی حی حی حی حی
حی حی حی حی قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم قیوم
قیوم قیوم وصلی الله علی محمد و آله اجمعین ایضا در طلب فرزند
این کلمات را بر لوحی از طلا و نقره و مس نقش نموده وقت جمع شدن
زن زیر کف گذارد و جمعه اول آن تاریخ در چاه عمیق افکند
علی علی علی علی علی له له له له له له به به به به به به هو
هو هو هو هو هو لا إله إلا الله محمد رسول الله علی ولی
الله وصلی الله علی محمد و آله ایضا در طلب فرزند وارد است که
هر کس این کلمات را بر پنج قطعه طلای پاک نقش کند و یکی را
همراه کند و چهار قطعه دیگر را شب جمعه اول ماه در چاه بزرگ و آبی
افکند و بگوید یا صاحب الزمان بفرمان رب العزة فرزند باو کرامت
فرمایند و هر کس شک آورد و تردید نماید از کفار است وقت کندن
طلسم شمس نزدیک به غروب قرن الشعاع شیخ محمد اردبیلی
گوید فرزندی نداشتم و سالها نزد یک به پنجاه و پنج بود شبی در عالم رؤیا
جواب این نسخه را بنظر من آوردند چون بیدار شدم این نسخه را کنار بالین

خود یافتم چون عمل نمودم خدای بزرگ فرزندی بمن کرامت کرد که سبب
اعجاب همه گردید قدوس رب العالمین و رب الملائکة المقربین اهیا
شراهیا فهو لک فاصل اللهم الملک القدوس قدوس قدوس قدوس
به به به به به به به ۰ ا ۰ مسه بنام فلان زاده فلان بنام فلان زائیده فلان
بجهت نزله بندی اگر خواهی نزله کسی را ببندی بیاور نی و بقد آن
شخص اندازه گیر و یک سر نی را بشکاف بالای نی سمت راست
بنویس جبرائیل و میکائیل و بالای سمت چپ بنویس عزرائیل
و اسرافیل و بعد شروع بخواندن حمد کن و بعد این دعا را بخوان
تا شکاف نی بهم آید و با ابریشم هفت رنگ سر نی را به بند و در
دودکش آشپزخانه بیاویز یا جای تاریک دعا اینست بسم
الله الرحمن الرحیم اما غوش یقاش شناطر اکبوش الوحا قمرناه
انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی
مسلمین اجب یا جبرائیل انت و خدامک من الروحانیات اللهم
صل علی محمد و آل محمد و بحق یا حی یا قیوم و اهیا شراهیا برحمتک
یا ارحم الراحمین ایضا نوع دیگر برای بستن نزله کسی بنویس بخط خوانا
این کلمه را بر کاغذ و کاغذ را بر تخته چسبانده و هر روز ازین روزها
شبه شبه شبه
میخی بر چشمه های کلمه فرو بر بحکم خدای عز و جل بسته شود نزله او
و دیگر در بقیه عمر راحت و آسوده زندگی خواهد کرد اینست. مقطع

بجهة محبة خلق آ را بیند عا را نوشته و کسی همراه خود نماید برای محبت و
و زبان بندی خلقی مجرب است و اگر بر طلا نقش کند و همراه نماید اثرش افزون
است و اما اگر کسی لوحی ترتیب دهد از نقره و طلای پاک و مس موروثی
هم برای زبانبند خلقی و هم برای محبت خلقی و هم برای محبت و زبانبند کسی
بسیار نافعست و هفتاد و یک خاصیت دارد اگر خواهد شخصی با او محبت
پیدا کند بشیرینی بزند و به نیت محبت باو دهد الفت و مودة پیدا شود و
دوست صمیمی او گردد و اگر بآب زده به نیت باطل السحر و در طشتی بسر
ریزد تمام نحوستها و سحرها و جادوهای او باطل شود و اگر بخت دختری
را بسته باشند آب آنرا در خانه خود بسر ریزد تمام سحرها باطل شود و به زودی
بخانه بخت رود اینست بسم الله الرحمن الرحیم و لا تکلم الیوم ختم بقوة
الله علی افواهک هدی العلماء مقیت هذا له لنباح الجن والشیاطین
لمن اسمعهم من کل و اختم بالله قلب و فؤاد فلان زائیده فلان فالله و
احرس فی قلب فم کما قلت و القیت علیک محبة منی و لتصنع علی من
یکفله فرجناک الی امک کی تقر عینها و لا تحزن و قتلت نفسا
فنجیناک من الغم و فتناک فتونا سریعا جدا شدیدا المسجد
[illegible] ۹۹۲۲ [illegible] العجل ال معنیتی م اعوله مسح طلل یا
سلسا لع یا منسحیقا یا طیموسا یا شعیق یا جالیقوس یا لوس یا مبین مثا یا
[illegible] یا معطا کفت یا فیقوفون یا محال من یا شیبا یا ابا شفی لع یا مقطع [illegible]
[illegible] و الوزراء

تخریب اگر خواهی که میان دو نفر کدورة پیدا شود وازهم جدا شوند که دیگر اصلاح

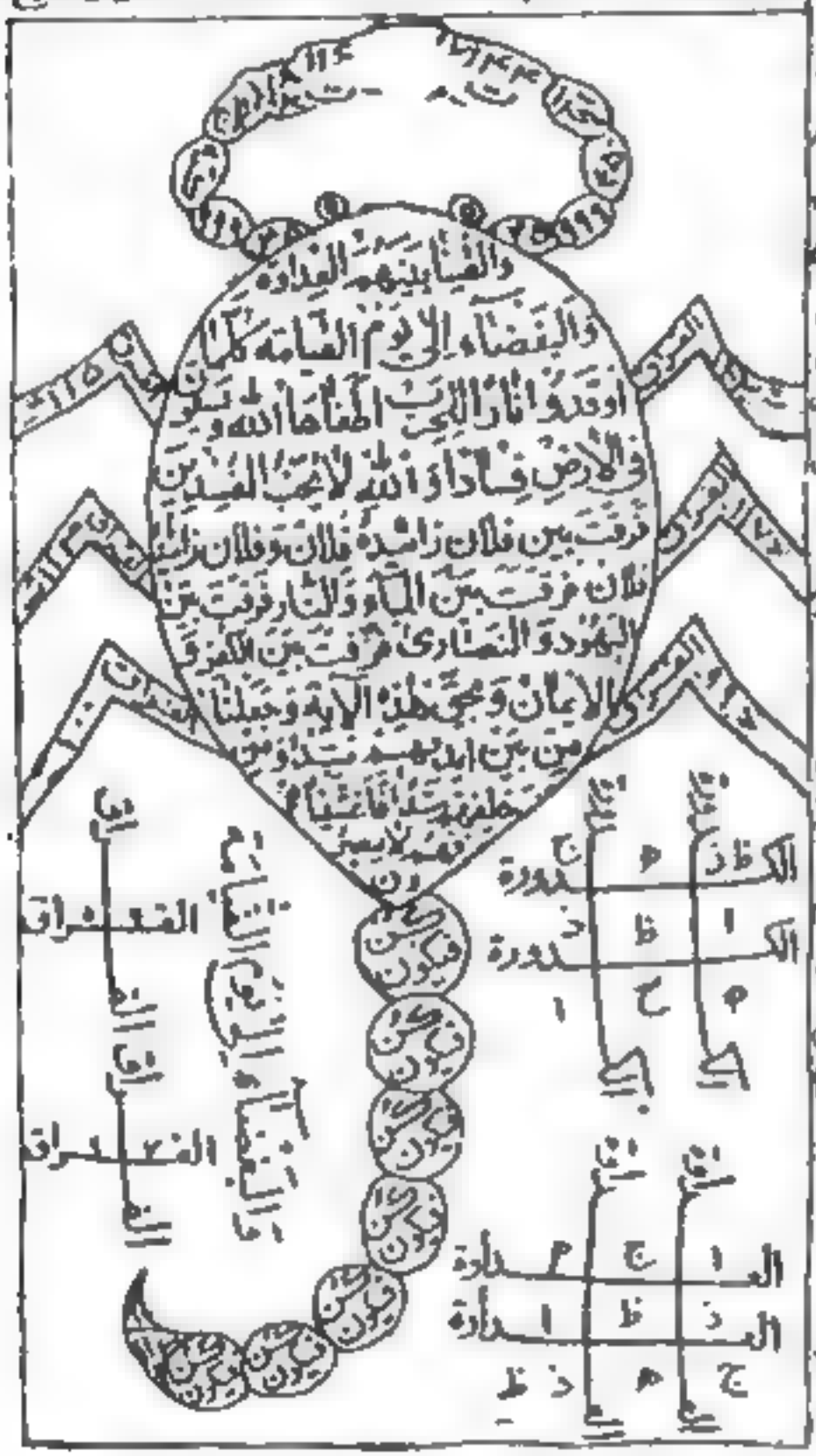

نسود این شکل را بر
قطعه مس میرانی در
ساعت زحل نقش
کن وآن لوح را بترشح
زده بهر دو طرف
ده تا بخورند در حال
از هم جدا شوند وکد
ورة ایجاد شود و
این شکل را بر چوب
کهاز کفن مرده باشد
مذه باشد بنویسی
واسم طرفین را نوشت
ودر گورستان کهنه
دفن کنی جدل شود
واگر بر نان نویسی
وآنها بخورند فارا
حتی ونفاق بوجود
آید واگر بر کاغذ
سیاه نویسی با مرکب
در محل آنها دفن کنی
از هم جدا شوند

(یٰسٓ مغربی) شرح وخواص یٰسٓ مغربی از حد بیرونست ودر آخر
سوره نوشته خواهد شد اینست بسم الله الرحمن الرحیم یٰسٓ
یٰسٓ یٰسٓ یٰسٓ یٰسٓ صلی الله علیه وآله والقرآن
الحکیم انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم تنزیل العزیز
الرحیم لتنذر قوما ما انذر آباؤهم فهم غافلون لقد حق
القول علی اکثرهم فهم لا یؤمنون انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا
فهی الی الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بین ایدیهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون وسواء علیهم
ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون انما تنذر من اتبع
الذکر وخشی الرحمن بالغیب فبشره بمغفرة واجر کریم انا نحن
نحیی الموتی ونکتب ما قدموا وآثارهم وکل شیء احصیناه
فی امام مبین بسم الله الرحمن الرحیم والشمس وضحیها والقمر
اذا تلیها والنهار اذا جلیها واللیل اذا یغشیها والسماء وما
بنیها والارض وما طحیها ونفس وما سویها فالهمها فجورها و
تقویها قد افلح من زکیها وقد خاب من دسیها کذبت ثمود
بطغویها اذ انبعث اشقیها فقال لهم رسول الله ناقة الله
وسقیها فکذبوه فعقروها فدمدم علیهم ربهم بذنبهم
فسویها ولا یخاف عقبیها ۱۵ مرتبه بحق ایاک نعبد وایاک نستعین

انا الفقير ذو الحاجة اللهم سخر لي فلان زائده فلان كما سخرت
فرعون لموسى و لين قلبه كما لينت الحديد لداود عليه السلام لا
يخلق الا باذنك حيوة و تاصيته في قبضتك و في يدك وجل ثنائك
يا ارحم الراحمين اللهم اجذب قلب فلان زائده فلان كما
يجذب الحديد المغناطيس و اجذب روحه وجسده وجميع اعضائه
بحق انبيائك المرسلين و الملائكة المقربين وبحق يس
و القرآن الحكيم و بحق الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى
للمتقين الذين يؤمنون بالغيب و يقيمون الصلوة و مما رزقناهم
ينفقون و بحق الم الله لا اله الا هو الحي القيوم و بحق الم
تنزيل الكتاب لا ريب فيه من رب العالمين و بحق كهيعص
و بحق حمعسق ذكر رحمة ربك عبده زكريا اذ نادى ربه نداء
خفيا قال رب اني وهن العظم و اشتعل الراس شيبا و بحق طه
ما انزلنا عليك القرآن لتشقى الا تذكرة لمن يخشى و بحق حمعسق
كذلك يوحى اليك و بحق و الطور و كتاب مسطور في رق منشور و
البيت المعمور و السقف المرفوع و البحر المسجور و بحق ن و القلم
و ما يسطرون و بحق جميع الانبياء و المرسلين و سور القرآن
العظيم و بحق اسمائك الحسنى المكرمة المطهرة و بحق العرش و
الكرسي و الملائكة المقربين و بحرمة السموات السبع و الكواكب السيارة

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوْجِ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُوْدِ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُوْدٍ وَبِحَقِّ
وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ وَالنَّجْمِ الثَّاقِبِ اِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا
حَافِظٌ وَبِحَقِّ وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ اِذَا
يَسْرِ وَبِحَقِّ وَالتِّيْنِ وَالزَّيْتُوْنِ وَطُوْرِ سِيْنِيْنَ وَهٰذَا الْبَلَدِ الْاَ
مِيْنِ وَبِحَقِّ حُرْمَةِ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ وَبِحَقِّكَ وَعِزَّتِكَ وَبِحَقِّ قُدْرَتِكَ
وَسُلْطَنَتِكَ وَبِحُرْمَةِ اَنْبِيَائِكَ وَبِحَقِّ اَوْلِيَائِكَ وَبِحَقِّ اَصْفِيَائِكَ
وَبِحَقِّ عِبَادِكَ الصَّالِحِيْنَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ وَيَا خَيْرَ النَّاصِرِيْنَ
وَيَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِيْنَ وَيَا مُجِيْبَ الدَّعَوَاتِ وَيَا مُقِيْلَ الْعَثَرَاتِ
وَيَا وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ وَيَا دَافِعَ السَّيِّئَاتِ اِقْضِ حَاجَتِيْ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
مُحَمَّدٍ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ مَحَبَّتَهُ فُلَانٍ زَاشِدَهُ فُلَانٍ بَدَلَ وَقَلْبِ
رَجُلٍ فُلَانٍ زَاشِدَهُ فُلَانٍ وَاَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا اَصْحَابَ الْقَرْيَةِ
اِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُوْنَ اِذْ اَرْسَلْنَا اِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوْهُمَا فَعَزَّزْنَا
بِثَالِثٍ فَقَالُوْا اِنَّا اِلَيْكُمْ مُرْسَلُوْنَ وَمَا عَلَيْنَا اِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِيْنُ
اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ حَصِّلْ مُرَادِيْ فِيْ نِيَّتِ مُرَادِ كَمُنِيْدِ
قُلْ يَا اَيُّهَا الْكَافِرُوْنَ لَا اَعْبُدُ مَا تَعْبُدُوْنَ وَلَا اَنْتُمْ عَابِدُوْنَ
مَا اَعْبُدُ وَلَا اَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُّمْ وَلَا اَنْتُمْ عَابِدُوْنَ مَا اَعْبُدُ
لَكُمْ دِيْنُكُمْ وَلِيَ دِيْنِ يازده مرتبه اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ
اَنَا الْفَقِيْرُ ذُو الْحَاجَةِ اَللّٰهُمَّ مَحِّرْ لِيْ فُلَانٍ زَاشِدَهُ فُلَانٍ كَمَا

سخرت فرعون لموسى ولين قلبه كما لينت الحديد لداود عليه
السلام فانه لا ينطق الا باذنك وحيوته وناصيته في قبضتك
وقلبه في يدك جل وثناؤك يا ارحم الراحمين بحق هذه الدعوات
ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه
وسلموا تسليما فلما تجلى ربه للجبل جعله دكا وخر موسى صعقا العجل
العجل العجل اقسمت عليكم يا خدام هذه الاسماء ان تاتوني طائعين
مبين في مبين وبحق صراط المستقيم قل اللهم مالك الملك (الى
بغير حساب) سوالي اهيا شراهيا اهيا اهيا اتوني الساعة
بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم يا مجيب الدعوات
يا ولي الحسنات يا مقيل العثرات يا رافع السيئات اقض حاجتي
بحق محمد واله برحمتك يا ارحم الراحمين حاجت را بدل آورید
وبگوئید قالوا انا تطيرنا بكم لئن لم تنتهوا لنرجمنكم وليمسنكم
منا عذاب اليم قالوا طائركم معكم ائن ذكرتم بل انتم قوم
مسرفون وجاء من اقصى المدينة رجل يسعى قال يا قوم اتبعوا
المرسلين اتبعوا من لا يسئلكم عليه اجرا وهم مهتدون
وما لي لا اعبد الذي فطرني واليه ترجعون ءاتخذ من دون
الهة ان يردن الرحمن بضر لا تغني عني شفاعتهم
شيئا ولا ينقذون اني اذا لفي ضلال مبين بسم الله الرحمن الرحيم

انا اعطيناك الكوثر فصل لربك وانحر ان شانئك هو الابتر
پانزده بار اياك نعبد واياك نستعين انا الفقير ذو الحاجة اللهم
سخر لي فلان زايده فلان كما سخرت فرعون لموسى ولين قلبه
كما لينت الحديد لداود عليه السلام فانه لا ينطق الا باذنك
حيوة وناصيته في قبضتك وقلبه في يدك جل ثناؤك والقيت ٧
عليك محبة مني ولتصنع على عيني اذ تمشي اختك فتقول هل
ادلكم على من يكفله فرجعناك الى امك كي تقر عينها ولا تحزن
وقتلت نفسا فنجيناك من الغم وفتناك فتونا امن الرسول
بما الى آخره يا خير الناصرين يا اله العالمين برحمتك يا ارحم
الراحمين اني آمنت بربكم فاسمعون قيل ادخل الجنة قال
يا ليت قومي يعلمون بما غفر لي ربي وجعلني من المكرمين
وما انزلنا على قومه من بعده من جند من السماء وما كنا منزلين
ان كانت الا صيحة واحدة فاذا هم خامدون يا حسرة
على العباد ما يأتيهم من رسول الا كانوا به يستهزؤن
الم يروا كم اهلكنا قبلهم من القرون انهم اليهم لا يرجعون
وان كل لما جميع لدينا محضرون وآية لهم الارض
الميتة احييناها واخرجنا منها حبا فمنه يأكلون وجعلنا فيها جنات من

نَخِيلٍ وَاَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَاْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ
اَيْدِيهِمْ اَفَلَا يَشْكُرُونَ سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْاَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا
تُنْبِتُ الْاَرْضُ وَمِنْ اَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ وَاٰيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ
نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَاِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذٰلِكَ
تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتّٰى عَادَ كَالْعُرْجُونِ
الْقَدِيمِ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا اَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا الَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ
وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ وَاٰيَةٌ لَهُمْ اَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ
الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ وَاِنْ نَشَاْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا
صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ اِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا اِلٰى حِينٍ
وَاِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ اَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
وَمَا تَاْتِيهِمْ مِنْ اٰيَةٍ مِنْ اٰيَاتِ رَبِّهِمْ اِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ
وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ اَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
لِلَّذِينَ اٰمَنُوا اَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللّٰهُ اَطْعَمَهُ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا فِي
ضَلَالٍ مُبِينٍ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ
وَرَاَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَاسْتَغْفِرْهُ اِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ يَا مَنِيعُ
يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ يَا رَقِيبُ يَا مُجِيبُ اَحَبَّ اَنْتَ يَا بُرْهَانُ سَامِعُ لَطِيفًا

بِحَقِّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ اَللّٰهُمَّ سَخِّرْ لِيْ فُلَانٌ زَائِدَهُ فُلَانٌ كَمَا
سَخَّرْتَ فِرْعَوْنَ لِمُوْسٰى وَلَيِّنْ قَلْبَهُ كَمَا لَيَّنْتَ الْحَدِيْدَ لِدَاوٗدَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاِنَّهُ لَا يَنْطِقُ بِاِذْنِهٖ هُوَيْتُهُ فِيْ قَبْضَتِكَ وَفِيْ يَدِكَ
جَلَّ ثَنَاؤُكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اِنَّهٗ مِنْ سُلَيْمَانَ وَاِنَّهٗ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ
الرَّحِيْمِ اَلَّا تَعْلُوْا عَلَيَّ اْتُوْنِيْ مُسْلِمِيْنَ اَعْزِمُ عَلَيْكُمْ يَا اَيَّتُهَا
الْاَرْوَاحُ التَّرَابِيَّةُ بِعَزَائِمِ اللّٰهِ اِنْ كَانَتْ اِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً
فَاِذَا هُمْ جَمِيْعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُوْنَ قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلٰى شَاكِلَتِهٖ
فَرَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ اَهْدٰى سَبِيْلًا وَبِالْحَقِّ اَنْزَلْنٰهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ
شِفَاءٌ وَّرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ وَلَا يَزِيْدُ الظّٰلِمِيْنَ اِلَّا خَسَارًا بِالْحَقِّ اِيَّاكَ
نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ اقْضِ لِيْ حَاجَتِيْ بِحُرْمَةِ
هٰذِهِ السُّوْرَةِ سُبْحَانَكَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثَهٗ
يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَفِيْعَ جَلَالِهٖ يَا اَللّٰهُ الْمَحْمُوْدُ فِيْ كُلِّ فِعَالِهٖ

جمعہ دین وخلاصی از زندان بشکنید وبہانہ مگزارید ومیگویند متی ہذا الوعد
اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ مَا يَنْظُرُوْنَ اِلَّا صَيْحَةً وَّاحِدَةً تَاْخُذُهُمْ
وَهُمْ يَخِصِّمُوْنَ فَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ تَوْصِيَةً وَّلَا اِلٰى اَهْلِهِمْ يَرْجِعُوْنَ وَنُفِخَ فِي الصُّوْرِ فَاِذَا هُمْ مِّنَ الْاَجْدَاثِ اِلٰى رَبِّهِمْ
يَنْسِلُوْنَ قَالُوْا يٰوَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَّرْقَدِنَا هٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمٰنُ

وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ اِنْ كَانَتْ اِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَاِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا
مُحْضَرُونَ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ اِنَّ اَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ هُمْ وَ
اَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْاَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ
وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ ۝ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ وَامْتَا
زُوا الْيَوْمَ اَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ اَلَمْ اَعْهَدْ اِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ
اِلَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ اِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَبِگُوید اَللّٰهُمَّ
سَخِّرْ لِي فُلَانَ زَائِدَ فُلَانٍ كَمَا سَخَّرْتَ فِرْعَوْنَ لِمُوسَى وَلَيِّنْ قَلْبَهُ
كَمَا لَيَّنْتَ الْحَدِيدَ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاِنَّهُ لَا يَنْطِقُ اِلَّا
بِاِذْنِكَ نَاصِيَتُهُ بِيَدِكَ وَقَلْبُهُ فِي قَبْضَتِكَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ وَبِحَقِّ الٓمٓ ذَالِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى
لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا
رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ اِلَى اٰخِرِ
اِلٰهِي بِحَقِّ اَوْلِيَائِكَ وَاَتْقِيَائِكَ وَدَمِ شُهَدَائِكَ اِقْضِ
حَاجَتِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ نیت بلند شدن
مرتبه و مقام وَاِنْ اَعْبُدُونِي هٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَلَقَدْ

اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا اَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ هٰذِهٖ جَهَنَّمُ
الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ اَصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلٰى اَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا اَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ
اَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَلَوْ نَشَآءُ لَطَمَسْنَا
عَلٰى اَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَاَنّٰى يُبْصِرُونَ وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنٰهُمْ
عَلٰى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ وَمَنْ نُعَمِّرْهُ
نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ اَفَلَا يَعْقِلُونَ اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ اَوْلِيَآئِكَ وَ
اَتْقِيَآئِكَ وَدَمِ شُهَدَآئِكَ اِقْضِ حَاجَتِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
نِيَّتِ بِهٖ شُدَنِ مَرْتَبَه وَمَقَام فَاِنِ اعْبُدُونِي هٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَلَقَدْ
اَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا اَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ هٰذِهٖ جَهَنَّمُ
الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ اِصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ
اَلْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلٰى اَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا اَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ
اَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ وَلَوْ نَشَآءُ لَطَمَسْنَا
عَلٰى اَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَاَنّٰى يُبْصِرُونَ وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنٰهُمْ
عَلٰى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ وَمَنْ
نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ اَفَلَا يَعْقِلُونَ وَمَا عَلَّمْنٰهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي
لَهٗ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْاٰنٌ مُبِينٌ پانزده مرتبه بگويد اِيَّاكَ نَعْبُدُ

وَأَيَّاكَ نَسْتَعِينُ وَبِكُوَيْدَ وَأَنَا الْفَقِيرُ ذُو الْحَاجَةِ اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لِي
إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي وَأَنْتَ وَعْدُكَ صَادِقٌ فَنَجِّنِي
مِنَ الْكُرَبِ اللَّهُمَّ أَنْتَ غِيَاثُ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَأَنْتَ قُلْتَ
تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللهِ وَأَنْتَ لَسْتَ بِمَكِينٍ رَبِّ اللَّهُمَّ
احْفَظْنِي مِنَ الْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَا تَفْضَحْنِي
عَلَى رُؤُسِ الْخَلَائِقِ فِي الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ لَا
عِنْدَ لَكَ وَلَا نِدَّ لَكَ وَلَا شَرِيكَ لَكَ وَلَا وَزِيرَ لَكَ أَنَا لَكَ
يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ يَا عَزِيزُ تَرَيْنِي فِي مَقَامِي مَا تَقَرَّبَ مِنْكَ
وَتَكَرَّمْنِي بِمَغْفِرَةِ خَطِيئَتِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَإِنَّكَ
عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
يَا رَبِّ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَيَّانُ يَا غُفْرَانُ يَا بُرْهَانُ يَا شَهِيدُ
كُلِّ مَشْهُودٍ مِمَّا دُونَ عَرْشِكَ إِلَى قَرَارِ الْأَرَضِينَ بَاطِلًا
مَا خَلَا وَجْهَكَ الْكَرِيمَ أَنْتَ لَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَغِثْنِي يَا أَغِثْنِي
أَغِثْنِي يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ سه مرتبه بگوئید شلیثا
وَصَلَّى اللهُ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ لِيُنْذِرَ مَا مَنْ كَانَ كَانَ
حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ أَوَلَمْ يَرَوْا إِنَّا خَلَقْنَا
لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ

وَذَلَّلْنٰهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوْبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُوْنَ وَلَهُمْ فِيْهَا
مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ اَفَلَا يَشْكُرُوْنَ وَاتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اٰلِهَةً
لَّعَلَّهُمْ يُنْصَرُوْنَ لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ
مُّحْضَرُوْنَ وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ اِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّوْنَ وَمَا يُعْلِنُوْنَ
اَوَلَمْ يَرَ الْاِنْسَانُ اَنَّا خَلَقْنٰهُ مِنْ نُّطْفَةٍ فَاِذَا هُوَ خَصِيْمٌ مُّبِيْنٌ
اِنزدہ مرتبہ بگوید اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ اَنَا الْفَقِيْرُ
ذُو الْحَاجَةِ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لَنَا اَبْوَابَ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَاِذَا لَقُوا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قَالُوْٓا اٰمَنَّا وَاِذَا
خَلَوْا اِلٰى شَيٰطِيْنِهِمْ وَاِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ اِلٰى بَعْضٍ اَتُحَدِّثُوْنَهُمْ بِمَا
فَتَحَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَآجُّوْكُمْ بِهٖ عِنْدَ رَبِّكُمْ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ عَنِ اللّٰهِ
اَنْ يَّاْتِيَ بِالْفَتْحِ وَاَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهٖ لِيُصْبِحُوْا عَلٰى مَآ اَسَرُّوْا فِيْٓ اَنْفُسِهِمْ
نَادِمِيْنَ الَّذِيْنَ يَتَرَبَّصُوْنَ بِكُمْ فَاِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللّٰهِ بِكُمْ
قَدْ بِكُمْ قَدْ اَنْشَوْا اَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ وَعِنْدَهٗ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ
لَا يَعْلَمُهَآ اِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ
وَّرَقَةٍ اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِيْ ظُلُمٰتِ الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٍ
وَّلَا يَابِسٍ اِلَّا فِيْ كِتٰبٍ مُّبِيْنٍ اَلَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَاسْتَكْبَرُوْا

عنها لا تفتح لهم الأبواب أبواب السماء بماء منهمر أبواب
السماء ولا يدخلون الجنة حتى يلج الجمل في سم الخياط على
الله توكلنا ربنا افتح بيننا وبين قومنا وأنت خير الفاتحين
ولو أن أهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من
السماء والأرض ولكن كذبوا فأخذناهم بما كانوا يكسبون أن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح وإن تنتهوا
فهو خيرا لكم ولما فتحوا متاعهم وجدوا بضاعتهم ردت
عليهم بابا من السماء فظلوا فيه يعرجون حتى إذا فتحت
يأجوج ومأجوج وهم من كل حدب ينسلون حتى إذا
فتحنا عليهم بابا من السماء ذا عذاب الشديد سلام قولا من
رب رحيم والسلام على يوم ولدت ويوم أموت ويوم أبعث حيا
ادخلوها بسلام آمنين والسلام على من اتبع الهدى
وإذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما لا يسمعون فيها لغوا ولا تأثيما
إلا قيلا سلاما سلاما ولهم رزقهم فيها بكرة وعشيا
ويلقون فيها تحية وسلاما قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على
إبراهيم قل الحمد لله رب العالمين سلام على عباده الذين

اصطفى الله خيرا عما يشركون سلام عليكم لا نبتغي
الجاهلين تحيتهم فيها سلام يوم يلقونه واعد لهم
اجرا كريما سلام قولا من رب رحيم ۳ مرتبه بگويد
سلام على نوح في العالمين سلام على ابراهيم سلام
على موسى وهرون سلام على آل يس فاصفح عنهم
وقل سلام فسوف يعلمون وسلام على المرسلين والحمد
لله رب العالمين ادخلوها بسلام آمنين قالوا سلاما سلاما
قال سلام قوم منكرون الا قيلا سلاما فسلام لك من اصحاب
اليمين قل يحييها الذي انشاها اول مرة وهو بكل شيء
عليم الذي جعل لكم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم
منه توقدون اوليس الذي خلق السموات والارض بقادر
على ان يحيي الموتى وهو الخلاق العليم بسجده رفته نه بار بگويد
بل قادر على ان يقضي حاجتي ومطالب خود را ذكر كند وسر بردارد
وبگويد بلى هو الخلاق العليم انما يعمر امره اذا اراد شيئا
ان يقول له كن فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت كل
شيء واليه ترجعون والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن
الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم الى آخر آيه هو الذي يصوركم

فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم شهد الله
انه لا اله الا هو واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام لا اله الا هو
لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه من رب العالمین ومن
اصدق من الله حدیثا ذلکم الله ربکم لا اله الا هو
خالق کل شیء فاعبدوه واتبع ما یوحی الیک من ربک لا
اله الا هو واعرض عن المشرکین وسلام علی المرسلین و
الحمد لله رب العالمین برای نحسی وزاری کودک روی نقره
یا مس ویا برنج ویا فولاد حک نموده همراه کودک نمائید ویا روی کاغذ
نوشته بشانه کودک بیاویزید اینست ورد الله الذین
کفروا ایغیضهم لو ینالوا خیرا وکفی الله المؤمنین القتال
وکان الله قویا عزیزا برای ترس وهراس اگر کسی بترسد
این تعویذ را نوشته همراه دارد یا ثوثا یا بتوثا یا مشوثا
یا ملکوثا آهیا شراهیا ازونن اصباوث آل شدای
ک ااا ااا ا ااا اا د م ااا اااا ااا اا ا

محبت زن وشوهر اگر بین زن وشوهری ناسازگاری باشد سوره آل
عمران را سیزده بار باسم زن وشوهر بخوانند سازگاری پیدا شود

بجهة محبت و زبانبند اگر زنی بخواهد که در نظر شوهر خود عزیز باشد و
حرف او را قبول کند و در نظر تمام خلق عزیز و محترم گردد و همه
دوست او شوند و زبان شوهر و خلایق بروی او بسته گردد و از
چشم بد و زبان بدگویان در امان باشد لوحی ترتیب دهد از هفت
جوش و طلسم زیر را روی آن نقش کند و وقت کندن بخورات مکاکی
در آتش کند و مقابل قبله نشیند وقتی لوح تمام شد باید که کاسه چینی

زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین والقناطیر المقنطرة

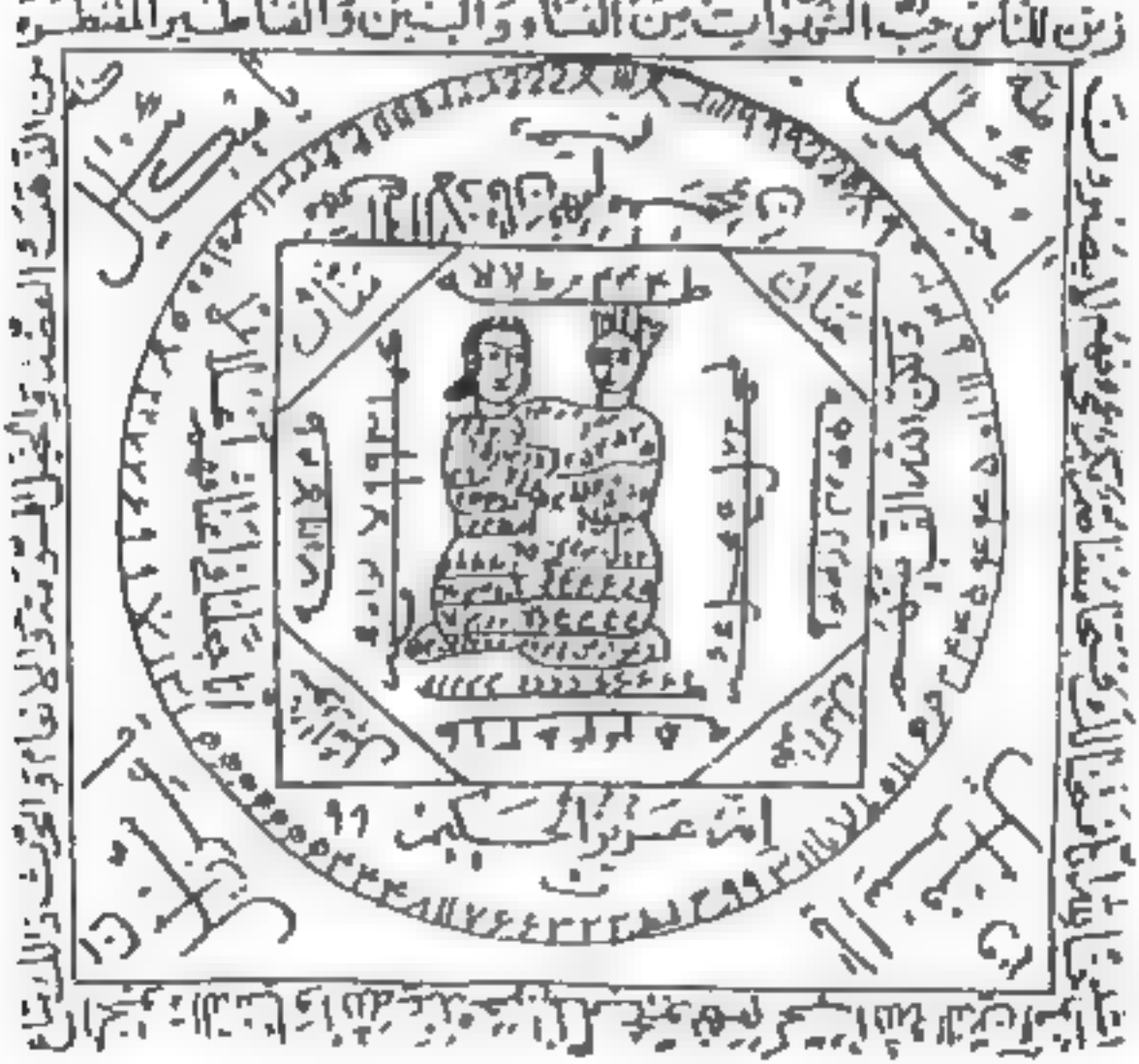

را پر از آب کند و قند در آن بریزد و شب از غروب آفتاب بالای بام
گذارد که جمیع سیارها و کرات سماوی در آن منعکس گردد صبح
وقتی آفتاب بر آمد کاسه را پائین آورده و آب را خالی کن و طلسم
را بردار و همراه گذار و به شیرینی بزن و بشوهر ده به نیت محبت تا
رام و مطیع تو گردد و چون همراه تو باشد برای محبت خلق و زبان بند
بسیار نیکوست این نسخه از شیخ محمد سکاکی علیه الرحمه است
و گوید این طلسم را از کتابخانه سومنات هندوستان بدست
آوردم و علمای هند را اعتقاد بر آن زیادست زنهار بدست
جاهل و نااهل ندهید و قدر بدانید و علمای مغرب زمین
و حکمای یونان همراه خود داشتند و این نسخه از این جهت مؤثرست
که موکل دارد و متوکل این طلسم همیشه همراه طلسم است و بصاحب
طلسم کمک میکند و از جمیع بلایا او را حفظ مینماید البته به حکم رب
عزة تفریق و صرفی اگر خواهی میان دو نفر جدائی اندازی که با هم
دشمنی و عداوت پیدا کنند بیاور سوسک سیاهی دو عدد و آیه
والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیامة را روی چلوار
که از کفن مرده باقیمانده باشد با آب مرده بنویس و سوسک ها را با قیر
پشت به پشت بچسبان و سوره اذا زلزله را وارونه و بر سوسکها

بخوان و در سر که اندازند بمبرند بعد از ساعتی بیرون آورده و چلوار را
باقیر اندوده کن و سوسکها را میان آن گذاشته و به پیچ و در
گورستان کهنه و یا در مقبرهٔ قدیم دفن کن و وقت دفن کردن بگو
سرد کردم ترا از فر و سیاه کردم ترا در نظر تو بحق ایاک نعبد
و ایاک نستعین و بحق جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم
سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون آنگاه هفت زنگ بردار
و دانه دانه بعقب سر انداز و بگو بریدم بین تو زائیده تو و تو زاده
احضار و محبت اگر خواهی کسی را از راه دور بیاوری این طلسم
را روی قطعهٔ کاغذ آبی بنویس و در باد بیاویز این اینست طلسم

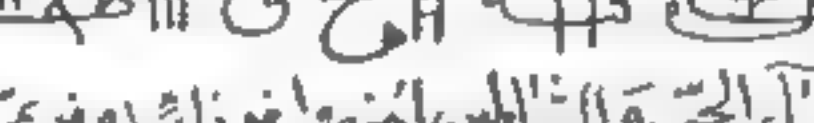

عجلوا بار و سیاء الجن و الشیاطین احضروا تو زائیده تو بحبت ایمان
و علی حب هذه البیت و علی محبت ظان زائیده تو العجل العجل العجل
الوحا الوحا الوحا اجیبوا الحریق الساعة الساعة الساعة الذر
و بعد این اسم را صد و یک مرتبه روی صد و یک کاغذ مدور نوشته
و با سیدانه فلفل سیاه در آتش بسوزان و بگو حاضر کردم تو زائیده تو را در ایمکان

آزاد شدن زندانی شیخ سکاکی میفرماید که اگر کسی باعدام محکوم شود
و بخواهی نجات یابد و اگر کسی به حبس ابد محکوم باشد و بهیچ وجه
خلاصی نداشته باشد و بخواهی فی الفور خلاص شود و حاکم با او
نظر نیکو داشته باشد و در نزد پادشاه و بزرگان و اکابر عزیز
و محترم گردد این عزیمه را در ساعت رجوع بجدول سکاکی
سعد روی چهل و یک قطعه مین بشکل مدور نقش نماید یکی را در
آتش گذارد باسم فلان زانیهٔ فلان و چهل قطعهٔ دیگر را در
چهل چاه یا مناه آب اندازد و وقت انداختن در چاه بگوید یا اصحاب
الزمان حاجت من برآورده شود و باید طلسم هفت جوش سلیمانی
را همراه داشته باشد تا از زندان خلاص شود و بسیار مجربست
انیت عزیمه عزمت علیکم یا اصحاب البحر و الوسواس
و یا معشر الجن و الشیاطین من جنود ابلیس بحق هذه
الرقیة یا معشر الجن و الشیاطین یا خناطف و یا ذو بعة و یا
دنهش الدناهش و یا ستقی نطش عجلوا بحق ابو مرة ابلیس
و بحق وزهره سیدولک رسد راسول و بحق ربعه
و ذو بعة و بحق ربعه و بحق هذه الکلام طش طش

اٰفذ اٰفة بح بح عجلو یا رؤساء الجن و الشیاطین هیجو
هیجان الشدید المهیج المهیج قلب و لسان و عیون و
شهوة فلان زائیده فلان بمحبت و عشق و هوس و وسوسه
و اطاعت و قبول قول فلان زائیده فلان بطریق المحبة
عقد نومها بطرفة العین العین فی الدموع و القلب باالجرکه
و اللیل بالاحتراق و الجد بالضربان قلب فلان زاده فلان
علی محبت و مسخر فلان زائیده فلان لا قرار و لا اکل
و لا راحة و لا شرب و لا قیام و لا تعود لها باللیل و النهار
بحق شهوطش و شغو نقاش و بلقا فور و الثعبان و مطرود
و مهر کوش و بحق هذه الکلام العجب العجب الساعة لامبین
فانعه اسرع بطرفة العین و جمع البقر و بحق بمهطواش اٰفیه
اٰه اٰه اٰه اندانه اٰه اٰه اٰه بحق سلیمان بن داود اٰهیه بطرش الفیاه
مرهیه العجل و بحق ابیض و اسود و اصفر و احمر و مهاکال
و شیطان و سمندون و هام ابن هیم و جابرون و لا
بلیس و عنیة بنت ابلیس و ذوبعة الطیار و ابرجیطیفورش
و لقیطیفورش و همه دیوان و پریان بیقرارش گردانید العجل

العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة الذر
الذر الذر الحريق الحريق الحريق باطل السحر و نحوست
اگر جمیع سحرهای دنیا را برای کسی کرده باشند و بهیچ طریق
نتواند که باطل کند این آیه را از کلام الله مجید روی
لوحی از مس و نقره پاک و طلای پاک نقش نموده و هزار و
یک بار بر آب زند و بر سر ریزد و نیت باطل سحر کند
جمیع نحوستها و سحرها و جادوهای او پاک باطل گردد
و دیگر هیچ سحر و جادوئی بر او کار نکند بشرطیکه در
ساعت سعد باشد و دو لوح دیگر ترتیب دهد و روز جمعه
در چاه آب یا قناة آب افکند آیه اینست و قل جاء الحق و
زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا بحق و جعلنا
من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم
لا یبصرون باطل سحر فلان زائیده فلان بحق بسم الله الرحمن
الرحیم بعللان این اشکال را بر چند برگ چنار نوشته
باسم مسحور تمام سحرهای او باطل گردد اینست [illegible]
[illegible]
[illegible]

اضمار قوی اگر خواهی کسی را اضمار کنی بیاور نعل آهن بی سوراخ
و در ساعت سعد این عزیمه را بر روی آن نقش کن وقتی تمام
شد بگروی نعل را به شیرینی و روی دیگرش را به چربی آلوده
کن و در آتش دفن کن تا عجایب بینی اینست قیطوش هنوش
قیشطوش الملوش الملوش داو اندیاو هوش طوش تابل
عزمت علیکم یا معشر الجن و الشیاطین هیجو هیجان الشدید
لینت قلب و شهوة فلان زائیده فلان علی حب فلان زائیده
فلان توکلوا بالخدام هذه الاسماء المبارکة تحرکوا
روحانیة الی محبت و الوده فی قلب فلان زاده فلان بمحبت
و مطیع و مسخر فلان زائیده فلان ه ۴ و ۱۱ ۹۹ ۱۱ ۱۱ ح
س س ه ۹ ۱ لا ۷ ۳ و ۵ ۳ ۹ ۱۱
باطل سحر اگر برای کسی سحری قوی کرده باشند که باطل نشود
به هیچ چیز این اشکال را بر چهل قطعه کاغذ نازک نوشته
و باید که ریز و چشمه های حروفها باز نوشته شود و بیاور چهل
دانه تخمه هندوانه و چهل کاغذ را بپیچیده و در میان تخمه
ها گذارد و روزی چهار دانه زیر لباس خود دود کند البته
باطل شود هر سحر بکه کرده باشند اینست معطوط باطل سحر

تفریق و سیاه کردن اگر خواهی زنی را در نظر تمام مردها سیاه کنی و از
نظر تمام مردها و یا از نظر مردی بیندازی که تمام مردها و یا آن
مرد دیگر با او نگاه نکند و حرف او را قبول نکند و بکلی از نظر او
بیفتد بیاور چلواریکه از کفن میت باشد و سورهٔ الم تر کیف یا جبرائیل
را بر آن بنویس با آب مرده و نیل و سوسکی را گرفته در میان پارچه
گذار و با نخ سیاه به پیچ و در گورستان کهنه دفن کن آنگاه بعد از عمل
بیاور خرچنگی با آب و در ظرفی انداز با گل مکان خرچنگ و قدری
کافور قدری سرکه روی خرچنگ بریز بعدا پیه گاو شیر سگ
ماده را آب کرده و در آب خرچنگ بریز و ربع ساعتی بجوشان و سرد
کن و مجموع را در صافی ریخته صاف کن آب را سر راه آن زن بریز خرچنگ
را در پارچه سیاهی پیچیده و در مقبره زنی دفن کن و یا در کنار گورستان
مدفون ساز اما بشرطیکه آیه و القینا را بر کاغذ سیاه نوشته با رنگ
نیل و در آبیکه خرچنگ میجوشد داخل کنی که با مجموع داخل ظرف
بجوشد و باسم آن زن باشد آیه اینست و القینا بینهم العداوة
والبغضاء الی یوم القیامة کلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله
ویسعون فی الارض فسادا والله لا یحب المفسدین سیاه کردم فرزانه را در نظر تمام مردها ها ها مع الله

در طلب فرزند این نسخه از شیخ اجل محمد سکاکی است و از کتاب
دانیال و لینیاس اقتباس فرموده اما علمای هند و یونان و مغرب زمین
را عقیده بر اینست که این نسخه از شیخ محمد سکاکی است ای طالب فرزند
اگر خواهی دارای فرزندی صالح و نیکو اخلاق شوی و خداوند متعال
بتو کرامت فرماید فرزندی نیکو شمایل یا عقیده محکم این اعمال را
بجای آور و بدانکه تردیدی در این نسخه نیست و بارها بثبوت
رسیده اما کسیکه اقدام بدین عمل میکند باید غنی و از اغنیا باشد تا
بتواند بعمل آورد این نسخه را و طریق عمل چنین است ابتدا هفت لوح
بشکل مربع ترتیب ده از طلای پاک، و طلسم صفحه مقابل را بر آن
هفت لوح نقش کرده بساعت سعد که برای این لوح مناسب است و باید
رجوع شود به جدول سلیمانی از کتاب هفت پیکر سلیمانی و روز شنبه
یا جمعه یا چهارشنبه لوحها را در هفت چاه آبی عمیق و یا هفت قناة
انداخته و بگوید یا صاحب الزمان و مراد را در نظر آورد
و طالب باید لوحها را با دست راست خود در چاه اندازد
و با کسی سخن نگوید و وقت در چاه انداختن این اشکال باید
کف دست راست و کف دست چپ نوشته شده باشد

< > الیمه ماما ما [٤] و این اعداد روی مربع کوچکی از طلا کنده شود

و طالب همراه یا در زیر زبان خود نگاه دارد اینست ٧٧٩٩ و ٤

ملـ ٩١ ر ١١ ه ٥ ه دداهاهاه ح ه ه ل ن سماسماسما ما ١١ ٢ ه

هفت لوح طلا اینست

طلب خواهد

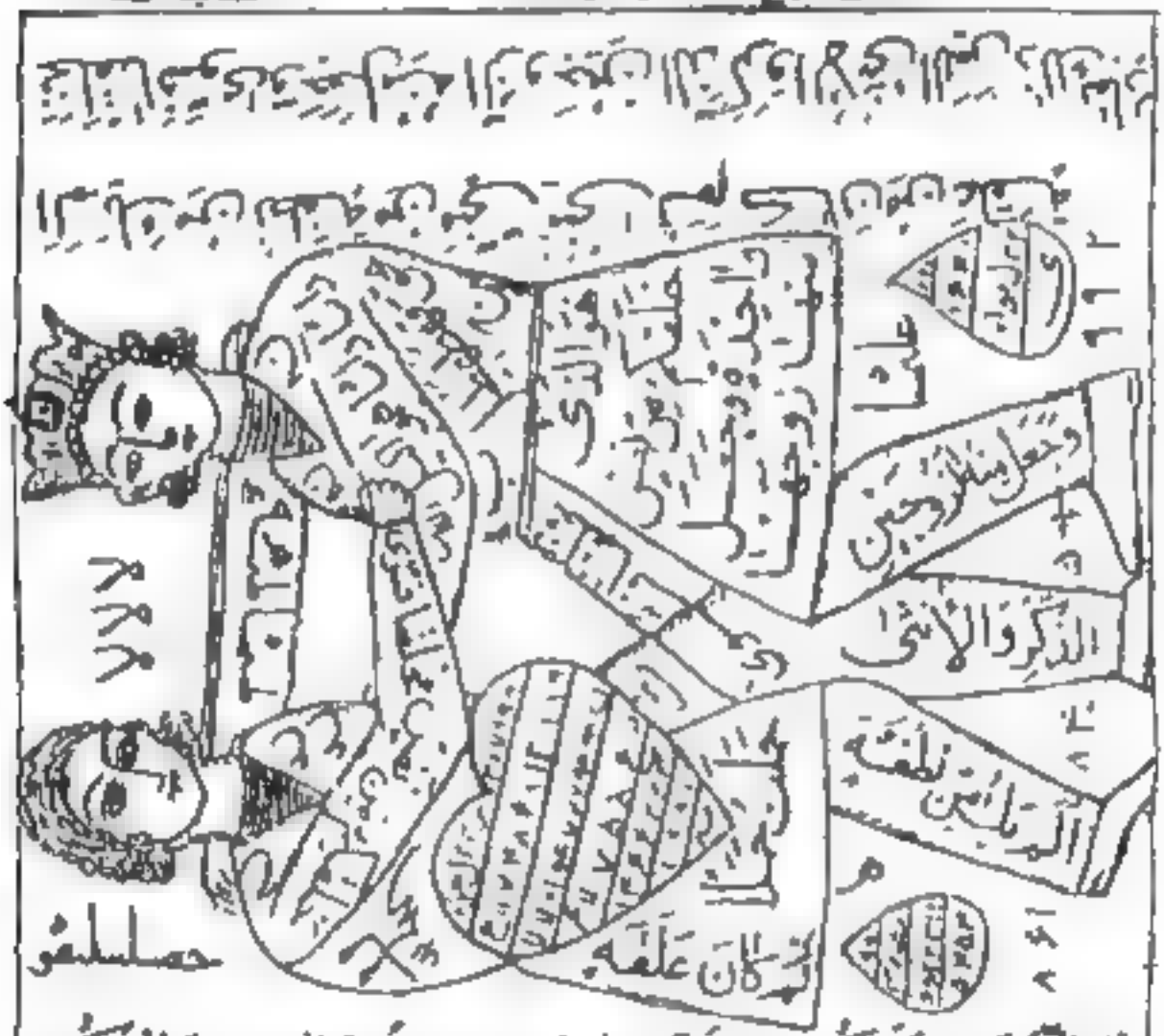

هو الذي خلقكم من نفس واحدة وجعل منها زوجها ليكون
إليها فلما تغشيها حملت حملا خفيفا فمرت به فلما أثقلت
دعوا الله ربهما لئن آتيتنا صالحا لنكونن من الشاكرين

باب الحب والعشق اگر خواهی کسی را از عشق خود بیقرار گردانی بنویس این
طلسم را بر کاغذ کرده در آتش انداز اگر بر شمال آب نویسی و در آتش
مدفون کنی مؤثر است اینست

فرقت بين الماء والنار فرقت بين اليهود والنصارى

گردانی که دیگر آن مرد در آن زن نظر نکند و جلو چشمش مانند دیو سیاه
گردد و با او همکلام نشود این شکل دیو را که در صفحهٔ قبل دیده
شد بر سیزده لوح از مس نقش کن آنگاه بر یک قطعه هفتجوش
سلیمانی حک نموده و بعدا بر لوحی از طلای ناب نقش نموده
و باز هم بر پارچهٔ که از کفن مرده باقیمانده باشد بنویس و
لوح طلا را روز جمعه در چاه آبی عمیق انداز و بگو سیاه کردم فم
زائیده فم را در نظر فم زائیده فم و لوح هفتجوش را در
قناة آب انداز و باز نیت سیاه کردن کن و پارچه را آورده
به قیر آلوده نموده و سوسکی را میان پارچه گذارده در قبر
شهید یا کشته دفن کن و باز نیت سیاه کردن کن و بعد سیزده
لوح مس را آورده و رویهم گذار و به بند با نخ سیاه و در
رودخانه انداز و نیت سیاهی کن اما زنهار که بحرام یعنی فعل
حرام از تو سر نزند و مبادا بین دو حلال را برهم زنی که لعنت
خدا و رسول و خلق او بر تو باد و دین هفتاد و دو ملت به
گردن تو باشد چون حمل تمام شد دستور سیاهی بعمل آید چنان سیاه
گردد که دیگر چاره نخواهد داشت و هیچکس باطل نتواند کرد احضار
نعل بی سوراخ از محمد بن شکاکی اگر خواهی کسی را احضار کنی که بنزد تو

آید این نسخهٔ نعل شش ملک را روی نعل بدین صورت نقش نموده
و اسم طالب و مطلوب را نیز نعل باین صورت کنده شود

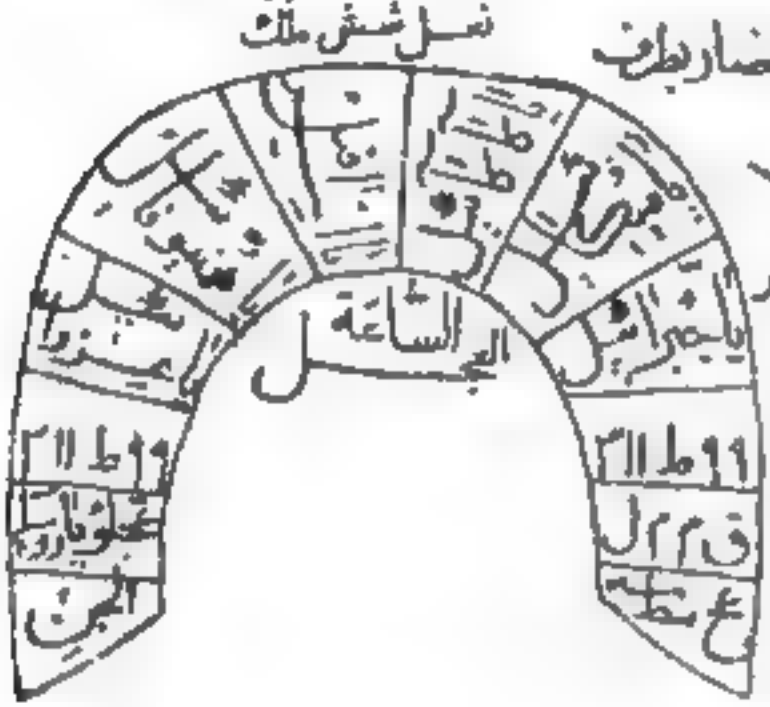

فلان زائیده فلان احضار بطرف
فلان زائیده فلان
و اگر برای محبت و احضار
خواهی باید کنده شود
انداختم محبت فلان زائیده
فلان را بدل و جان و
روح فلان زائیده فلان
و در وقت در آتش گذاشتن
بگوید یا طالیوث یا مالیوث ایا سیداه چون در آتش رود سه روز
بگذرد مطلوب سرگردان شود و چون زیاد نار احت شود خواهد
آمد و قتی بیرون آمد بیرون آور نعل را از آتش سردی و سیاهی
اگر خواهی زنی را در نظر مردی سیاه کنی از گورستان خالب بیاور
از هفت قبر و خشت بزن ساعتی که گذشت این نسخه را روی
آن بنویس باسم طرفین در گورستان برده و پشت سر را نگاه
مکن و پیوسته نیت سردی کن و بگو سرد کردم فلان زائیده فلان را از

فلان زائیده فر و بر سنگ گور زنی بزن تا خورد شود و پشت سر را
نگاه مکن تا از گورستان بیرون آئی چنان سرد شود که دیگر او را
نه بیند اینست تعریف و
سزدی بیاور چلواری از
کفن مرده و بشکل دایره
ترتیب دهه و سوره اذا زلزلت
را و ارونه روی آن بنویس
باسم هر کس خواهی و آن چلوار
در آب دست خود که شسته باشوی و آن آب را بجیکی از طرفین ده
تا بخورد و چلوار را وقت غروب آفتاب در گورستان کهنه
دفن نموده و بگو بریدم بین فرزائیده فر را و فر زائیده فر بحق
ایاك نعبد و ایاك نستعین و سوره بدین ترتیب باید نوشته شود
و اسماء طرفین هم در جایگاه اسمها اینطور باید نوشته شود
فمن یعمل مثقال ذرة شرا یره و من یعمل مثقال ذرة خیرا یره
اذا زلزلة و ارونه
اعمالهم لیروا اشتاتا یصدر الناس یومئذ اوحی لها بان ربك
اخبارها تحدث یومئذ مالها الانسان و قال اثقالها الارض و اخرجت زلزالها
الارض زلزلت اذا سرد شود و فر زائیده فلان از فر زائیده فر
و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون

ایضاً بجهت تفریق و مردی اگر خواهی مردی را از زنی مرد کنی و بین ایشان
عداوت و دشمنی افتد سوره اذا زلزله را بصورت دایره مقطع روی دایره
از چلوار بنویس و در گورستان در قبر کشته یا شهیدی دفن کن
و یا در خانه آن زن مدفون سازطوری نکند که بین آنها دشمنی و عداوت افتد

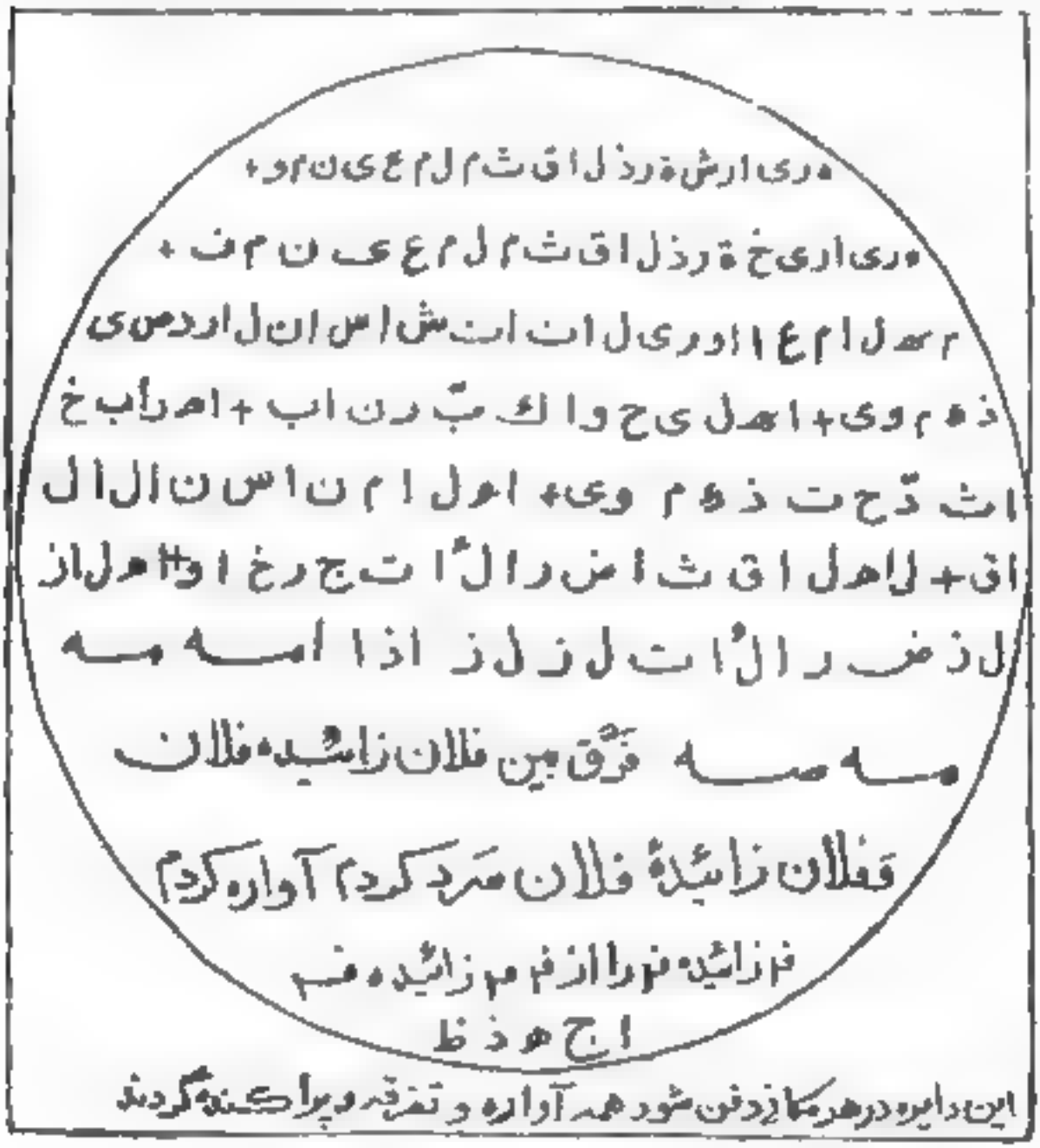

اگر خواهی کسی سفر نرود اگر کسی قصد مسافرت داشته باشد و خواهیکه سفر نرود

این مخمس را بر روی هفت ولو ارادوا الخروج لاعدوا له

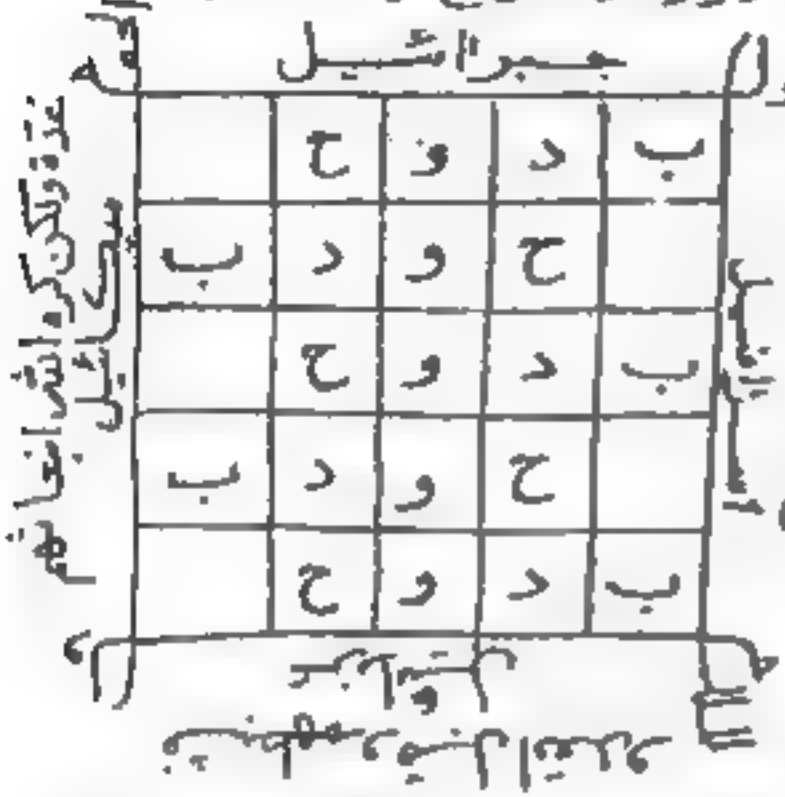

جوش یا سه جوش نقش قول

نموده و در کنار جوی

خانهٔ او دفن کن و

یا بر کاغذ نوشته

در خانهٔ او مدفون نما

و یا در محل میخ طویله

او دفن کن و بگو اقعد اقعد

جبرائیل

	ح	و	د	ب
ب	د	و	ح	
	ح	و	د	ب
ب	د	و	ح	
	ح	و	د	ب

البته آنکس از مسافرت پشیمان شود و از مسافرت دل بر کند

باب الحب والعشق اگر خواهی کسی با تو محبت پیدا کند و از عشق تو

بیقرار گردد بنویس این کلمات را بر سفال آب ندیده و در

آتش انداز و بگو سوختم دل و جان فلان زائیده فلان را به محبت

فلان زائیدهٔ فلان اینست ٩ ١١ ٣ ١١ ٩ ٤

✡ ١١٢ ٩٩٩٩٩ ٣ ٤ ٩٩٩ ١ ٩ ١١١١ ٣ ١١ ٩ ١ ٨ ١١١٩١١ ٧ ٦ ٦ ٣ ١١ ٢ ٩ ٨ ٨

١١ ٤ ١١ ٣ ٦ ٣ ٨ ٨ ١١ ٩ ٨ ٤ ٧ ٥ ٨ ٨ سوختم دل و جان تم الحریق الحریق الحریق الساعة ٢

احضار مطلوب اگر خواهی که مطلوب تو بیاید و محبوب تو گردد بیاور
موی سر او را و با موی خود با ابریشم سیاه هفت گره بزن و هر گره
که زدی یکبار این آیه را بخوان و بگو حاضر شود فم زائیده فم بطرف
فم زائیده فم آیه اینست (إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ
إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ) احضار مطلوب اگر خواهی
کسی را حاضر گردانی این شکل دایره را
بر کاغذ نوشته بسوزان حاضر
شود و اگر بر صفحه از کنده
شود و در آتش دفن شود مطلوب
هراسان بنزد تو آید و اما قدر
بدانید و بدست نااهل ندهید اما وقت سوختن باید نیت کنی و
بگوئی احضار کردم فم زائیده فم را بطرف فم زائیده فم و در اینمکان
احضار بنویس بر کاغذ و با هفت دانه فلفل سیاه در آتش انداز
لح لح احرقت قلب فم زائیده فم را بمحبت فم زائیده فم
ق ق ۲۲۲۲۲ ۱۱۱۱۱ لطح دوح ح ح مهه لحا
هه ۳۳۳ ث ث ث لطما الحریق الحریق الساعة ۳

احضار موری

احضار کاغذ قوی

احضار قوی کاغذ

احضار آتشی چون خواهی کسی را حاضر کنی این طلسم را روی پارهٔ

کاغذ بنویس و صبح و ظهر

و غروب با هفت دانه فلفل سیاه

در آتش دفن کن حاضر گردد و

اگر بر کاغذ نوشته بسوزانی

حاضر شود و اگر بر سفال آب

ندیده نویسی و در آتش مدفون

نمائی همان اثر را دارد و اگر بر

چلوار نویسی و بصورت فتیله

ک	۱۳۳	[illegible]	[illegible]	۹۶
[illegible]	[illegible]	و ه	[illegible]	ن
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	ق	س ه	[illegible]	[illegible]
ل	و ه	۷ ه	[illegible]	[illegible]

چالچکر نهند کوما دکر ا ه ا ه ا ه

احضار فر زائیده فر بجهة فر زائیده فر

با روغن حیوانی بسوزانی مؤثر است و اگر بر کت گوسفند نویسی و

بسوزانی حاضر شود اگر بر سنگ سفید نویسی و در آتش اندازی

مؤثر است احضار و محبت بنویس این اشکال را بر کاغذ و یا

بیضه مرغ سفید و در آتش دفن کن تا حرارت بدو رسد و یا کاغذ

را بسوزان بسیار مؤثر و تجربه شده بارها اینست عزیمه

عزمت علیکم یا بنات ابلیس و تنا طیفورش بنت ابلیس

بحق هذه العزیمه ۹۹۹ د د د ق ک ه ه ه حاضر گردد فر زائیده فر

بجت گشائی دختران بنویس بر کاغذ و بآتش بسوزان خواستگار پیدا
شود و یا بر سفال نوشته در آتش مدفون نما موثر است اینست
ثنا ثنا ضلمطح مطراه مرمرا اسلسلمر بوه الغثا ثورش یا نوة
الملوش هوش لناش طهراش خاش تملیشاه جلمیثاه کان اه
داه اندباه سکاه مهمسا طح العجل الساعة الحریق اجیبوا الوحا
مقابل شدن با کسی اگر خواهی با کسی مقابل گردی و با او حاجتی داری
و میخواهی با تو علاقه بهم رساند این اشکال را نوشته و بآتش مو
باذغال بسوزان که خاکسترش بدست آید و آنرا بجوشان ساعتی
و بآب ده و نزد او برو که با تو سخن نگوید مگر با خوبی و در نظرش
عزیز و محترم گردی اینست عهلا ۲۲ ل ق لیحواه صحر ۵۰۱۱ م
فیهم ملا ملیلو م صحسلیلوه ده ده وه وه حا صحلسه
سی ۹ سو علمهسا کعطمام د د د ۱۱ ث ل ۱۱۱۸ ع
احضار محبت بر سفال یا کاغذ نوشته و در آتش انداز موثر است
و بارها به تجربه رسیده اینست یا طالیوس
یا مالیوس آیا سیداه احضار فر زائیده فر بمحبت فر زائیده فر

بجهت رام شدن مطلوب اگر خواهی که محبوب با تو رام گردد و مطیع شود

مالك	یوم	ق	حی
واحد	۹۱	۵۷	ملك
۵۴	۸۹	۲۰	۱۰۲
مهون	۲۱	۸۸	محبت

و با معاشرت با تو میل کند در ساعت سعد این مربع را بنویس و شسته و به مطلوب ده تا بخورد مطیع شود و در حلقهٔ فرمان تو در آید و مسخر گردد

بجهت گشایش کار و فتح مهمات این مخمس را اگر روی طلا کنید و همراه نگاه دارید بسیار مؤثر است و برای زیاد شدن روزی و فتح در زندگی تأثیر زیاد دارد

الرقیب	الرقیب	الصادق	الوکیل
الرقیب	الرقیب	الوکیل	الصادق
الصادق	الوکیل	الرقیب	الباقی
الوکیل	الصادق	الباقی	الرقیب

و اگر بر کاغذ نویسی باسم خلق نیکوست و هر کس همراه داشته باشد کار او رونق گیرد و مردم با او مهربان شوند و ابواب رزق بروی گشاده گردد از بلا با مصون ماند

بجهت عزیز شدن و گشایش زندگی اگر کار کسی پیچیده باشد و از سایر اقران و دوستان و بستگان عقب باشد این مخمس را روی

العیوب	الخیر	الخیر	الهادی	الخلاق
العلیم	الخیر	الخیر	الخلاق	الهادی
الخیر	العلیم	الخلاق	الخیر	العیوب
الهادی	الخلاق	العلیم	العیوب	الخیر

طلا و یا هفت جوش یا سه جوش طلا نقره مس نقش نموده همراه کند کارش بالا گیرد

باطل سحر و نحوست اگر برای کسی سحر و جادو و یا بستگی کرده باشند و یا بخت
دختری را بسته باشند و یا کار مردی یا زنی را بسته باشند این آیه
را نوشته و شسته و آب را بر سر ریزد و دست بمالد همه جای بدن را و نیت
به باطل شدن کند و بگوید باطل کردم تمام سحرها و بستگی ها و نحوستها
وقتی تمام آب را بر سر ریخت لباس بپوشد آیه اینست وقل جاء الحق
وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا بسم الله الرحمن الرحیم
انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان فهم مقمحون یا
الله یا الله یا الله یا هو هو هو هو حنان منان دیان سبحان
برهان ۹۹۹ ل ك ۱۱۱ ۱۱۱۱۱ ه م م صا مه ا سم ا ه ۲ ۲
۹ ما هه ب ا ر الا الا الا ر و و ا ه ۳ ۱۱۱ ل ع ع ع لا
ف ۲۲ ه ه ا ه ۳۳ ع ۱۱۱ ه ۱۱۱ ۱۱۱ ۹ ه ه ۱۱۱ ۶ ه
فلح طلح صاه اه بهو طمعو دا ☆ ۱۱۱۱ مح ۱۱۱ ه ه
مثلثا عمشا احضار محبت این مثلث را بجهت احضار محبت

ت ۱۲۴	ك ۹۹۵	ت ۸۰	ع ۱۹
۲۲	۵۵	۹۹۶	۸۱
۱۲۵	۲۳	۸۲	۵۷
۱۸	۹۹۸	۱۲۶	۹۹۷

روی نعل نقش نموده و در آتش
دفن کن و یا بر کاغذ نوشته در آتش
بسوزان موثر است و بتجربه رسیده

جهة بستن شهوت مرد اگر خواهی که شهوة مردی را بر روی تمام
زنهای عالم ببندی که دیگر قادر با نشستن با زنان نباشد و از هیچ
طریقی باز نشود و مردی
نداشته باشد ابتدا
باید بیست مثقال برنج
و معادل برنج طلا و
و هموزن طلا نقره را
در بوته زرگری آب کنی
و این سه فلز باید مساوی
باشد و بصورت شمس
در آوری و پهن نمائی
و هفت لوح باین شکل
که در این صفحه نقش شده
در آوری و صورتها با آیات
روی آن لوحها نقش نمائی
در ساعت عطارد که مریخ
بمشتری نزدیک و تحت الشعاع

وقتی لوحها تمام شد بیاوری رودهٔ گوسفند سیاه و هفت قطعه نموده
و هر قطعه را بر یک لوح گره زده و بگوئی بستم ذکر فلان زاده
فلانرا بر فرج تمام زنهای عالم بحق ایاک نعبد و ایاک نستعین
و لوحها که با روده ها بسته شد طالب باید در روز جمعه اول ماه
با دست خود لوحها را در چاه آب یا قناة اندازد و بگوید یا طالیوث
و بعدا تا چند روز کارهای دیگر را انجام دهد چنان بسته شود
که با هیچ زن هم بستر نشود شیخ بزرگ سکاکی فرماید که هیچ
بستن بهتر از این نباشد و باطل نشود مگر پوست سیر و پوست

ث ۹۹۹	ق ۳۰۷	ک ۹۷۰	م ۴۰۵	ی ۵۹۹
مهما	[illegible]	سعا	[illegible]	سط
مح	داه	[illegible]	لاه	دد
[illegible]	ب	ب	ن	۲ لا
۱۲۹	محرم	۵۰	م	س

پیاز و پوست سنجد و ریشهٔ بید
مجنون را چهل روز بخور کند جهت
بستن شهوت مرد اگر خواهی مردی
را بروی تمام زنها به بندی که
گشوده نشود مگر با ارادهٔ تو این
مخمس را روی لوحی از طلا نقش نموده و نام مطلوب را پشت طلسم
کنده و کنار گورستان یا کنار جوی آبی مدفون ساز و این طلسم
را روی تخم مرغی نوشته و در پای درخت سیب دفن کن موثر است

طلسم اینست ثغبلیام ثنشیاه لینا هولا تمیثا لغمثا بحق هذه الطلسم

تمخیشا یاغیشاه اه اه اه اه اندانه اه اه اه هولاه لادینا دامیاه هوها و بستم بستم

بستم بسته باد ذکر فم زائیده فم را بر فرج تمام زنهای عالم احضار و محبة

اگر خواهی کسی را حاضر کنی که با تو محبة داشته باشد این اشکال را بر

قطعه کاغذ نوشته و با هفت فلفل بسوزان اینست ۱ ۱۱۱۷۷۱ ع

ع ۲ م ۱۱۱ ک ۱ ه ص ع ۷ ص لا ه و ۷۷۱ ط ۵۱۹۲ ح

م ۲ ه ه ه ه ک ۱۱۱۱ ح ۱۱۱ لمهع ۱۰ ۱۷۳ ولح

سوختم دل و جان و شهوة فم زائیده فم را بمحبت فم زائیده فم بحق الملک

الموکل علیکم الطائعین لامره قهطلطیفیل امحلیلحواه هج

احضار بر موی سر

این عزیمه را بر موی سر مطلوب بخوان و بسوزان مؤثر است بحق

کاکائیل و بنت ابلیس و ذو بعد الطیار و همه دیوان و بحق هذه

الکلام العجب الساعة حاضر شود فلان زائیده فلان بمحبت و مسخر

فلان زاده فلان الساعة الساعة الساعة الحریق الحریق الحریق

احضار و محبة بر سنگ سفید نوشته و در آتش اندازد باسم طرفین

احرقت قلب فم زائیده فم علی حب فم زائیده فم العجل العجل ۵ ل م م ۹۹۹۱ ه الساعة الذی

جهته احضار اگر خواهی حاضر گردانی کسی را این عزایم را بر بیضهٔ مرغ سیاه
نوشته و در آتش دفن کن اینست عزمت علیکم کو یا من بو یا من یا
قور سو اسلس احیر یا من یا فتح یا سمح بو یا سیح عیتیج لوضی اس
برید احرقت و حرکت و لینت و سخرت قلب و لسان و عیون و شهوة
فرزائیده فی علی محبت و عشق و هوس و وسوسه و قبول قول فی زاده
قودوش و صوب بسور تسو و صوقلی طهه سه مروق لهوا سا بحکم
عیلسز کهف حج مکر یکا برد دشت دحج حج بک ول سر مسر کلحر
هرحمك سططعم سلکم سد هندان جاد سلنا العجل)

۷۲۳	۷۲۷	۷۳۰	
۷۲۹	۷۱۸	۷۲۳	۷۲۸
۷۱۹	۷۲۸	۷۲۵	۷۲۲
۲۶	۷۲۱	۷۲۰	۷۳۱

جهته محبت صد و یک و یا هزار و یک بار بر شیرینی
بخوان و بخورد مطلوب ده ما یفعل الله بعذابکم
ان شکرتم و آمنتم و کان الله شاکرا علیما
جهته محبت هزار و یک بار بر شیرینی بخوان و بدهد مطلوب بخورد مطیع گردد
و القیت علیك محبة منی و لتصنع علی عینی یا رفت عائیل بحق یا
بدوح یا غر مائیل بجهته احضار اگر خواهی کسی را احضار کنی که با
محبت به نزد تو آید و هیچکس جلوی او را نتواند بگیرد این
شکل را بر نعل اسب نقش نموده در آتش کند وقتی که ساعت سعد باشد

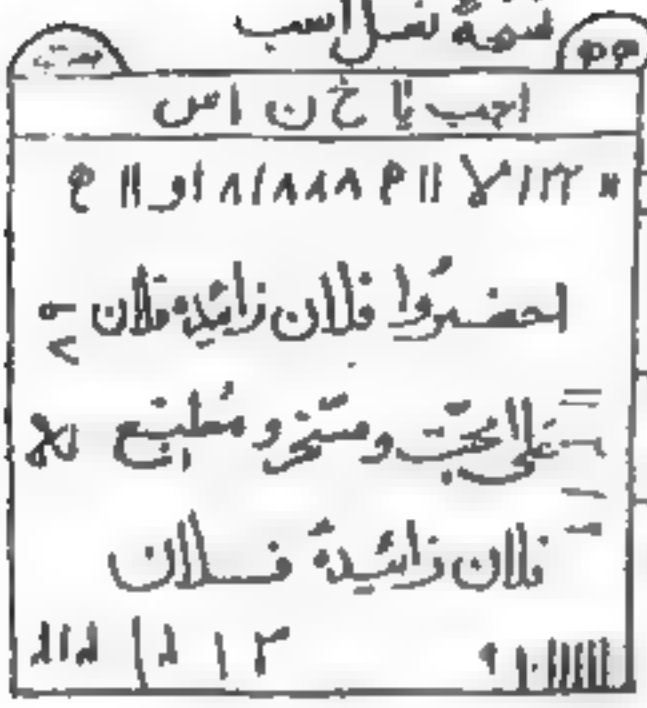

نسخهٔ نعل اسب

اجب یا خ ن اس

احضروا فلان زائیده فلان

علی محبت و مسخر و مطیع

فلان زائیدهٔ فلان

جهت احضار بر کاغذ یا چلوار
نوشته و فتیله کند و شب
بسوزاند اینست یا طهاس
هسلس کهوکومن لیاه سو
سارسورس مهاعرت جینا
ورت اهلی عرت کعوس
نرموس طهوسوس الملوس
کوهوس لناسوس ماؤس
مناهنا لوس دالوهیا فیالوس اه اه اه بحق هذه الاسماء المبارکة
م ۱۲ ـ ۷ ـ هه سح ههه لسسح جهت محبت بر پارهٔ از لباس
مطلوب نوشته و در ظرف سفال سبز بسوزان ه ۱۱ ۲ ۴ ۳ ۰ ط
۱۱۱ ۴ ۱۱ ل ط ط ۶ ۱ ر ۶ ۱۱ ۴ ۱۱۱ ۴ ح ه ۲۲۱ ۴ ۳ ۰ ط ۱۱۱۱ ۲ ۴ ۱۱ ل ط ط ۶ ۶ ۱۱ ۶ ۱۱ ۶ ۱۱ ۲ ح
احضار محبت این اعداد را با مشک و گلاب و زعفران و آب باران بر تخم
مرغ سیاه نوشته و کنار آتش گذارد که نسوزد مقصود حاصل شود
و به نزد تو آید با محبت و هراسان شود و الفت پیدا کند بارها
بتجربه رسیده و از کتاب شیخ محمد سکاکی علیه الرحمه است

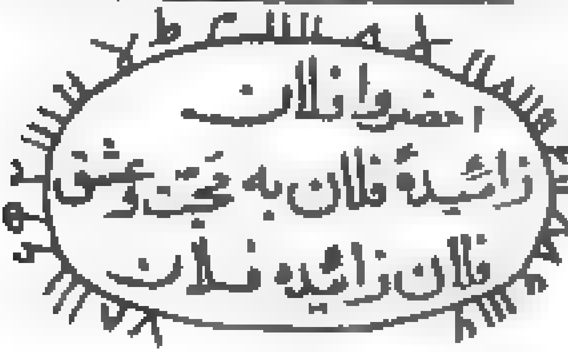

مخالفت نکردن اگر خواهی نزد
کسی روی که با او حاجتی داری
و میخواهی که با تو محبت پیدا
کند بنویس کف دست راست و به نزد او حاضر شو و بخواه مقصود
خود را که عمل کند بمیل تو اینست ل ط طه
حیله اسنار اگر عزایم بزرگ را عزیمت علیکم یا اصحاب السر والوسواس
الی آخر روی پاره حلوا از نوشته و باسم طرفین باشد و فتیله نموده
با روغن کنجد شب بسوزاند حاضر شود و اگر بر سنگ سفید نوشته
باسم کننده شود و در آتش دفن شود مؤثر است و یا بر کاغذ نوشته
فتیله کرده بسوزاند مجرب است تجیب و لحضد این شکل دل را

برای محبت و احضار روی کاغذ زرد نوشته
باسم طرفین و در دل گوسفند گذاشته
و دل را در گل گرفته و کنار آتش دفن کند
مؤثر است و تجربه رسیده مدت سه روز در آتش بماند

وَ زبان بند

جهته محبت و احضار اگر خواهی کسیرا احضار کنی و یا کاری کنی که

با تو محبت پیدا کند این
شکل را نوشته مقابل
قبله در باد بیاویز
و اگر نوشته را بشوئی
با آب و به مطلوب
دهی تا بخورد مؤثر
است و اگر روی لوحی
از سه جوش سکاکی
طلا مس نقره نقش
نمائی باسم خلق و همراه
تو باشد همه تو را دوست
خود گیرند و زبان جمیع
خلق الناس بروی تو
بسته
گردد و اگر روی کاغذ نویسی و همراه تو باشد همان خاصیت را دارد

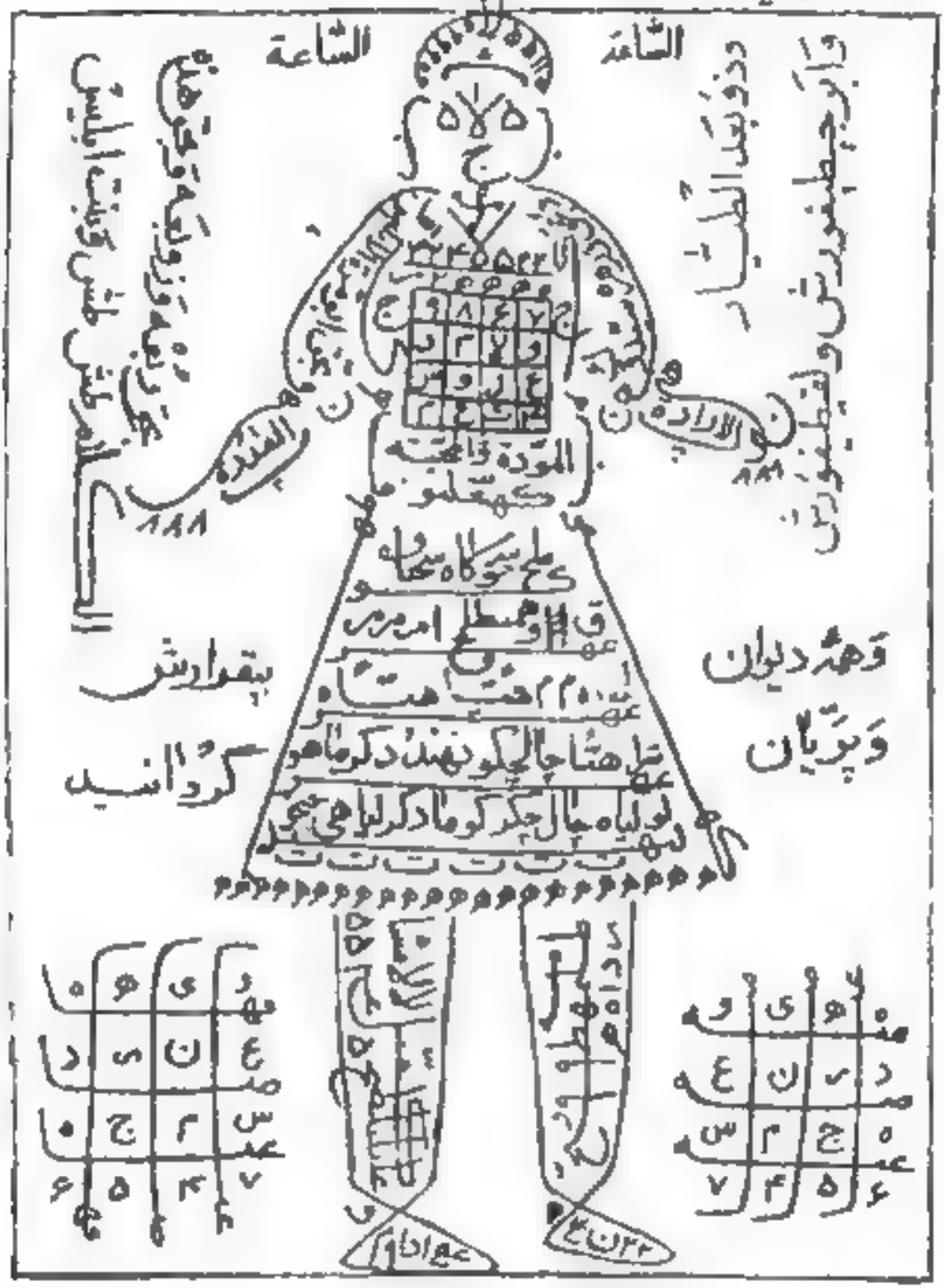
الساعة
الساعة
وهمهٔ دیوان
وپریان
بیقرارش
گردانید

احضار و محبت اگر بکسی عاشق داری و میخواهی بنزد تو آید و آرام و
قرار نداشته باشد طلسم صفحهٔ قبل را روی چهار پاره هفتجوش
نقش نموده در ساعت سعد و یکی را در باد بیاویز و یکی را در آب
انداخته و یکی را در خاک دفن کن و یکی را در آتش گذار البته
حاضر شود بنزد تو با محبت و اما اگر روی چهار قطعه مس نقش کنی
و روزی یکی را در آتش گذاری مؤثر است و اگر بر چهار پاره
کاغذ نوشته و یکی را در گل کنی و در آتش دفن کنی و یکی را در آب
اندازی و یکی را در باد بیاویزی و یکی را در خاک دفن کنی مؤثر است
و اگر روی چهار قطعه سفال نوشته در آتش اندازی هر روز یکی ،
برای محبت نیکوست و اگر روی پارهٔ از پوست آهو نوشته باسم
تمام خلق و همراه کنی همه مردم با تو دوست شوند و زبان خلق بروی
تو بسته گردد و اگر روی لوحی از طلای ناب نقش کرده و همراه تو باشد
همه مردم با تو بجوشند و تو را عزیز دارند و از حرف تو بیرون نروند
محبت مرید بر سفال آب ندیده نوشته باسم طرف در آتش اندازد
و یا روی کاغذ نوشته عرشب ، شبی یکی را با ۷ دانه میخک در آتش انداز

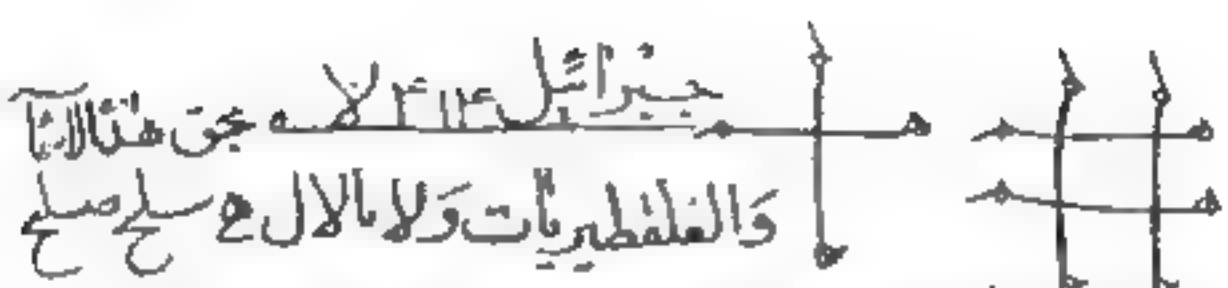

جبرائیل ۴۱۴ لا ه بحق هذه الاسما
والغلقطیریات ولا بالال ه سلح صلح

لا نوم ولا بنام فم زاده فم محبت وعشق وهوس ومطیع فم زاده فم

اعتبار ومحبة چون خواهی مطلوب را حاضر کردانی این طلسم را
روی نعل بی سوراخ کنده ویکرو چربی ویکرو شیرینی مالیده ودر آتش
دفن نموده اینست

ک	ک
ک	ک

ک	ک
ک	ک

ع	ک
ع	ک
ع	ک
ع	ک

سلح ۱۱ ۱۱ ط یا اهل النار وابلیس اهل النار براسمعه

ش ۱۱۱ ۵۵ ۸۱۱ ۲۶ ع ۱ ۳ ۴ ۱۱۱۱ ۸ ادم

لس ۲ ۱ ۲ یا ابلیس احلان ری
یا ذاکهش یا ملحوثا احضروا و
احرقوا دل وشهوة فم زاده فم بمحبة فم زاده فم

۳۵۹	۳۶۲	۳۶۵	۳۵۲
۳۶۴	۳۰۳۴۲	۰۵۸۱۶	۳۶۸
۳۶۴	۳۶۷	۳۶	۳۵۷
۳۶۱	۳۵۶	۳۵۵	۳۶۶

زبان بندی هرگاه کسی این آیة واعداد را روی طلا در ساعت
سعد نقش نماید وهمراه نگاه دارد زبان جمیع مخلوق بروی او
بسته گردد ۹۹ ول وع واه ق وهلا سح ۲ ۲ ۰ سبحانه
انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان فهم مقمحون

واگر خواهی کسی را از شهر و یا از خانه آواره کنی بنویس این طلسم خمسه را در پاشنه کفش
در خانه آنکس دفن کند در مدت سه روز آنکس آواره شود

[illegible] ۳ ۱ ۰۰۰ [illegible] ۲۲۲ ۳۳ ۹ ۰۰ ۱ ۰

[illegible] ۲۲ ۳ ل ۳ ۲۲ ۲۲

[illegible] ۲۱۰۳ ۳۳ ۴۷۸۸

بجهت بستن بستانده زه قوس ندافان و وی را هفت عدد عقد کند و بهر عقدی یکدفعه این دعا
بخواند و به بندد چنان آنمرد بسته شود که اگر استادان جمیع عالم بیاورند و وی را نگشایند
نمی توانند گشود و این دعای مبارک این است بسم الله الرحمن الرحیم انا صببنا الماء صبا ثم
شققنا الارض شقا فانبتنا فیها حبا و عنبا و قضبا و زیتونا و نخلا و حدائق
غلبا و فاکهة و ابا متاعا لکم و لانعامکم بستم رجولیت فلانی را در حق فلانه بحق
کهیعص و بحق حمعسق و چون هفت عدد عقد نمود نموده آنرا در توی روده گوسفند
گذاشته و در قبر ترسایان دفن کند بسته شود و از برای دوستی این دعا را بنویسند
بر کاغذی و از باد بیاویزند هر چند باد وی را محرک شود محبت در میانه شان زیاد گردد
و بجهت مطلوبه قرار و آرام در نمی ماند بسم الله الرحمن الرحیم طیسوه هیوه هین العجل محبت انداختم
در میان فلانه و فلان بحق [illegible]

[illegible] ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۸۸۱۱ ۱۱۱ ۹ ۱ [illegible] ۱۱ ۸ ۱

باب الحب بر سفال آب ندیده نوشته روز یکشنبه وقت بر آمدن
آفتاب و در آتش مدفون کن ۲۶ ۱۱۱۱۱ ۶ ۶ ۱۲ ۶ ۰۰ راه
۲۵۰۸۰۳۰۹ و ۱۴ لا ۰۰۰ ۱۷ ۲ ۱۶ ۱ باب الحب
این طلسم را در ساعت سعد بر تخم مرغ سیاه نوشته و
و در ساعت سعد در آتش مدفون کن که بسیار مؤثر است
باید اسامی بدین طریق روی بیضه نوشته شود فرزاده فر بمحبت و مسخر
فرزائیده فر ۱۱۱۱۱۱۱ ۶۶ ۷ ۳ ۱۱ ۹ م ۱۱ ۶ ۹ ۱ ۰۰۰ ۱۱۱

ایضاً جهت احضار اگر خواهی کسی بطرف تو آید و با تو دوست شود و الفت
بهم رساند بنویس بر بیضه مرغ سیاه شب جمعه و یا روز جمعه و یا سه
شنبه و پهلوی آتش دفن کن مجربست زنهار بحرامی نباشد
الله ۶۶۶۶۶۶ ۱۱ ح ج ۹ ۹ ۱ ۶ ۶ ۶ ۲ ۱ ۲ ۱ ۷ ۶ ۶ لا لا اله
و ع ع دو ۶ ۱۱ ن لا ۱۱۱ ل فلان زائیده فلان احضار بطرف
فلان زائیده فلان بجهت احضار مطلوب
این مربع بدوح را روی کاغذ نوشته
روز جمعه و در جایگاه باد آویزد که باد
آنرا حرکت دهد البته باسم مطلوب

ح	و	د	ب
ن	۲	۶	2
و	ح	ب	د
۲	ن	2	۶

سیاه کردن وجدائی بزرگ اگر خواهی که زنرا از چشم تمام مردهای
دنیا بیندازی و یا اگر زنی هوو داشته باشد که اسباب اذیت
و ایذای اورا فراهم کرده باشد و ظالم باشد و بخواهد که آنزن
از نظر شوهرش بیفتد طریقهٔ عمل چنین است ابتدا باید چهل
قطعه هفلجوش سلیمانی بسازد و سورهٔ القارعه را بصورتی که نوشته
میشود روی آن چهل لوح نقش در ساعتی که زهره نزدیک آفتاب
باشد و اسم زن و مرد را نقش نماید و هر روز یکی را با سرکه جوشانده
یا در خانهٔ آنزن بپاشد و در آب روان بریزد و بگوید سیاه کردم فلان
زاده فلان را در نظر فلان زائیده فلان و همان روز طلسم را در کفن مرده
بپیچیده و در گورستان دفن کند و یا بادست خود در چاه یا چاه آب
عمیق اندازد و باز همان نیت کند روز چهلم که عمل تمام شد آنزن
از نظر آنمرد خواهد افتاد و ترک هم را خواهند نمود و اگر خواهی
بین دو نفر کدورت و دشمنی اندازی بنویس بر کفن میت و با پیهٔ گاو
سیاه و ناخن دست میمون ماده و در مقبرهٔ قدیم دفن کن و بگو
بدا کردم فلان زائیده فلانرا از فلان زائیده فلان بحق ایاک نعبد و ایاک نستعین

وَاگر بر کاغذ آبی نویسی وَ در حقهٔ گلی گذارده وَ در گورستان کهنه دفن
نمائی برای دشمنی وَ عداوت مؤثر است وَاگر بر دو پاره از جامهٔ
طرفین نوشته زیر سنگ نهی محبت زنهار که بین دو حلال
نکنی که آتش جهنم بر تو مبارک است وَگناه کبیره کرده وَ توبه
نو قبول نخواهد شد وقت نوشتن باید که پشت بر قبله باشد

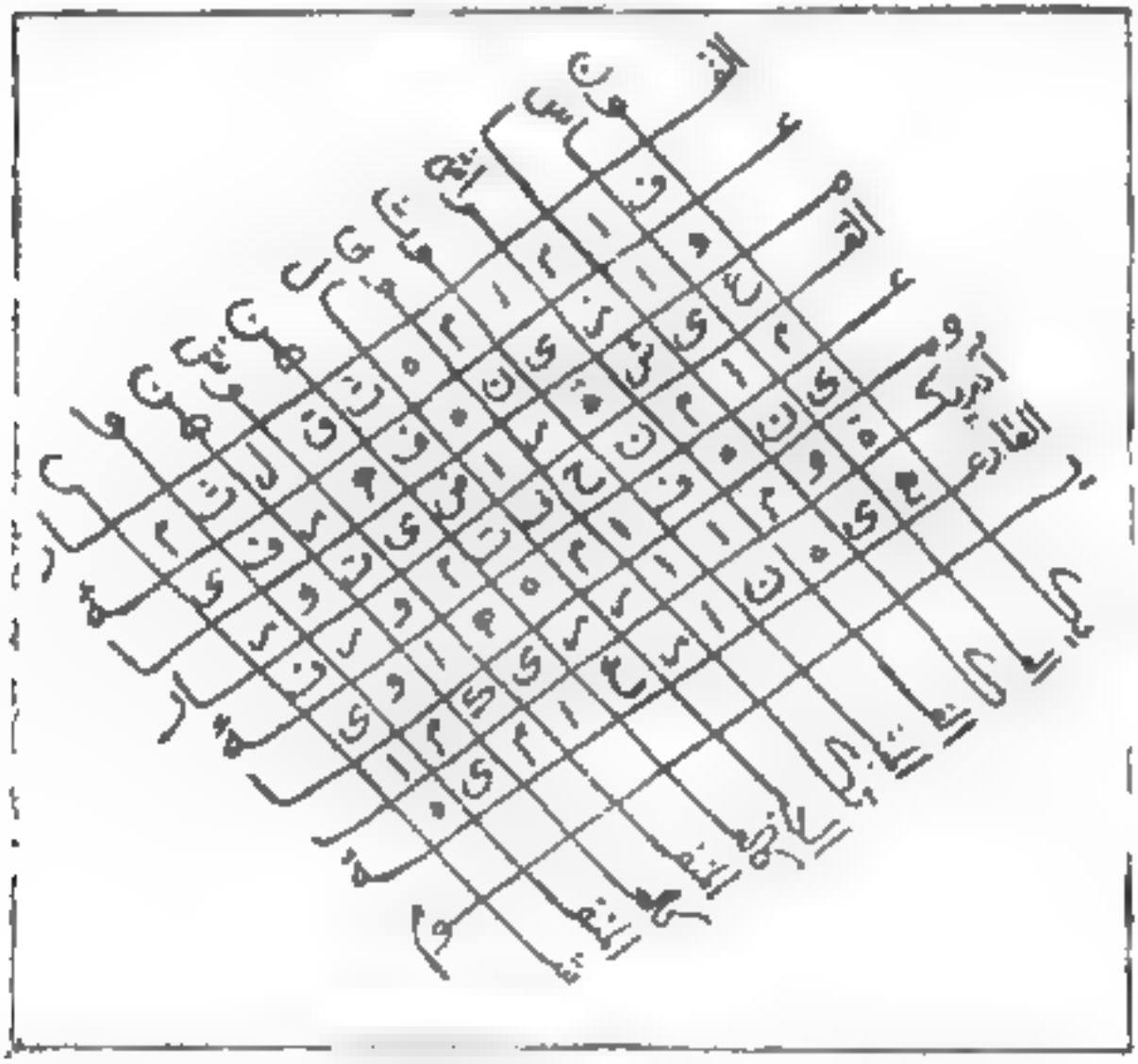

بجهت تحبیب خلق مربع وانه لحب الخیر

لشدید برای محبت خلق و گشایش

کار و زیادتی روزی و پیشرفت

کارها مؤثر است روی مس یا طلا

و یا نقره و برنج باید کنده شود و همراه

نگاهدارد همه با او الفت و دوستی پیدا کنند و در نزد مخلوق محترم گردد

در ساعت مشتری ۷۸

لشدید	الخیر	لحب	وانه
الخیر	لشدید	وانه	لحب
لحب	وانه	لشدید	الخیر
وانه	لحب	الخیر	لشدید

مسافرت نرود اگر خواهی کسی مسافرت نرود این شکل را نوشته

روی کاغذ و در خانه او دفن

کن از رفتن پشیمان گردد

و اگر بنویسی روی کاغذ و زیر

سنگ گران گذاری منصرف

گردد تحبیب خلقی

اگر خواهی حرف تو افضل باشد ع ۷ ل ۷ ۷ ۹ ۹ ۸ ۲ ۱ ۹

این آیه را بر پوست آهو نوشته با زعفران و گلاب و همیشه همراه نگاهدار

بسیار مؤثر است و الف بینهم و بین قلوبهم لو انفقت ما فی

الارض جمیعا ما الفت بینهم و لکن الله الف بینهم انه عزیز الحکیم

بجهت ترسیدن اگر کسی دیوانه گردد و کف بلب آورد و یا بخندد و یا بگرید
این تعویذ را نوشته با خود دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم
تبارک الله الذی سبحان الله الکریم القدیم العظیم بنام نوزائیده
۱ ۹ ۶ ۱۱ ۶ ۱۱۱۱ ۶ ۱۱۱۱ و لام ۶۶ م م ۱۱ ط ۹ و ۹ ۱۱ ط ۱
بجهت ترسیدن کسی که بترسد و بلرزد و بیهوش شود این تعویذ را
همراه خود دارد شفا یابد اینست بسم الله الرحمن الرحیم
م م م ا و ا ۸ ۶ ۶ ۱۱۱ ۱۱۱ ۶ ۱۱ ۶ ۶ ۱ ۹ ۱ ۹ ط م م ا م لا اله
الا الله محمد رسول الله علیا ولی الله انه من سلیمان
وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلموا علی و اتونی مسلمین
مفلوج شدن بجهت فلج شدن دست و پا و لرزه اندام این تعویذ
نوشته با گلاب و زعفران و همراه نگاه دارد بسم الله الرحمن الرحیم
یا بصیر یا مالک یا ناصر یا فود یا معین یا سمع یا علیم
لح ۱۲ ۱۱۱۱۱۱۱۱ ۹ ۱۱۱۱ و لا ۹ ۹ ۹ ۱۱۱۱ ۹ م ۹۹ ۱۱۱۱ کسی که زبانش بسته گردد
و هیچ نتواند گفتن این را با خود نگاه دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم
الرحیم ارقبل سقیک من کلاه تغیر لک علی انزل الله تبارک الله

ابعد ابسم معاف الله السلیة یا حنان یا منان [illegible]

[illegible] تفریق اگر خواهی میان جماعتی تفرقه اندازی این

آیه را بر شنبلیله و اسفند بخوان و بخانهٔ آنها بپاش پراکنده و از همدیگر

جدا شوند اینست بسم الله الرحمن الرحیم إِنَّ شَانِئَكَ وَانْحَرْ لِرَبِّكَ فَصَلِّ

كَالْكَوْثَرِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ جدائی و تفریق اگر خواهی میان دو نفر جدائی

اندازی از شمع آدمکی بساز و این طلسم را بر کاغذ نوشته و در شکم

آدمک بگذار و در گورستان کهنه دفن نموده جدائی افتد و وقت

دفن کردن بگو جدا کردم فلان زاده فلان را از فلان زائیده فلان

[illegible]

کهیعص کعیلفت بسم الله الرحمن الرحیم إِنَّ شَانِئَكَ وَ

انْحَرْ لِرَبِّكَ فَصَلِّ كَالْكَوْثَرِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ جدا کردم فلان زائیده فلان را

از فلان زائیده فلان احضار اگر خواهی کسی را بنزد خود حاضر

کنی و با او حاجتی داری که میخواهی با تو

محبت پیدا کند این مربع را روی

قطعهٔ از مس نقش نموده و در آتش

دفن کن یا بر کاغذ نوشته با ۷ فلفل بسوزان

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

نعل بی سوراخ احضار اگر خواهی کسیرا احضار کنی که بیاید و با تو محبت داشته
باشد این اشکال را روی نعل بی سوراخ نقش نموده در روز ۴ شنبه
یا شنبه باسم طرفین و در آتش دفن چون دو روز بگذرد بسوی تو
بیاید با محبت اما در این دو روز این مربع را که کنار نعل نوشته روزی
سه مرتبه بسوزان و دیگر دست بعملی نزن که زیان دارد اینست

مربع نعل

سط ۴	ی ۹	فا م	سط ۴
بالا	صحا	صح	ی و ۳
م و ۳	هما	ان	۹ لا
سط ۴	فا	د ۹	سط ۴

احضار کردم فلان زاده فلان را
بمحبت و عشق و هوس فلان زاده فلان
بجهت احضار با لباس مطلوب اگر خواهی کسیرا احضار کنی که حاضر شود
بمحبت تو پارهٔ لباس مطلوب را بیاور و این طلسم را بنویس و
و در ظرف سفالین بسوزان مؤثر است اینست [ک ک ۴ م]
کعصا طمشهوم لا لا لا لا لا بحق ابلیس اهل النار یا بنت ذاکهش
داهکش ریاهکش سوختم دل و جان فلان را بمحبت فلان ۱۸۴۵۴۵ العجل الساعة

بستن شهوت مرد اگر خواهی که شهوة مردی را به بندی که باز نشود مگر

۲ ا ح	ک و	دا عو	ع م	ا ق
جا	۲۲	دو	۲۸	۲۱۱
۱۱	ح	و	ش	۴۰
تکم و	ش	ب	و	ب ۵۰۴
المسا	ما ما	لاه	اخ	ح ا

بدست تو و ارادهٔ تو این طلسم را روی
چهار جوش کنده در ساعت اول آفتاب
روز جمعه و ابریشم هفت رنگ را باید
بتابی و یکرشته کنی و دور چهار جوش
گره بزنی گره اول را که شروع کردی بگو
بستم شهوة فلان زائیدهٔ فلان را بروی تمام زنهای عالم و بهمین ترتیب
هفت گره میزنی و نیت میکنی وقتی عمل تمام شد هفت مرتبه میگوئی یا عثمان
بن سعید و میدمی بطلسم آنگاه طلسم را کنار گورستان کهنه و یا در
مقبره قدیمی دفن میکنی چنان بسته گردد که هرگز باز نشود مگر پوست
بید و رازیانه و پوست سنجد و ریشه بابا آدم را با این اسم دود کنی
اسم و طلسم دود کردنی اینست یا لیاغوة یا جینا لیوة باز کردم فم زائیده فم را
[illegible] سلسلسا باز
اگر کسی و وسوسه گناه اگر کسی بخندد یا بگرید و یا فکر و یا وسوسه بسیار کند
نوشته همراه کند بسم الله الرحمن الرحیم لهواه ه ه مهواه سوا الهکم داه
سلا الرحیم اصبا و ث آل شدی برحمتک یا ارحم الراحمین

اگر خواهی با مردی ازدواج نمائی هفت لوح هفت جوش ریخته و این شکل در ساعت سعد
روی آنها نقش نموده و هر روز یکی را در آتش گذاشته روز اول باید چهارشنبه
باشد و هر کدام را که در آتش
دفن نمودی باید بگوئی سوختم
دل و جان و شهوة و فرزاده
فم ازدواج نماید با فرزاده فم
اگر خواهی محبة مردی را جلب کنی
این شکل را روی سه جوش
طلا نقره مس مساوی نقش
نموده سه روز با فلفل و سرکه

۲۲۵	۳۳۴	۲۲۷	۳۲۶	۳۳۶	۳۲۳
۳۸۵	۳۹۱	۳۷۸	۳۱۷	۶۱۷	۳۲۵
۸۹۹	۹۷۳	۲۴	۲۶	۱۱۷	۳۲۲
۳۰۱	۵۴	۹۹۰	۵۴	[illegible]	۳۲۲
۸۷۷	۷۳۹	۴۰۶	۲۵۹	۵۹۹	۳۲۵

و گلاب جوشانیده و بعد سه روز در آتش گردو بماند و اسم طرفین باید نقش شود
و اگر خواهی به نزد شخصی روی و با او کاری داری و خواهی هر چه گوئی
حرف تو را قبول کند روی کاغذ نوشته با هفت دانه فلفل سیاه باسم او
بسوزان اگر خواهی زبان تمام خلق بروی تو بسته باشد همین شکل را روی
لوحی از طلا نقش نموده و همیشه همراه نگاهدار و اگر روی چهار جوش
طلا نقره مس برنج نقش نموده همراه کنی باسم خلق مردم با تو دوست گردند

ازدواج کردن اگر خواهی ازدواج نمائی با شخصی و خواهی که آن زن
ترا بهمسری قبول کند و تمام موانع برطرف شود و کسان آن زن
توبه بپسندند و زبان کسان او بسته شود و آنچه گوئی قبول کند
و همیشه تا آخر عمر از تو دست نکشد و مطیع تو گردد و قلب آن زن را
تسخیر نمائی طریق عمل چنین است ابتدا چهل و یک قطعه کاغذ را بشکل
دایره و بشکل بشقاب ترتیب دهی که چهل عدد مس و یکی هفت جوش
سلیمانی باشد و حکاک بیاوری و لوح صفحه مقابل را روی یکایک
آنها نقش نمائی حکاک باید پاک و در تمام ساعاتی که مشغول کار است
شیرین کلام باشد و با کسی سخن نگوید وقتی که حکاک مشغول
کار میشود باید ساعت سعد بوده باشد قمر در برج آتشی و زهره
نزدیک به برج خاکی و مریخ نزدیک عطارد وقتی که تمام لوح
تمام شد لوح هفت جوش را باسم مطلوب در آتشی که از چوب
مو باشد گذاشته و چهل بشقاب دیگر را چهار رقمت نموده و در
چهار چاه یا برکه و یا قنات انداخته و بگوید یا صاحب الزمان
بعد از آن سماور سلیمانی را با طلسمات بجوشاند و فتیله بلفس را الله شب

وتخم مرغ سیاه جزرانی را کنار آتش دفن نموده و این اسماء را ع
شب پیوسته بسوزاند این است این اسم را صد و بیست مرتبه روی
صد و بیست پاره کاغذ نوشته و شبی ۲۰ دانه بسوزاند باسم طرف فلان

ت ۹۹۳	ی ۲۸۴	د ۸۳۵	ف ۲۲۴	ک ۲۵۴	ث ۸۳۳
ج ۱۲۵	لا ۴۵۵	ن ۴۸۹	و ۳۸۳	س ۴۸۳	ب ۵۴۸
طمسان	الصما	ی ما	علمسا	فلسا	سط
ث ۴۴۹	ث ۳۲۲	۲۲۸	عصه ۲۰۲	لسا	بابله

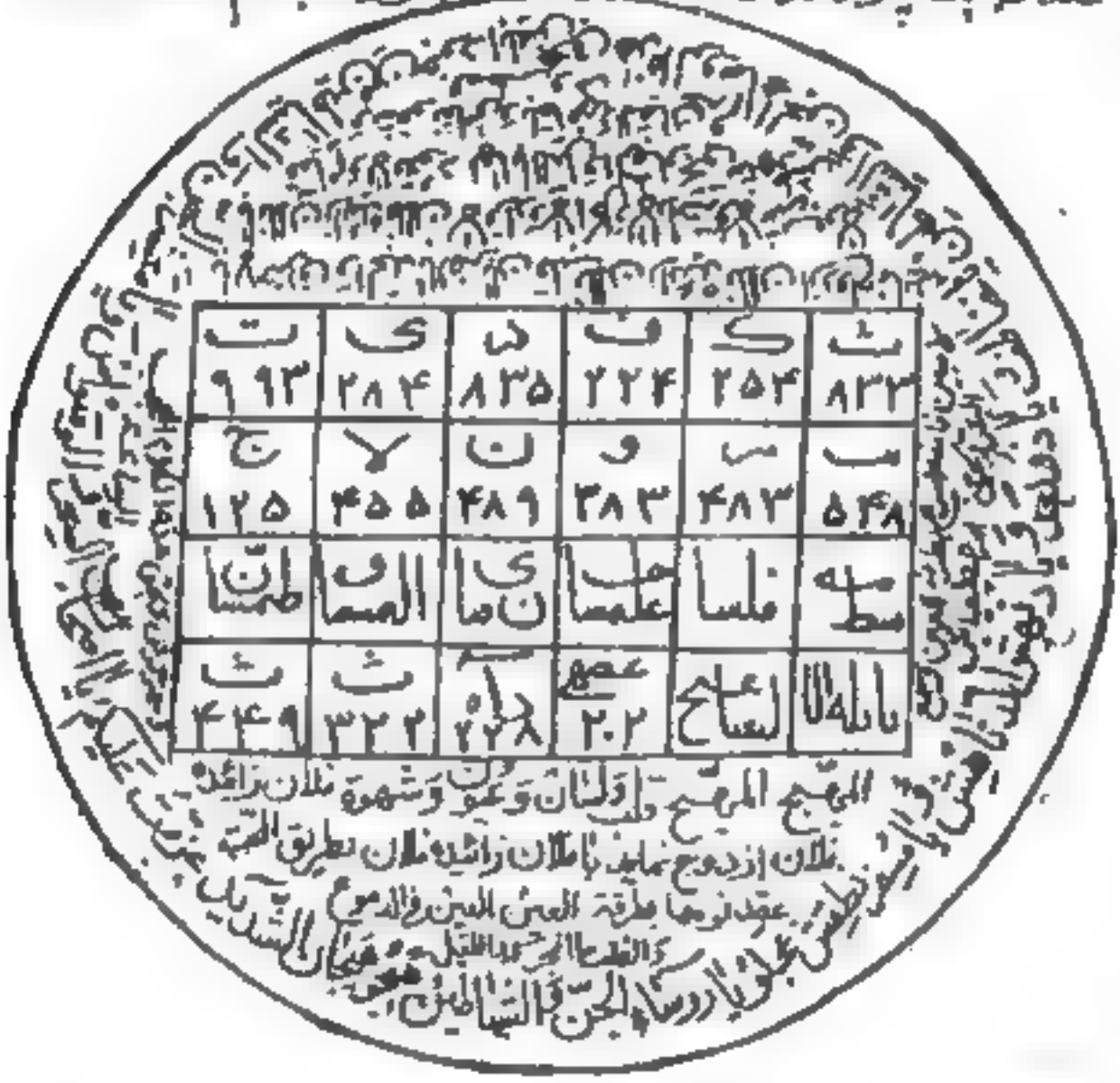

المهیج المهیج قلب و لسان و عیون و شهوة فلان زائده
فلان ازدواج نماید با فلان زائده فلان بطریق الصحبة
عقد نوها بطرقة العین العین فی الدموع
والقلب الحجر عند اللیل
یا روساء الجن و الشیاطین هیجان الشدید

زائیده فلان ازدواج کند با فلان زائیده فلان اسم اینست یا
ابرجیطیفورش و یا لقیطیفورش یا طالیوث یا مالیوث ایا سیده

ساعات نوشتن ادعیه

مشتری	زحل	عطارد	شمس	قمر	مریخ	زهره
دوستی	دشمنی عداوت	بیان شهوت زبانبند	باطل سحر	باطل سحر	شفا بیمار نوشتن دعا	دعا نویسد

ساعات در ایام هفته روزها

شنبه	اول روز زحل نیم چاشت نماز ظهر زهره میان دو نماز مریخ نماز دیگر عطارد آخر روز شمس
یکشنبه	اول روز شمس نیم چاشت زهره نزدیک ظهر عطارد ظهر قمر میان دو نماز زحل نماز دیگر مشتری آخر روز مریخ
دوشنبه	اول قمر نیم چاشت زحل ظهر مریخ میان دو نماز زهره نماز دیگر شمس آخر روز عطارد
سه‌شنبه	اول مریخ نیم چاشت زهره ظهر زحل میان دو نماز مشتری نماز دیگر عطارد آخر روز شمس
چهارشنبه	اول عطارد نیم چاشت قمر نزدیک ظهر زحل ظهر مشتری میان دو نماز مریخ نماز دیگر شمس آخر روز زهره
پنجشنبه	اول مشتری نیم چاشت مریخ نزدیک ظهر شمس ظهر عطارد میان دو نماز زهره نماز دیگر قمر آخر روز زحل
جمعه	اول زهره نیم چاشت مریخ ظهر قمر میان دو نماز زحل نماز دیگر مشتری آخر روز شمس
ساعات	شرف شمس در سال ۲۴ ساعت است و باید رجوع شود به تقویم زاده نجومی مصباح

ساعتها در ایام ماه دهه‌ها

دهه اول ماه	محبت و عشق و تسخیر القلوب و ازدواج
دهه دوم ماه	زبان بند بستن شهوة مردان و خواب بندی
دهه سوم ماه	جدائی و سردی و کدورة و دشمنی و تخریب و آوارگی

بسم الله الرحمن الرحیم
ابجد هوز حطی کلمن
سعفص قرشت ثخذ ضظغ

صورت ابجد کبیر

صورت ابجد صغیر

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ		
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰		

لا یعلم الغیب الا هو

بیست و چهار ساعت آخر هر ماه برای تخریب بسیار مؤثر است

این لوح همراه هر کس باشد روزی او زیاد گردد و ماه را باید هر ماه بدو نظر افکند

لا اله	الا الله	محمد	رسول	الله
با ا ع	۹۸	۹۹۱	۶۲	۱۱۲
۴۳	۷۸	۲۷	۲۹	۱۱۲
۷۲	۷۸	۱۱۷	۱۱۸	۱۷۱
۱۲۷	۸۷	۱۳۷	۳۰۱	ج

بجهت کسی که از هوش رود اگر کسی از هوش رود و کف بر دهان آورد این تعویذ

با خود نگاه دارد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی

بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسم شیء

فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع العلیم انه من سلیمان و انه

بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و آتونی مسلمین

برحمتک یا ارحم الراحمین کسی که درد پا و ران پیدا کند این تعویذ را

همیشه با خود نگاه دارد آهیا شراهیا اذونی اسباوث آل

شدای و انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا

تعلوا علی و اتونی مسلمین برحمتک یا ارحم الراحمین

بجهت کسی که دشنام دهد و هذیان گوید این تعویذ را نوشته با گلاب و زعفران

و همراه کند. بسم الله الرحمن الرحیم قدوس قدوس نبوس

بد بد هو هو هر هوس یا جهوری یا جبرائیل یا میکائیل یا اسرافیل

یا عزرائیل یا خضر الیاس ۴ [illegible]

بجهت درد معده نوشته در موم گیرد در کوزه اندازد از آن آب بخورد و تعویذ را

همراه نگاهدارد بسم الله الرحمن الرحیم من من هد هدی دادارا

وبرو واسم موسی ع بحت بحق صاحبی وطه او لا اله الا الله

برحمتك یا ارحم الراحمین) اگر میان زن و شوهری کدورت باشد باید

یازده روز اسفند دود کند و این تعویذ را نوشته و در موم گیرد و از آن

آب زن و شوهر بخورند و تعویذ را در خوابگاه خود پنهان کنند

بسم الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی

العظیم یحبونهم کحب الله و الذین آمنوا اشد حبا لله فان

تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو توکلت و هو رب العرش العظیم

یا حی یا قیوم برحمتك یا ارحم الراحمین بجهت ماندن فرزند

اگر زنی فرزندش نماند این تعویذ را نوشته همراه نگاهدارد

حامله شود و دیگر فرزندش تلف نشود بسم الله الرحمن الرحیم

همه همه اذونی لا لا م م لا لا و و مطع الله لا اله الا هو الحی القیوم آهیا

شراهیا اصباؤت آل شدای انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن

الرحیم مؤذلك کومك برحمتك یا ارحم الراحمین احضار

برنمك شفاف چهار ملك را نوشته باسم طالب و مطلوب و در آتش اندازد

احضار مسافرت نرفتن برای

روی مس نقش نموده در آتش گذارد

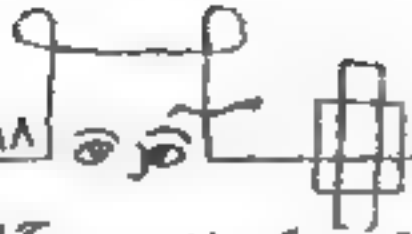

۸۸ ... ۸
ل ۲ ۱ ۲ ی ۳۸ ـــ ح ۳ ۱۱ ل ۲ ۱۱ م
م ۱۱ ۸۸ ۱۱ ح ر ۳ ۱۱ م و ار ۱۵ م ۱۱۱ لا سه
۱۴ لب و ب ار م ۶ ا م ۶ ا م ا ک لب
۶ و د ن ۱۱ سه ۱۱۱ م ۱۱۱ ۱ ۱۱۱
۱۶۱ ۸ ۹ ۱۱۱ ۲۲ ۱۱۱ ی ۱۱۱ سه
۳ د ر ع ۱۸ ۹۹۹۶ ۸۸۸ و ۱۱ ۱۱۱

و یا روی کاغذ زرد نوشته با

دانه میخک بسوزان و یا برکت

گوسفند یا گاو نوشته بسوزان

و یا بسنگ سفید و اگر خواهی کسی

مسافرت فرود نوشته در باد

بیاویز و اگر خواهی محبت خلق

با تو زیاد شود روی طلا نقش کرده همراه نگاهدار برای زبانبند بکاغذ موثر است

انا فتحنا	لک	فتحا	مبینا
۵۱۹	۵۰	۴۸۹	۱۰۳
۴۹۰	۱۲	۵۹۲	۴۹
۱۰۱	۴۸۷	۵۲	۵۹۳
۵۱	۵۹۴	۱۰۰	۴۸۸

خواص مربع انا فتحنا لک

جهت مشکلات زندگی و

فتح و گشایش کار

و دشواریها و امور زندگی

زبان بند روی طلا و یا برنج نقش شود همراه نگاهدارد صم صم صم صم صم صم صم

کم عمی فهم لا یتکلمون ۱۱۲۳۱۵۲۲ و ... و ۱۱۱۱ ... ۸۷ ... السلام ... یا ... یا حی یا قیوم

۱۵۳۱۹ ۵۴۵ ۱۱۱۱

خواص مربع فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم برای دفع اعداء و غلبه بر دشمن و مظفر و منصور بودن و فتح

مربع فسیکفیکهم الله

فسیکفیکهم ۳۲۵	الله وهو ۸۳	السمیع ۲۱۱	العلیم ۱۸۱
۲۱۲	۱۸۰	۳۲۶	۸۲
۱۷۹	۲۰۹	۸۵	۳۲۷
۸۴	۳۲۸	۱۷۸	۲۱۰

خواص الله لطیف بعباده یرزق بجهت گشایش کار و وسعت رزق و روزی و پیشرفت امور زندگی و عزیز بودن

مربع الله لطیف

الله	لطیف	بعباده	یرزق
۸۵	۳۱۶	۶۷	۱۲۸
۳۱۵	۸۲	۱۳۱	۶۸
۱۳۰	۶۹	۳۱۴	۸۳

بجهت مطیع شدن مطلوب این مربع را روی کاغذ نوشته باسم مطلوب و مادر او و طالب و مادر او همراه نگاهدارد و یا با ۷ دانه فلفل سیاه در آتش بسوزان و یا روی قطعه از مس نقش نموده در آتش پنهان کن که البته بنزد تو آید با محبة

ح	لا	ا	ج
ا	م	ل	ک
ی	ل	ا	و
ع	د	ل	ا

تحبیب خلقی اگر کسی بگیرد دو صفحه از نقرهٔ پاک و این دو مربع را

هوس ملوس سموس

۷۰	۷۴	۷۷	۶۳
۷۶	۶۴	۶۹	۷۵
۶۵	۷۹	۷۲	۶۸
مطلوب	۶۷	۶۶	۷۸

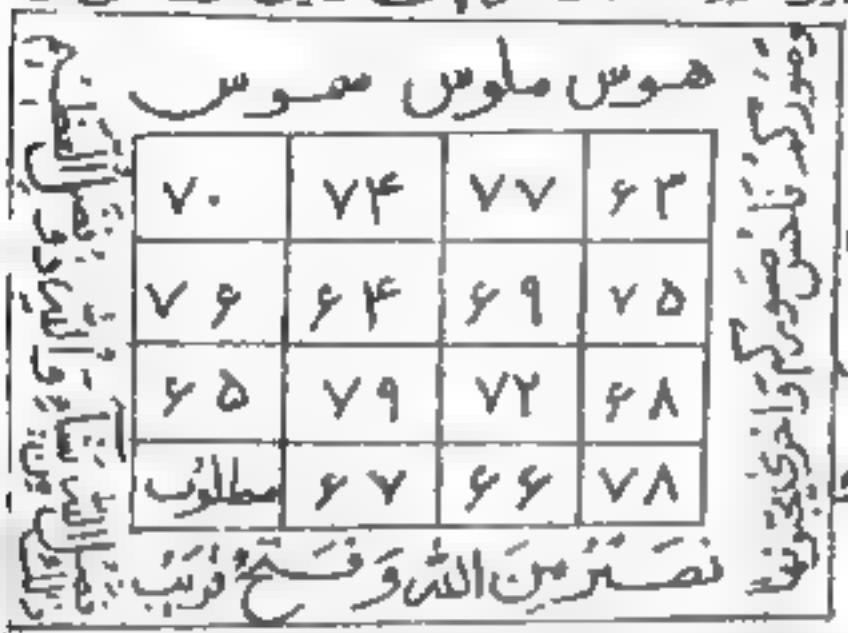

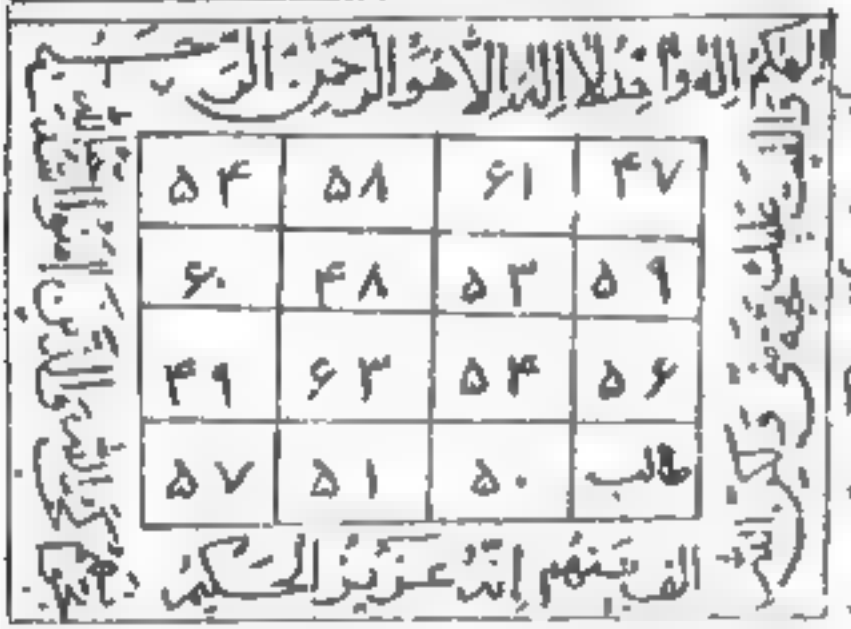

نصر من الله و فتح قریب

و صورکم فاحسن صورکم و اخری تحبونها

ذلک فضل الله من یشاء و الله ذو فضل العظیم

الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم

۵۴	۵۸	۶۱	۴۷
۶۰	۴۸	۵۳	۵۹
۴۹	۶۳	۵۴	۵۶
۵۷	۵۱	۵۰	طالب

الف بینهم انه عزیز الحکیم

و القیت علیک محبة منی و لکن الله یحبهم کحب الله و الذین آمنوا اشد حبا لله

را در یکطرف آن لوحها با قلم آهن نقش کند در ساعت سعد که شمس نزدیک به مشتری باشد و اسم خود را که طالب است و اسم شخصی و یا خلق را که مطلوب است در جایگاه اسم ها نقش نماید و همراه داشته باشد محبوب القلوب خلایق گردد و پیوسته نزد مردم و سلاطین و حکام و بزرگان صاحب عزت و حرمت باشد و مونس ایشان گردد و بی او آرام نگیرند و روزی فراخ گردد و پیوسته شادکام و خندان باشد ان شاء الله

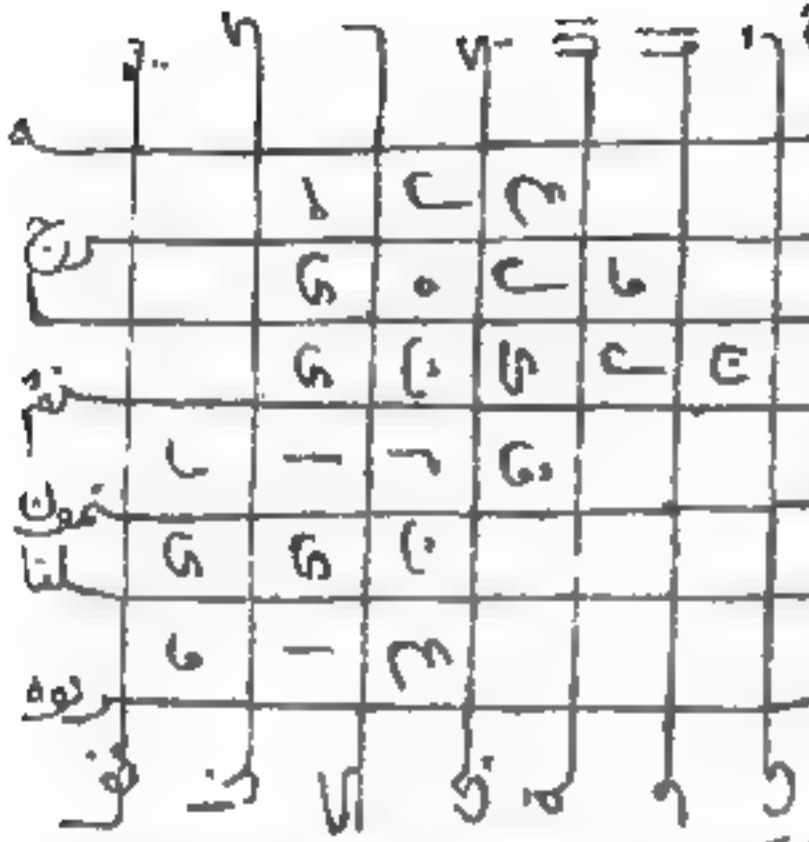

محبّة وزبان بند خلقی شرح
این شکل بسیار والا
وخواص آن زیاد مخ
است برای محبوب
القلوب خلق وبرای
گشایش کار و
زیاد شدن روزی
ومحبت مطلوب و

محفوظ بودن از بلایا اگر کسی این شکل را روی طلا نقش کند
وهمراه نگاهدارد نزد بزرگان قوم وحاکم وصاحبان
دولت وعزّت بلند مرتبه گردد وحرمت او را نگاهدارند
واگر همان لوح طلا را به نیّت محبّت وزبان بند باب زند
ومطلوب دهد تا بخورد مطیع او گردد واگر باب بزند ۷۱
مرتبه وآن آب را در جائیکه سحر کرده باشند بپاشد تمام
آن سحرها باطل شود واگر برای شخصی جادو کرده باشند ۳۱
بار باب زده وبصورت زده وقدری بپاشد جادو باطل گردد

جدائی و سردی این مربع را بجهة جدائی و سردی روی وصلهٔ

السریع	المتین	ذی القوة	الشدید
المتین	السریع	الشدید	ذی القوة
ذی القوة	الشدید	السریع	المتین
الشدید	ذی القوة	المتین	السریع

از مس حک نموده باسم طرفین

و در گورستان کهنه دفن شود

و اگر سر راه طرفین مدفون گردد

جدائی و کدورة افتد مؤثر است

و اگر بر کاغذ نویسی همان خاصیت را دارد و اگر دو صورت بسازی از حنیر

و در سینه آنها گذاری باسم طرفین نیکوست و در مقبرهٔ کهنه دفن نمائی

زبان بند بابر همراه دارد آ ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز

س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه لا

ی و بحق یا جارا و کان بحق الیوم نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم

و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون

مره سره باسم هذا الیوم لا ینطقون و لا هم یوذنون لهم فیعتذرون

ویل یومئذ للمکذبین صم بکم عمی فهم لا یتکلمون بستم بسته باد و

بسته گردانیدم کام و زبان و حلق و گلو و زبان و سر تا پا و ناخن و تمام اعضاء

فلان زائیده فلان را بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علیا ولی الله

بجهة احضار و محبت بر نعل اسب کنده و در آتش گذارد مؤثر است

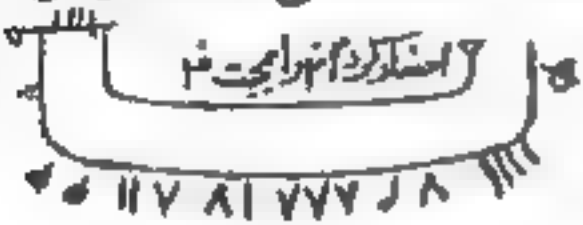

و اگر بر وصله از مس کنده شود

و در آتش کند بسیار نافع است و

حاضر شود

احضار و محبت اگر خواهی کسی را

حاضر گردانی بیاور نعل اسب

و این شکل را روی آن حک کن

باسم ملزمین و در آتش دفن نموده

حاضر شود و دمی آرام نگیرد و نعل را با شیرینی و چربی آلوده کن

احضار و محبت مطلوب اگر خواهی

کسی را احضار نمائی این شکل را

روی نعل بی سوراخ حک

نموده و باسم طالب و مطلوب

در آتش گذار بسیار مؤثر است

و بارها بتجربه رسیده است

احضار مطلوب اگر خواهی کسی به نزد خود حاضر گردانی که میانه او با تو
خوب و نیکو گردد بیاور تخم مرغ سیاه و بنویس این عزایم را
بر بیضه مرغ و در خمیر گندم گیر در آتش دفن کن و در روز
شنبه ساعت سعد اختیار کن مجربست و بدست نا اهل مده و
اینست عزمت علیکم یا اصحاب السحر و الوسواس من جنود
ابلیس و لا سعد الدسه امرا انا اسئلکم حرقت قلبی فی زائیده فی
علی حب فی زائیده فی من قلبها و الریح فی رحلها و النار بحق
طلمؤس سارهوس سپهوس و باسم الذی با الموکل علیهم حیا
مطبوس و ... نقش خاتم هیجت قلبی فی علی حب فی هیا هیا هیا
دوستی محبت برای محبت کسی بنویس این کلمات را بر روی شکم
خود و با مطلوب حرف بزن با تو الفت پیدا کند و تو را دوست گیرد
اینست ک ع ع ع طلح ک ع ع ع ... مومه ع ع ع
احضار بنویس بر شانه گوسفند و در آتش بسوزان مجربست
۹۱ ۱۱۱ ح م ن لب ۱۱۱ ۷ ط ط م ۱۱۱ ۵ ع ع و د س ۲۲۲
ن ع و ۱۱۱۴ س ۲۲ ع ۱۱۱ سحص ۱۰۱ ۹ احضار کردم فی زاده فی را بجته فی زاده فی

تفریق جدائی اگر خواهی که بین دو نفر جدائی افتد و از یکدیگر سرد شوند
از زیر قدم هر دو خاک برداشته و هفت مرتبه سورهٔ اذا زلزلت را
بر آن خاک بخوان و در آب روان ریخته و بگو جدا کردم سرد
کردن دل تو را از تو و دل تو را از تو ایضاً بجهت تفریق و سرد هفت مرتبه
این آیه را بر شیر بز بخوان و به هر دو طرف و یا یکطرف بده تا بخورند
از هم سرد و جدا شوند اینست و القینا بینهم العداوة والبغضاء
الی یوم القیامة کلما اوقدوا نارا للحرب اطفأها الله ویسعون فی
الأرض فسادا والله لا یحب المفسدین) منویس برای محبت و زبان بند
این شکل را بر کف دست راست نوشته و با مطلوب سخن بگوید
اسماء مطلوب این اعداد را نوشته باسم مطلوب و هر شب یکی را
بسوزاند حاضر شود

۲ ۱۱ ۲۱ ۲۲۱۹۱۱ ۲۱۲ ۸۲ ۸۲ ۲۱۲ ۸۲ ۸۲

۱۸ ۲۱۲ ۱۲۰۲۱ ۷۲

۴۲۱۲ ۱۱۲۱۱۰۴۱ ۱۲۲۵۵۸۴۱۳۴۳

۱۱ ۲۱۲۱۲۱۲۱۲۲۱۱ ۲۱ ۲۱ ۲۱ ۲۱ احضار کردم فلان زاده را بجهت محبت تو را شیدا تو
جهت محبت بنویس و در آتش انداز و نیت کن مسلمه مح لح اطه مسله
مسلمه ندوغنا

۱۱ ۴ ۱۱ ۲۱ احضار بحسنه بدل تو ۱۱ مح ۴ ۱۱۱۱

سیاهی اگر خواهی زنبور در نظر مردی سیاه کنی این شکل را در ساعت خوش

دیو سلیمانی

روی قطعه از سه جوش
نقش نموده و پشت و
روی آنرا با قیر سیاه
آلوده نموده و در گور
کهنه و یا در رودخانه
و یا در چاه آب انداخته
و بگو سیاه کردم فرزاده
فرزاد در نظر فرزاده فر
و اگر بر کفن مرده نو
در تخم تو قلمون
گذاشته در گور شان
دفن کنی همان اثر را
دارد و اگر بر کاغذ نوشته
۲ عدد پشت آنها را
بهم گذاشته و در کهنه
سیاه گرفته در تربت سیاه
کناری در گور دفن کنی
نیکوست

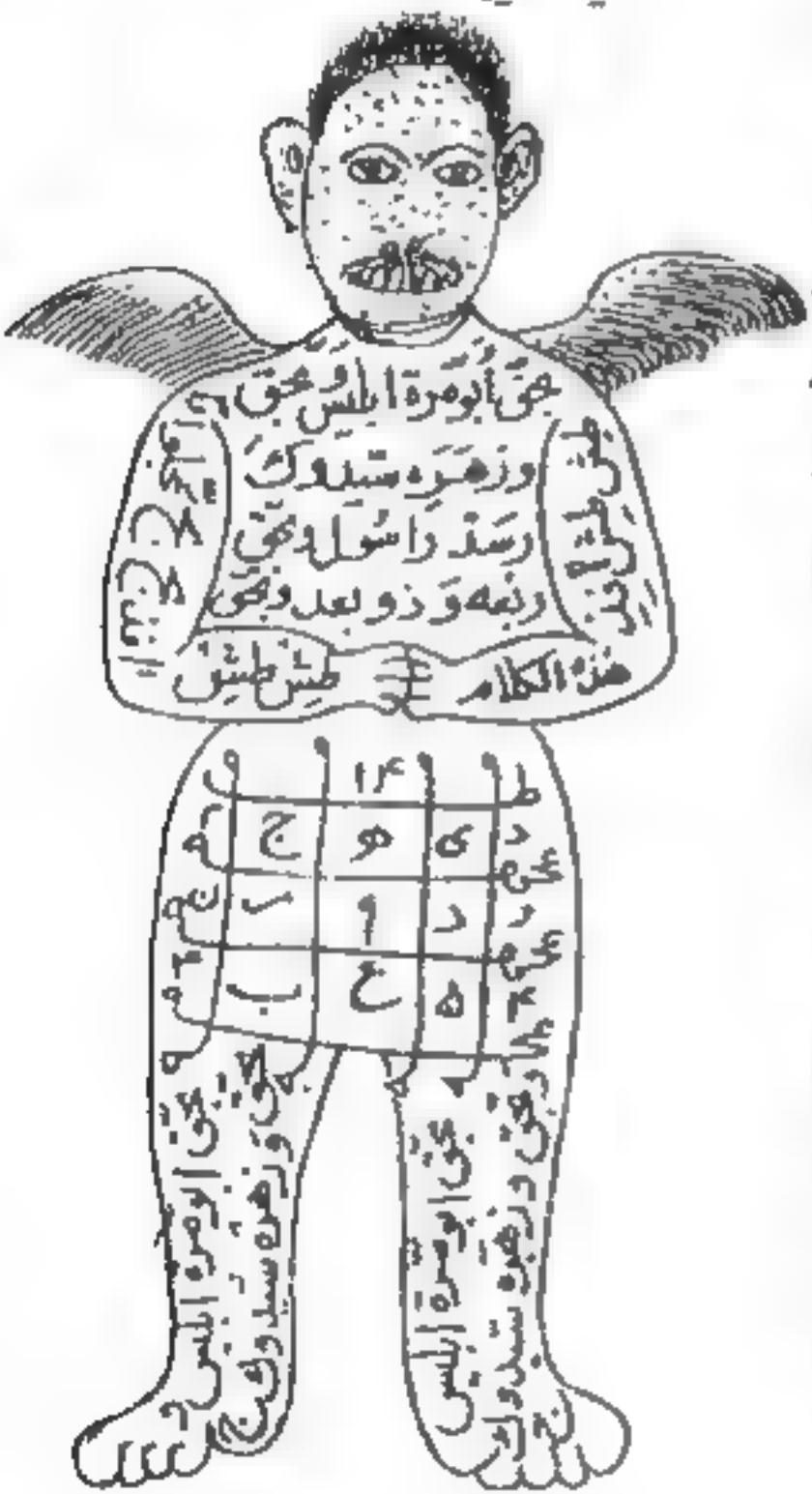

اگر خواهی که مردی مطیع زنی گردد و آن زن قلب آن مرد را تسخیر نماید
و او را مانند خر سوار شود و هرچه گوید قبول کند طریقه عمل چنین است
ابتدا باید هشت لوح ترتیب دهد یکی طلای پاک و هفت لوح هفت جوش
و روی تمام لوحها این شکل را نقش نماید در ساعت سعد و طلا

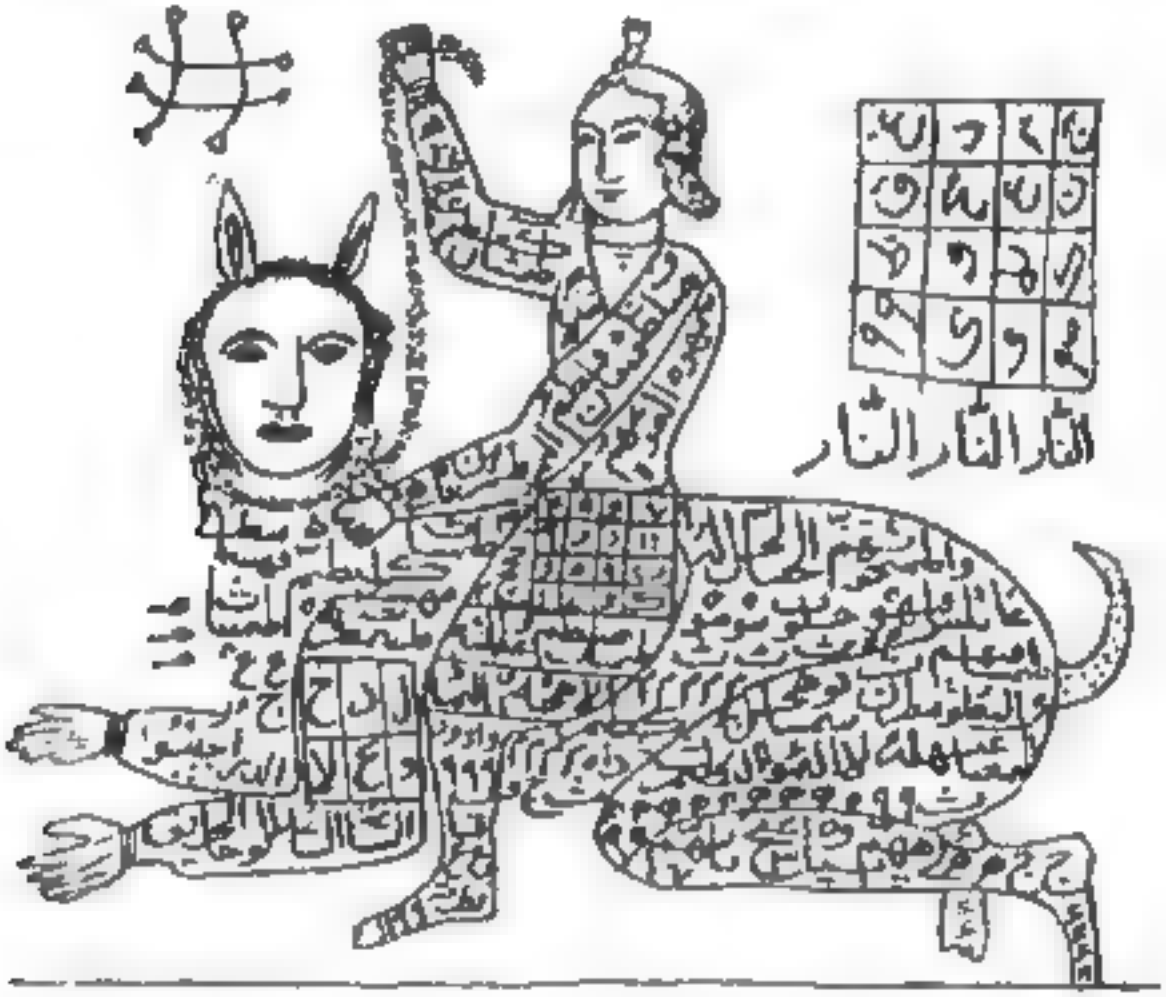

را همراه کند و هفت لوح دیگر را در هفت چاه آب عمیق اندازد و باید اسم
مطلوب و مادر او و اسم خود و مادر خود را پشت لوحها بحروف ابجد
حک نماید و چهار شب فتیله سکاکی را بسوزاند و نعل سلیمانی
را در آتش کند البته چنان مطیع شود که همه عبرت بمانند

احضار و ازدواج اگر خواهی شخصی را حاضر گردانی بنزد خود این شکل را روی

نعل بی سوراخ نقش نموده باسم مطلوب و مادر او و در آتش دفن کن

بزودی خواهد آمد و اگر زنی خواهد که

مردی با او ازدواج نماید همین نعل

را بر وصلهٔ از مس نقش کرده در آتش

گذارد با او ازدواج نماید و اگر

خواهی که کسی با تو محبت پیدا کند

بنویس نعل را روی کاغذ باسم مطلوب و مادر او و نام خود و مادر خود

و با هفت دانه فلفل سیاه در آتش انداز و یا با آتش بدون فلفل بسوزان

مؤثر است آیه های محبت و زبان بندی اگر خواهی زبان کسی را ببندی

این آیه را باسم او هفت بار بر شیرینی بخوان و بده تا او بخورد بسم الله الرحمن الرحیم

وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون

انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان فهم مقمحون محبت دوستی

این آیه را بر شیرینی بخوان و بمطلوب بخوران باسم او و مادر او مجرب است

یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله هفت مرتبه بخوان

اگر خواهی که در میانه دو کس عداوت افکنی و دشمنی بیندازی بگیر

از هفت گور کهنه قدری خاک و این مهر را بر هفت پاره کاغذ بنویس و آن خاکها را در میان کاغذ بگذار

و در خانه او یا در جای دیگری پنهان کن چنان شوند که یکدیگر را هرگز نمیتوانند دید و اگر خواهی کسی را

از عشق خود بیقرار گردانی بگیر قدری از عود و قدری از مشک و قدری زعفران و جمله را با یکدیگر

مخلوط بکن و بنویس این مهر را در شب جمعه بعد از آنکه نصف از شب گذشته باشد و آنها را در میان

مهر گذار و در آتش اندازد تا بسوزد و اگر هزار فرسنگ دورتر بوده باشد خود را به تعجیل تمام باو

برساند و حاضر گردد و مهر این است

ره ره ره حما حما صمهمه ح ح ح

ه ه ه لهه لههههه لهه سوزانیدم دل و جان و قلب و جمیع جوارح با روح روانی فلانه را

بحبیب فلان العجل العجل العجل الساعة الساعة الساعة و اگر خواهی کسی را از خانمان خود آواره بکنی

در آن کوچه و محله که خانه اوست برود بایستد تا بمدت بیست روز متواتر در هر روز هزار عقد و پنجاه

مرتبه این آیه را بخواند بفرمان خدا آنکس از آن محله و دیار پراکنده شود و آواره گردد بسم الله الرحمن الرحیم

رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین ربی انت حکمت بین الارض و السموات مطویات بیمینه

لا معقب لحکمی و لا راد لقضائی و لا مدبر لامری موقفات لفلان بن فلان و اگر خواهی که در میانه

دو کس جدایی اندازی بگیر قدری شمع عزا و مهری بر او بزن یکی بنام او و بنام مادرش و دیگری بنام

زن و بنام مادرش و بعد از آن آنرا در مخلاب اندازد غیر در آب ریزد اما باید در ساعت مریخ باشد

محبت زن و شوهر اگر کسی این آیه را بر شیرینی بخواند باسم مطلوب
و باو دهد تا بخورد با او محبت پیدا کند و اگر میان زن و شوهر ناسازگاری
باشد روی کاغذ نوشته باسم مطلوب و میان بالش گذارد میان ایشان
اصلاح گردد و اگر روی لوحی از هفت جوش نقش شود و همراه باشد همه
دوست وی گردند بسم الله الرحمن الرحیم اعسی الله ان یجعل بینکم
والذین عادیتم منهم مودة والله غفور رحیم ولکن الله
الف بینهم انه عزیز الحکیم والقیت علیک محبة منی یحبونهم
حب الله والذین آمنوا اشد حبا لله ولو یری الذین ظلموا اذ
یرون العذاب ان القوة لله جمیعا وان الله شدید العذاب
یا بدوح حب ودود یا الله یا رحمن یا رحیم برحمتک یا ارحم الراحمین
زبان بندی اگر کسی خواهد که زبان جمیع خلق بروی او بسته گردد این
آیه را روی انگشتر گردون نقش نموده و هرگاه با کسی صحبت میکند بگرداند
زبان او برویش بسته گردد انا جعلنا فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان
فهم مقمحون و این آیه را پشت انگشتر نقش کند یحبونهم کحب الله والذین آمنوا
اشد حبا لله

گشایش محبت مقام اگر خواهی که در کار تو گشایش حاصل شود و نزد خلق
عزیز و گرامی باشی و جمیع خلق خدا با تو محبت و مودة پیدا کنند
این آیه را روی طلاء نقش نموده و بگلاب بزن و بصورت بزن و همراه
خود نگاهدار اینست بسم الله الرحمن الرحیم قد شغفها حبا انا لنریها فی
ضلال مبین فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین
یحبهم و یحبونه اعزة علی المؤمنین اذلة علی الکافرین صلح میان
دو نفر اگر میان دو برادر یا خواهری یا رفیق یا خویش کدورة واقع
شده باشد بنویس سورة مبارکة والتین را تا اسفل السافلین را
بر قطعه نان در وقت طلوع آفتاب و یا طلوع قمر نوشته و باو بخوراند
و اسم آنها را در آخر سوره باینطریق بنویس ثم رددناک فلان
زائیده فلان اسفل فلان زائیده فلان صلح بین دو نفر چون میان
دو نفر کدورة افتد این آیات را نوشته یکی از طرفین همراه نگاهدارد
بسم الله الرحمن الرحیم و تلک حجتنا آتیناها ابراهیم علی قومه نرفع
درجات من نشاء ان ربک علیم حکیم از سوره انعام الی صراط
مستقیم لا لک هدی الله یهدی من یشاء من عباده کذالک یهدی فرعلی حب فر

بخت گشائی دختران اگر بخت دختری را بسته باشند که خواستگار بیاید
اما بهم بخورد سوره مبارکه طه را مقابل قبله بر آب پاک بخوانند
و دختر آن آب را بر سر ریزد بزودی بخانه بخت برود و شوهر کند
آوارگی دشمن اگر ظالمی ترا آزار رساند و تو را اذیت کند و بخواهی
که او آواره شود قدری خاک از در خانه او بردار و سوره عنکبوت
را صد و یکبار بر آن خاک بخوان و جلو خانه ظالم بریزد آواره گردد
محبت زن و شوهر اگر میان زن و شوهر کدورة و نفاق افتد و طالب
صلح باشند سوره نساء را با گلاب و زعفران نوشته و در زیر
بالین گذارند اصلاح گردد محبت زن و شوهر سوره آل عمران را
سیزده بار باسم زن و شوهر بخوانند سازگاری پیدا شود انشاء
اگر بکسی حاجت داری سوره توبه را چهل مرتبه باسم طرفین بخوان
و با زعفران و گلاب هم نوشته همراه نگاهدار و نزد او برو که حاجت
تو را بر آورد اگر کسی حاجت نرسد اگر کسی بدون جهت بترسد این تعویذ
را همراه نگاهدارد یا ثمثا یا بثوثا یا مثوثا یا منکوثا آهیا شراهیا اذونی
امیاوث آل شدای [illegible]

بجهته الفت محبة بنویس این طلسم را بر کاغذ و یا بر پارهٔ از لباس چرک
مطلوب و در چرغدان سبز نو بسوزان با روغن زیتون و یا بر وصلهٔ
از مس و در آتش مدفون ساز که مطلوب بیقرار گردد طلسم اینست
۳۸ ۸ ۹ ۸ ۱۱۱ لا ع ۱۱۱۱ ۲ ۶ ا ح ۱۱۱ | ۱۱۱ ۱۱۱ ۸ ط ۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۳ ۳ ۱۱۱ ط ع ع لب الا
۳ ۷ ۱۱ ۳ ح ۱ ۹ ی ا ط ۷ ۱۱۱ ۱۱ النار النار النار الوحا الوحا
الوحا احضار مطلوب اگر خواهی غایبی را احضار کنی این شکلوا روی آهن
و یا نعل نقش نموده و در آتش انداز اگر در زنجیر باشد بسوی تو آید
زنهار بنا اهل مده که بیم هلاکست
بحق الملک الموکل لیاطیافیل و ساجیبائیل یا دوفائیل عزمت
علیکم یا هیطائیل النار اجیبوا الریق
ایضا احضار مطلوب این طلسم را نوشته بر کاغذ و یا پارهٔ از جامهٔ چرک
مطلوب و فتیله نموده و در چرغدان سبز نو و یا در ظرف سفالین با
روغن نفط سفید بیفروز و بجای خلوت برو و با هیچکس سخن مگو
همان لحظه حاضر شود و عزیمهٔ بزرگ را وقت احضار باید بخواند اینست
یا خاطر یا ذو بعه یا دنهش بلاسقه غیره یا سطامامس یا مهلوال یا مهیج هیجوا و
اد ابو قلب فی علی الحب ثم و انعطف و اتعف و اسعرن فی بطرفة العین الا سعکم بالعین

این عزها من غاو عادن مسادن یا تفق سری مجق شطمطاش وفی حزق

تشدّه علوا تشام اهیا شراهیا ادونی اصباوت ادونی الوحا الوحا الشاعة

الشاعة للشاعة العجل العجل العجل بحق بستن بستن شهوة مرد آنکه خواهی کسی را به

بندی چنانکه با هیچ زنی هم بستر نشود این طلسم را بر قفل نقش نموده

و قفل را به بند وقت بستن بگو بستم ذکر فلان زاده فلان را بر فرج تمام زنها

و زنهای عالم و در چاهی میت افکن دیگر نزدیک زن نتواند رفت مگر

خیال کند زده شود اینست ۱۱۹۱ [illegible]

بستم بستم ذکر فلان زائیده فلان را بر فرج فلان زائیده فلان و یا تمام زنهای عالم خواه فلان زائیده فلان

احوال غایب بنویس این اسماء را در محل خواب و زیر کنار ده عالم رؤیا

بنماید یا نویه میشود احوال غایب شلطشلط [illegible] شاه لیا [illegible]

۱۱۷ اسثاوش شفا خواب فلان زائیده فلان

احضار مطلوب این شکل را روی

پاره مس و یا آهن نقش نموده

در ساعت سعد و با اسم مطلوب

در آتش انداز بزودی خواهد آمد

محبّة والفت اگر با کسی دوستی داری یا زوج تو است و با تو الفت و مهر ندارد

ط	۲	س	۹	غ	و	ک	ش
۲	۹	ی	ی	ل	ه	لا	ن
مه	صا	۹	لط	ظ	ط	و	س
ن	ک	د	۲	ف	قو	لا	ه
۵۵	۴۴	۱۳	۴۵	۸۳	۹۹	۲۰	۱۱

ک		۳	ع	۲	ک
و	ل	H	د	۲	میکا ئیل
۹ ی ۹		۹	۴۰	۴	۹ ی ۹

مه ۹ه الساعة الحریق الحریق النار اجیبوا

بنام فلان زائیده فلان علی حب فلان زائیده فلان

العجل العجل العجل النار النار النار النار النار

طمسحا فاتحی ساما کمسا وام ملسه

۹۹ لا ل ۷۷۷ ۱۱۱ ۹۹

ن ۱۱ ۱۱۱ ۰ لا و ۳ ۳ ح

ه ۹ ۱۱۱۱ ۷ ۹۹۹۷ ه ه ه ه ل م ۱۱۱ ج

احرقت قلب و شهوة فلان زائیده

فلان مطیع و مسخر فلان زاده م

۱۱۱۱ ل ع ۱۱ ی لما ماما ماما

وخواهی که با تو الفت گیرد و با تو محبّت پیدا کند و مطیع تو گردد بنویس این طلسم را بر کاغذ و یا پاره از لباس او و فتیله کن و با روغن زیتون یا کرمک شب دوشنبه یا پنجشنبه بسوزان مؤثر است

چیزی از کسی خواستن اگر با شخصی حاجتی داری و یا از او چیزی میخواهی و ممکن است ندهد بنویس این شکل را بر کاغذ و در یکی از این شبها بسوزان شب یکشنبه شب سه شنبه شب پنجشنبه شب جمعه

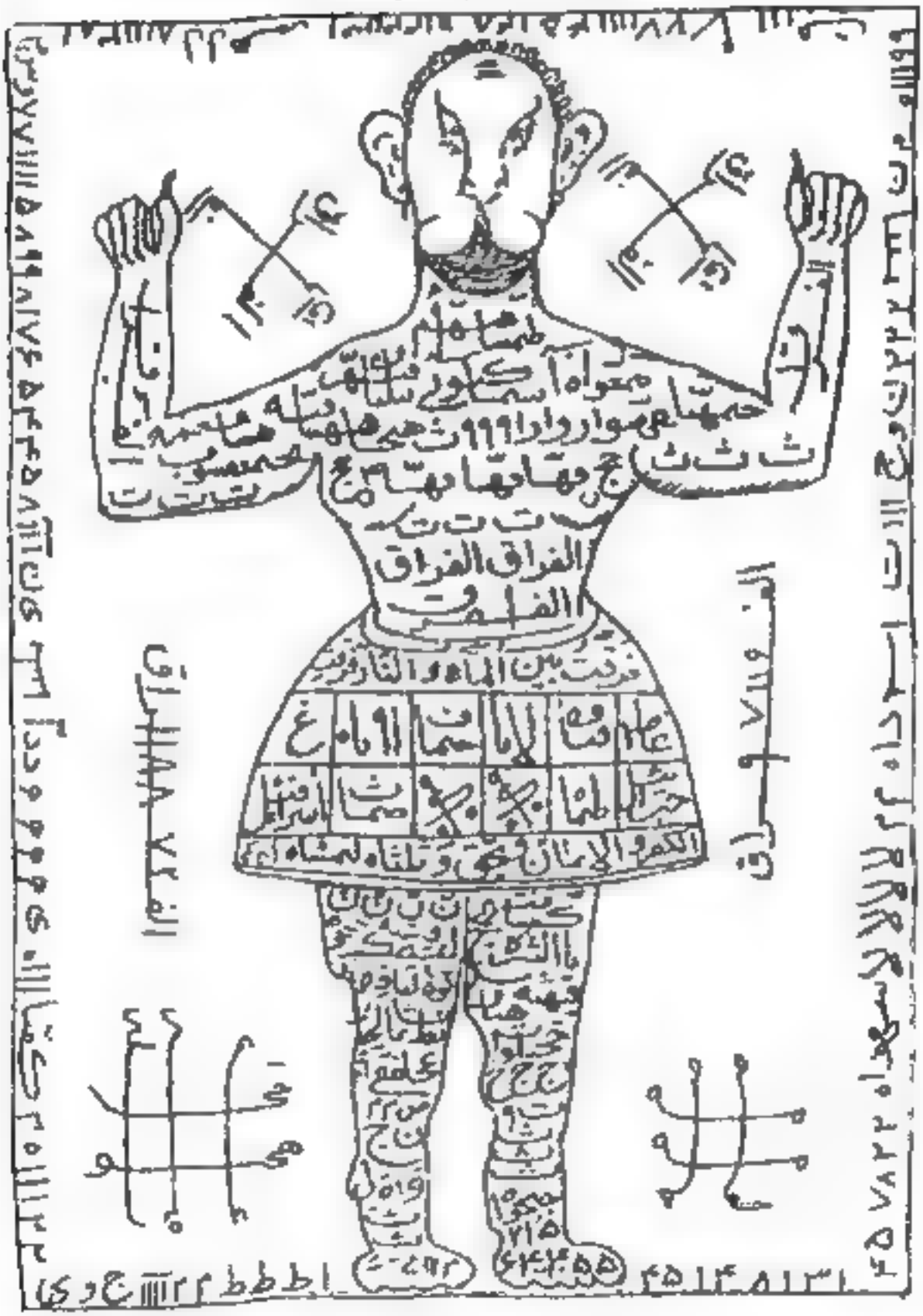

سیاه کردن و جدائی اگر خواهی زنیرا در نظر مردی و یا تمام مردها سیاه
کنی که آن مرد و مردهای دیگر باو نگاه نکنند چهار لوح ترتیب میدهی
از چهار جوش سلیمانی و یک لوح از طلای خالص و نقش دیو سلیمانیرا
روی لوحها نقش کرده در ساعت قمر در عقرب و یا ساعت زحل که خالی از
نحوس نباشد و عطارد نزدیک مریخ میان ۸ درجه و بیست و سه دقیقه
و خانه شمس تاریک و ظلمت در خانه زحل باشد پشت به قبله کنده شود
دهان تلخ لوح طلا را در دهان میت پیچیده و روی کفن مینویسی فلان
زائیده فلانرا سیاه کردم در نظر فلان زائیده فلان بحق سوره مبارکه
یس و القرآن الحکیم آنگاه آن لوح را که در کفن بسته ای در رود
آبی انداخته و با زینت سردی میکنی و ۴۸ ساعت که گذشت چهار لوح
دیگر را دو عدد در چاه آب انداخته و یکی را در قبر شهید دفن نموده
و یکی را ۳ روز پشت بقبله آویخته و بعد ۳ روز در آتش میگذاری
و بیرون آورده و صورتی از آن زن را میسازی و روی سینه و صورت
شکل این اشکال را مینویسی و در پارچه سیاهی بسته در قبر کشته دفن
میکنی اشکال اینست [illegible]

بخت گشائی اگر بخت دختری را بسته باشند و خواستگار بیاید و کار تمام نشود
باید قطعه از لباس دختر را بشکل دایره بریده و این اشکال را روی آن
نوشته و هفت قطعه کند و هر روز یکی را بسوزاند اشکال اینست حلسا
۷۷ سلیاة المسا کاهیا آهیا شراهیا اصباوث اذونی یا جبرائیل وه
سلیحو محمطی لوه لتوحهلحه و هر روز اسفند دود کند هر روز صبح و آب
باطل سحر بسر ریزد و آنگاه در روز دهم سورة احزاب را با
گلاب و زعفران روی کاغذ نوشته باسم خلق و در حقه گلی
گذارد و در اطاق خواب خود پنهان کند بزودی بخانه بخت رود
ایضا بخت گشائی دختران سورة واللیل را با زعفران و گلاب بنویس
و میان سورة بقره لای قرآن مجید نهاده و در اطاق خواب دختر
گذارد بزودی خواستگار پیدا شود و بخانه بخت رود اما باید قبلا
باطل سحر کند رهائی از فقر و پریشانی اگر خواهی از فقر و پریشانی نجات
یابی لوحی از نقره پاک ترتیب ده و این اسماء را روی آن نقش
کن و هفت هفته بگلاب زده بصورت بزن و لوح را همیشه همراه
خود نگاهدار اینست العلیم الحکیم العلی العظیم یا فیقور بقت بنام فر

جدائی سردی دو نفر اگر خواهی زن و مردی که بهم علاقه دارند از هم جدا
کنی البته اگر بحرامی باشند زنهار که بین دو حلال نباشد ۳۰۱ دانه
گندم بیاور و سوره فیل را ۳۰۱ بار بهر دانه گندم بخوان باسم
آنها یعنی هر سوره را که بهر گندم خواندی بگو جدا کردم فلان زائیده
فلان را از فلانی زاینده فلانی وقتی تمام شد تمام گندمها را بمرغ
زرد بده و صبر کن تا بخورد بزودی از هم جدا شوند بارها تجربه شده
باد نزله و نزله بندی این کلمات را روی کاغذ بنویس و هر روز مریض منحنی
در چشمه های حروفات بگوید باید وقت رفتن آفتاب باشد اینست
مقطع مهمطع وقع مقع محبوب القلوب شدن اگر این اسم
را روی طلا نقش نموده همراه دارند محبوب القلوب شوند اینست
(یا مختاریت) توانگر شدن اگر این نام را روی طلا و یا نقره نقش
نموده همراه کنی توانگر گردی و همه تو را محترم دارند اینست
(یا مستطیع) اگر خواهی حرف تو افضل باشد روی طلا و یا نقره و یا کاغذ
نقش نموده همراه کنی حرف تو افضل باشد اینست [illegible]
دعای سر درد بنویس و مریض بر سر خود بندد بسم الله الرحمن الرحیم و کلبهم و ذراعیه
بالوصید و اطلعت علیه لولیت منهم فرارا و لملئت منهم رعبا [illegible]

محبت شدید اگر خواهی تمام مردم و یا مردی با تو محبت پیدا کند این طلسم را روی
هفت جوش نقش نموده و همراه کن و اگر خواهی که محبت مردی بتو شدید باشد و آرام
نگیرد هفت لوح از هفت جوش و یک لوح از طلای ناب ترتیب بده و طلسم را نقش
نموده در ساعت سعد و طلا را همراه کن و بقیه را در آب جاری مثل قناة انداخته

در حال فتیله سلیمانی را بسوزان و اگر میان زن و شوهر جدائی افتاده باشد
که ترک کرده باشد او را شوهر او همین لوح روی ۴۹ لوح سه جوش نقش نموده و
عزایم سلیمانی را هفتاد بار بر تمام لوحها بخوان و پای کوهی چهل لوح را در ۴۰
مکان دفن کرده و یکی را در آتش گذار تا بماند بسوی او آید با محبت و باطل نشود

بستن شهوة مردان اگر خواهی شهوت مردی و ابروی زنها یا زن بند
هفت قفل بیاور و این آیة را روی آنها در سلامت عطارد نقش کن

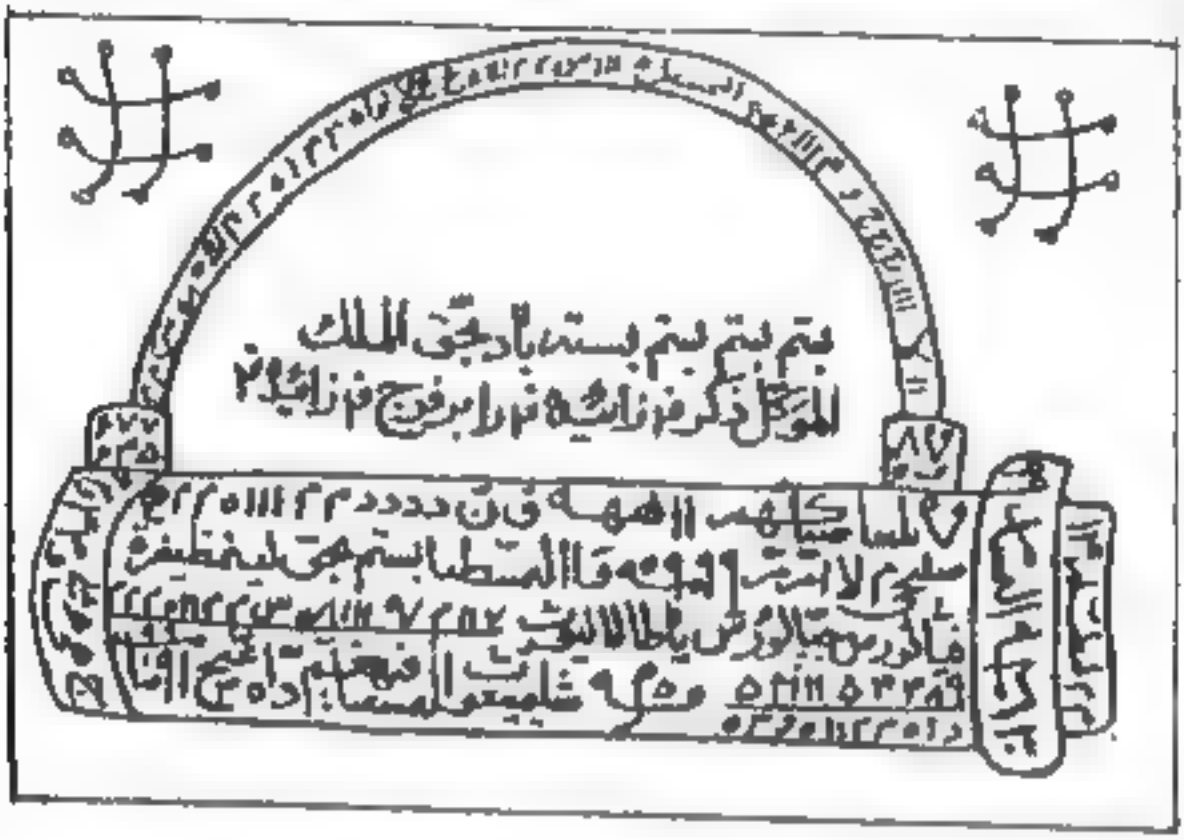

و بعد عزایم بزرگ سلیمان را هفتاد مرتبه بگو ام جوان و بگو بستم بستم
بستم بسته باد ذکر فلان زانیده فلان بر فرج تمام زنها یا فلان زانیده
فلان جق الملك الموکل و هر ام را در چاه آب عمیق انداز و باز نیت
کن و آیة بستن داودی را بلباس آنمرد نوشته و هفت مرتبه گره
بزن و بگو بستم شهوة فلان را بروی فلان البته بسته گردد و گشوده نشود

اگر خنواشق شود و صلاح نباشد اگر دختری جوانی را دیده و او را خواسته
باشد و این کار باعث باشد و صلاح دختر و تمایل او نباشد و بخواهد او را از
این کار منصرف سازی که از آن جوان دست بکشد و سرد گردد باید
صورت صفحهٔ مقابل را روی لوحی از هفت جوش سلیمانی و یا سه
جوش سکاکی در ساعت مناسب نقش کرده و در پارهٔ از لباس دختر به
پیچد در گورستان و یا پایین کوهی مدفون سازی و صورت عقرب
را نوشته و بشوئی بدختر بدهی تا بخورد و فتیلهٔ سردی سکاکی بسوزانی
تا علاقه بریده شود و اگر گاهگاهی ناراحت شد اللهم فرقت
را باو بدهی تا منصرف گردد اگر زنی شوهر از عاشق شود و بخواهد سرد شود
اگر زنی مردی را بخواهد و میل داشته باشد که سرد شود باید صورت
صفحهٔ مقابل را روی ۱۴ قطعه مس نقش نموده و هر روز یک را با آب
زند و بیاشامد و لوحها را جمع کند و روز آخر تمام لوحها را با عزائم
سردی بخواند و در فناه و یا رودخانه آب اندازد و در این مدت
فتیل سردی بسوزاند و آیة والعیتا را نوشته با سم طرفین
و قدری زن بخورد و قدری در خانه آنمرد بپاشد مرد شود

دیو سلیمانی سردی از مردان

و اگر مردی بخواهد زنی را بگیرد اگر مردی بخواهد زن بد و هر جائی را بگیرد

۳۹ لوح باید نقش نماید از دیو سلیمانی سردی از مردان یکی را در چاه

عمیق و یکی را در رودخانه و یکی را در بیابان لوت و ۳۶ عدد دیگر را

هر روز یکی را بآب زده سر راه آن مرد و زن بپاشد بزودی بهم میخورد

از برای بستن مرد بیاورد پاره قوس ندافی و او را هفت گره بزند و در هر گره زده این دعا را بخواند بسم ذکر نمودن موضوع نمودن بستن

إِذَا رَجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا و آنرا در زیر سنگ بزرگ و گران پنهان کند که مرادت حاصل گردد تا خودت دعا را بر نداری گشاده نمیشود

در بیان گشادن مرد بسته شده این دعا را بنویسد بمشک و زعفران بطاس و بعد آنرا بشوید بآب روان و آن آب را بخورد و هم اسیر خود بریزد گشاده گردد

بسم الله الرحمن الرحیم إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا قَرِيبًا فَفَتَحْنَا لَهُمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ افتح یا الله بحق هذه الاسماء المکتومة یا رب الارباب و یا مسبب الاسباب بمحمد و آله الطاهرین

ایضاً از برای گشادن مرد بسته شده این آیه را بنویسد بکاغذی در طالع آنکس در آب روان
شسته روزها چند از آن آب بخورد و هم غسل کند بفرمان الله گشاده گردد
دعا اینست إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ
زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ
حَلِيمًا غَفُورًا افتح یا الله فلان ان فلان

اگر خواهی کسی را عاشق و مبتلای خود گردانی بیاورد هفت حب نبات و بر هر یک یکبار
اسم عاشق و غم اندوه بر داشته بخورد هر کس از آن نبات بخورد در محبت دهنده بی قرار
گردد دعا اینست زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ
وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ
وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَالِكَ مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَاللهُ عِنْدَهُ
حُسْنُ الثَّوَابِ يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلّٰهِ

لوح بزرگ بلقیس سلیمان

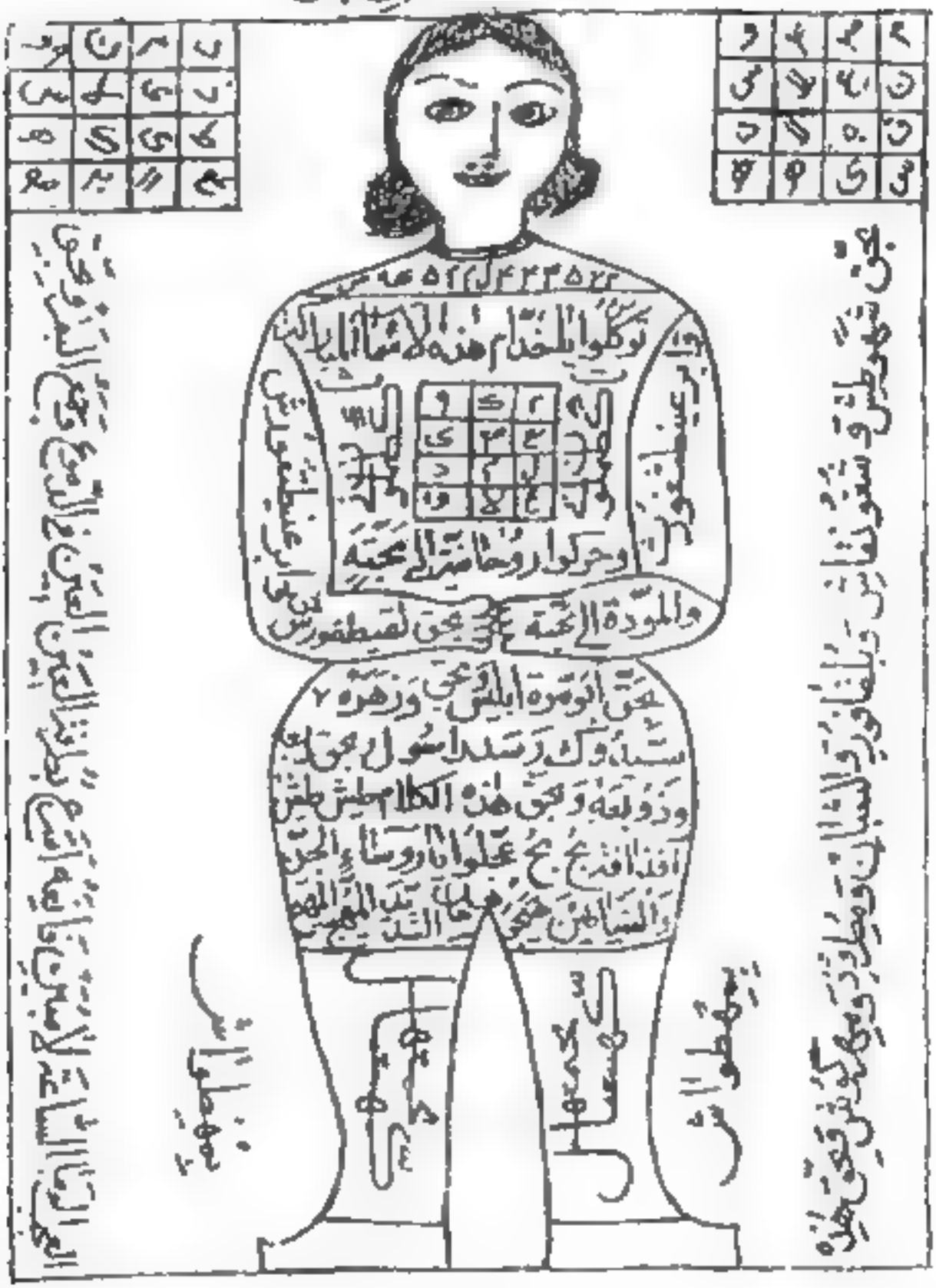

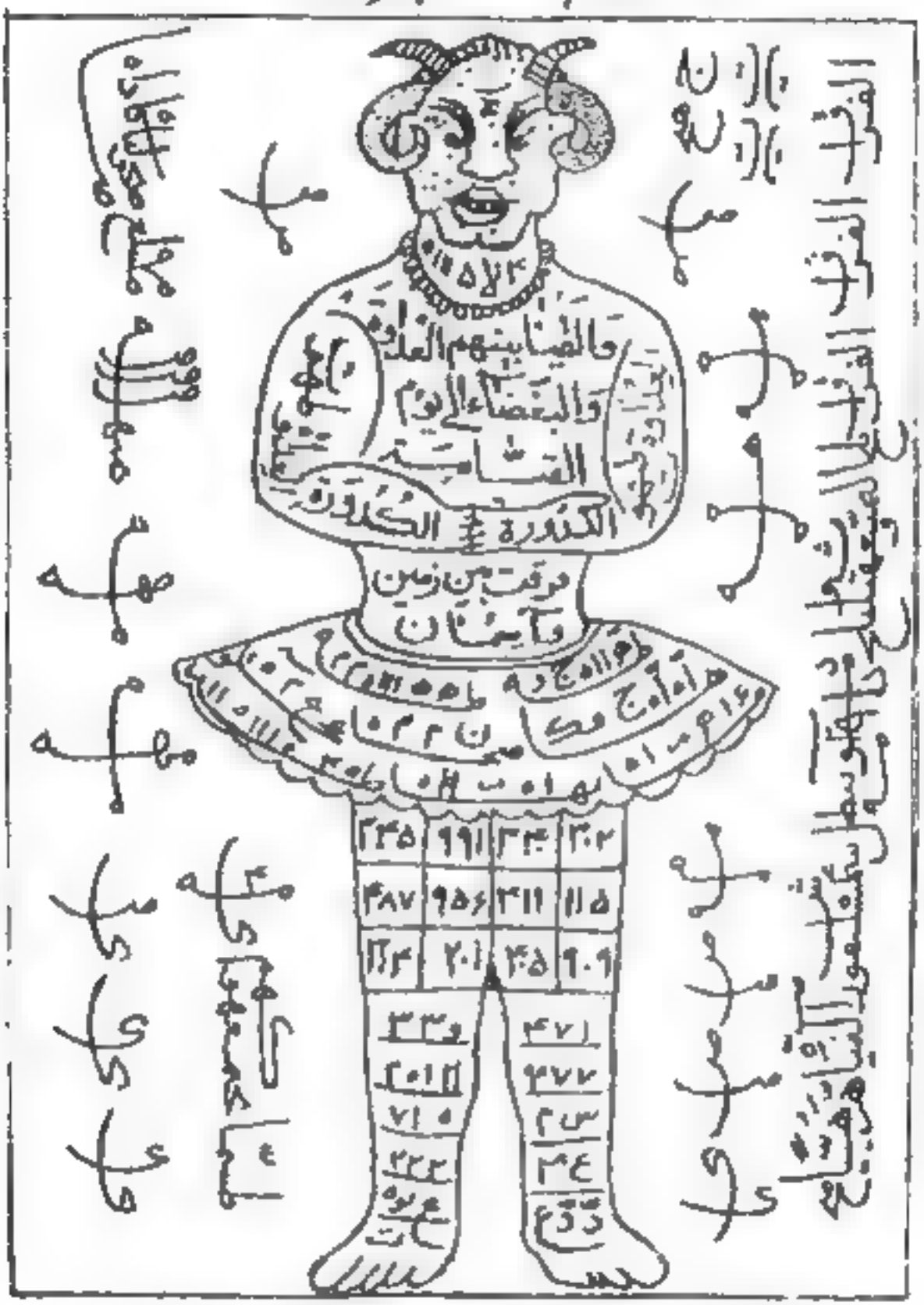

اژدهای پُلیتوش

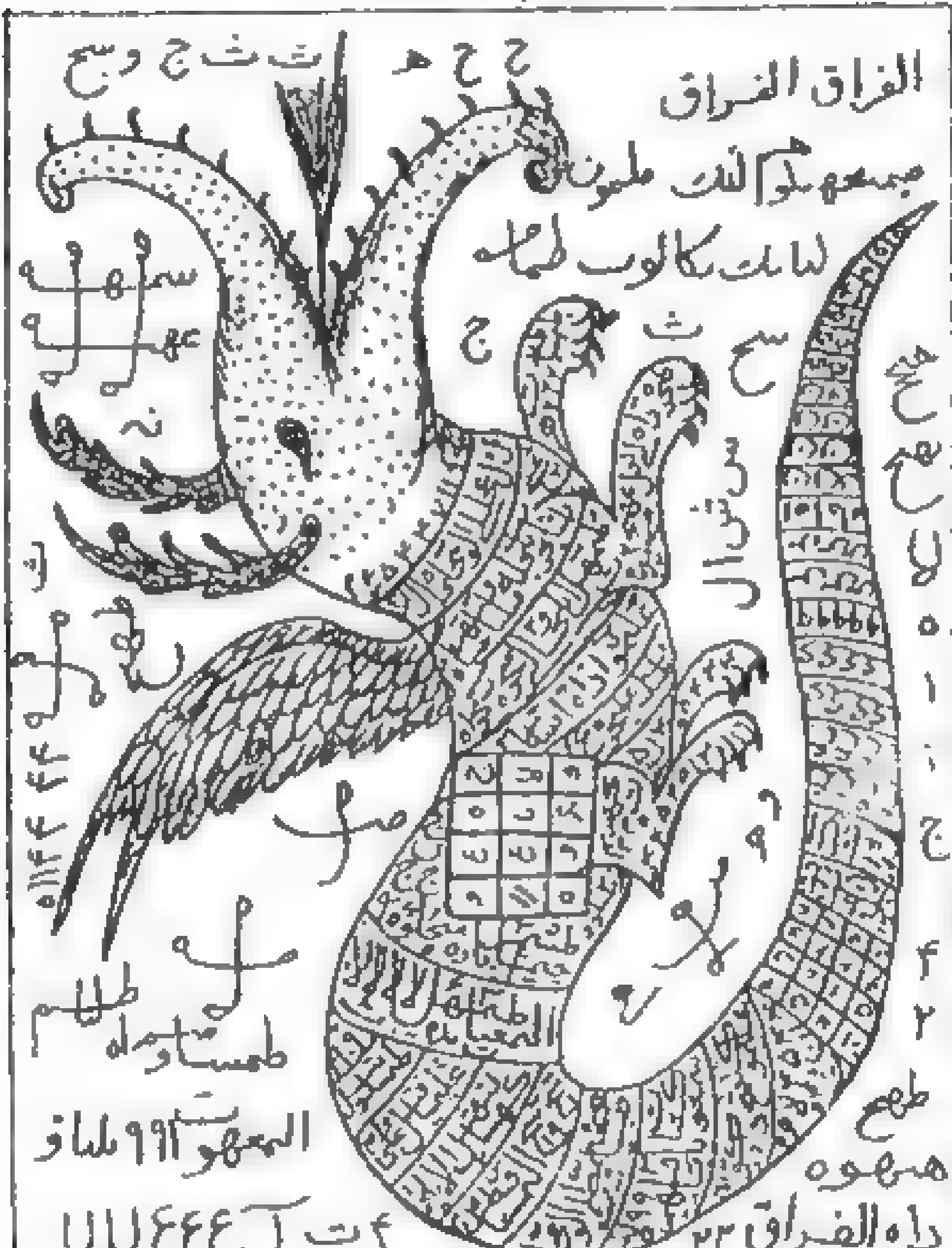

(در صفحات بعد شرح عمل اژدها مذکور خواهد شد)

صد نام شیطانی لبنانی حب شدید

ابلیس	طیقور	دوفاه	لمنوش	نیاهوه	لافیطوده	سیاقوه	الملوش	طوش
طیقور	دوفاه	لمنوش	نیاهوه	لافیطوده	سیاقوه	الملوش	طوش	ابومره
دوفاه	لمنوش	نیاهوه	لافیطوده	سیاقوه	الملوش	طوش	ابومره	ابلیس
لمنوش	نیاهوه	لافیطوده	سیاقوه	الملوش	طوش	ابومره	ابلیس	طیقور
نیاهوه	لافیطوده	سیاقوه	الملوش	طوش	ابومره	ابلیس	طیقور	دوفاه
لافیطوده	سیاقوه	الملوش	طوش	ابومره	ابلیس	طیقور	دوفاه	لمنوش
سیاقوه	الملوش	طوش	ابومره	ابلیس	طیقور	دوفاه	لمنوش	نیاهوه
الملوش	طوش	ابومره	ابلیس	طیقور	دوفاه	لمنوش	نیاهوه	لافیطوده
طوش	ابومره	ابلیس	طیقور	دوفاه	لمنوش	نیاهوه	لافیطوده	سیاقوه

حب شدید اگر کسی این لوح را روی هفت جوش نقش کند باسم هر کس که خواهی و در آتش دفن کند آن طرف بی قرار گردد و دمی آرام نگیرد و اگر روی کاغذ نقش شود با برگ بید و برگ چنار و ۷ دانه فلفل سیاه در آتش سنجد بسوزاند بسیار موثر است و اگر روی پاره لباس مطلق نوشته بسوزاند باسم طرفین محبت شدید است

اگر خواهی کسی را از راه دور بیاوری این مهر را بکاغذی نوشته در شیشه اندازد و با روغن
در آتش ملین نهد و چهارده بار صلوات بر محمد و آل او بفرستد و از بخورات بسوزد
از قبیل عود و عنبر و مشک و سندروس انشاء الله تعالی بفرمان خدا آنکس حاضر شود

اگر خواهی کسی را از زنان سفر منع کرده باز بداری بنویس این مهر را در ساعت سعد در خوا
که پیوسته می خوابید در خاک دفن کند آنکس نمیتواند بآن سفر برود اگر برود در عرض
برگردد و مهر عالیقدر و نامدار اینست

۱۷ ۵ ۹ ۳ ۵ ۱ ۶ ۸ ۳ ۱ ۲ ۸ ۶ ۱ ۴ ۴ ۶ ۱ ۳ ۸ ۶ ۱

۱ ۶ ۸ ۳ ۱ ۴ ۴ ۲ ۹ ۸ ۱ ۴ ۳ ۱ ۲ ۱ ۹ ۱ ۶ ۱ ۸ ۱ ۳ ۱

۵ ۱ ۳ ۱ ۷ ۶ ۴ ۴ ۶ ۴ ۳ ۱ ۳ ۱ ۶ ۳ ۱ ۲ ۵ ۵ ۸ ۳ ۱

۱ ۸ ۳ ۱ ۳ ۱ ۷ ۱ ۴ ۴ ۲ ۳ ۱ ۷ ۸ ۲ ۸ ۳ ۱ ۶ ۴ ۱ ۷

۲ ۱ ۸ ۶ ۸ ۶ ۴ ۸ ۶ ۱ ۳ ۱ ۶ ۱ ۱ ۶ ۴ ۳ ۱ ۴ ۱ ۶

۱۱ ۸ ۱ ۷ ۳ ۱ ۶ ۸ ۳ ۴ ۳ ۲ ۸ ۲ ۴ ۸ ۶ ۶ ۸ ۱ ۲ ۱ ۴

۸ ۳ ۳ ۱ ۲ ۸ ۴ ۳ ۱ ۶ ۵ ۴

والیانی در صفحه پیش کشیده است

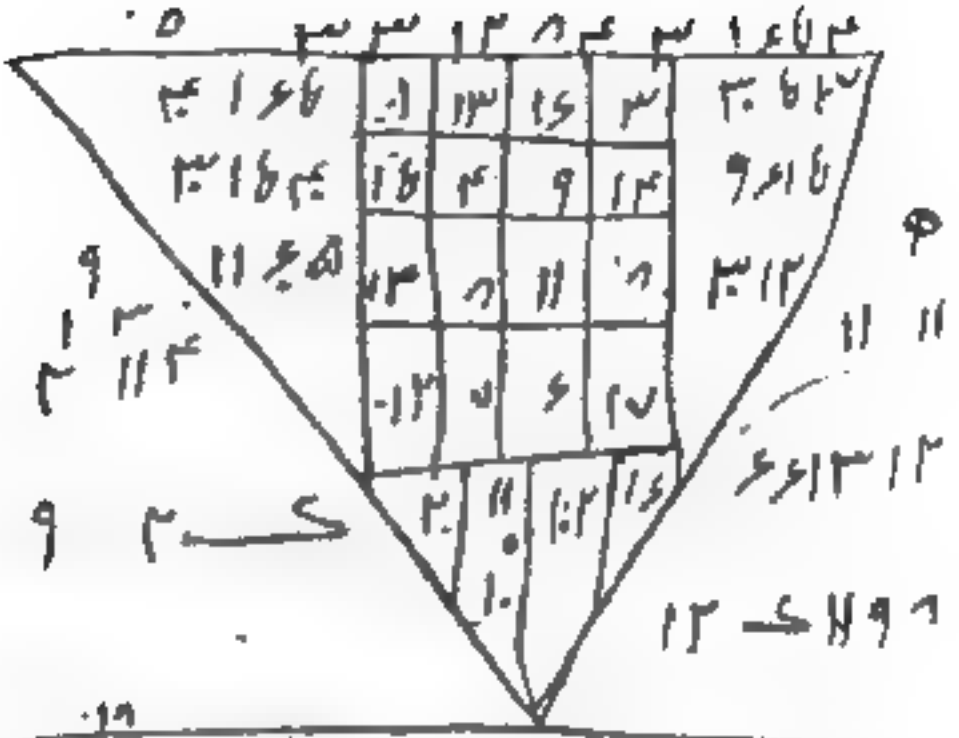

اگر خواهی مرد یا زن مخلّه در مجلسی برخیزد باید این اسم را چهار مرتبه بلا فاصله بخوانی

در روی او بدمی فی الحال از جایش برخیزد و برود و این از جمله اسرارات غریبه است

یا شیخ شاه محمود شاماکی ایضاً نوع ابکار گرفته باشی که شخصی بود مکانی

اخراج نمائی بنویس این اسم را بطریقی که خواهد آمد فی الحال از بر مخلّه یا فرش که نوشته

بگذارد آنکس فی الحال از آنجا برخیزد

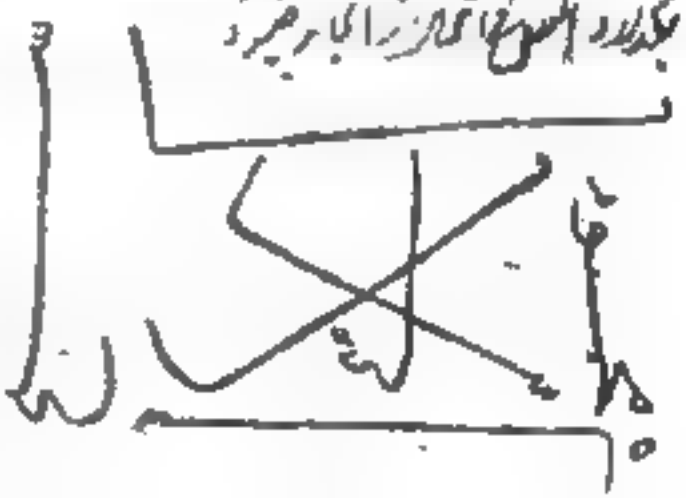

فضل الله یؤتیه من یشاء الله واسع علیم بسم الله الرحمن الرحیم حمعسق

کذالک یوحی الیک یا من تلی ولا نصیر یا کعیهالیح یا سماطیح یا صلالیح

یا حمطاطیح یا نهالیح یا عندریح یا ابرایح یا رصالیح یا صلصالیح یا کفا

لیح اه اه اه اه اه عادعاط یا عد احضار بزرگ اگر خواهی شخصی را

از راه دور یا نزدیک حاضر گردانی پنج بدوح روی کاغذ نوشته و در

اطاق مقابل قبله دایره روی زمین میکشی و در داخل دایره نشسته و بدوحها

را بشکل مربع روی زمین داخل دایره بگذار و روی هر بدوح یک شمع

روشن کن و یک بدوح روی زمین کشیده و چشم به بدوح داشته باش

و کاسه پر آب کرده و مقابل روی خود بالای بدوح گذاشته و سوره

یس را بر کاسه آب بخوان و در آخر سوره بگو حاضر کردم فم زائیده ۲

را در ایمکان بحق حرمت سوره مبارکه یس و در دایره بنشین تا

شمعها بسوزد و سوخته شمعها را در آب روان بریز و آب را بردار

و خطوط زمین را منهدم نما و آنگاه این اشکال را با آب دعا سه شب بجوشان

و اگر آب تمام شد آب بریز بسوی تو آید اشکال اینست صح ۹ ۱۱۵ ۹

ص ۱۱۱۱۱۱۱۱ الاح ما ه آه الساعة تعجیل احضار کردم فم زئیده فم را در این مکان

بخت گشائی و محبة زن و شوهر اگر دشمنی از روی عداوت بخت دختری را
بسته باشد که گشایش نشود بهیچ دعا طرز عمل چنین است لوحی از
هفتخوش ترتیب دهد و شکل پائین را روی آن لوح نقش نماید بنام

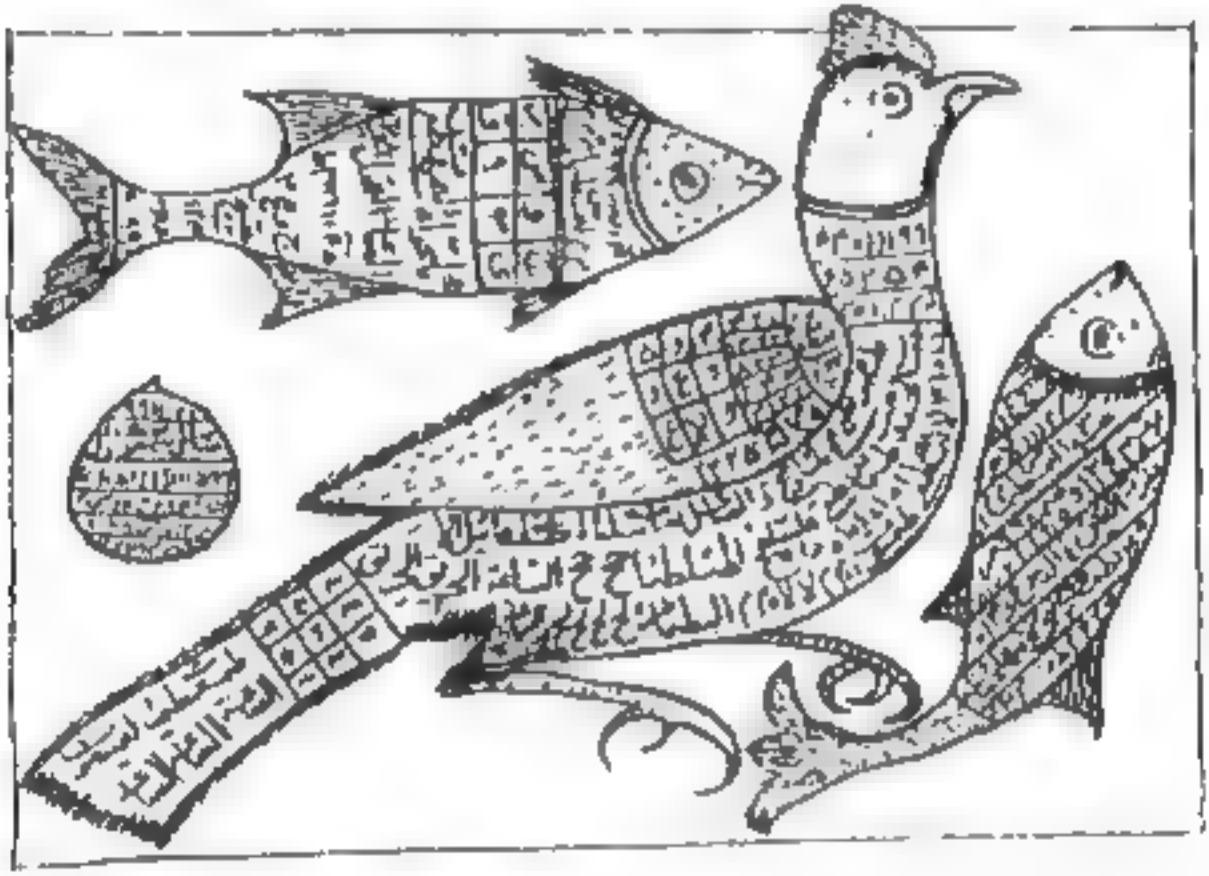

تمام خلق زاده حوا ابن آدم بمحبة و عشق و ازدواج با فلان زائیده فلان
و سورة احزاب را نوشته همراه کند و لوح را همه روزه بآب زند و
بصورت زده و هفته‌ای یکبار آب لوح را بر سر ریزد تا هفت هفته
بگذرد و در این مدت فتیله بسوزاند بخت دختر گشاده گردد انشاء الله تعالی

اگر مردی زنی را بخواهد ای عزیز من این نسخه در اینجا ثبت شد اما هرگز عمل
نکنی که گناه عظیم دارد و نفرین اهل زمین و آسمان بر تو باد اگر عمل بحرام
کنی مگر بحلال که ثواب دنیا و آخرت برای تو هست و اما طریقه عمل چنین است
اول سی و نه قطعه مس بشکل و باندازه این لوح ترتیب ده و همین نقش
را روی آنها نقش کن بنام صاحب و مطلب وقتی تمام لوحها تمام شد باید
عزایم سلیمانی به یک یک لوحها بخوانی و هر پنج لوح را در یک قناة انداخته
و بگوئی انداختم محبت فرا در دل فرا این عمل باید بدست طالب انجام گیرد
و بعد هشت قفل زبانبندی را در آب اندازی آنگاه شش پشقاب
از عزیمه بزرگ را کنده یکی در آتش و یکی در آب و چهار عدد دیگر را
پائین کوهی دفن نموده و شب فتیله سلیمانی را بسوزانی و نعل
لقیطفورش را در ساعت سعد حک نموده و در آتش مدفون نمائی
و آنگاه تفریق نمائی آن زن را از تمام مردان و عمل تفریق باید
در قبر کشته انجام دهی آنگاه سه روز صبر کنی تا دانه که کاشته
به ثمر برسد آنگاه آن مرد بنزد مطلوب رود یا اگر نرود او خواهد
آمد و اگر مانع داشته باشد وسیله فراهم خواهد شد که بمطلوب برسد

اگر کسی خواهد شخصی را بطرف خود جلب کند اگر خواهی بحث کسی را بطرف خود جلب

نمائی که مطیع تو شود
و هر چه خواهی بتو
بدهد و آنچه گوئی
همان کند و فرمانبردار
تو باشد این صورت
را روی لوحی از سه
جرش و مخس را پشت
آن نقش کند و باید
ساعت سعد باشد
وقتی تمام شد سه
روز در آتش دفن
کند و روز چهارم بیرون
آورد وقتی سرد شد
بآب زده سر راه مطلوب
بپاشد و آنگاه روز هفتم
در چاه آب اندازد

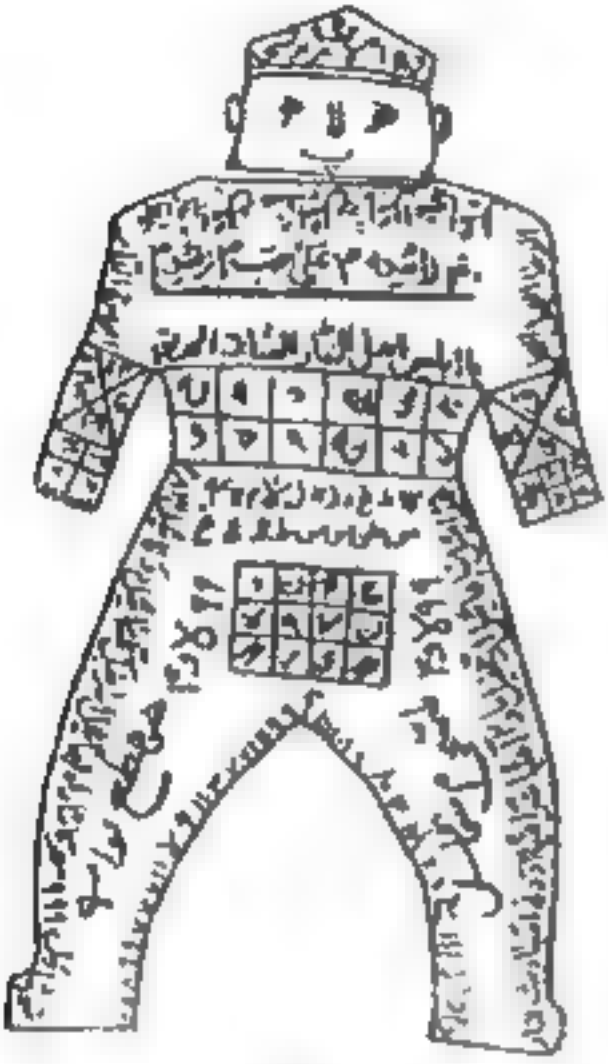

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	۴۴۵۱	۴۴۷۹	۴۴۸۶
[illegible]	[illegible]	۴۴۷۵	۴۴۸۲	۴۴۵۲
[illegible]	۴۴۵۲	۴۴۸۱	۴۴۵۷	۴۴۸۸
۴۴۸۴	[illegible]	۴۴۹۵	۴۴۸۸	۴۴۹۹

طلسم محبت خلقی همراهی اگر کسی بخواهد چیزی همراه داشته باشد که باطل
نشود و برای زبانبند خلقی و محبة خلقی و باطل سحر و گشایش کار
و پیشرفت زندگی مؤثر باشد باید این طلسم شیر و خورشید را
در ساعت سعد اول روی هفتجوش و در درجه دوم روی طلا و
یا روی برنج نقش نماید و بخور اسکندرانی در آتش کند و همراه نگاه دارد

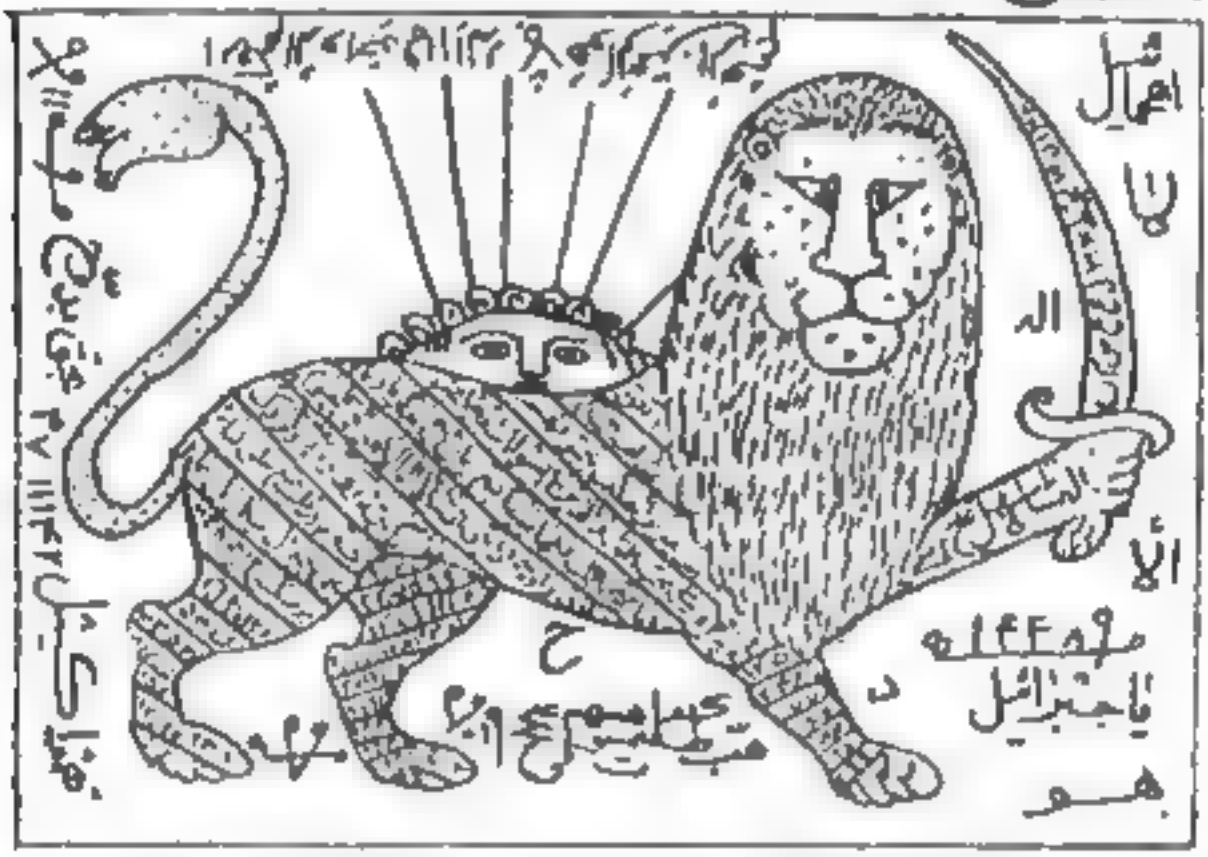

برای محبت اگر آبش بخورد مطلوب دهد محبت زیاد شود و اگر با آب یا گلاب
زده بصورت زند محبت خلق است و اگر به نیت باطل سحر با آب زند بخورد
و بپاشد سحر باطل شود و اگر همراه باشد و هر روز بگلاب زده بصورت
زند و از پی کار برود در کار او گشایش پیدا شود اگر دختر سر بریزد بخت او بیدار شود

نادعلی کبیر بسم الله الرحمن الرحیم نادعلیا مظهر العجائب
تجده عونا لک فی النوائب یا الهی صمدی من عندک مددی بحق
ایاک نعبد و ایاک نستعین بحق محمد العربی یا کریم تکن منی یا کریم
نادعلیا مظهر العجائب یا جلیل و الجلال فی جلالک یا جلیل اجب
یا جبرائیل سمیعا بحق هذه الاسماء الاعظم عزمت علیکم یا
کمائیل یا کمواکیل یا مکفیل یا شورائیل احضروا یا معشر الجن
و الشیاطین اجب یا میکائیل یا حفلائیل یا دقرائیل یا طاطائیل
یا نفقائیل یا طوطائیل یا وکفائیل یا رمهائیل یا روبائیل
یا قمتائیل یا شرقائیل یا هرقائیل یا طومائیل یا برقائیل
احضروا یا معشر الجن و الشیاطین سامعا مطیعا یا تمخیشا یا لنفیشا
یا ملیثا یا طلمیثا یا وهمیثا یا هلیلا یا طوثیا یا وخیثا یا بعلقباش
عدلیس اشهرتباش متعال یا صرفیائیل و یا سرخیائیل و شماوش
ارهوش بحق هذه اسماء العظم ان تقضی حاجتی برحمتک یا ارحم
الراحمین) محبت شدید اگر کسی شکل صفحه مقابل را روی
قطعه از مس نقش کند هر آتش نهد محبت شدید و جذب است

و اگر روی سه جوش نقش گردد در ساعت سعد و عزایم خوانده شود و

در آتش مودتن شود برای

احضار و محبة و جلب مطلوب

است و اگر روی کاغذ سه

عدد نوشته شود باسم معلم

و سه اذان بسوزد با فلفل احضار

و محبت شدید است قدر این نسخه را بدانید و بدست نااهل ندهید

محبة شدید اگر خواهی محبت کسی را بطرف خود جلب نمائی

که بیقرار گردد و وجودش با وجود تو یکی گردد و در تو محو شود اگر چه مانع

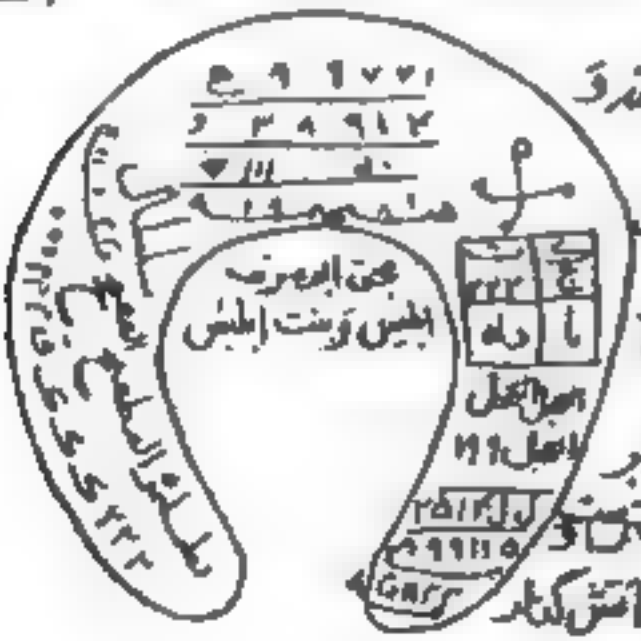

داشته باشد این شکل نعل را نوشته و

با هفت دانه فلفل و ۳ دانه میخک

و یک زره ریشه با با آدم در آتش انداز

و یا روی مس کنده در آتش گذار و اگر بر

چهار جوش کنده در آتش کنی بهتر است و

یا بر سفال آب ندیده نوشته در آتش گذار

سیاه کردن زبان هفتخوش کفن لباس زن پشم بز بر مرغ کافور مرکب نصب سیاه
دوده حمام آب مرده قبرستان قبر کشته پاشیدی ادار لرله سور مبارکه بسن
بخواند

احضار و محبت اگر خواهی کسی را حاضر گردانی که با تو محبت پیدا
کند بنویس این شکل را
بر کاغذ ۳ عدد و یکی را
زیر سنگ گذار و یکی را
در باد بیاویز و یکی را در
آب روان مقابل قبله انداز
و اگر روی لوحی از مس
کنده شود و روی بام خانه
طالب آویخته شود مؤثر
است و اگر روی کاغذ آبی

یا عزرائیل

۱۰ ۱۶ ۹۱

۲ ۷

احضروا و احرقوا
فلان زائیده فلان علی محبة
فلان زائیده فلان

۶ ۱۴

۳ ۸ ۱۱ ۳

یا میکائیل

نوشته و با موی سر مطلوب بجوشانده شود اثر دارد و اگر در جامه مطلوب
پیچیده در باد آویزی مجرب است بجهت محبت روی کت گوسفند
نوشته و در آتش انداز مجربست [illegible]
[illegible]
[illegible] العجل الساعة بجهت محبت و مطیع شدن
بنویس با گلاب بشوی و شربت کن و بمطلوب ده تا بخورد این است
[illegible]
[illegible]

فصل در اخراج کنوز و حل رموز در معرفت کل ملفوظ و در او چند قلم است

قلم اول که او را کمصلا نامند و او این است ک م ص لا ا و ح ط ل
م ل لا ص و ا ط ح ه ل
د ر س ع بود حرف منقوطش بجای خود بود
ر د ع س

قلم دوم که او را خط شجر نامند کلمات را اینطرف خط نویسند حروف

آن طرف خط حساب حروف ابجد

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل
م ن س ع ف ص ق
ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

قلم سوم قلم جابر بن حیان

که از شیخ خود اخذ نموده اعنی جعفر الصادق علیه السلام و او را رضاص لطیف است

ا ب ث ج ح خ د ذ ر ز س ش
ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل
م ن و ه لا ی

قلم چهارم قلم برتاوق

قبطی از جهت کنوز مصر مرموز است ادویه و رداعات و غیرها مفید است

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش
ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م
ن و ه لا ی

قلم پنجم ا ب

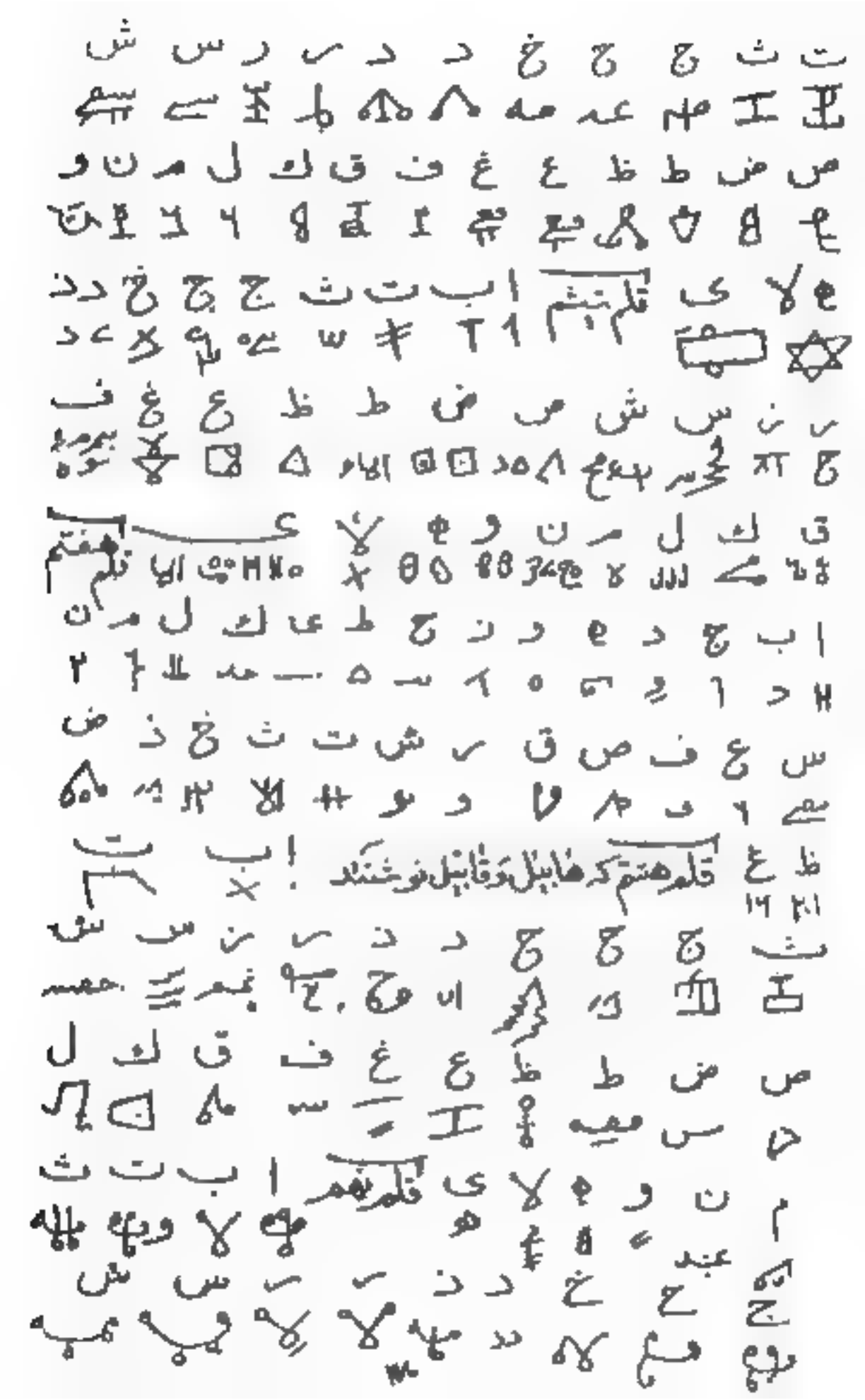

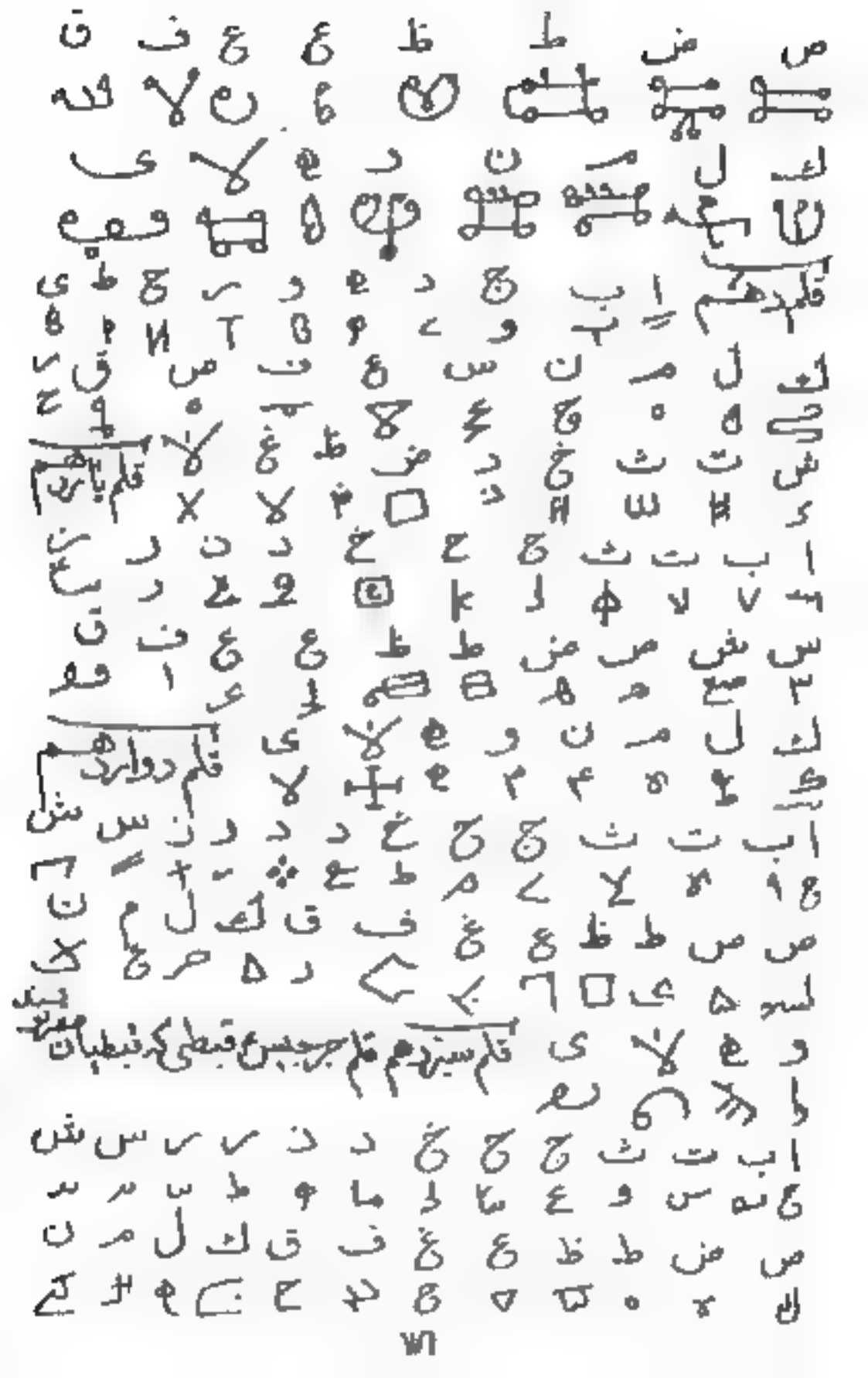
قلم دهم
قلم یازدهم
قلم دوازدهم
قلم سیزدهم قلم جرجس قبطی کہ نبطیان

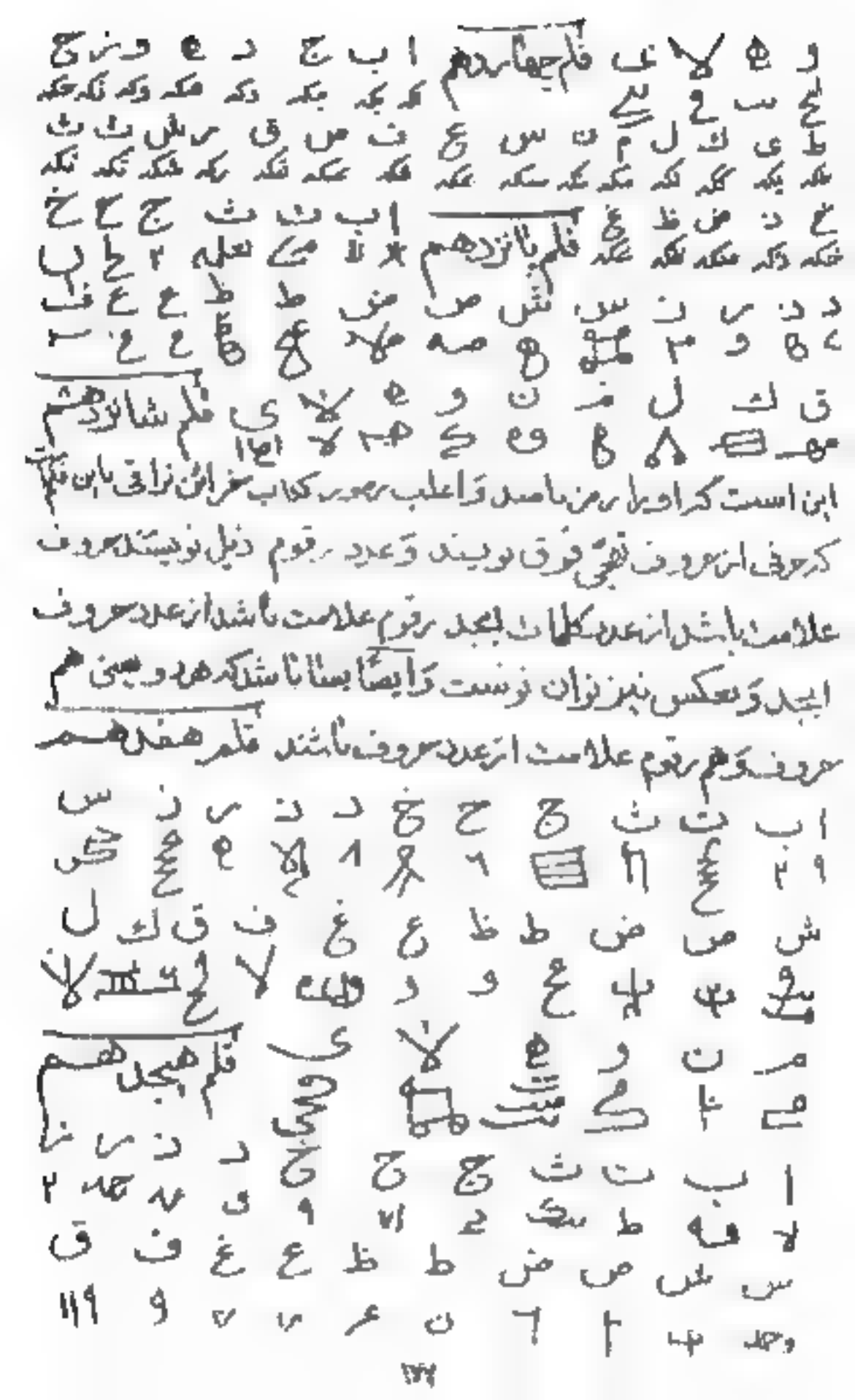

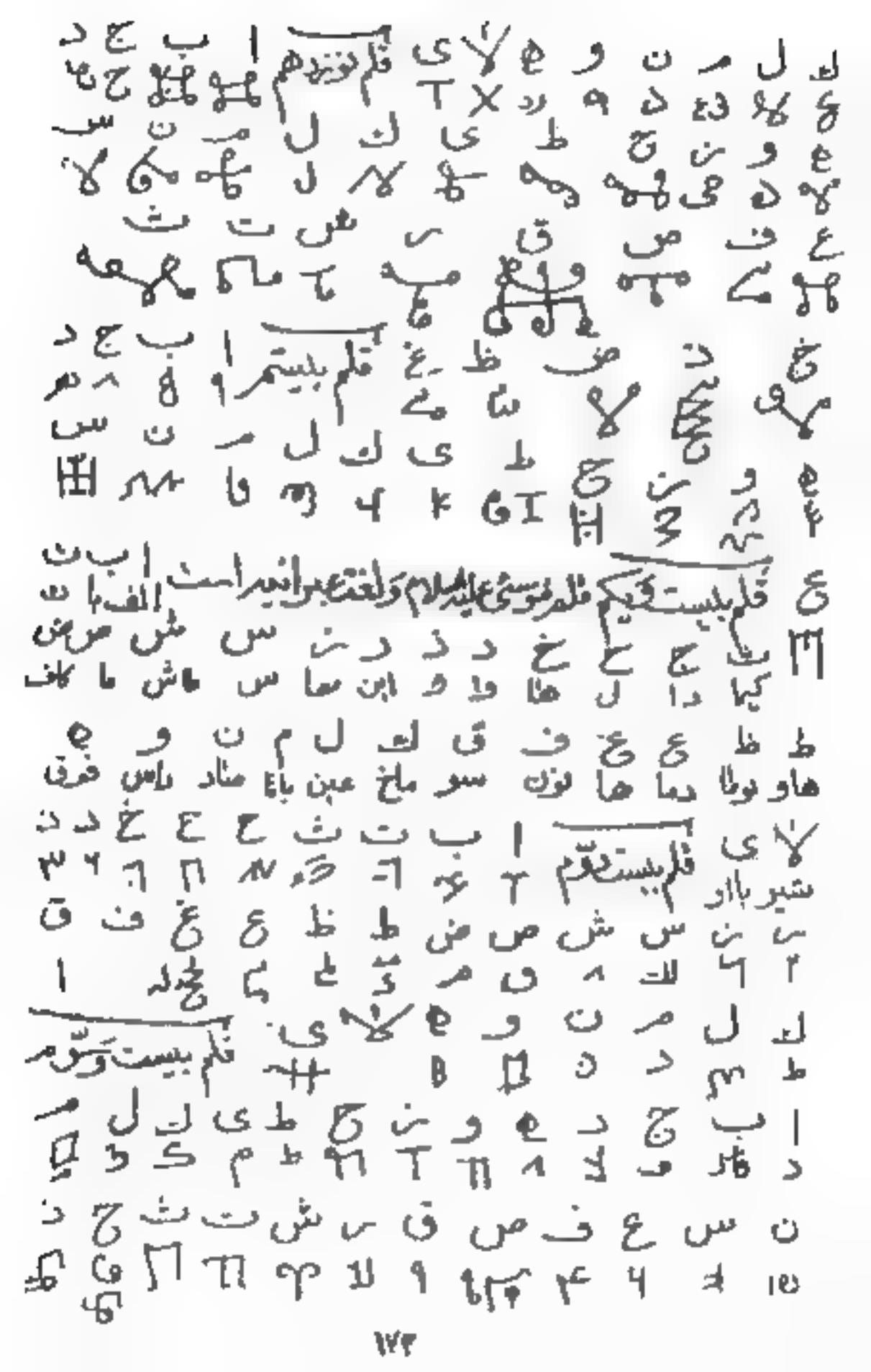

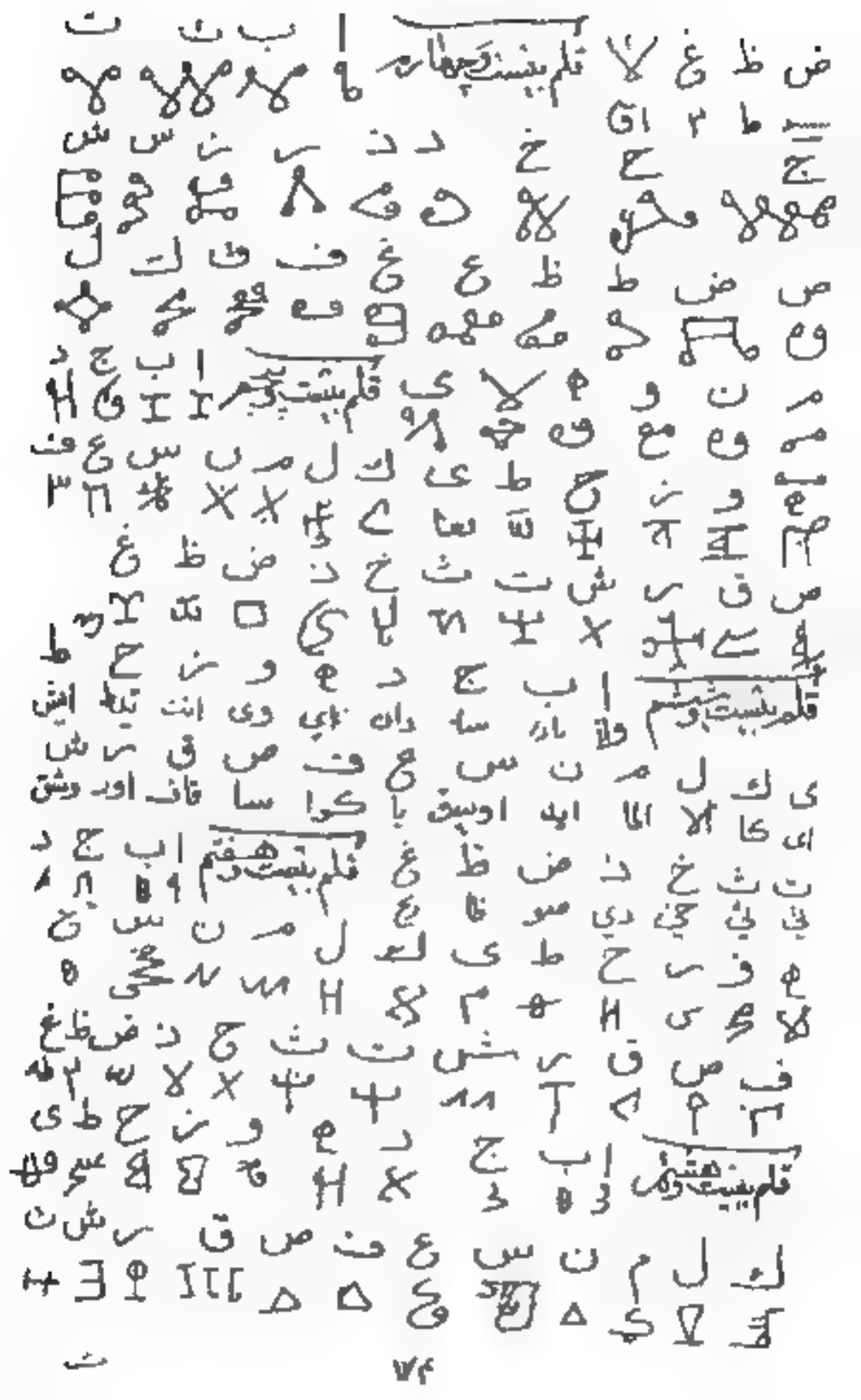

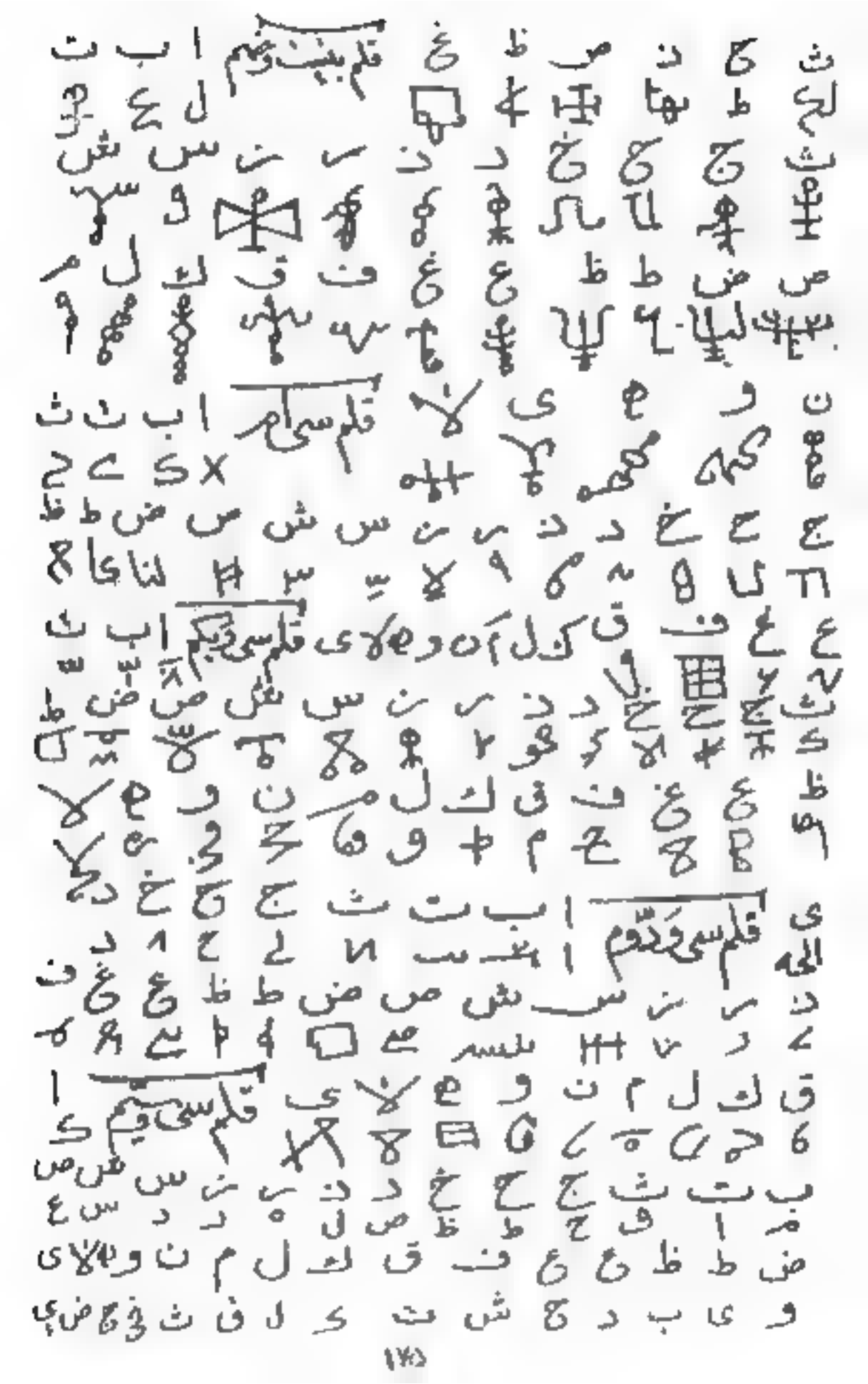

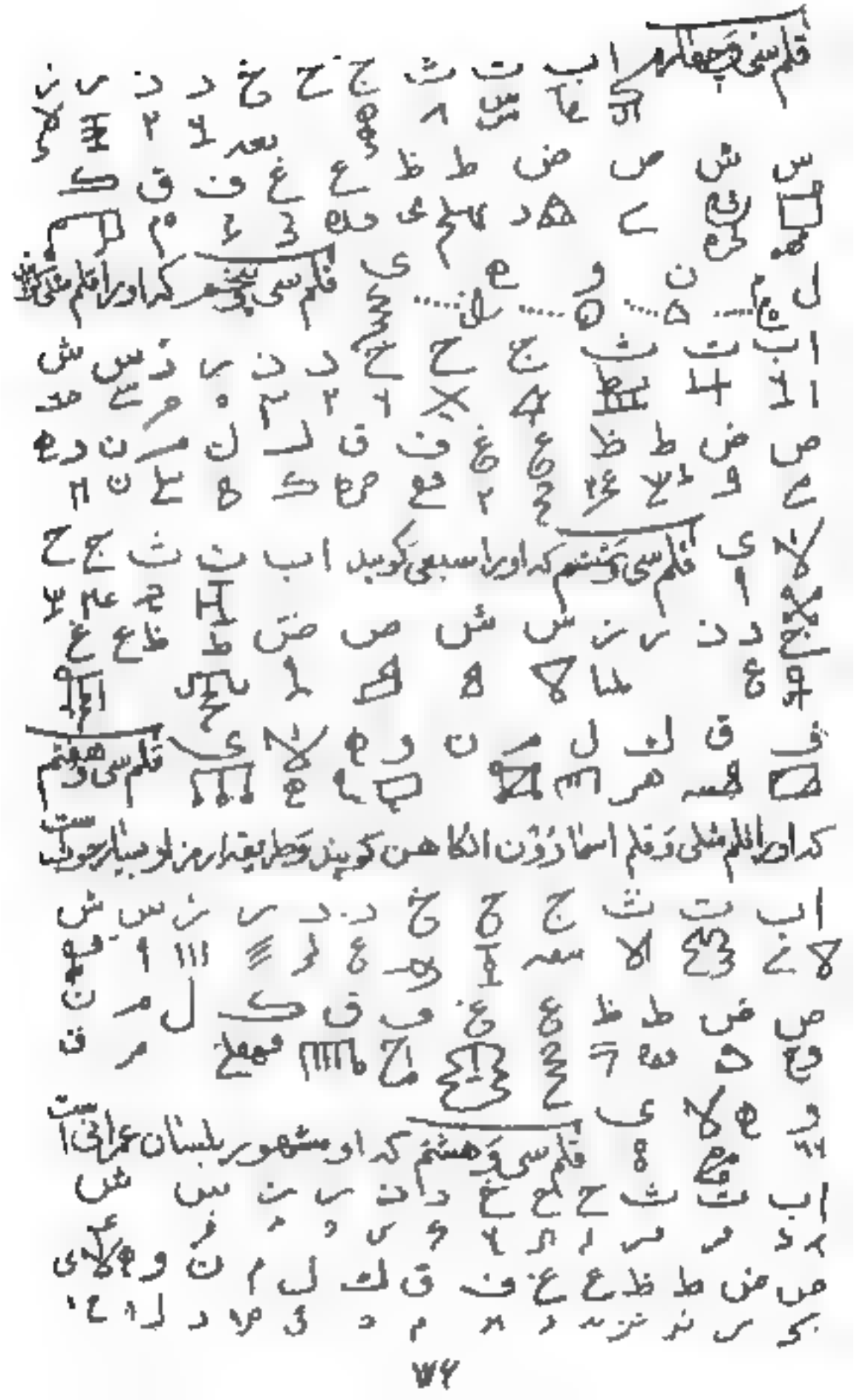

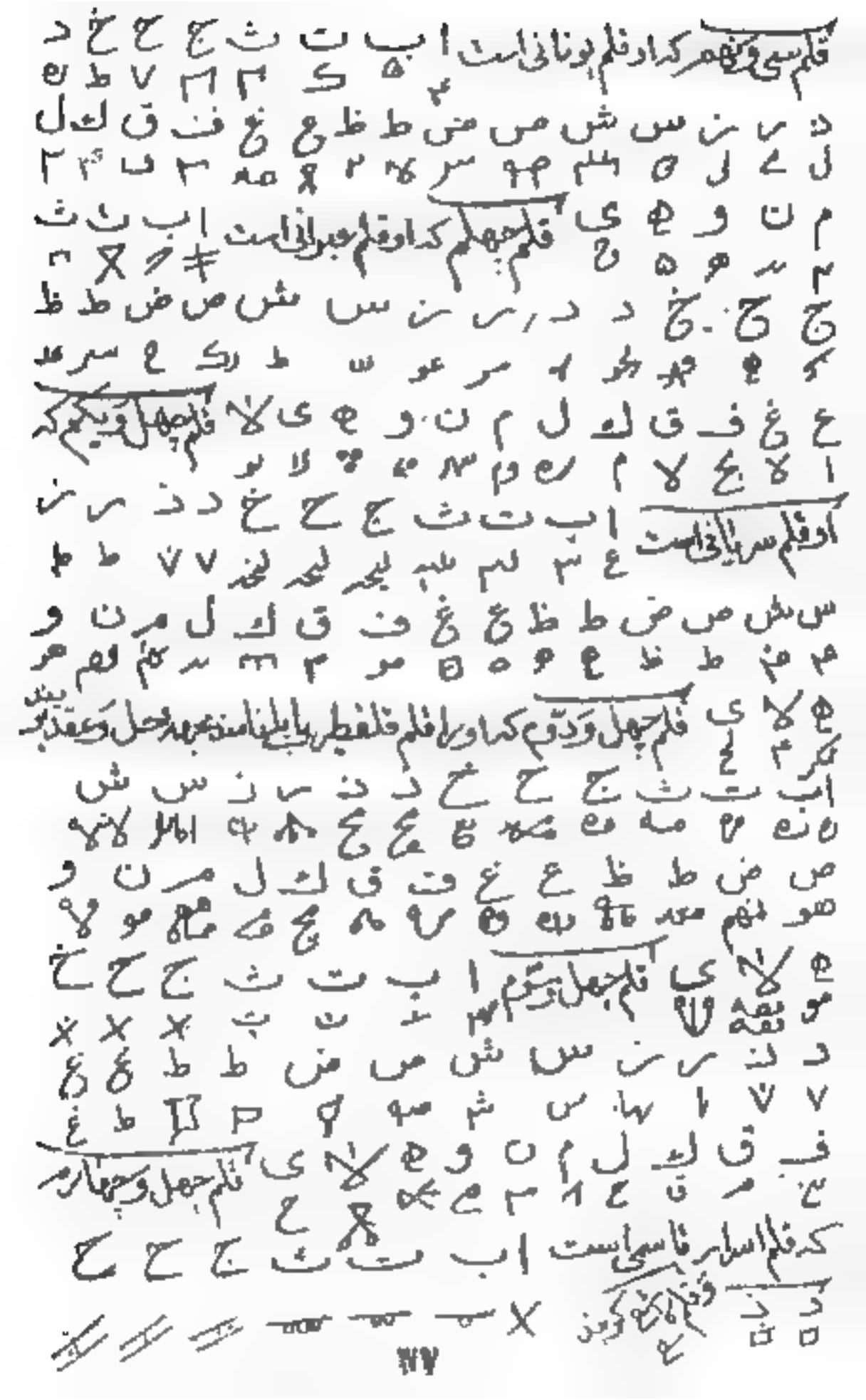

قلم سی و نهم که او قلم یونانی است ا ب ت ث ج ح خ د

ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل

م ن و ه ی قلم چهلم که او قلم عبرانی است ا ب ت ث

ج ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ

ع غ ف ق ك ل م ن و ه ی لا قلم چهل و یکم که

او قلم سریانی است ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز

س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و

ه لا ی قلم چهل و دوم که او را قلم قلقطیر بابلی نامند بجهة حل و عقد بند

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش

ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و

ه لا ی قلم چهل و سوم ا ب ت ث ج ح خ

د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ

ف ق ك ل م ن و ه لا ی قلم چهل و چهارم

که قلم اسرار قاسمی است ا ب ت ث ج ح خ

د ذ و قلم [illegible]

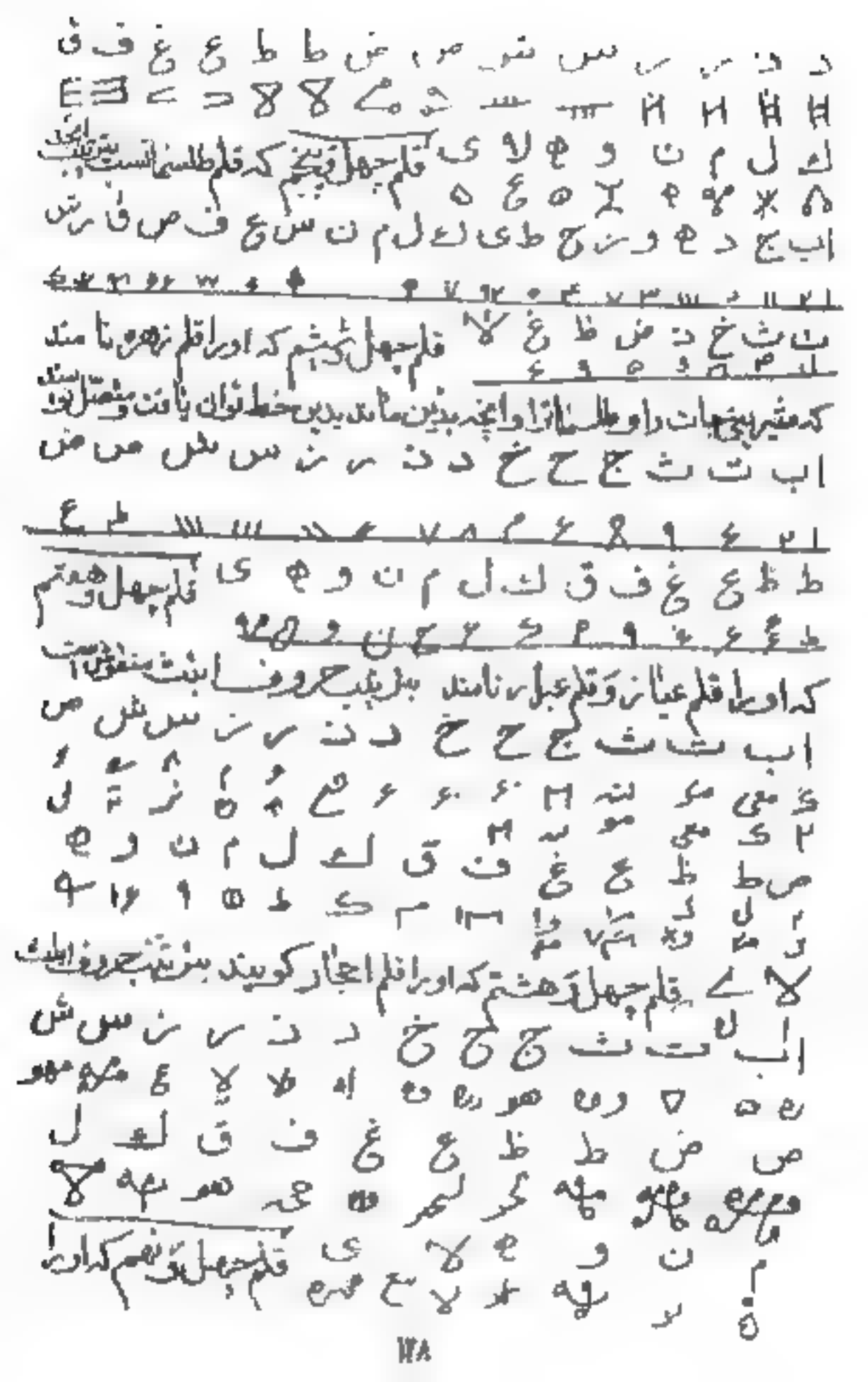

قلم چهل و پنجم که قلم طلسمات است
قلم چهل و ششم که اورا قلم زهره نامند
قلم چهل و هفتم
که اورا قلم عیاران و قلم عیاران نامند
قلم چهل و هشتم که اورا قلم اخبار گویند
قلم چهل و نهم که اورا

نسبة الحروف نامند بتهجی از جهت بروج نویسند و بسیار مفید است

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س

حمل ثور میزان میزان عقرب سرطان جدی جوزا عقرب م ع دلو

ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه ی

سنبله دلو عقرب ثور عقرب حمل دلو قوس جوزا جوزا

قلم پنجاهم خط الودی است بحروف ابتث

قلم پنجاه و یکم که او را

خط نومنی نامند بحروف ابتث

قلم پنجاه و دوم او را قلم حضوری گویند

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز

س ش ص ض ط ظ ع غ ف

ق ك ل م ن و ه لا ی قلم پنجاه و سوم

قلم فلقطروس حکیم ابجدی بحروف ابتث

قلم پنجاه و چهارم تهجی زبور بقول اصح بحروف اب ت ث ج

قلم پنجاه و پنجم تهجی توریت بحروف ابتث

قلم پنجاه و ششم تهجی انجیل بحروف ابتث

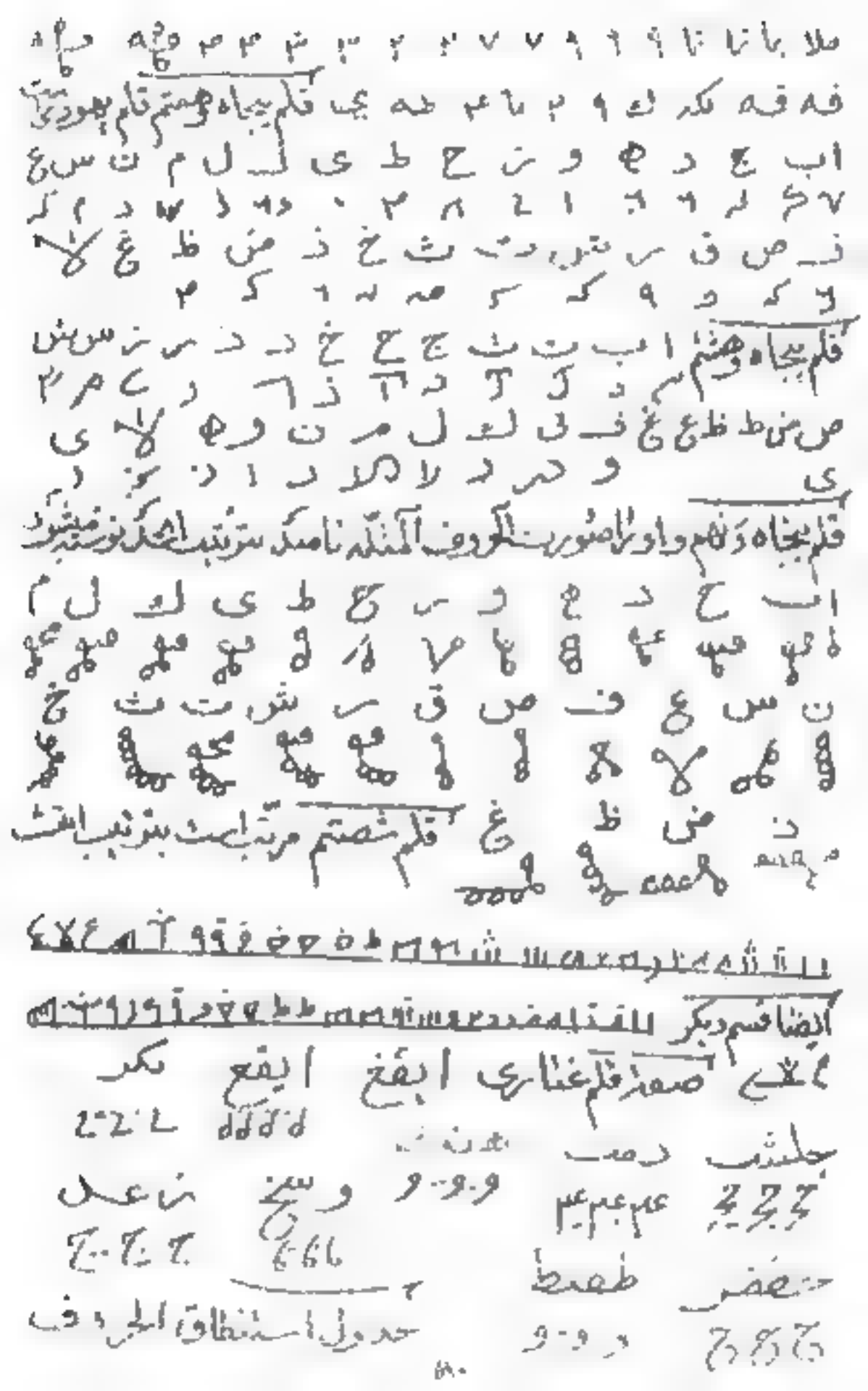

خط ارس و صورت او اینست که بعکس نویسند حروف مقطع

ا	ب	و	ك	د	ی
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ذ	ز	ا	ای	ق	ل
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	ن	او	پا	ر	س
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ظ	آو	ف	خ	ث	چ
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ش	یا	یو			
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

والعلم الجلالی [illegible] الجانی [illegible]

من کتاب النوامیس للحکماء حروف الریح والغیم والمطر والنار

بالریح [illegible] والغیم [illegible] والمطر [illegible]

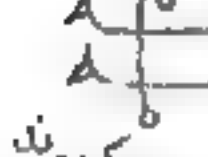

والنار [illegible]

باب الحروفات من قول الحکماء للتیمیا بدانکه حکما حروف بر بروج قسمت کرده اند

و بعلم طبیعی نهاده اند ۳۶ حرف گفته اند قول عبدالله البشری

اما حروف بر نوع مخارج از حروف می نهاده و گفته که اول واو است

فاما مم حروف مخارج میم و چنین قسمت کرده اند حمل و م ب

ثور ب ر ق جوزا ذ ک ق سرطان ص ط ث اسد ر ی

د ت سنبله د ط ل میزان ل ی عقرب ض س ش ح قوس

ج ا ر ق جدی ق خ غ دلو ح ع ه حوت ا د ه والعلم

۱- قلم حضرت آدم سریانی ۲- قلم حضرت شیث
صولیانیا ۳- قلم حضرت ادریس بوبا زیا ۴
قلم حضرت نوح حزرمیا ۵- قلم حضرت ابراہیم
برھمیا ۶- قلم حضرت اسحاق یونانیا ۷- قلم
حضرت موسیٰ عبرانیا ۸- قلم حضرت داود
عزیوبا ۹- قلم حضرت سلمان کاھنیا ۱۰-
قلم حضرت عیسیٰ رومیا ۱۱- قلم حضرت شمعون
اغریجیا ۱۲- قلم حضرت حرجیس قبطیا ۱۳-
قلم حضرت دانیال نبی ارمنیا ۱۴- قلم حضرت
نبیّنا محمّد صلی اللہ علیہ والہ کوفیا۔ کوفی

كلمات ابجد هندي

ثمانية اربعة رباعية الحروف واربعة ثلاثية ولكل كلمة رقم هندي
١ ٢ ٣ ٤
على الرقيم ولكل حرف من كل كلمة رمز سندي فللحرف الاول
٥ ٦ ٧
سا وللثاني ك وللثالث ط وللرابع ه لكنا نكتفي عن رقم
الكلمة الاولى بصفر ان قصد حرف تاليها ويرمز حروفها ان قصد
حرفها ونجعل رقم متلو كل كلمة دالا عليها متصلا رمز حرفها المعط
بالرقم المذكور فعلامة الالف سا وعلامة الدال ا وعلامة الواو
ب وعلامة الكاف ٣ يوصل رمز كل منها برقم متلو كلمة وعلامة
الفا ٤ كما عرفت فنكتب احمد هكذا سا ٢ ٣ ه ونكتب
علي هكذا ٤ ٣ ه ونكتب جعفر هكذا ما ٤ ٤ ٥ ونكتب
غانم هكذا لا سا ٣ ٣ لان متلو كلمة الغين المعجمة سابعة
الكلمات ومن هذا يظهر انه لا حاجة الى رقم الكلمة الثامنة كما لا
حاجة الى رقم الكلمة الاولى ان قصد حرفها اذ الثامنة غير متلوة
٤ ٥ ٦ ٧ ١٠ ٢ ٣
والاولى غير تالية واذا تمت الكلمة فيمد حرفها الاخر السندي ليحصل
الاطلاع على اخر الكلمة ولا يخلط بما بعدها اللهم الا ان يكون في
اخر السطر فنكتب زيد ابن خالد هكذا ٥ ٥ ه لا ب ٣ ك سا سا ه

حروفات ابجد هندي صورتين

سا	ك	ط	ه	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩
				ه	و	ز	ح	ط	ي	ك	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر

٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥	٥
١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧
ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

بسم اللہ الرحمن الرحیم

حمد بیحد بلکہ لاتعد ولا تحصی مر آن ذات پاک را سزا کہ شت خاک را نور ایمان بخشید و از ذرہ تا بہ خاک
کلی را راز نور ذات خود منور ساخت و قطرہ بیمقدار را تا بحر زخار و یکردانید جل جلالہ و عم نوالہ کہ
فانوس مستجمع صفات بری ست از شرک و زوال ہو الحی الذی لا یموت سبحانہ و تعالیٰ کہ
ہو المقسم بالنجوم و مثال مہر پرتو ش از مشابہت اعراض جواہر قطعاً مبرا و ہو واہب الحکم الربانیہ و اسرار
الارواح فی غیابات الجسوم و مثال و مثلش از مناسبت اسم خواص مطلقاً معرا و ہو منزل انوار المواہب
من حضرت العلیا الی تحت الثریٰ و ہو المعطی سبحانہ ایشان حقیقت البرہان و بہ خاص نور الفضل بین اہل
الرسوم و عطا کند ہر نبی را بہ مثابہ نور یضع الکتاب و ہو موتی الحکمۃ من شاء من عباد و لا یحیط
معلوم الا بقدر مرسوم لہ رزق مقسوم و اثر تو بحال ذات پیدا لا نبیاء و منزلا علیہا احمد مجتبیٰ محمد مصطفیٰ صلے اللہ تعالیٰ
علیہ و علی آلہ و اصحابہ و سلم تمام عالم را از عرش تا فرش روشن گردانید و ہو مولی حامیۃ لوتہا من لیشاء و ہو العلیم
الحکیم زمین بلکہ آسمان و زمین و ہر چہ در ہر دو عالم و جمیع انبیاء و مرسلین و فرشتگان و ملائکہ مقربین را در ہر
امور وارد و ہ و الصلوٰۃ علی الذرۃ البیضاء بصوب سبحان ۔ الذی بارکہ حولہ یکتای بارگاہ سبحان الذی اسرا بعبدہ
لیلا من المسجد الاقصیٰ الی المسجد الاقرب و ابوان دنی فتدلی اضیا ما لاح من سدۃ المنتہیٰ او فی مکان قاب قوسین او ادنیٰ و الام
دانای اسرار ذات علوم لدنیہ فاوحی الی عبدہ ما اوحی ستر پوشش الوحی نہ گنجد و در ضمیر جبرئیل نہ کشف
اسرار ذاتی کہ سدرہ ام الکتاب ۔ صاحب الوحی الاطہر خاموش نشین ساکن و ما ینطق عن الہوی
ان ہو الا کسیر الاکبر کریم علام قدیم عدیم المثیل ہو ان ہو الا یوحی الکبریت الاحمر نقش صورت نامی فانیا لولاک لما
اظہرت ربوبیتی ۔ ظہور ما ضی کامل و نشوف یعطیک ربک فترضیٰ المعطی لوا ما الحمد و الخلافۃ و التقدیم سزد
دیدہ مخزون فرمان فرمای آدم و من دونہ تحت لوائی یوم القیمۃ ۔ الخزو نور خیمستان کبریائی قبل ایجاد الکون
و التمکین بالمقام العظیم و الاشتہار اذا تجلی در حضرت القدیم کوثر شب اسریٰ و ذکرت نبیا و آدم بین الماء و الطین

حمد بے حد و ثنا بے عد خالق کائنات و مالک ممکنات را کہ بہ تخلیق و تدبیر شمس مضیء را بدید آورد و بہ انوار عوارف بدو جدید العلی البغدادی الی اہل السنۃ و الجماعۃ
تعلیل و تعلیم نمود و ربوبیت عالم الریب و التجسیم من غیر مفارقۃ الی موجودہ الکریم و بہ ارسال رسلہ الکرام
و کتبہ علی العلمین مشکی آرد کہ بہ پیش عالم علم حقیقۃ علمت و علی الاولین و الآخرین حضرت آدم علیہ السلام مطیع و عرش
حضرت ادریس علیہ السلام مستفیض تدریس کرسی حضرت نوح علیہ السلام کشتیبان دریای علم و فلک
باعث اصل حجرش حضرت ابراہیم علیہ السلام منزل ہای خلال ہمرش حضرت اسمٰعیل علیہ السلام و ذبح اہروی ہمرش
حضرت اسحٰق علیہ السلام مشتاق دیدار و انوار و آثار حضرت یعقوب علیہ السلام مکلف بہ تلاوت حزن عرش
حضرت یوسف علیہ السلام گرفتار دام کائل و ہمرہ ہمرش حضرت خضر علیہ السلام مشتاق بہ رحمۃ لغیر و عرش حضرت
سلیمان اصال علش حضرت نوسی بشر کلام اللہ عرش حضرت عیسیٰ علیہ السلام قدوم مقدمش ہمرہ و ہمرش محافظ ہمرش
حضرت میکائیل علیہ السلام عاقبت خواہ معراج ارش حضرت اسرافیل علیہ السلام بہ بیان مدح و ثنایش حضرت
عزرائیل علیہ السلام رہ ابوی خاتم معظش بہ تلقین اکرم الاولین و الآخرین ابوذی الدنیا و الآخرۃ ابوبکر صدیق
اسد اللہ الغالب صاحب الحوض و الشفاعۃ ابو الحسنین محمد بن عبد اللہ النبی المصطفیٰ المعصوم المبرک لوارث الامامۃ مشکوی بہ
اہل الاسرار و الفہم فما قال لتفضل ذی سبب الی سبب من کل ذی شرف اصائل میرسی بہ نبی الی الاصل المعلوم الی
ابن النبوۃ و الولایۃ الرسوم الاثار لدوۃ الحق الحراق الی الصفای ذات الاب النبی الامی و صلی اللہ علیہ و سلم ؛

مقدمہ

اما بعد فیا ذوی العقل السلیم و المتصف بصفات الکمال و التحقق بحلل اسعد کمال اللہ تعالیٰ ادعک الی ما تستفید بہ العلم فان علم الاعمال بلا عمل کالاعمال بلا اخلاص لا تقبل اولا بد کہ طالب علم در ابتدای حال حاصل نماید و دران پرہیز و تقوی بر آنچہ
تعہد و حال کامل بشرع شریف صاحب تعہد باشد کہ علم بلا عمل کالاعمال بلا اخلاص بآسانی حاصل آید حال باید کہ
صاحب تقوی و پرہیز گار باشد اگر حال تقوی نداشتہ باشد اول استعداد پرہیز کند عمل او متعدی نشود
در غرض و فائدہ بخشد پس اگر کسی خواہد کہ برای خود یا برای کسی دیگر عمل کند باید کہ اول رزق حلال طلب کند و
بعد ازان در صدق مقال و کوشش کند کہ کاسی در اخلاق ہمہ بخشود و استقامت او در دین و شریعت باعمال
خود ہمہ کند و غیبت نکند و بہتان بکسی نبندد و بشر نیتہ و حاسد نباشد و بہ ہیچ مسلمان بد نخواہد و ہمیشہ
راضی بقضا باشد و کار دنیا بہ مقدار ضرورت کند و ہمیشہ ذکر خدا و رسول او را در حضور و غیبت ورد خود سازد و ہمیشہ از خدا و رسول او ترسان
و لرزان باشد کہ اللہ تعالیٰ ما را و جمیع مسلمانان را از جملہ گناہان و دعای بد بندگان خود نگاہ دارد و بہ شرع مطہر خود ہمہ کند و ہمہ
آخرت ما را بہ خیر ختم کند و ما را در دنیا و آخرت بہ رحمت خود بیامرزد و ما را بہ ہمہ طاعات و عبادات مقبول گرداند و ہمہ ما را بہ ہمہ

دارد و اوقات هم نیک باشد همیشه خاشع و خاضع در جناب باری باشد و جائی که نشیند او را هم بر خوراند
خوشبویات معنبر و معطر دارد و اختلاط با مردم بد هرگز ندارد و هر عملی که بکند اگر برای دشمنی است یا هلاکت
است اشیاء تلخ در دهن دارد و اگر برای حب و غیره است شیرینی در دهن دارد و درود شریف را همیشه
اول و آخر عمل بکار برد یعنی بخواند تا استجابت یقینی شود و برای استجابت درود شریف مثل کبریت احمر
است از این جهت ذکر درود شریف ابتدا نمودم فائده اول در بیان فضیلت صلوة بر نبی علیه السلام
بدانکه معنی صلوة اگر از جانب حق باشد رحمت است و از غیر خدا طلب رحمت
و نزد جمعی معنی اللهم صل علی محمد اینست که بار خدایا تعظیم کن محمد صلی الله علیه وسلم را در دنیا
با علاء ذکر شریفش و در آخرت با بقای شریعت غرایش و عطای درجه شفاعت باید دانست که بالفاظ علماء
صلوة بر آنحضرت واجب است اما اختلاف در مقدار است نزدیک مالک تمام عمر یکبار و زائد بر آن مستحب
و شافعیه در تشهد اخیر واجب دانند و نزد امام اعظم سنت مسئله در وقت استماع اسم مبارک منشی به اینست
در مجلس گو نام نامی مذکور یابد درود یکبار واجب است و نزد بعض هر بار و جمعی بر آنند که از یک نوبت
نوبت واجب است باقی سنت باید دانست که منافع و فوائد صلوة بیشمار است و اکثر کتب معتبره از
فضائل و فوائد درود شریف بیان نموده اصلی از فضائل درود شریف این است که اکثر بزرگان دین خدا
طلب بوسیله درود فائز المرام و واصل بالله شده اند و فلاح و صلاح دارین نصیب شان گردیده غرض
هر چه جویند از درود شریف دریابند چه خوشنودی خدا و درود فرستادن خدا و ملائکه بر وی سلامتی دین

[illegible]

گفتہ اند کہ بسم اللہ کلید قدرت است و ذکر ہدایت و علت رہبریست از ضلع ولایت دوست
و قربت است بر اہل کتابت در مرتبت خاص است مر اہل حقایق را و روایت کردہ شدہ است از امام
جعفر صادق رضی اللہ تعالیٰ عنہ کہ کتب سماویہ مودع است در قرآن و مودع قرآن موضع است در فاتحہ
و فاتحہ موضع است در بسم اللہ و بسم اللہ موضع است در [illegible] باشد پس اشارت کردہ باشد
بسوی اللہ تعالیٰ و بسوی محمد علیہ السلام یافت روایت کردہ شدہ است از رسول
صلی اللہ علیہ وسلم کہ در بہشت چہار دریا باشند دریای زنجبیل و دریای انبت و دریای از عسل و دریای از خمر
بہشتی و از این چہار دریا چہار نہاد روان میشود و روایت کردہ شدہ است کہ ساق عرش از سنگ شدہ
بسم اللہ الرحمن و چشمہ آب از میم بسم و چشمہ شیر از ہاء اللہ و چشمہ خوان از میم الرحمن و چشمہ عسل از میم الرحیم
نقل کردہ شدہ است از تفسیر بسم اللہ الرحمن آغاز میکنم بنام خدای بسیک مہربان و نیک بخشاینده
بالوہیتش شناختہ عارفان بہر بامیش روزی یافتہ طالبان و بہ بخشش نجات یافتہ گناہگاران
اغار کتاب حق سبحانہ و تعالیٰ یا این ہم سہ اسم است از بہر آنکہ ہمہ حالت است این جہان و
گور و آن جہان چون معبودی اللہ است در این جہان کارسازی او است و در آن مہربان
بودی او و در گور است و در حشر شفاعت کنندہ در آن جہان و آمرزندہ گناہ دی او است بلیت تمام او را بگور
خواہم برد و زاکی او مہربان امن است یا تفسیر یعقوب سیرتی و حضرت خوت الاعظم رضی
اللہ تعالیٰ عنہ فرمودہ اند کہ بسم اللہ از عارفت تندرستی است از پروردگار تا ہی امام ابو حنیفہ
روایت کردہ او ہر کہ در وضو ہفت بار بسم اللہ گوید حق تعالیٰ او را از آتش دوزخ آزاد کند و در
بہشت خانہ او کند و کہ در جہاد امیر المومنین علی کرم اللہ وجہہ حریان سلمی را در جنگ گرفتند خواہ تا کہ زنار شود
و دین گبرکی کردہ او را آنقدر بسم اللہ الرحمن گفت تا دش سرد شد و او سلامت ماند حق سبحانہ این اسم اعظم
را با نبیاء مبین و بیغمبر با عنایت کردہ نبی از آن نوح علیہ السلام ہلاک شدگان را سواری کشتی فرمود و [illegible]
[illegible] و ثانی حضرت سلیمان گفت [illegible] بسم اللہ الرحمن الرحیم
[illegible] بخواند بسم اللہ [illegible] ہزار ہزار [illegible] بسم اللہ [illegible]
طلب از خدای تعالیٰ بزرگ جوانمرد بخواند بسم اللہ کند چون دفتر ہزار دیگر نام بند اسم اعظم سایل
پروردگار او کند و عدہ بخواند بچین تا تمام عدد مذکور پس ہر کہ چنین کند قضای حوائج گردد بفضل اللہ تعالیٰ
[illegible] اللہ تعالیٰ [illegible] بسم اللہ [illegible] و خطاہا [illegible] تعالیٰ [illegible]
کسی تواند بر سایندن ضرر او را مگر اللہ دیگر این نفس بسم اللہ بر [illegible] غفران و گلاب [illegible]

هر دو خود بیاید بهر گرمی حاجت کسی شود اگر تا چهل روز هفت صد و هشتاد و شش بار نوشته دائم جیب ساخته و در انداز به مشکلات آسان گردد و هر مراد که دل آرزو کند حاصل گردد و خاصیت نقش معلوم شود

دیگر این نقش را نوشته بر بازو در تعویذ اندازد بر بندد تمام خلق جهان بروی مهربان گردد و بزرگی و دبدبه یابد از برکت این نقش۔

بسم	الله ۱۲	الرحمٰن	الرحیم
الرحیم ۱۳	الرحمٰن	الله ۲	بسم ۳
الله ۶	بسم ۹	الرحیم ۱۱	الرحمٰن ۴
الرحمٰن ۱۵	الرحیم	بسم ۵	الله ۱۰

۴۸۶

۲۳	۲۶	۲۹	۱۶
۲۸	۱۷	۲۲	۲۰
۱۸	۳۱	۲۴	۲۱
۲۵	۳۰	۱۹	۳۰

فائدہ سوم در سورہ یٰسین فضیلت سورہ یٰسین و برکات او بسیار و انوار و فوائد آن بیشمار و طریقہ عمل آن بر سہ وجہ است طریق اول اینکہ بعد نماز عشاء ان شاء اللہ تعالیٰ و بساعت سعد یکبار بخواند و بعد ہر بار یکبار بر خود دمد سابق زیادہ باشد تا چہل و یکبار رسانیدہ باز عکس یک یک نماید اگر در ہر شب و نوبت یک ختم خواہد صد و ہر روز یکبار و خود دار و ہیچ عذر تا فوت نکند عامل خواہد شد عند الحاجت ہمین طور بخواند طریق دوم آنکہ ہر گاہ کہ ہر روز یکبار خود یا دیگری بخواند مطلوب باشد در یک شب چہل بار و در یک روز چہل بار بخواند ان شاء اللہ تعالیٰ تیر بہدف مراد خواہد رسید و وقت خواندن طہارت و پاکیزگی لباس و بدن واجب است و در اثنای خواندن کلام نکند و کار دیگر سوای فرض و وتر متوجہ نشود مگر بضرورت بول و براز و ضوء خود دارد اگر ضرر و مضائقہ نیست حتی الامکان صبر نماید و در مکان خلوتی مرتب آب اگر دریا نباشد طہارت مرتب کرده بجای وحدت پیش نظر دارد و در اثنای قرات تصور حضرت صلی اللہ علیہ وسلم بنماید و فکر دائم و حتی الامکان در جمعہ خواند انشاء اللہ تعالیٰ بامن و فتوح عظیم و بہرہ وافر حاصل شود و ہمین عمل بہ خواہد انشاء اللہ تعالیٰ حضرت بنات تودکیں حوائج حاصل شود و طریق سوم بدینطور است کہ سورہ یٰسین را شروع نموده تا یٰسین اول بخواند چون بہ یٰسین اول برسد دعا اول قرآن خوانده تا یٰسین دوم بخواند و سوم بار از اول شروع نموده بہ یٰسین سوم رسیده چہارم بار تلاوت نموده تا یٰسین سوم برساند بار ختم کرده تا یٰسین ... الخ و علی ہذا القیاس یٰسین ہفتم تکرار نموده ختم کند و دوم کردن سورہ یٰسین

بترتیب کور برای ہر حرف سنت است لیکن در این احتراز کوشش بسیار لازم است و دیگر شرائط چنانچہ سابق نوشتہ شد
حاجت بتکرار نیست انوار الرحمان ایضاً نوشتہ کہ سورہ یٰسین بسیار و ترتیب افضل بعد فراغ این عمل بسیار ترتیب بخواند
بسم اللہ الرحمٰن الرحیم سبحان اللہ العظیم من کل حد و ان سبحان اللہ العظیم عدد کل محزون سبحان
من یعلم ما تکن الصدور سبحان من یعلم السر و اخفی سبحان من لا تشتبہ علیہ الاصوات و لا یغلطہ
قرع السمع و الحمد للہ الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن لہ شریک یا ارحم الراحمین و صلی اللہ علی سیدنا محمد
و آلہ و صحبہ و سلم ایضاً از شیخ محمود ی از عبد اللہ صحابی کہ سورہ یٰسین را بسیار ملازمت کردہ
بود گفت کہ حاجت پیش آمد بر آن نیت پنج بار خواندم و کفایت گردید پرسیدم کہ چہ حاجت بود گفت
کہ بسیار خواص باز خواندن سورہ یٰسین تجربہ کردم ہیچ کاہم باخبار نرسیدہ بود مگر بر شکم آسیا خواندم برکت
باز ماندہ مگر باب دان خواندن باز آسیا دی ہر بار خواندن سورہ یٰسین ہاں است و سورہ یٰسین ہفت بار
است و در حصن حصین بعد از ادعیہ ہفت بار کہ اول سبحان اللہ العظیم الخ و آخر سبحان اللہ العظیم عدد
کل معلوم الخ و در آخر سبحان اللہ العظیم عدد کل شیء الخ و در آخر سبحان اللہ العظیم من قبل
ان یکون شیء الخ و در آخر سبحان اللہ العظیم انما امرہ اذا اراد شیئا ان یقول لہ کن فیکون سبحان
الذی بیدہ ملکوت کل شیء الخ و در آخر ترجمون ایضاً از فضائل آن کی این است کہ ہر کہ این سورہ
ہفت کرت بخواند در جبل پناہ باشد و قاری و ناظر تمام از ہر نوع بلا و من و عافیت باشد مراد و آنچنین اگر
بخواند وقت شام پناہ باشد تمام شب ایضاً برای قضای حاجت ہفت روز ہفت بار سورہ یٰسین ہر
روز ہر ارادی کہ بخواند باید کہ سورہ یٰسین را خواند و ارواح ہفت سلطان تماشا کنند روز شنبہ سلطان
آدم روز یکشنبہ سلطان ابو سعید روز دوشنبہ سلطان خراسانی روز سہ شنبہ سلطان ابراہیم روز چہار شنبہ سلطان
بہاء الدین روز پنج شنبہ سلطان محمد غازی روز جمعہ سلطان اسمٰعیل بیابانی ہر مراد کہ از حق تعالیٰ خواہد برآرد ایضاً
برای ترقی روزی و اجتماع مردم و تسخیر خلائق بعد از نماز صبح بلا فاصلہ یک چلہ یکبار بخواند باشد اول
درود شریف بست و یکبار سورہ فاتحہ بست و یکبار سورہ اخلاص بست و یکبار سورہ یٰسین شریف
شروع کند چون بہ سبحان اول برسد آیت من یتوکل علی اللہ فہو حسبہ تا قولہ امرہ بشمارد و ہفت بار تکرار کند آنگاہ شروع
بخواند و چون دوم برسد آیت مذکور ہفت بار تکرار کند بار آخر شروع سورہ شریف بخواند و چون سوم برسد
و ہمچنین قیاس بر ہر سہ چون رسیدہ سورہ از شروع بخواند و آیت مذکور مواضع تعداد تکرار کردہ باشد چون
ختم کند بست و یک مرتبہ درود و سورہ فاتحہ یکبار و دعا کند خواص سورہ فاتحہ بسیار است آنچہ
یکخاصیت بیان میکند اگر کسی بہ تن آزار باشد آن شخص سہ روز روزہ دارد و مع جمیع پاک جامہ

یکصد مرتبہ بخواند ببرکت این سورہ دین او از غیب او شود و این ترکیب بخواند بسم اللہ
الرحمن الرحیم الحمد للہ رب العالمین الرحمن الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین
اہدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیہم غیر المغضوب علیہم ولا الضالین قل ہو اللہ
چہارم سورہ واقعہ و سورہ ہائے دیگر بدانکہ این را فی الدنیا راست و خاصیت عجیبات در
جلب ثروت و نفی عسرت و فقر و غیرہ باصل اللہ تعالیٰ و علم ہر کہ بخواند سورہ واقعہ ہر روز بعد نماز
فقر ہرگز پیش ہر کہ بخواند سورہ واقعہ چہل مرتبہ در مجلس عام قضا کند خدای تعالیٰ حاجت او را
آنچہ متعلق باشد بطلب رزق و چنین قرأت آن بوقت سیر سورہ مرتبہ کشادہ شود روزی و بیاید از
جزاد غیب و نیز دلیل است بر اینکہ بعد از نماز صبح سورہ واقعہ بیست بار فراخی روزی
شود و نیز از حضرت ابن عباس مروی است کہ فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ ہر کہ ہر روز یک بار
سورہ واقعہ سورہ مزمل و سورہ والمرسلات سورہ فتح بخواند گشادہ روزی شود و غنی
گردد و محبوبات ایضاً از حضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ ہر کہ این دعا را ہر روز صبح و شام سہ بار بخواند
حق تعالیٰ ظاہری باطنی بر او ایست بسم اللہ الذی لا یضر مع اسمہ شیء فی الارض ولا فی السماء
وہو السمیع العلیم فائدہ بخواند در صفت سورہ اخلاص در حدیث آمدہ است کہ این سورہ ہمسر
ثلث قرآن است ہر کہ مواظبت کند در قرأت آن ہمسایہ من خیر باد ہر کہ باشد از تمام شر دین و دنیا
و از ہوام این سورہ مبارکہ تمکن گرسنہ بخواند سیر شود و اگر تشنہ بخواند سیراب گردد و اگر خائف بخواند
و امن یابد و اگر بر دوش جنازہ بخواند و این سورہ متدرس باشد در حالت مرض تا آنکہ فوت کند مغفور
آن نماز فقر و افلاس یا وجع مفصل آن بر ہفت طبقہ از آسمان بر زمین قرأت کند بل خود تا آنکہ بر بستر
خود باز آید و نیز چون بسی خواہد کہ دعوت او مستجاب شود باید کہ مداومت نماید بر قرأت این سورہ
بعد از نماز و یکبار ہم نکوید و نیز اگر بخواہد کہ محبوب او را بہ [illegible] محبت او باشد روز بکسی نگوید و روزہ
بدارد و شب بیدار باشد و بعد از نماز خفتن [illegible] شروع کند بقرأت این سورہ
تمام کند بعد از آن بقیہ شب را مشغول باشد و بسر کند و شب دیگر ختم دعوت کند و بقرأت
قرأت خوشنود و نیز اگر دعوت خواہد این دعا بخواند [illegible]

ولم یکن له کفوا احد اسئلک ان تسخر لی خدام هذه السورة الشریفة ان تجیبوا لی ما
ارید ان ربک فعال لما یرید بعد این قسم بخواند اقسمت علیکم ایها الحکام هذه السورة
الشریفة ان تجیبوا لی ما تعتدون له الا ما اسرعتم الاجابة بدعوتی وبطاعتی فاسرعوا
واحضروا وحضروا واطیعوا بحق قوله تعالی ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن
عبادتی سیدخلون جهنم داخرین در آن وقت مؤکل پیدا خواهند شد که روی آنها مانند
آفتاب روشن باشد و پیش صاحب دعوت آمده السلام علیکم ایها العبد الصالح خواهند گفت
و خواهند پرسید که چه میخواهی باید که صاحب دعوت بزودی تردید سلام کرده بگوید که میخواهم از شما بندگی
و تعظیم و اطاعت پس آن موکلان خدمتگذار و فرمانبردار صاحب دعوت خواهند شد بعد یکی از آن
بگوید که در میان ما و تو یک شرط است اگر قبول کنی بهتر ورنه مراد تو میسر نشود اول اینکه بعد ازین روز
هیچ فعل کریه مرتکب شو هرگز دروغ مگو و لهسن و پیاز و ماهی مخور بروز چهارشنبه صایم می باش و هر شب
آدینه غسل کرده ثوب طاهر بپوش و وقت طلوع آفتاب به گورستان برو و ده بار سوره اخلاص
بخوان و ثواب آن به ارواح جمیع مسلمانان برسان صاحب دعوت بگوید که قبول کردم بعد از آن بگوید
که در میان ما و شما رایدی و مدد خواهیم داد بعد از آن هر سه یک موکل خواهد گفت که نام من عبد الواحد است
پیش تو حاضرم کار من این است که ترا در یک لحظه به مقام مکه طیبه خواهم رسانید و باز خواهم آورد بعد
از آن موکل دوم بگوید که نام من عبد الصمد است من بخدمت تو حاضرم ترا از حلال روزی خواهم رسانید
و کیمیا و امثال آن بآسانی خواهم آموخت موکل سوم بگوید که نام من عبد الرحمن است من نزد تو حاضرم و ترا
علم ظاهر و باطن تعلیم خواهم کرد و این سوره را بسیار فضیلت است و از امروز ترا از برکت این سوره هیچ مکروهی
نخواهد رسید فقط و دیگر این نقش سوره اخلاص هر که کتخدا نشده باشد نوشته به دستار بندد زود کتخدا گردد

فائده ششم در فضیلت دعا از خالصة الحقائق باید که مومن
بهیچ وجه ترک نگیرد و از دعا کردن باز نماند که دعا در نفس خود عبادت
است و چنانکه در خبر است الدعاء مخ العبادة هر که چهار چیز
باز گیرد چهار چیز از وی باز گیرند هر که زکوة باز گیرد خداوند
تعالی نگهداشت مال از وی باز گیرد و هر که صدقه باز گیرد آفت
از وی باز گیرد و هر که دعا باز گیرد حق تعالی استجابت دعا از
وی باز گیرد رسول علیه السلام فرمود دعا کننده و آمین گوینده در اجر شریک اند و آنکه قرآن میخواند

۳۳۱	۳۳۶	۳۳۵
۳۳۸	۳۳۳	۳۳۴
۳۳۳	۳۳۲	۳۳۷

آلای شنود و اجابت را برا شریک اند و استاد و شاگرد و ظلم و ستم و شنیدن و اجابت را شریک اند و از تفسیر سفی سفیر
علیه السلام فرمود هر که دعا نکند یعنی از خدای تعالی نخواهد دلیل نیازی کند خدای تعالی او را دشمن دارد و
دعا کننده مستجاب الدعوات شود از هر چیز باز ماند یکی آنکه زاری و تضرع کما ینبغی نکند نپوسند و در آداب
اعمال نهند و ثواب آن دنیا بدو دهند آنکه مستجاب نشود و بازده لجابت را میکوید هر که دری را بسیار بکوبد
آخر باز کند سوم بعد اکردن شرش زیادت شود و معصیت نکند یعنی اگر اثر طاعت نیکو شرش آید که دولت
شود و بدانکه حق سبحانه تعالی بعد اکردن توفیق ندهد تا خود اجابت تقدیر نکرده باشد و توفیق توبه دهد
تا نخست پذیرفت توبه تقدیر نکرده باشد آورده اند که داود علیه السلام دعا کرد و دعا اجابت نیافت پس دعا کردن بهتر است
امر و یا ترک کنا از تفسیر سفی و سفیر علیه السلام فرمود هر که شکر نعمتی کند زیاده شود و او محروم نکند از زیادت و هر
که توبه بندی کرده شود و او محروم نکند از قبول توبه و هر که استغفار بندی کرده شود و او محروم نکند از آمرزش
هر که دعا روزی کرده شود و او محروم نکند از اجابت فائده ششم بود آداب الدعا بنده باید که وقت
دعا هر گناهی که کرده باشد پیش خاطر نیارد چه حاجتی پدید آید اگر داعیت کوش دل آن دان مجب باشد و دعا
مستجاب نباشد اگر صحبت بخاطر آورد و ایقان دعا سستی آرد و وقت دعا نظر خاص بر رحمت باید داشت
و موقن بود البته این دعا مستجاب است که الله تعالی از خالصه القلوب و سول الله صلی الله علیه وسلم فرمود چون
سوال کنید از حق تعالی پس بخواهید بکفهای هر دو دست و مخواهید بپشت دستها و چون فارغ شوید از دعا
هر دو دست بر روی فرود آرید و هم از آن اب حاجت چون دست دعا بر داشته باشی و زبان زمان چپ
و راست نگری و در دل نیاوری و خشوع کنی و دست از روی بخشی و دعای دیگر نکنی تا هم زیر داری هر دو دست
بر سینه کنی تا آنچه داود علیه السلام کرد و آن داعیت داری و دعا آواز پست داری کنی که از حد دعا آواز بلند بر دشمن
است و در وقت دعا الحاح کنی که خداوند تعالی را طریق است بر دعا و دست داده و در دعا مبالغه ای کن
و بر آنچه بر سر دعا فت و رضای خدا نیابد نخواهد آری اگر آن عافیت نباشد بلاست اگر عافیت
باشد که رضای حق تعالی بدان باشد آن نعمت عافیت نیز بلاست بیماری فائده هشتم در شرائط قبولیت دعا اگر
اجابت دعوت دلیل است قضای حاجت دعوت این است اگر بگوید بنده را رب حق بگوید لبیک
عبدی یعنی در الوقت دعای باز جواب حق شرف آورد و قضای حاجت دادن مراد است فرمان بنده
باشد یا دعا قوت و یا خیر او در این باشد زیرا که خدای تعالی صلاح بندگان بهتر میداند موقوف بصلاح خود
آورده اند که ابراهیم ادهم رحمت الله علیه در بادیه میگذشت خلق بروی جمع شدند و گفتند که خدای تعالی
در کتاب خود فرموده است ادعونی استجب لکم و ما میکنیم بسیار دعا می شود پس ما را هم گفت بدست کدام

شہر و ماست بدو چیز اول می شناسید خدا را و ما را می کنید حق ما دوم آنکہ بخوانید کتاب
خدا را و عمل می کنید بہ آن سوم آنکہ دعوی میکنید محبت رسول خدا را و ہر عمل و ترک کردہ
آید منتہای آن را بجا آرم دعوی میکنید عداوت شیطان را و با او موافقت میکنید بگو دعوی
میکنید محبت بہشت را و عمل نمی کنید برائے آن دعوی میکنید خوف آتش دوزخ را و ہر کردہ اید
قبیحہائے خود را بر آن ہمچنان اصرار میکنید موت را حق است و ساختہ نمی شوید برآن و ما ہمہ
مشغول شدہ اید بہ عیب گیران و از عیب خود باز نمی کنید ہم مردم را غیبت میکنید خود را مشاہدہ
نمی کنید و ہم فخر میکنید مردمان را بدان انتباہ و اعتبار نیست شما را الا آنکہ مطلق کردی از برائے
خدا تعالی فرزند مطلق صفت نکرد کہ چگونہ فرزند خدای تعالی فرزند مخنث روزی کرد آنگہ گفت
کہ یا رب من از تو فرزندی خواستم مرا فرزند مخنث دادی آواز آمد شنیدہ کہ ما سوال ترا اجابت
کردیم تو از ما مطلق فرزند خواستی و شرائط و علامتی شرط این بود کہ پسر کہ مرا دہند بدہ شایستہ
صاحب ولی کرامات و مبارک کہ باشد چنانکہ زکریا علیہ السلام خواست از غیب الصلوۃ ہر کہ خواہد
دعای او مستجاب شود باید کہ ہیچ نگہدارد یکی آنکہ وقت طعام حاضر آرد و دیگر آنکہ سوت را از وجہ
حیض پاک شود و ہر دو را علامتی سوال کردند کہ بچہ کنم تا مستجاب دعای من باشد گفت تا قرب
طعام بخورد و لباس پاک پوشد و ہر کہ این ہر دو را نگہدارد بہ اجابت نزدیک تر بود آن از مجامعت
حلال گفت بدو برکت آن پاک بچہ بیرون آید کہ صاحب ولایت باشد و مرد بر دو نوع حلال و شبہ
حلال و شبہ حلال بہتر از حلال خالص و حلال خالص بہتر از حرام و حرام خالص بہتر از شبہ
حرام و ہر دو وقت اجابت است و بہترین اوقات وقت اذان است و وقت اقامت و وقت
نزول باران یعنی اول رمضان سوم وقت باریدن باران چہارم مہد عروس و شب عرفہ پنجم ساعتی از
شب ششم ثلث شب ہفتم یا آخر شب یا نصف اول یا آخر ہشتم وقت رفتن نہم شب برات دہم شب
عید یازدہم شب جمعہ و روز جمعہ و ساعت مرجو کہ گاہ جلوس امام است بر منبر تا فارغ از خطبہ و
نماز و ہم وقت نزول باران و ہم وقت اذان و اقامت و ہم وقت نماز و ہم وقت سجود در نماز
و ہم وقت قرائت قرآن و ہم وقت ذکر و ہم وقت دعا و طلبی مراد است نہ لسانی و نزدیک بعضے
بعد از عصر و مغرب و وقت زوال ہر روزی و دوازدہم اول شب رجب و آخر ہمہ رمضان سیزدہم بعد از ان
بعد از اجابت از ان چہارم وقت حضور دل است پانزدہم بعد ہر فریضہ شانزدہم در ہر سجدہ و ایستادہ
دعای دل مراد است ہفدہم عقب تلاوت قرآن نوزدہم وقت جلسہ خطیب بیستم بعد ادای خطبہ بیستم و
مجلس ذکر بیست و یکم صبح گاہ بیست و دوم ہر وقت بیست و سوم نوشیدن آب زمزم بیست و چہارم وقت جنگ
کافران بیست و پنجم وقت حضور مرغی از مطالب رشیدی و دیگر مروی است کہ شیخ نظام المعانی حضرت غلام
علی شاہ صوفی دام ظلہ را می فرزند خواہی کہ مستجاب الدعوات شوی برای دعا کردن آن وقت ہا کن

اگر تو میان باشی دلبس فائدہ دہم در فوائد اسماء شریف از فوائد الفواد ایں دہ لطیفہ از لطیفہ
اول آنست کہ اسماء الحسنیٰ مناسبت تمام دارد با حالات سالکین و ہمچنین با حالات
الرحمٰن الرحیم و وجہ التعوذ الشیطان الرجیم یا علیم یا حکیم و الفعل بعد العلم و الاتقان
دوم آن معرفت علوم جلیہ است و در گنج اسماء و مناجات است ہر کہ مواظبت نماید ایں کشاد کار فاید
خداوند تعالیٰ برای او ہر گونہ کشادگی و تسخیر عطا فرماید و آن آنست کہ اسماء الذی و آن ایں آیہ الخبیر
المکین العابد و علما بالغیب لطیفہ سوم برای حصول مطلب مہیب در دفع وسواس و رفع الم
امور ظلام و دیگر نفع عظیم است و در آن ام محزون است و آن ہشت اسماء اند و آن ایں آیت
اللطیف الحلیم الغفور الشکور و دو اسم الحکیم العلیم لطیفہ چہارم برای یافتن مرتبت و جاہ
است و در آن سیصد و اسم یکصد و نود خواص آنہا است تفریق جمع و جمع تفریق ہر کدام کہ دائم گردد
آن دو اسم خداوند تعالیٰ از آنہا مس ہر گونہ الم و صلاح است در ہر امر دینی و دنیاوی و دیگر آن دو
جایہ ہول تنہا شود و دیگر آن تیر حیوان است خصوصاً آن را اسماء ایں آیت الحمد للہ الذی
خلق الموت و الحیوۃ لیبلوکم ایکم احسن عملا لطیفہ پنجم دین نام عظیم است چون دعا کردہ
شود بدان مستجاب شود و سوال کردہ شود عطا کردہ و ہر کہ ایں اسماء را در انتصاف شب
عجائب بیند و ایں است اسماء و انوار آن اسماء علوی است و تسخیر کل عالمات کہ ہم
ایں اسماء الحسنیٰ الغالبۃ او ہو الذی انزل السکینۃ فی قلوب المؤمنین لطیفہ ششم و ایں از
اعظم اذکار است ذاکر کہ صاحب کشف خواہد شد و ہر کہ دیدہ شہادت او گردد علم ظاہری و باطنی
نصیب او باشد و سبب قرب حق تعالیٰ و آن دو اسم ایں اند ہو الذی لا الہ الا ہو عالم الغیب
و الشہادۃ الخبیر لطیفہ ہفتم از خاصیت ایں است حفظ علوم و معرفت اسرار غریبہ
و غنای نفس و اشراح صدر و ایں دہ اسم ایں اند الذی لا الہ الا ہو الحی القیوم لا تاخذہ سنۃ و لا نوم
لہ ما فی السموات و ما فی الارض لطیفہ ہشتم ایں نام عظیم است ہر کہ بخواند ایں را در انتصاف شب
[illegible] و آن دو اسم ایں اند [illegible]
[illegible] لطیفہ نہم از خاصیت ایں است حفظ از خواص الیسع نافع است قوی
برای حصول مطالب جلیلہ و کثرت عزت است مبارک رزق و اقبال دہندہ است در خلائق و سبب
برکت بسیار است و کسی کہ آن را بر اسماء ایں اند [illegible]
السلام آن را بر سریر لطیفہ دہم و آن یازدہ اسم است ہر کہ استدام ذکر کند در خلوت معدہ

مشاہدہ کند از نفس و علوہمت و فیوض امور مقدسہ باطنی و جمع خلایق بطریق انتقاد شوند و ہر چہ از ذکر
گردد و اسرار آن خیر بارد و آن آیت یحیی بمیت الخ اخرجت الحاوث بلسانی الی آخر الآیۃ
الاحمۃ الظاہر لہ الباطن انقدوس لہ یلد ولم یولد ولم یکن لہ کفوا احد **فائدہ** یاد دہم
در خواص اسماء الحسنیٰ از سرور پیغمبر صلے اللہ علیہ وسلم کہ خدای تعالیٰ را نام ہا است نود و نہ ہر کہ یاد کرد
آنرا داخل بہشت گردد در روایت است از عبداللہ بن زید کہ او دم طالبین اسرار متقی و ذاکر بر آنم
آنرا از قرآن مجید پس دریاں آنرا طلاقی شدم مراد علم مستودع از آل رسول اللہ صلے اللہ علیہ وسلم در دیار
مدینۃ المنورہ و سوال کردم از ایشاں الحسنیٰ پس خطر استماق من خبر داد کہ طلب از قرآں و نیز از رکن پر
آن لا اہل و پس آنان سورہ فاتحہ تا اسم اعظم در سورہ بقر ہیت و سہ اسم اعظم در آل عمران ہیجدہ
اسم در نساء بیست و دو انعام ہفت و در اعراف دو و در انفال دو و در ہود و یوسف و رعد و اسم در
سورہ ابراہیم دو و در حجر یک در سورہ مریم ہفدہ و در طہٰ یک سی و در مومنون یک و در نمل چہار اسم و در
قصص یک اسم در عنکبوت دو و در روم یک اسم در لقمان دو و در سجدہ یک اسم در سبا یک اسم در
اسم اعظم در سورہ صافات و در صاد و در زمر و در حم مومن و در حم سجدہ و در حم عسق و در
حم زخرف و در دخان و در جاثیہ و در احقاف و در محمد و در فتح و در حجرات و در سورہ ق و در
ذاریات و در طور و در نجم و در قمر و در الرحمٰن و در واقعہ و در حدید و در مجادلہ و در حشر و در
ممتحنہ و در صف و در جمعہ و در منافقون و در تغابن و در طلاق و در تحریم و در ملک و در
قلم و در حاقہ و در سوال سائل و در نوح و در جن و در مزمل و در مدثر و در قیامہ و در دہر و در
مرسلات و در نبا و در نازعات و در عبس و در تکویر و در انفطار و در مطففین و در انشقاق و در
بروج و در طارق و در اعلیٰ و در غاشیہ و در فجر و در بلد و در شمس و در لیل و در ضحیٰ و در الم نشرح و در
والتین و در علق و در قدر و در لم یکن و در زلزال و در عادیات و در قارعہ و در الہٰکم و در عصر و در
ہمزہ و در فیل و در قریش و در ماعون و در کوثر و در کافرون و در نصر و در تبت و در اخلاص و در
فلق و در ناس اسم اعظم مخفی است ہر کہ دعا کند میان شب جمعہ مستجاب شود دعای او و آنکہ در قنوت
اندیشہ یا اللہ یا رحمٰن یا رحیم یا ملک یا قدوس یا سلام یا مومن یا مہیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا خالق
یا باری یا مصور یا غفار یا قہار یا وہاب یا رزاق یا فتاح یا علیم یا قابض یا باسط یا خافض یا رافع
یا معز یا مذل یا سمیع یا بصیر یا حکم یا عدل یا لطیف یا خبیر یا حلیم یا عظیم یا غفور یا شکور یا علی
یا کبیر یا حفیظ یا مقیت یا حسیب یا جلیل یا کریم یا رقیب یا مجیب یا واسع یا حکیم یا ودود یا مجید یا باعث
یا شہید یا حق یا وکیل یا قوی یا متین یا ولی یا حمید یا محصی یا مبدی یا معید یا محیی یا ممیت یا حی
یا قیوم یا واجد یا ماجد یا واحد یا احد یا صمد یا قادر یا مقتدر یا مقدم یا موخر یا اول یا آخر یا ظاہر
یا باطن یا والی یا متعالی یا بر یا توآب یا منتقم یا عفو یا رؤف یا مالک الملک یا ذوالجلال والاکرام
یا مقسط یا جامع یا غنی یا مغنی یا مانع یا ضار یا نافع یا نور یا ہادی یا بدیع یا باقی یا وارث یا رشید
یا صبور کہ مجموع اسم اعظم است ایضاً یا ذاالجلال والاکرام یا قابض یا باسط یا خافض یا رافع یا معز
یا مذل یا حکم یا عدل یا لطیف یا خبیر یا حلیم یا عظیم یا غفور یا شکور یا علی یا کبیر یا حفیظ یا مقیت
یا حسیب یا جلیل یا کریم یا رقیب یا مجیب یا واسع یا حکیم یا ودود یا مجید یا باعث یا شہید یا حق
یا وکیل یا قوی یا متین یا ولی یا حمید یا محصی یا مبدی یا معید یا محیی یا ممیت یا حی یا قیوم یا واجد
یا ماجد یا واحد یا احد یا صمد یا قادر یا مقتدر یا مقدم یا موخر یا اول یا آخر یا ظاہر یا باطن یا والی
یا متعالی یا بر یا توآب یا منتقم یا عفو یا رؤف یا مالک الملک یا ذوالجلال والاکرام یا مقسط یا جامع
یا غنی یا مغنی یا مانع یا ضار یا نافع یا نور یا ہادی یا بدیع یا باقی یا وارث یا رشید یا صبور

است ایشت یا من اسمه الشفاء للمریض و آنچه در طوراست ایشت یا من طوراست ایشت یا من
یفعل ما یشاء و آنچه در کهف است ایشت یا من لا یشغله شان عن شان یا رب کل شیء و مالکه یا ذا الجلال
والاکرام و آنچه در صدر است ایشت یا من هو بکل شیء محیط یا من هو فی کل شیء و آنچه در حشر است ایشت
یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا خالق یا بارئ یا مصور و
آنچه در بروج است ایشت یا مبدئ یا معید و آنچه در اخلاص است ایشت یا احد یا صمد

فائدہ دوازدہم در تکریر عدد باید دانست کہ اگر کسی ذکر را شد این آیت بخواند قال من یحیی
العظام وھی رمیم و آنرا تا صد حروف تمام برد و بعد از ثبت معین بخواند و شروع بعد در ہر روز
بر یک حرف مداومت کند بخواست خدا در تمام شود و این آیہ بر حرفی نوشتہ بخواند بسم اللہ الرحمن الرحیم قید
یا محیی یا ممیت و صلی اللہ علی خیر خلقہ محمد و آلہ اجمعین الٰہی بحرمت محمد و آل او فاطمہ
حسن و حسین علیہم السلام ما را از جمیع مکروہات دنیا و آخرت نگاہ دار و ما را بہ جمیع مطالب دنیا و آخرت
بنواز الٰہی بحق آل محمد ما را از آتش دوزخ نگاہ دار و ما را بہ بہشت برسان الٰہی بحق آل محمد
بخشائے ما را اگر تو ما را نبخشی ہلاک شویم و از زیانکاران باشیم لا الٰہ الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین و صلی اللہ علی خیر خلقہ محمد و آلہ اجمعین روز دوم جمعہ
یا مجیب یا خالق البدایا والاولین لا الٰہ الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین ان تغفر لی و ترحمنی
و انت خیر الغافرین و صلی اللہ علی خیر خلقہ محمد و آلہ اجمعین روز سوم
یا حی یا قیوم یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن لہ کفوا احد انت خیر الراحمین و صلی اللہ
علی خیر خلقہ محمد و آلہ اجمعین ایضا برای قوت باہ اول حضرت حمید الدین رحمۃ اللہ علیہ را
تعلیم نمود کہ بیست و یک بار بعد از ہر نماز بخواند و بعد از شصت روز اثر آن ظاہر شود و
ہر قدر کہ بخواہد یک بار بخواند و ہر بار بعد از یک بار باید خواند

فائدہ سیزدہم در بیان مسبعات

۶	۷	۲	۳	۱۱	۶
۱	۵	۹	۹ و	۷	۸
۸	۳	۴	۸	۲	۴

مذکور است از ابو الحسن لب کہ ہر کہ
علیہا بر لوح مسبع تسبیح از اذکار اولیا است
بود در بیت
پس در آن زمان مردی مذبوح
و سلام کرد و رفت پس پیدا برای میم تسبیح از آن نگہ کردیم و از کجا می گفت اگر نگہ کنم و بسم اللہ
قبل از طلوع آفتاب

اخلاص ہفت بار کافرون ہفت بار آیۃ الکرسی ہفت بار کل ہو اللہ ہفت بار درود بدین صیغہ اللھم صل
علی سیدنا محمد عبدک ورسولک النبی الامی وعلی آلہ وصحبہ وسلم تسلیما کثیرا و علی آل سیدنا محمد و
بارک وسلم ہفت بار اللھم اغفر لجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات
الاحیاء منھم والاموات انک مجیب الدعوات ورافع الدرجات یا قاضی الحاجات
برحمتک یا ارحم الراحمین ہفت بار اللھم رب اغفر لی ولجمیع اھلی واحسن حالی فی الدین
والدنیا والاخرۃ ما انت لہ اھل ولا تفعل بنا یا مولانا ما نحن لہ اھل انک غفور
جواد کریم رؤف رحیم صفت بار و میت کرد خضر علیہ السلام را ابراہیم تیمی رحمۃ اللہ علیہ
این را آگاہی از ین بعد دید کہ این را بدست محمد صلی اللہ علیہ وسلم بس کرامت ابراہیم تیمی را مشرف
شدم از وسیلت این وظیفہ بزرگوار دیدم نبی صلی اللہ علیہ وسلم و داخل خدم در بہشت و بخوردم از فواکہ
آنجا کہ خوردنی و نوشیدم شراب خوش گوارو بشارت داد مرا نبی صلی اللہ علیہ وسلم بہ سبعین عشر و صف علیم میگوید کہ بعد
ازان ابراہیم تیمی تا چہار ماہ در دنیا بسر نمی توان برد چیزی از طعام و شراب دنیا نخورد و سیراب بود از
فواکہ و شراب ہمین خواب سیراب گردید رحمۃ اللہ علیہ فائدہ و فضائل صلوات عشار عدد و شمار بیرون اند
ہر کہ بخواند این را صبح و شام و ترک نکند نصیب گردد بصلوح و خیر دارین و برکند باشد از آفات عدو جہانی
و رزقی از غیب یابد و ہمواہ او باشند فرشتہ و دور شوند از و شیاطین جنیان و آدمیان ہفت بار یا ذا الجلال
بسم اللہ بخواند فائدہ چہار دہم عظمت و از بزرگی قرآن و آن چیزی متعلق است بہ فضیلت و ہر
برای طالب العلم اگر کسی را آرزو حفظ قرآن مطلوب باشد باید کہ چہار رکعت نماز بشب مجموعہ در ثلث شب بدین صفت
گذارد و خدا و تعالی آسان گرداند حفظ قرآن بلو صفت نیت نویت ان اصلی للہ تعالی اربع
رکعات صلوۃ حفظ القرآن متوجہا الی جہۃ الکعبۃ الشریفۃ اللہ اکبر و قرأت در رکعت
اولی بعد فاتحہ سورہ یٰسین و در دوم بعد سورہ فاتحہ دخان و در سوم بعد فاتحہ الم تنزیل الکتاب یعنی
سورہ سجدہ و در چہارم بعد فاتحہ سورہ تبارک بعد از فراغ این دعا بخواند سبحان اللہ والحمد للہ ولا
الہ الا اللہ واللہ اکبر ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم اللھم صل علی سیدنا محمد و
آدم و نوح و ابراہیم و موسی و عیسی و ما بینھم من النبیین والمرسلین صلوات اللہ
وسلامہ علیہم اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین اللھم اغفر لی وللمؤمنین والمؤمنات
والمسلمین والمسلمات ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا
غلا للذین آمنوا ربنا انک رؤف رحیم اللھم ارحمنی برحمتک الخاصۃ لعبدک المذنب العاصی

والامین ان اتکلت مالا یعنینی وارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنی اللھم بدیع
السموات والارض ذوالجلال والاکرام والعزۃ التی لا ترام اسئلک یا اللہ یا رحمٰن
بجلالک ونور وجھک ان تلزم قلبی حفظ کتابک کما علمتنی وارزقنی ان اتلوہ علی
النحو الذی یرضیک عنی اللھم بدیع السموات والارض ذوالجلال والاکرام اسئلک یا
اللہ یا رحمٰن بجلالک ونور وجھک ان تنور بکتابک بصری وان تطلق بہ
لسانی وان تفرج بہ عن قلبی وان تشرح بہ صدری وتغسل بہ بدنی فانہ
لا یعیننی علی خیر غیرک ولا یؤتیہ الا انت ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم اللھم
صل علی سیدنا محمد وعلی اٰل سیدنا محمد وعلی ابراہیم وموسیٰ وعیسیٰ وجمیع
المرسلین صلوات اللہ وسلامہ علیہم اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین ہمین ترتیب سے
یعنی بیاسی جمعہ اس نماز گذارد و عجب است تو عدد دیگر بداں فہم و حافظہ و طبایع
عدد شمار نماید و ہر روز قلیلے و نیکو باشد ایضاً یا نہم نماز تسبیح بخواند و ہر
خواند یا بر جملت پارہ نان نوشتہ خورانند مجرب است ایضاً ان یکتب ابجد ھوز حطی
الرحمٰن علم القرآن خلق الانسان علمہ البیان الشمس والقمر بحسبان ان طلعا جمعہ وتراہ فاذا
قرأتہ فسبح بحمد ربک واستغفرہ انہ کان توابا بل العوض ان تجد فی بیت تحفر بہ سقف ثم فلا تنس اقرأ باسم ربک
الاکرم الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم علیہ الیضاً وایضاً است ان امام ابو حنیفہ کہ ابی ترتی علم
دعا پیش از سبق سہ بار بخواند بار ایست اللھم انی اسئلک بحق محمد وعلی وفاطمۃ والحسن والحسین
وجمیع النبیین وحفظ الملائکۃ المقربین ان تصلی علی محمد وعلی جمیع النبیین والملائکۃ المقربین
ہمین وظیفہ سی روز مداومت نماید بحول اللہ تعالیٰ ہفت روز کند بسیار زود ذکی گردد مجرب است
فائدہ پانزدہم در قطع طومار باید کہ کاتبی عالم بہ باشد گرفتہ کاغذ شق کردہ دوبارہ نامہ و مراسلہ را
راست و بجانب آسمان خوابانیدہ آن پارچہ کہ از طومار جدا کردہ است بر دوسری از اصل طومار متجاوز نکند بعد
ازاں عامل بدست راست خود کارد گرفتہ و برداشت کلان انگشت خود و دست چپ اصل طومار را گرفتہ این دعا
مرقوم الذیل سہ بار خواندہ بر قدیکہ از اصل طومار است بدہد ہر قدر کہ از اصل طومار متجاوز گردید
آنرا بکارد ہ بردبارہ بازیہ انگشت کلان خود و دست چپ اصل طومار را گرفتہ دعا را سہ بار خواندہ بدان
بدہد ہر قدر تکہ زیادہ گردیدہ آنرا ترک دہد باز بطریق مذکور اصل طومار گرفتہ دعا را بخواند و بران بدہد

لہ دعا است اللھم انی اسئلک بحق محمد وعلی وفاطمۃ والحسن والحسین وجمیع النبیین والملائکۃ المقربین ان تصلی علی محمد وعلی جمیع النبیین والملائکۃ المقربین ہمین
الرحمٰن الذی علم القرآن خلق الانسان علمہ البیان الشمس والقمر بحسبان الخ ہر روز بعد نماز عشاء بخواند ان شاء اللہ تعالیٰ ۱۲

ہر قسم کی نجاست ظاہری از بدن و لباس او کہ از بدن جدا شدہ و در مکان پاک صاف داشتہ نگہدارد و تا کار او تمام
خشک گردد طعام نیز بفضلہ تعالیٰ خشک خواہد گردید دعا این است یا الٰہی بحرمت حضرت امیر المؤمنین
ابی بکر الصدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ یا الٰہی بحرمت حضرت امیر المؤمنین عمر ابن الخطاب رضی اللہ
تعالیٰ عنہ یا الٰہی بحرمت حضرت امیر المؤمنین عثمان ابن عفان رضی اللہ تعالیٰ عنہ یا الٰہی بحرمت
حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب رضی اللہ تعالیٰ عنہ باید کہ این عمل روز دوشنبہ نماید و عامل باوضو باشد
شانزدہم در شفا از مرض الیرقان باید کہ روز یکشنبہ وقت طلوع آفتاب طرفی از برہ روباہی بہ نشاندر و بجای
قبلہ و طاس پانی یا مسی نو کہ قدر یک پاؤ باشد و طاس اندازہ و قدری آب ہم دہان بیندازد و بعدہ عامل طاس
مذکور بر فرق مریض گذاشتہ و قدری ملف بر دست استوار گرفتہ دہان طاس گشادہ باشد سورۂ فاتحہ را
مع بسم اللہ بسیار خواندہ بر آن بدمد بعدہ ہمان طاس را بر چہار زانوی مریض گذاشتہ ملف را در آن گشادہ سورۂ الم
نشرح مع بسم اللہ بسیار خواندہ بدمد بعدہ طاس را بر پشت پای مریض گذاشتہ و ملف را در آن گشادہ دعای قنوت
اللھم انا نستعینک الخ را مطلق بسم اللہ بسیار خواندہ در آن بدمد بعدہ بہ ترتیب کور باز بر چہار زانوی
و مرفق یعنی بہ ہمین منوال بکند بعدہ آن روغن و ملف را بر زمین بیندازد و باید کہ عامل باوضو باشد و اگر بی
اذن الیرقان باشد و سہ بار در یکشنبہ ہمین عمل نماید انشاء اللہ تعالیٰ بالکل شفا خواہد شد فائدہ ہفدہم
خلاص شدن محبوس از قید باید کہ برای رہائی بنای این دعا را وظیفہ سازد انشاء اللہ تعالیٰ در سہ
زمان خلاصی یابد اللھم انت الثقۃ لمن استثقک یا عصمۃ من التجا الیک یا کاشف الکرب العظام
یا مفرج الہم عن المکروبین یا سامع دعوۃ المضطرین یا رحیما بعبادہ المؤمنین یا رحمن الدنیا والآخرۃ
و رحیمہما صل علی محمد و آلہ و فرج عنی ما انا فیہ بحرمتک یا ارحم الراحمین و صلی اللہ علی سیدنا محمد و آلہ و سلم ایضاً جربست این دعا را وظیفہ سازد بفضل
اللہ کشادہ کار گردد انت الثقۃ یا لطیف یا لطیف یا لطیف یا من وسع لطفہ السموات والارض
اسئلک ان تلطف لی من خفی لطفک الخفی الخفی الذی اذا لطفت بہ لا احد من
خلقک کفانک انک علی کل شیء قدیر و اللہ لطیف بعبادہ یرزق من یشاء وہو العزیز ایضاً
چون کسی محبوس گردد باید صورت خلاصی پیدا نماید باید کہ بدین وجہ نقشہ قبر شریف
حضرت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم تیار ساختہ و در پیرود تہدو آب تمام یک ہزار بار صلی اللہ علیک
یا رسول اللہ بگوید بجرات نقشہ این ست نقشہ شریف آنحضرت ایضاً در رکعت نماز وگانہ
ادا کند بعد از آن یک ہزار بیست و دو بار این دعا بخواند اللھم بحق الحسین فاجبہ و فرج
فرج عنی ما انا فیہ ایضاً ہر روز این کلمات را بخواند اخبات المستجیر الشفیع و یا ناصر

المظلومین انہ فی بیضاء ایضاً این کلمات ہر روز یکصد بار و چہل بار بخواند رہائی و خلاصی یابد از آفت یا مدبع العجائب یا مغیث یا مخلص و الخلاص ایضاً بایدکہ ہر روز یازدہ صد بار بخواند انت اللہم خلصنی من عذاب الشدید من صحۃ سلطان بایزید۔ ایضاً این نقش را نوشتہ کلاہ خود دارد رہائی است۔

۱۶	۱۰	۹		۳	۱۴
۴	۸۷۵	۱۷		۱۱	۵
۱۲	۶	۲	۱	۸	۸۷۶	۱۸
		۷	۵	۳		
		۶	۹	۴		
۸۷۱	۱۹	۱۳		۷	۱
۸	۲	۸۷۳		۵	۱۴

۸۷۶

فائدہ ہیژدہم در اسباب مناسبت در خبر است ہر کہ سنت نماز بامداد و خانہ گذارد و فارغ گرداند خدای تعالی از قطر بروی ایضاً چہردم خواہد کہ نازل شود بروی برکت و فراخ گردد بروی روزی چنانکہ ہیچ کس محتاج نگردد این آیت بخواند ربنا انزل علینا مائدۃ من السماء تا آخر از منافع قرآن ہر کہ آیۃ الکرسی تلخالدون بعد از فریضہ ہر روز بخواند غنی گرداند خدای تعالی او را از فقر و روزی رساند او را اسباب ہر کہ آیت الکرسی بخواند و بہد در حجرہ یا در خانہ کہ سکونت دارد رزق بروی فراخ شود و وسیع گردد زمین ایضاً فرمود رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ہر کہ ہر روز صد بار بگوید لا الہ الا اللہ الملک الحق المبین مراد او را ایمان باشد از درویشی یعنی از آن درویشی کہ مضرت دین باشد و آن درویشی دل است نعوذ باللہ منہا چنانکہ توانگری دل سودمند است درویشی دل زیانکار است دلستان آن حرص است و حرص آتش و دوزخ را بامداد فرمود رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ہر کہ میان سنت و فریضہ نماز بامداد ہفتاد بار این آیت بخواند تا روز گار او زدی دور گردد و غنی گردد و ایمنت و اشہدوا بایمنت اللہ و تحصنوا بآیات اللہ فہو دخیلہ ایضاً نقل است کہ روزی اعرابی بخدمت رسول آمد و از دست فقر بنالید رسول علیہ السلام فرمود کہ بعد از ہر فریضہ دہ بار انا انزلناہ بخواں و بروز جمعہ ناخن باز کن اعرابی بچنان کرد چندان مال بہم شد کہ کار آخرت بر سید رسول علیہ السلام فرمود کہ ناخن ہر دو دست باز کن و بدامن بامسر روی پاک کن بچنان کرد فقیر گشت ایضاً آمد و اندر قبضہ گفت یا رسول اللہ من ضعیف و نابینا شدہ ام و بحنت دنیا گرفتار گشتہ ام و بچشم بیمار خوار گردیدہ ام پس رسول علیہ السلام سوگند یاد کرد کہ ہمہ سنگ و کلوخ بزری میگردیدہ را بچہ قبضہ قیامت پر زر شود رسول علیہ السلام را تو بار ہر بامداد و شبانگاہ این دعا را بخوانی تا در روزی بر تو بگشایند چون سال تمام شد قبضہ از ہمہ مردمان بہتر شد و ہر آن بندہ کہ بخواند تو انگر گردد و ایمنت سبحان اللہ و بحمدہ

سبحان اللہ العظیم وبحمدہ استغفر اللہ واتوب الیہ ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم
ما شاء اللہ کان ولم یکن ایضاً انا عمال خدا و توانگری بایست کہ ہمیشہ نماز چاشت گذارد و روزہ بیش دارد
و علی الصباح برخیزد و صبحدم تسبیح و تسلیم و استغفار گوید و ہمیشہ شکر گوید و مصحف از مال خود بخرد و کمان بخرد
و خدمت مادر و پدر کند و سورہ مزمل در شب روز بخواند و در شب روز سہ جمعہ بخواند و بعد مغرب سورہ واقعہ و
سورہ دخان زود بپوشد و بروز جمعہ ناخن را شدہ و انگشتری عقیق پوشد و وضای جہد کند و ہمیشہ راست باز باشد و
از عنکبوت از خانہ دور کند و جارو بہ مسجد و بہ رو ج کعبہ و زیارت مدینہ کند و در تجارت صدق پیشہ کند و
ہمیشہ سر کہ بکار دارد و گوسفندان بپروراند و ہمیشہ روز جمعہ غسل کند خصوصاً روز چہار شنبہ و در روز عاشورا
محرم طعام زیادہ از معمول بپزد و عیال را کیل کند و دست شستہ طعام خورد و بدندان خلال کند و مسواک
را عادت دارد اگر مجرد است نکاح کند رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود کہ ہر کہ چہار چیز لازم گیرد او و عیال او
ہرگز فقیر نشوند برخاستن از خواب پیش از صبح و وضو کردن پیش از وقت نماز و در آمدن در مسجد پیش از
بانگ نماز و سخن ناگفتن بعد از وتر مروی از امام جعفر صادق رضی اللہ عنہ ہر کہ سورہ کہف بخواند در
روز جمعہ او را و تنگ نشود و فاقہ نکند و این شود از فقر فائدہ نوزدہم در اسباب فقر مروی است کہ
پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمود ہر کہ شانہ کند ایستادہ دائم زدہ شود و ایضاً ہر کہ در طعام بدمد برکت از وی برود
و ایضاً فرمود کہ سہ چیز باشد برکت نباشد در آن خانہ خیانت و زنا و سرقہ و اعمال کہ افلاس آرد اینست
زنا کردن و در وقت غلتن نان ریزہ بزمین افتادہ گذاشتن و دست روبا آستین و دامن پاک کردن و بگرباس
و دستار خانہ رفتن و نماز عنکبوت در سقف خانہ گذاشتن و والدین را آزار دادن و نماز را خوار داشتن و کاہلی
کردن در نماز و ستاد و اتخیف کردن و بوقت صبح خفتن و وقت فجر از مسجد زود بر آمدن و بیگانہ خفتن و
بیگانہ برخاستن و خانہ نا رفتہ و روفتہ را در خانہ بگوشہ نگاہ داشتن و در شب طعام نہ رفتن و جنب بودن زیادہ از
یک وقت نماز در حالت جنابت چیزی خوردن مگر آنکہ دست و دہان را بشوید و بر آستانہ در نشستن و کاسہ و دیگ
طعام را ناشستہ در آن طعام خوردن و آوند شکستہ دادن و در شب دہان آوند کشادہ داشتن و موزہ نان
را خوار داشتن دید و عاکردن و جہان را خوار داشتن و از کسی سوال کردن و بہر حرفی چوبی خلال کردن و سوگند
دروغ خوردن و سوگند راست خوردن بسیار و تنگی در نفقہ اہل و عیال کردن و دست ناشستہ طعام
خوردن و ہمیشہ بجنابت خصومت داشتن و در وضو سخن دنیا گفتن و در جای وضو بول کردن و بر ہمہ
بول کردن و قرآن بی وضو خواندن و پوست سیر و پیاز بجای ہیزم سوختن و دست نشستن بخاک و
گل و دیگہ بر سر بازوی در و بام مادر و پدر ہر وقت گرفتن و زن شوہر را شوہر زن را تمام بسیار گرفتن و

طعام بی آب خوردن و بی جامہ ایستادہ پوشیدن و دستار شستہ بستن و طاق کردن فرزندان و شاندر خشک
مو کردن و ایستادہ شانہ کردن و شکستہ شانہ داشتن و از مقراض موی شرمگاہ ہرگز نہ قطع و زیادہ از چہل روز
موی بغل نہ داشتن و زیر ناف پیش گذاشتن و شرمگاہ بدست و تیغ باز کردن یا زنان بگرم خزیرہ
شکافتن جامہ بر تن دوختن و خریدن نان و نمک نگریستن و چراغ بدست کشتن و بگاہ بہ ازار زیر دیگ
کردن و تراشہ تکمہ زیر پای ریزہ کردن و بتنہا گرد آشتن و از بزرگان پیش رفتن و در سلام و سجدہ تلاوت
تاخیر کردن از سنت ایشان فائدہ بسیار و دعای ہوای دین اگر کسی را ہم بسیار داشتہ باشد و
افلاس او را الہام دہد کہ پیشتر از آنکہ جواب کند بگوید اللّٰھُمَّ رَبَّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْعَرْشِ
الْعَظِیْمِ وَرَبَّ کُلِّ شَیْءٍ مُنْزِلَ التَّوْرٰىةِ وَالْاِنْجِیْلِ وَالْقُرْاٰنِ وَفَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوٰى وَاَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کُلِّ
دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا اَنْتَ اللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَیْسَ قَبْلَکَ شَیْءٌ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَیْسَ فَوْقَکَ شَیْءٌ
وَاَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَیْسَ دُوْنَکَ شَیْءٌ اقْضِ عَنَّا الدَّیْنَ وَاَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ یعنی ہر کہ این دعا را بخواند
حق تعالیٰ دین او را ادا کند و او را از درویشی بی نیاز گرداند و ہم او را آورده اند کہ معاذ بن جبل در مسجد چند روز حاضر نشد رسول علیہ السلام
تفحص حال او فرمود معاذ چہ داشت یا رسول اللہ عیال بسیار دارد و زمین بزرگ من است از ترس
آن بیرون آمدن نمی تواند رسول علیہ السلام این آیت و این دعا فرمود من قریب معاذ را غنی شده و حمل
او را زود ور شده و تعبیر منفی است فرمود ای آن بندہ بچوں کوہہای زمین باشد حضرت آفریدگار خزانہ
کرم خویش دور گرداند قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشَآءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَآءُ
وَتُذِلُّ مَنْ تَشَآءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ تُوْلِجُ الَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَتُوْلِجُ النَّهَارَ فِی الَّیْلِ
وَتُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَآءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ رَبَّنَا اٰتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً
وَّفِی الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ یا کاشف الغم و یا مجیب دعوۃ المضطرین ارحمنی فانک بی رحیم ارحمنی من الدنیا و لاخرۃ و انت
انشاء اللہ تعالیٰ از ہر کہ خواہد بی نیاز گردد و ہم او را آورده اند کہ عبد اللہ بن مسعود عن نبینا علیہ السلام کہ مسواک و اغتسال نیز الفقر
و الصلوٰۃ و اقصر بینی و بینک یا رب العزۃ عما یصفون و ہم روایت کرده اند کہ فرمود پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم کہ
مرا جبرئیل علیہ السلام آموخت اگر بحبت قضا دین گرفتہ ہر گز ادا نمی باشد پس وصیتی کند چون آفتاب بر
استوا گذرد و وقت زوال شود و ہم روایت نماز کند و در ہر رکعتی بعد از فاتحہ سہ بار آیۃ الکرسی یکبار
چون سلام دہد آیت قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِکَ الْمُلْکِ تا حِسَابٍ و دعای اخیر تا آخر بگوید الا بخشیده شده است در سجده بخواند
و ہم او را آورده اند کہ مجرب است ایضاً ہر کرا وام بر گردن او باشد باید کہ بوقت شب بعد از نماز عشا بر
خلق و خواب شود آنگاہ در خلوت سہ بار در حاس خود شانہ کند سہ بار این دعا را یکبار ترجمہ خواند از
برکت این دعا وام او ادا شود یا قدیم الاحسان یا دائم المعروف یا منجی الھلکی یا رحیم یا فرد یا وتر یا من لم
یلد و لم یولد و لم یکن لہ کفوا احد و صلی اللہ علی خیر خلقہ محمد و آلہ اجمعین

اَللّٰھُمَّ یَا نُوْرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ مَرْ مَیت
کما عرابی نزد رسول علیہ السلام آمد و گفت مرا بیاموز یدنمازی تا دوختہ شود وام من بیشتر ازان است
کہ گمان بردہ شود پس پیغمبر علیہ السلام فرمود گنجہای خدای تعالیٰ بیشتر ازانست کہ گمان بردہ شود اعرابی
گفت بیاموزید مرا رسول علیہ السلام گفت روز پنجشنبہ میان نماز پیشین و نماز دیگر چہار رکعت نماز
بگذار در ہر رکعت نماز اول بعد از فاتحۃ الکتاب دو بار و سورۂ اخلاص یکبار سلام دہد پیش
از انکہ برخیزد این دعا بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰہِ الَّذِیْ خَلَقَ الْخَلْقَ وَلَمْ یَعْیَ بِخَلْقِہِمْ بِحَجَبٍ مَنِیْعَۃٍ لَا یَزِیْدُ فِیْ مُلْکِہٖ
طَاعَۃُ الْمُطِیْعِیْنَ وَلَا یَنْقُصُ مِنْ مُلْکِہٖ مَعْصِیَۃُ الْمُذْنِبِیْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰہِ حَمْدًا یَسْمَعُ وَیَسْعَدُ وَ
یَسْطَعُ وَیَطَّلِعُ وَیَسْتَدِلُّ وَیَحْسُنُ وَیَجِمُّ وَلَا اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ وَاللّٰہُ اَکْبَرُ عَدَدَ عِلْمِہٖ وَمَا فِیْ عِلْمِہٖ پس
برخیزد و دو رکعت نماز بگذارد و بخواند در ہر رکعتی فاتحہ یکبار و المعوذات دہ بار و اخلاص یکبار و سورۂ
فلق و الناس یکبار چون سلام دہد پیش از انکہ سخن گوید دہ بار این دعا بخواند سُبْحَانَ رَبِّکَ رَبِّ
الْعِزَّۃِ عَمَّا یَصِفُوْنَ وَسَلَامٌ عَلَی الْمُرْسَلِیْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰہِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَلَہُ الْکِبْرِیَاءُ فِی السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ ھُوَ الْعَزِیْزُ الْحَکِیْمُ پس بگوید یا من ذکرہ شرف الذاکرین و یا من شکرہ فوز الشاکرین
یا من طاعتہ نجاۃ للمطیعین یا من رافتہ ملجاء العاصین و یا من الالحاد علیہ مناص
الملحدین یا من لا یقطع عن حوائج السائلین و اسألک بمقعد العز من عرشک و منتہی
الرحمۃ من کتابک و باسمک الاعظم و جدک الاعلیٰ و کلماتک التامات ان تصلی علی محمد
و علی آل محمد و ان تعجل فرجی یا حی یا قیوم لعرابی گفت من چنین کردم شش پنجشنبہ پس در آدم در
بستانی بدیدم و گنج و ہر گنجی مالی عظیم جبرئیل علیہ السلام بر پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم بیامد و گفت خدای تعالیٰ
میگوید بگو مر اعرابی را کہ این در دنیا است اما در آخرت مر ترا ازین اکثر است و اکبر و اشرف و الطف۔
فائدہ: ہیبت و بیم و دفع الحزن و قضاء الحاجات فتیا ابو اللیث رحمۃ اللہ علیہ در کتاب خود
آوردہ است کہ ہیبت دارم ازان گروہ کہ بر گرفتار باشند چگونہ نگویند لا الٰہ الا انت سبحانک انی کنت
من الظالمین زیرا کہ خداوند تعالیٰ در کلام مجید فرمان دادہ است فاستجبنا لہ و نجیناہ من الغم و
کذلک ننجی المؤمنین باید کہ برای ہمہ غمہا و دردہا بروز جمعہ بوقت فرود آمدن خطیب از منبر این دعا
بخواند خداوند تعالیٰ ہمہ دردہا و غمہا و بلاہا را دور گرداند و حاجات روا گرداند بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ
الرَّحِیْمِ سُبْحَانَ اللّٰہِ الْوَاحِدِ سُبْحَانَ اللّٰہِ الصَّمَدِ الْفَرْدِ سُبْحَانَ اللّٰہِ مَنْ رَفَعَ السَّمَاءَ وَخَضَعَ عَلَی
الْمَقْفِیْ وَبِالصَّلَابَۃِ وَالْفَلَقِ لَا یَکُوْنُ لَہُ کُفُوًا اَحَدٌ رَبَّنَا اٰمَنَّا بِمَا اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ فَاکْتُبْنَا مَعَ

بلند فوقها فلک الی خوف وجع میت مستیلی ایضاً وقت حاجت هر کہ این اذکار را بگوید یک ہزار بار ان
ہم بکفایت رسد انت اقوی معین واحد فی قبل یحق ایاک نعبد وایاک نستعین ہر کہ را
رنجی داند وی بود یا از کسی بترسد یا ہمی پیش آید باشد صلوٰۃ کی فیکون این نماز بگذارد و تا قدرت
خدای تعالیٰ مشاہدہ کند ب نگذرد کہ از ان غم نجات و فرج یابد و شک نیارد و سخت غسل کند و
جائہ پاک پوشد بعد از ان چہار رکعت نماز بگذارد در اول شب و نیز بدین طریق در رکعت اول بعد از فاتحہ
صد بار قل ھو اللہ احد بخواند چون فارغ شود در رکعت دوم بعد از فاتحہ صد بار انا انزلناہ تا اللہ تصیر الامور و در
رکعت سوم بعد از فاتحہ صد بار نصر من اللہ و فتح قریب و بشر المومنین و در رکعت چہارم بعد از
فاتحہ صد بار انا فتحنا لک فتحا مبینا چون سلام نماز بدہد صد بار بگوید غفرانک ربنا و الیک المصیر
پس سر بسجدہ نہد و دست بر دارد و صد بار بگوید استغفر اللہ و اتوب الیہ ہنوز سر از سجدہ بر نداشتہ
باشد کہ خدای تعالیٰ حاجت او روا کند از بس مجرب است ایضاً چون کسی را ہمی پیش آید کہ در پیاپہ آں متردد
باشد باید کہ یک رکعت نماز بگذارد و بعد از فاتحہ سورۃ الم نشرح لک صدرک تا آخر سورۃ روی بجہت
الکعبۃ الشریفۃ و اللہ اکبر پس بعد از فاتحہ آیۃ الکرسی یک مرتبہ انا انزلناہ بیست و پنج مرتبہ اخلاص
صد بار در رکوع و سجود تسبیحات پنج پنج بار بعد سلام داود و ساعۃ راست بزمین نہد و ہفتاد بار بگوید
الٰہی بحرمت آن وقت کہ تو باشی و دیگر کسی نباشد و ساعۃ چپ بزمین نہد و ہفتاد بار بگوید
الٰہی بحرمت آن وقت کہ تو باشی و دیگر کسی نباشد بعد سر بسجدہ نہد و بتضرع و زاری ہفتاد بار بگوید خدایا
تو ہر کہ ہستی و این رکعت ہم کہ بہ نیت حاجت من روا کن بفضلک تعالیٰ حاجتش برآورد و گر خواہد کہ نماز شب
بعد وتر بگذارد و انصاف ادا کند ایضاً صلوٰۃ الحاجت برای قضای حوائج از بس مجرب است چون کسی حاجتی
داشتہ باشد باید کہ شب پنجشنبہ بعد از نماز عشا این نماز بگذارد و بعد از تسبیح و تہلیل بگوید و با کسی سخن نگوید
باید کہ وضو بدید کند چہار رکعت نماز بگذارد و بعد سلام در رکعت اول بعد فاتحہ آیۃ الکرسی تا آخر آیت
الی آخر آیت دہ بار و در رکعت دوم بعد فاتحہ قل اعوذ برب الناس تا آخر دہ بار و در رکعت سوم بعد
فاتحہ قل یا ایہا الکافرون تا آخر آیت دہ بار و در رکعت چہارم بعد فاتحہ قل ھو اللہ احد تا آخر آیت دہ بار بعد سلام بسجدہ رود و لا الہ الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین بخواند تا آخر آیت چل و کسر تسبیح بگوید از حق تعالیٰ حاجت کہ روا کند بس مجرب است ایضاً ہر کہ را ہمی پیش آید کہ در
[illegible] رکعت نماز در رکعت اول بعد فاتحہ سورۃ الاخلاص [illegible] فاتحہ سورۃ اخلاص سی بار و در چہارم بعد از فاتحہ سورۃ اخلاص چہل بار بعد از فراغ بگوید اللھم

وظایف تو بحق ہذا الاسم الاعظم بحق نبیک محمد صلی اللہ علیہ وسلم اسئلک ان تقضی
حاجتی وتبلغنی سؤالی وامنی بعد ازیں بدین کلمات طیبات دعاء حاجت خواہد اللہ اللہ
لا الٰہ الا اللہ الاحد الصمد اللہ اللہ اللہ اللہ لا الٰہ الا اللہ بدیع السموات والارض ذوالجلال
والاکرام اللہم انی اسئلک بحق اسمائک المطہرات ومعروفاتک المکرمات المقدسات
سمات التی ہی نور علی نور ونور فوق نور ونور تحت نور ونور وجہ نور السموات والارض نورک انک
العظیم اسئلک بنورہ وجہک الکریم وبقوۃ سلطانک القدیم ومعروفات التین الحمد للہ الذی
لا الٰہ الا اللہ بدیع السموات والارض یا ذوالجلال والاکرام یا اللہ یا اللہ یا اللہ یا اللہ یا رب یا رب
یا رب یا رب یا رب یا رب اغفر لی ذنوبی واقض عنی کل دین بعد الجد اقض حوائجی فی الدنیا
والاخرۃ ولوالدی ولجمیع المسلمین وصلی اللہ علی سیدنا محمد وآلہ وصحبہ وسلم ایضا
برای کفایت مہمات در رکعت اول بعد فاتحہ ومن یتق اللہ یجعل لہ مخرجا ویرزقہ من حیث
لا یحتسب بہنجا بار ودر رکعت دوم بعد فاتحہ ومن یتوکل علی اللہ فہو حسبہ ان اللہ بالغ
امرہ قد جعل اللہ لکل شیء قدرا بہجا بار بعد از سلام ہشتاد وکل بخواند ودر سجدہ صد بار بخواند
بسجدہ رود وگوید ایاک نعبد وایاک نستعین ہنجا بار بہایت مجرب است ایضا برای حل
ہزار حاجت واین نماز خاص از خصائص کرتیلم کرد بعضے عباد صالحین را ایست در شب دیر غسل کند
ولباس طاہر بتر آراید وخوشبو کند وحجرہ خالی از کس دل خالی از وسواس دارد ودو رکعت نماز گذارد
ودر رکعت اول بعد فاتحہ سورہ کافرون ده مرتبہ ودر دوم بعد فاتحہ سورہ اخلاص ده بار وسلام داده
سبحان اللہ والحمد للہ ولا الٰہ الا اللہ واللہ اکبر ولا حول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم ده
بار وثنا بائی الذی خلق ده وفی الاخرۃ حسنۃ وقنا عذاب النار ده بار پس در سجدہ رود ومتضرع
یا غیاث المستغیثین اغثنی ده بار بخواند برآورده گردانند خداوند تعالی حاجات او را دنیوی
ایضا بایدکہ بعد نماز عشا باوضو مقام تاریک نشستہ آیۃ کریمہ لا الٰہ الا انت سبحانک انی کنت من
الظالمین یک صد مرتبہ خوانده بر دست راست خود دم کند واو الحمد کل مرا زاہ کرده پیش خود دارد ودر آب قدح و
تر کرده بر روی گرداند از ہمین جہت مسدس تلیس بخواند واول واخر ودو شریف سہ سہ بار بخواند یک چند
تمام بفضل اللہ تعالی خواننده این عمل از ہر ترددات ومصیبت برکنار باشد وہمہ حاجات او برآورده
گردند از بس مجرب است بارہا بجربہ این فقیر سوگند است ایضا برای علی ای اشرف زمانہ زمانہ مدام
او را بسته دارد بکلید کرم کشاده اشرف بہمگ یاران شیعه ودوست ودشمن ہمیشه پر غم باد دوست ذکر دارد بایدکہ

این رباعی را بنام ... دو مرتبه بخواند تا امید تمام ... بنام شاه اشرف ...
قدس سره خواند باید که وقت شروع و اتمام ... چند بار ... مقصود بر آید
آورده گوید تمام احوال شدنی و ناشدنی معلوم گردد و مجرب ... است ایضاً از شیخ نظام ...
اولیا قدس سره العزیز میفرمایند که هر که ... اسماء ... صد بار ... صد بار ... بخواند
باشد برآید ... روز ... مستاصل را ... یا واحد یا احد ... شب
یا صمد یا فرد ... یا قیوم یا حی ... یا رحمن ... یا ذالجلال ... بخواند ... یا رحیم
یا الله یا رحمن ... یا رحیم ایضاً ختم باید ... مجرب ... شب ... غریب و غریب و
احتیاج مرام باید که ... بعد از نماز ... روز ... شرائط طهارت ... مکان ... جای
بخواند ... بارها مجرب فقیر مؤلف است ایضاً برای کفایت ... دفع مشکلات این
رباعی شریف ... شب ... صد بار تمام ... شریف یکصد و ده
مرتبه بخواند باید ... مداومت نماید ... بجناب ... صلی الله علیه وسلم ... النوعین
علی رضی الله عنه ... کند تأثیرات کبریت احمر است رباعی این است ... سید شهید ... مدد ای
صاحب ذوالفقار ... مدد ای ... شصت ... بار ... شصت و چهار ... مدد ای ... فائده
بیست و دوم در طلب نمودن رزق چون کسی خواهد که فراخ معاش کند باید که ... نماز ... بعد
تعداد این آیت شریف را ... خفیف سازد خداوند تعالی بگشادگی رزق روزی گرداند ... ان الله
هو الرزاق ذو القوة المتين ... شب ... بخشیدن ... صدقه کند ... عالی ... بیست
بیست رزق بگذارد ... هر رکعت سوره الهکم التکاثر ... بخواند بعد از سلام ... بار
بعد ... مفرج الکرب لا ... الا هو ... الا ... ثم ... من ... الا ... الا ... الا ...
الا ... فی ... الا ... الا ... الا ... الا ... الا ... الا ... الا ... الا ... الا ...
بعقاد ... بار ... بخواند ... دارد ... این ... صعوبات ... بر ... شوند ... اگر ...
... مرتبه ... بعد ... بخواند ... معاش ... روزی ... این ... مرتبه ... بخواند ... الله ... رزق ... من ...
... الله ... الله ... الله ... الله ... الله ... الله ... الله ... الله ... الله ...

سه بار بخواند و سه بار درود فرستد و آیت وَمَنْ يَتَّقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ آخر که قدمت ده بار بخواند بسوی آسمان بلند می گردد و هرگز تنگدست نشود عزیز باشد میان مردمان ایضاً در حدیث آمده است که مردے گفت رسول الله را علیه السلام که مرا مصیبت می افتد در تن و مال و در اهل و ولد رسول علیه السلام فرمود که هر روز گوید بسم الله علی نفسی و مالی و اهلی و ولدی اللهم انی عبدک ابن عبدک ابن امتک ناصیتی بیدک ماض فی حکمک عدل فی قضاؤک اسئلک بکل اسم هو لک سمیت به نفسک او انزلته فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استاثرت به فی علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی و نور بصری و جلاء حزنی و ذهاب همی و غمی پس حق تعالی او را از همه مهمات و مصیبتها مامون گرداند و حواس بر آید کارهای او را فراهم گرداند ایضاً هر که میان سنت و فریضه نماز بامداد هفتاد بار این آیت بخواند تنگی روزگار از وی برخیزد است فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ ایضاً هر که سی و یک بار این آیت بخواند حق تعالی او را از همه مهمات و مصیبتها مامون گرداند و محتاج شدن نگذارد ایضاً از کافی و کفایه شعبی در خبر است هر که سنت نماز بامداد در خانه بگذارد و فارغ گرداند خدای تعالی رزق فراوان وی ایضاً چون کسی خواهد که برکت بر وی فراخ گردد و هیچ کس محتاج نگردد این آیت بخواند رَبِّ اَنْزِلْنِيْ مُنْزَلًا مُّبٰرَكًا وَّاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ ایضاً فرمود رسول صلی الله علیه وسلم هر که هر روز صد بار لَآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ بگوید مرا در امان باشد از درویشی ایضاً هر که آنگه روزگار باشد هر روز و هر وقت که خواهد از اوقات سه و چهل آن دو رکعت نماز گذارد بخواند در رکعت اول فاتحه یکبار و سوره کافرون سه بار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و اخلاص سه بار بعده سر بسجده نهد و این دعا بخواند یَا مَنْ بِيَدِهِ مَقَالِيْدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يَا مَنْ بَسَطَ يَدَيْهِ بِالرَّحْمَةِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰى يَا مَنْ خَلَقَ فَسَوّٰى يَا مَنْ قَدَّرَ فَهَدٰى يَا مَنْ اَخْرَجَ الْمَرْعٰى يَا مَنْ اَسْكَنَ اٰدَمَ الْجَنَّةَ بِعَفْوِكَ عَنْ ذَنْبِيْ وَبِجُوْدِكَ عَنْ خَطِيْئَتِيْ وَبِسَتْرِكَ عَنْ قَبِيْحِ عَمَلِيْ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ وَلَا يُبْرِمُهُ اِلْحَاحُ الْمُلِحِّيْنَ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ اِذَا دُعِيْتَ بِهِ اَجَبْتَ وَاِذَا سُئِلْتَ بِهِ اَعْطَيْتَ اَنْ تَرْحَمَنِيْ وَتَغْفِرَ لِيْ وَتَتُوْبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ ایضاً حدیث مرویست از رسول علیه السلام هر که مواظبت کند بر خواندن این چهار سوره سوره واقعه سوره مزمل سوره دهر سوره الم نشرح این سوره از فقر فائده بیست و سوم در استخاره باید که بعد از نماز خفتن دو رکعت دو گانه بگزارد در رکعت اول سوره فاتحه یکبار و سوره والیل اذا یغشی یکبار و در رکعت دوم بعد فاتحه سوره قل یکبار بخواند بعده بر بستر طهارت بنشیند و درود شریف بسیار و دعا بسیار سوره کوثر سی و یکبار بخواند و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَخِيْرُكَ بِعِلْمِكَ وَاَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَاَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيْمِ فَاِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا الْاَمْرَ خَيْرٌ لِّيْ فِيْ دِيْنِيْ وَمَعَاشِيْ وَعَاقِبَةِ اَمْرِيْ عَاجِلًا اَوْ اٰجِلًا فَاقْدُرْهُ لِيْ وَيَسِّرْهُ لِيْ وَاِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هٰذَا

ف اگر کسی از طرف دیگر استخاره کند بجای فلان زن فلان را بنویسد و بجای آنچه نوشته است بنویسد و بسوی گرداند ۱۲

الامر بشر الی [illegible] وعافیۃ اشرق فاتہ [illegible] واضیفین عنہ وقد لی الخیرات
کان انک علی کل شیء قدیر وصلی اللہ علی سیدنا محمد وعلی الہ واصحابہ اجمعین بہ
ازال بجواب درود وقت خفتن بگوید سہ بار بسم اللہ اللہم وضعت جنبی باید کہ این عمل شب چہار
شنبہ بعد از شود شب پنجشنبہ اگر شود شب دیگر ایضا ترکیب استعارہ تسبیح باید کرد باوضو بصدق دل نیت
کردہ بر پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم دوازدہ بار درود شریف بخواند و بنام حضرت امام جعفر صادق رضی اللہ عنہ فاتحہ بخواند
بدست راست تسبیح بگرداند از انجا ابتدا بہ تسبیح را وصل و لا تنقل گویاں بگرداند خواندہ اگر با سم اتصل
ایذ یکو باشد و اگر بہ لا تنقل زدہ است انکار نکند فائدہ بیست و چہارم در مناجات چون کسی
برین مناجات مواظبت دارد بر او در سد از بس مجرب است و این مناجات پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم است
کہ بدین کلمات دعا کردہ است الہی بحرمۃ [illegible] ومن تلاطم بحرہ بینہن ومن قرارھا و
بحرمۃ [illegible] وبین بنانھا وبحرمۃ والعصر ومن صلی بالخ تشفی بالی منانا الیقا
برای روشنی دل و کشف معارف بعد تہجد بین مناجات بدرگاہ باری التجا کند الہی یا الہی تو
عالم کون را بے سبب پیدا کردی آسمان را بے ستون بر پا کردی تنور سحر پانی جاری کردی و بے تو نہ نکاح
عیسی علیہ السلام را بے باپ کہ پیدا کردی آدم علیہ السلام را بے مادر و باپ کہ پیدا کردی حوا را بے مادر
نبی امی محمد مصطفی صلی اللہ علیہ وآلہ واصحابہ وبارک وسلم را بعلم اولین و آخرین سرفراز فرمودی الہی بحق
نبی امی او مرا بحق ایمان و عرفان و کمال عطا فرما و نفس و دل و جان را بچشم نور
احدیت و وحدت روشن گردان بحق سید المرسلین وصلی اللہ تعالی علی خیر خلقہ محمد وآلہ واصحابہ اجمعین
برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا بعد ادای نماز عشا بنشیند بدرگاہ معبود با جلال و اکرام و سائر رسوم بندگی بجا آرد
یا من یری ما فی الضمیر یسمع [illegible]
یا من [illegible] الیہ المشتکی والمفزع [illegible]
[illegible]

ایضا برای تحصیل گناہان و روشنی دل از نواجہ سید رحمۃ اللہ علیہ خلوص و خضوع دعا کند الہی [illegible]
[illegible]

او را اوّل بخوانم از تقویم زنده کردن دل و دل مرده است پس زنده کن اما الفقرا ای
نورانی شدن قلب او بگرداند بستار نزلنا بالغیث الحیوۃ و نستعین بحبیب و منتظر منقلب و
هو الذی عالیٰ شد کلامی قلیل حتیٰ یکثر و کشف جلی یلتار الشیوخ اعود ذوی الاوہام
یا عقلا یا ستار بر رحمت یا ارحم الراحمین و ان ی خود شود الفقرا پر از مناجات کنند بدین کلمات
سپرده بار وقت مباشت شعیار حضرت حق مشرف گردد و ندیا انت اللهمّ سفر الدنیا اعتینا
و خلفت خلالک فی معلومنا النعمۃ و کفانا و تعنّنا بمرضاتک حتی نختم علی دینک الفقرا اکثر ارباب
حاجات وقت ورود مشکلات این ابیات را ذریعہ کرده اند خدا تعالیٰ کشاده کار فرموده برائے
ارباب الحسنت. و لہ فیہ من لطفہ خفیّ. یدق خفاہ عن فہم الزکیّ. و کم یسر اتی من بعد
عسیر. و فرّج لوعۃ القلب الشجیّ. و کم امر تساء بہ صباحا. و تاتیک المسرۃ بالعشیّ. اذا
ضاقت بک الاحوال یوما. فثق بالواحد الفرد العلیّ. توسّل بالنبیّ فکل خطب. یہون
اذا توسّل بالنبیّ فائدہ بیست و نہم در سبب خواب و کم دیدن در وشوره و دیدن
شود مخالفت بخیزد بلی یکیست ان بار شوهر یا بعکس آنچنانکه در حق طلب کردند بسیار الفقرا
و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا و اذکروا نعمۃ الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین
قلوبکم فاصبحتم بنعمتہ اخوانا یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثیٰ و جعلناکم شعوبا و
قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم ان الله علیم خبیر ثم الصلوٰۃ بین فلان ابن فلانۃ
و فلان ابن فلانۃ او فلانۃ بنت فلانۃ کما الفت بین آدم و حوا و زوجہا فی السماء و توفق بینہما
کما وفقت بین موسیٰ و شعیب الله او ما قال فی شأن ایشان بحق محمد و آلہ اجمعین سه کره بر
رشته بر خیز یکیست تا ہفت گره بسیار آنکه از آن روش بر ایشان بیاور و نمود
پیدا آید مجرب است الفقرا این زن و شوهر مهمت نبا خصمی حرمت را نوشته طالب نزد خود نگاهدارد
و دوست بر شیرینی خواند مطلوب بخوراند و یکسے تعوید بر مشک و زعفران نام هر چہار کس نوشته بر ستاره آن
هر یا آن را رد کرد بر انکش اگر بادی باشد و باد و گر نبار آتش الفقرا کشته اند اگر آبی شد آب
شسته بخورد اگر با ورا آب بعلاقہ آنرا و اگر خاکی باشد در خاک نگذرند مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم

ططلم لج لج لج لج لج لح لح لح لح لح لح لح لح لح لح لح لح لح لح لح لح لح

[illegible]

نما لما لما لما حصت و دواد و فواد و سمع و بصیرت خملک و ظهدت

جوارح فلان بن فلانة علی محبة ومودة وارادة وطاعة واتباع وشفقة فلانة بنت فلانة العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله وسلم ایضاً برای صلح زوجین نوشته بخورد محبت زیاده شود انشاء الله تعالی علیقا ملیقا ما تقدمون علی عل علی علی علی علی علی ووووووو ۱۱۱ فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان ایضاً جهت موافقت زن و شوهر این شکل را در وقت مشتری بنام اربعه بنویسد و عود بسوزد و شیرینی در دهن بگیرد و هفت بار سوره فاتحه و سوره اخلاص بخواند و برین شکل بدمد پس پیچیده در موم گرفته در آب شسته هر دو را بخوراند و هم روی بهمین آب بشوید پس مجرب است انشاء الله تعالی نقش معظم و مکرم اینست

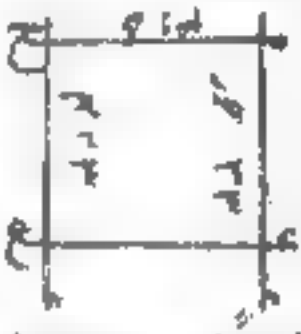

۲۰	۲	۲۱	۱۳	۴
۱۹	۱۴	۱۶	۱۰	۷
۱	۹	۱۳	۱۷	۲۵
۳	۱۶	۱۱	۱۲	۲۳
۲۲	۱۴	۵	۸	۴

ایضاً برای موافقت زن و شوهر بر طاس یا صحنک نوشته در حلوا یا فالوده این شکل را نوشته خوردن دهد جانبین محبت کامل شود وقت نوشتن شیرینی در دهان دارد نقش مکرم اینست۔

۱۳	۷	۱۴	۱
۱۳	۲	۱۱	۸
۳	۱۶	۵	۱۰
۶	۹	۴	۱۵

ایضاً در میان قومی یا جماعتی خلاف افتاده باشد باید که بر قطعه حلوا بقلم بی مداد آیت ونزعنا ما فی صدورهم من غل تجری من تحتهم الانهار الی قوله بما کنتم تعملون بنویسد آن جماعت را بخوراند باذن الله تعالی موافقت شدید پیدا آید فائده

بیست و ششم در بیان فوائد اسمای اصحاب کهف این فقیر در صحت این اسما بسیار جستجو کرده لیکن همین را به صحت و اجازت یافت و متفق علیه است و نیز در شفاء العلیل مسطور است الهی بحرمت یملیخا مکسلمینا کشفوطا طا آذر کخط یونس کشافطیونس تریونس آنس بوس و کلبهم قطمیر و علی الله قصد السبیل و منها جائر فرمود رسول علیه السلام [illegible] کهف با خود دارد در حفظ و امان حق تعالی باشد در سفر و حضر هیچ آفت نرسد هر که [illegible]

او و هفتاد کس از قرابتیان او بسلامت زنده و میان نیزه و تیغ زدن نیفتاده و از زخم شمشیر و هفتاد گونه سلاح دیگر چیزی باین ناهار بکاری آسیبی نیامده اگر کسی خواهد که بر آب دریا این نامها بنویسد چنین نامها باید نوشت باین نامها که خواهد این نامها بر قدم آن نامها بنویسد و بخانه باز برد هیچ چیز باو آتش نگیرد سوم اگر آتش گرفته باشد در حال سیفد این نامها بر دیوار بنگرد و بسوی آتش اندازد آتش فرو نشیند چهارم اگر این نامها بنویسد میان خرمن تخم نهاد اندر زمین و سوختن و غرق شدن سلامت ماند پنجم اگر این نامها بنویسد بر ران چپ بشتر بکشد او برود و مانده نشود ششم اگر ملخ در کشت خلل کند این نامها بنویسد بر سر چوبی کنده میان کشت بنهد ملخ در آن کشت زیان نرساند هفتم آنکه بر روزه باشد این نامها را بنویسد بر ران چپ آن زن را بندد و در حال بار نهد هشتم بر جنبران کاغذ نوشته و آب باشد و هیچ چیزی دیگر بر مطلوب بخواند در حیث بی نظیر است بیکبار تمام چهارم کس بنویسد نهم این اسما بر چهار پاره سفال آب نادیده نوشته و بچاه در حوض هر روز یک سفال انداخته باشد حیث نزول باران عجب است نهم اگر خانه را آتش فرا باشد بنام سفالهای نوشته بفرو مذکور سه بار متقابل آتش گذاشته باید بحکم الهی دفع خواهد شد خاصیت این نامها بسیار است در هر پیشه که بنویسد مؤثر آید فائده بیست و ششم هر که بیماران صرع باید که برای صاحب صرع بخواند سوره فاتحه و آیت الکرسی و پنج آیت اول سوره بقر در آب پاک بدمد و بر روی صاحب صرع بزند بفضل تعالی افاقه شود و بر چهار گوشه مکانی که سکونت دارد و آن آب زمین بتر باشد ایضا بخواند بر صاحب صرع

بسم الله الرحمن الرحیم الم طه طسم حمعسق ن و القلم ان الحکیم صاد و القرآن و القلم و ما یخطون ایضا روایت است از ابن قتیبه گفت حدیث میکرد با من مردی از بنی تمیم که پیش من غلامی بازی میکرد وقت غروب آفتاب پس مضرب شد پس گفتم او را چه کار داری با تو من پس گفت بلسان فصیح این وقت هنگام است آیا نفرمود پیغمبر صلی الله علیه وسلم استظلوا صبیانکم عند غروب الشمس پس گفتم راست است دور شو از وی بحوله و قوته لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس دور شد از وی و باز عاد نکرد ایضا بخواند بر مصروع قوله تعالی قل اعوذ برب الناس اذن لکم انذر علی الله انتم وردت ایضا بنویسد بسای اصواب کهنه و بچاه بگوشه خانه کرد و آن مصروع سکونت دارد و هذا جربنا انما اگر کسی را زخم دهد کسی از رفتن من پس بگوید بسم الله علی الجبهة و الصداع الی قوله شهاب ثاقب فائده بیست و ششم در لغ زخم و حرق النار و غیره چون بر جسم کسی دنبلی و دمی پیدا آید بنویسد و بشوید و از آب بر آن زخم شده بفضل الله سود کرده و اثبت بسم الله الرحمن الرحیم بداوة من الله و رسوله الی کل علة لا یعلم و لا توجد الا تسلم الله و تعالی شفاه

مضطر و لطلب حاجتی مفتقر فحری لک ان تقوم لرفع حاجتی و رفع ما سبق و هو ان
تحیی بی یوما فیوما خمسة او سبعة روبیات و نعین و نقر لک مکانا و محلا کذا و کذا فتروح
و شرط الاقامة و طلب الدعوة مرقوف علی دعوتی و اجازتی حری لک یا صاحب دعوتی
ان تقرأ آیة الکرسی سبعة مرة علی سکین و تجعل دائرة اطرافک **فائده** سی ام
در تالیف و المحبت چون خواهی که کسی را در محبت خود مبتلا کنی بخوان و ما رمیت اذ رمیت و
لکن الله رمی بیست و هفت مرتبه بر بیست و هفت دانه غافل گرد و یکان و یکان در آتش اندازد تا بیست
و هفت روز و هذا مجرب ایضا این هفت تعویذ بعد از نماز پیشین بنویسد یکان یکان در آتش اندازد
اگر هزار فرسنگ باشد بر تو بیاید مجرب است

ایضا بنویسد روز پنجشنبه وقت
چاشت کنجشک یک نر و یک ماده اگر برای مرد کند بخون ماده بنویسد و در گور کهنه دفن کند اگر برای
زن کند بخون کنجشک نر بنویسد و در گور کهنه دفن کند مطلوب حاصل آید ... بنام فلان بن
فلان و در بازوی کنجشک بندد و رها کند مقصود حاصل شود اینست ... فلان
بن فلان ایضا جهت غلبه عشق و محبت این تعویذ نوشته در آستانه یا در زیر بالین خود نهد یا در زیر
زبان گرفته یا مطلوب سخن گوید عاشق گردد و ... فلان بن فلان علی حب فلان
بن فلان ایضا این تعویذ بنام اربعه بمشک و زعفران نوشته در آب روان اندازد

... ایضا این شکل را بنویسد
و در گذرگاه او دفن کند چون مطلوب از آنجا بگذرد مبتلا شود اینست.

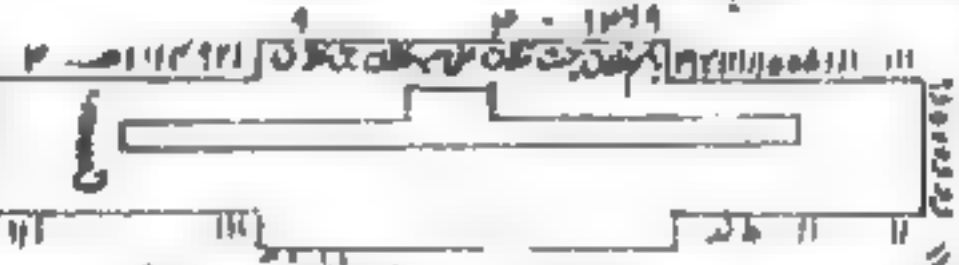

ایضا بنام اربعه بنویسد و در دریا اندازد و اما در وقت نوشتن ...

ایضا این تعویذ را نوشته در آب اندازد تا کس را خواب و آرام نباشد تا ترا نبیند اما در وقت سعد بنویسد
مجرب است بنام اربعه بنویسد ...

صحیح عناصر حاضر طلسم دلسلو ونشانو وطلسم لوحی توراۃ وحی انجیل وحی زبور
وحی فرقان العظیم ایضاً بدختر ۱ بنج آرد تخمیر کند صورت آدمی از دو تیار کند چنانچہ اعضای آن درست
بشود دست و پا گوش وبینی پس این شکل را بر کاغذ بنویسد و در گلوی صورت مذکور بندد و شانزدہ بخار
سفید بران خلانیده در وقت نماز خفتن در زمین دفن کند درست شود مجرب الاثر است انشاء اللہ تعالیٰ

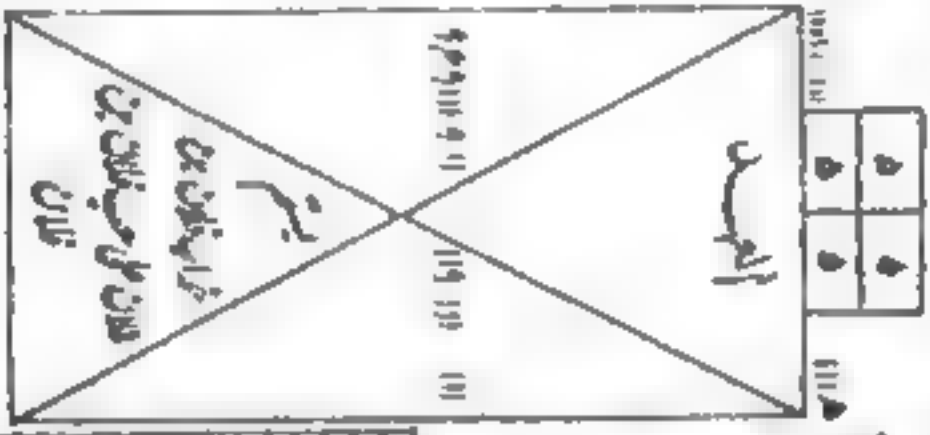

ایضاً نقش را نوشتہ در پرند بہ بندد بہت بہت بجریات

ایضاً نوشتہ زیر سنگ گران بندد بہت بہت بی نظیر است

فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان

لع	ال	موع	فلان بن فلان
ط	تا سحر	او	علی حب فلان
مالو	ع د	ج د	بن
ا ح	۰	د ہ	فلان

یا مقیت | یا جمیع متی

فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان
ایضاً این شکل را نوشتہ زیر آستانہ مطلوب دفن
نماید وقتی کہ بران بگذرد سرگردان خواہد یا بد مجرب
است انشاء اللہ تعالیٰ... ایضاً این تعویذ را نوشتہ در ہوا آویزان نماید انشاء اللہ تعالیٰ سرگردان
بیاید مجرب است۔

۱۹۶	۲۲۷	۲۷۲
۱۴۱	۲۶۵	۲۸۹
۲۸۵	۲۱۰۳	۲۲۴

يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللّٰهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِّلّٰهِ هَلْ أَتَىٰ
عَلَى الْإِنسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا
إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ وَنُفِخَ فِي
الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ قَالُوا
يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ
وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ فلان بن فلان علی حب فلان بن فلان ایضاً برای محبت این ہفت نقش

خو بسیار طلب کی در خانہ کی در باد در مجلس آرد و چہار بار بخواند و در حلق بسوزد و در روی سیاہ مطلوب دارد مجرب است انشاء اللہ تعالی فائدہ سی و یکم در بیان نقش وعمل القرآن اگر در بیان دو کس جدائی منظور باشد این جدول را نوشتہ در قبر کہنہ دفن کند جدائی افتد و در وقت نوشتن دود بخور چیزی تلخ بدہد مجرب

۱۲ ص	۲۴ ص	۱ ط	۸ مہ	ع ۱ د
۲۳ و	ع و	۷ و	عوارد	۹ از
عہ ص	۹ ظ	۱۳ ک	۳ ط	۲۲ [illegible]
خائغ ۱	رانغ ۱۲	در لک	واسع مہ	الا ۲
۱۱ یومہ	۱۰ سلع	۲ صفاتی	ساطعہ ۲	۱ سبع

است یا اللہ یا اللہ یا قدوس یا قدوس ما مالک ما ولا لا ایا رحمان رحیما حمعسق کہیعص
حم ۲۲ ۶۶ و ۳۶ ع ع ال حم حم و حما و حم حم اللہ مالک ملک
بحق ہذہ الاسماء المبارکۃ ما ہی و لا حول و لا قوۃ الا باللہ العلی العظیم ایضا بیار بفت
برگ آلو بام سر شنبہ برگ بنویسد و چنان آتش انداز دو جدائی افتد فلان بن فلان من نفس فلان
بن فلان ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۹۹۹۹ ۱۱ ۱۱ ۱۱ سبح سس وس و و و ما ایضا یا بو شادی شنبہ و
این طلسم را با تمام ہارہ در ساعت نحس نوشتہ در مرغ کہ آنکس دفن کند عداوت شود ایضا نوشتہ بر خشت
عع عع الحمد ححع ع [illegible] ع ع ان الیا لک خشت خاک بر گیرد بر یک خشت
خاک چہار دانہ و یک خشت خاک بخواند بر آن تصویر بر پیشانی و حکم اللذی کا از میت یک قبر
بیچاند در خانہ آنکس اندازد عداوت افتد ایضا این تصویر نوشتہ بسوزد و در وسط پلید سازد و بخورد
گردن چشم ہی کند جدائی افتد مجرب است [illegible]
فائدہ سی و دوم در عقد زبان دشمن پیشرو در وقت نوشتن این شکل را نوشتہ در پیہ مقفل سازد
و دفن کند در حال زبان او بستہ شود و تا کہ کشادہ نشود انشاء اللہ تعالی لی صمعہ لالا لک سلطان
ہ ہ ہ الا الا این طلسم بخوید بعد ازان نوشتہ و آن خون کہ بر آن مالیدہ در میان قبر کہنہ
دفن کند آنکس بستہ گردد و اگر در بیان شہید مانید در دفن کند آنکس ہلاک شود و اگر در و پیہ
در زیر سر او نہد خرس سنگ سیاہ انداز دو آن تصویر بسوزد و گرد انشاء اللہ تعالی ایضا لوح و مطالع
ہ ۱۱۱ و ۲ ہ ۱ ہ ہ ہ ہ ایوا ہم ص ۱ ہ جہت زبان بندی کسی ہاو کو
بیاید دست نوشتہ خود نوشتہ و زر بسوزد یکبار ازین جہت بخواند و در آب روان بیا ندازد و بگو یہ کشتی

فلان بنت فلان از فلان بن فلان ... تسخیر یا بکم لیث ... شمس الذین ...
سنعذب الیم بسته گردو انشاءالله تعالی ایضا لعقد الرجل بیاید بنت ... بخورد ورده
الاشعار این ... خواند و گره بزند ... بسته گردد و ... بسم الله الرحمن الرحیم العشر
فتمسند ... یا محمد گره اول بزند ... گره دوم بزند
... یا محمد گره سوم بزند ... گره چهارم ...
... گره پنجم بزند ... گره ششم بزند ...
و گره هفتم بسته ... رگ سبعه ... صد و ... بچهار ... و بعد ...
و بسته فلان بن فلان ... از زوج فلانه بنت ... یا قابض کل ... یا قابض
بحق ... یا ارحم الراحمین فائده کی صد و سوم در بیان زبان بستن جهت زبان بندی این
عزیمت را نوشته با کسی که مطلوب باشد بدهد زبان بسته گردد و یک ... خود و دارد مجرب است
بسم الله الرحمن الرحیم ... ان فی ... شکر وقد اخذ
ان قد اسکن ولهم ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم ...
قد ... الذین ... الوجع ... بحامل هذا

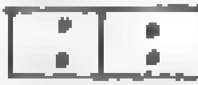

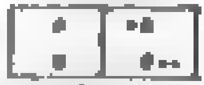

ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع ع
ع ع ما ما ما ما ما ما اسکن ... محمد ... حامل هذا الاسماء بحق
مولانا علی ابن ابی طالب ... و لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم ایضا این عزیمت را نوشته ... زبان ... و سایر ...
بسته گردد ... این عزیمت را ... و دیگر فوائد بسیار دارد بسم الله
الرحمن الرحیم ... ان الذین کفروا ... سمعوا الذکر ویقولون
انه لمجنون وما هو الا ذکر للعالمین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ح ح ح
ح ح ۱۱۱۱ ب ۱۱۱۱ ت ۱۱۱۱ ث ۱۱۱ ج ۱۱۱ ح ۱۱۱ خ ۱۱۱ د ۱۱۱ ذ ۱۱۱۱ ر ۱۱۱۱ س ۱۱۱ ص
۱۱۱ ض ۱۱۱ ط ۱۱۱ ظ ۱۱۱۱ ع ۱۱۱ غ ۱۱۱ ف ۱۱۱ ق ۱۱۱ ک ۱۱۱۱ ل ۱۱۱ م ۱۱۱۱ ن ۱۱۱ و ۱۱۱ ه ۱۱۱
لا ۱۱۱ ی بسم الله الرحمن الرحیم وجعلنا نومکم سباتا وجعلنا اللیل لباسا وجعلنا النهار معاشا
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم صم بکم عمی فهم لا یعقلون ... لا ینطقون
صم بکم عمی فهم لا یرجعون ... فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم

☆☆☆☆☆☆☆ بدوح بدوح بدوح یا حنان یا منان یا دیان
برحمتک یا ارحم الراحمین ایضاً این تعویذ را در کسوف یا خسوف بنویسد و با خود نگهدارد عجیب است

فائده سی و چهارم در معرفت رجال الغیب چون
در چپ بود مال را سود دان چون در راست بود نقصان
مالش بدان چون در پس بود خصم مردود دان مقابل پیش
کند قصد جان برین دائره نگاه کند طالب حضرات

ق	ا	ب	ض
۵۰۰	۳۰۲	۳۰	۳۱
۳۰۰	۴۰	۰۲	۶۲
۳	۵۶۰	۳۴	عقد مسلم

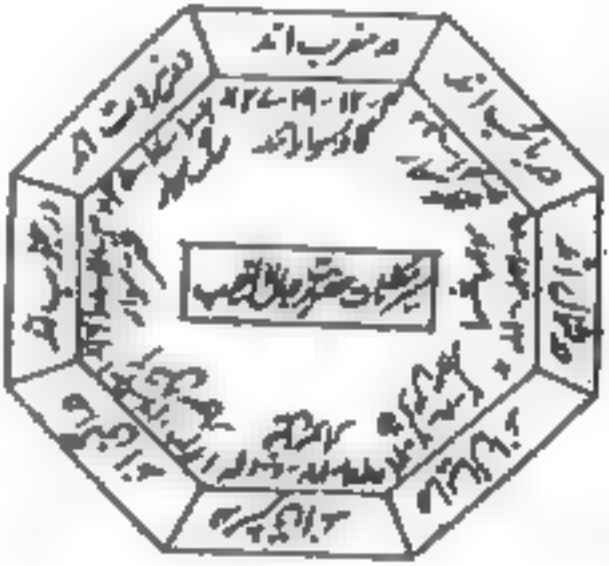

رجال الغیب اول نگاه برین
دائره نموده نمایند که ایشان
از کدام برج قرار دارند ایستاده
شده دست بر یکدیگر گرفته چنانچه
در نماز ایستاده میشوند نهاده رو
بسوی ایشان بتواضع و تعظیم
تمام کند و دل خود را متوجه نموده
تمام خود را حواله با ایشان نماید
اول ده بار درود فرستد

بسم الله الرحمن الرحیم السلام علیکم یا حضرات رجال الغیب السلام علیکم
یا ایتها الارواح المقدسة المطهرة اعینونی بقوة وانظرونی بنظرة الی الامر الذی
قصدت الیه یا رقباء یا نقباء یا نجباء یا غوث یا قطب الاقطاب یا خیار یا سیاح
یا زهاد یا عباد یا اوتاد یا ابدال یا اعماد یا اوتاد یا قطب یا غوث اغیثونی اعینونی
اعیذونی بحرمة الله وبجهة محمد المصطفی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم
استظهار من با شما است امید من از شما است بعد از آن هر حاجت و التماس که در خاطر داشته باشد
عرض نماید البته مقصود حاصل شود شک نیارد پس آنگاه پشت بجانب ایشان کند چنانچه کسی تکیه
بر دیواری یا درختی می کند لحظه ایستاده باشد بعد از آن بهر کاری که خواهد مشغول شود و در آن روز از جمیع
آفتها و کلفتها ایمن باشد **فائده سی و پنجم** در تسخیر و تالیف مسخر سخر لی کل مخلوقات

اجب یا جبریل بحق یا باسط باید کہ عمل ہذا بعد از نماز عشا صد و شصت بار بخواند و اگر وقت
نباشد چہل و یکبار بایست و یکبار اول و آخر درود خواندہ باشد و ہر گاہ کہ پیش کسی رفتہ باشد یا نزد
یا رسمی بقول و آخر درود بار خواندہ بر خود دمیدہ باشد مطلوب را پیش پا افتادہ تصور کند ایضاً یا رد شکر سفید
موم بر یکبار کند و این آیت را بر کاغذ بنویسد بنام چہار کس این کاغذ و موم را شکر را یکجا کند و بکوبد
بعد از ان صد غلولہ کردہ سوراخ کند و تسبیح سازد و آیت این است لقد جاءکم رسول من
انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم فان تولوا فقل حسبی
اللہ لا الہ الا ہو علیہ توکلت و ہو رب العرش العظیم و ہمین آیت بخواند و تسبیح گرداند
چون صد مرتبہ شود تسبیح را نیز بگوشہ بیاویزد بام کسیکہ کردہ باشد دیوانہ وار بیاید ایضاً وقت جمعہ بعد تمام
آیت فان تولوا الی العرش العظیم سی مرتبہ بخواند و ہر بار بعد آیت یک مرتبہ اللہم صل علی محمد
علی فلان بن فلان تا عطف قلبہ علی و ذلہ لی یک مرتبہ مجرب است فائدہ سی و ششم
در دفع کردن دشمن و ہلاکت باید کہ صاحب رحل زیر سر بر بہنہ ایستادہ یکبار یا لطیف تا
یا الطیف بخواند تا زدہ نفس حصور ہلاکت عدو لفظ الطیف را با تعداد تکرار کند پس مرد مسلمان
را باید کہ در دفع مسلمانی والم بگیناہی و تعذیب پیر مستی ہرگز نکوشد و مصون شریف من حفر
بیر الاخیہ فقد وقع فیہ بذکر دارد کہ تفیہ منعکس نشود کما و تعالی انتقم حقیقی است برائی اہوی
اعدا مابین نماز مغرب و عشا سورہ فیل و لایلاف را چہل و یکبار با تسبیح تقیم سورتین بخواند اعدا متہور
خواہند شد و ذلیل مجرب است ایضاً ہر صباح و مساء ہفت بار آیت فان تولوا فقل حسبی اللہ
الی رب العرش العظیم بخواند از جمیع بلیات ارضی و سماوی از شر جمیع اعدا محفوظ و مصون ماند فائدہ
سی و ہفتم در صفت بعض اعمال کہ لات این فائدہ از قول مجان بعینہ بر داشتہ شد صفت حلوا فرمود
پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم چون عرض کردہ شود بر شما حلوا پس رد مکنید زیرا کہ گفت ہر کہ بر برادر مسلمان را
حلوا ببرد و یا طعام بدہد خدای تعالی او را از طعام ہای بہشت دہد و گر نداند تو لختی سوختہ و تا
قیامت ایضاً گفتہ پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم ہر کہ تو حلوا ببرد برادر مسلمان را بغیر آنکہ از و بترسد یا
امید خیر دارد او را از گور حشر کردہ شود و حساب در بہشت برود و در آن در شدت و عذاب باشد
صفت کردن از تفسیر مفتی ام المومنین عائشہ صدیقہ گفت رضی اللہ عنہا کہ رسول علیہ السلام مرا
گفت یا عایشہ چیزی در دیگ انداز کہ بخن چون کدو یا شیر بپزی پس آن را بخور بدستی کہ ہر گز آن را
بخورد دل اندوہگین وی خوش شود و بینائی بیشتر او زیادت شود و دماغ را قوی گرداند و حفظ

یا دت کند قفن پاکیزہ گردانند یا عائشہ تیست از مسلمان از مرد و زن کہ بخورد کدو و مگر آنکہ نوشتہ
شود مراد او بہر لقمہ ہفتاد ہزار نیکی محو شود ہفتاد ہزار بدی و بلند کند برای او ہفتاد ہزار درجہ و بنویسد
یا عائشہ ہر کہ خود را عادت کند بر خوردن کدو و دوست دارد آن را در صورت اشکوفہ حلق و زنده چشم و دندہ در کسر
سر و دندہ در گوش و ہر کہ بخورد کدو را شب سلامت باشد از ہمان شب تا صبح آفتی از دردہا کہ بدنام و پیسی و بیرص
دستہا و دندہ در پہلو و دندہ در سینہ صفت خرمائے مرد و پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم تخریدند خرما نہا را بدست کہ بکشد
کرمان را در شکم رسول علیہ السلام گفت بدست کہ خدای تعالیٰ دوست دارد خرما را و گفت بہترین طعام
اہل خرمات است در شکم فرزند آدم علیہ السلام نادرمانیست درمان نزدیک خرما و رسول گفت خرما تخم
واعدای مانند یعنی خرما مانند و پیغمبر گفت علیہ السلام بدہید زنان را در نفاس خرما زیرا کہ ہر زنی کہ
طعام او خرما باشد در نفاس فرزند او حلیم باشد و بیامد ہر کہ بخورد خرما و چون عیسیٰ علیہ السلام متولد
شد طعام خرما بود اگر یابد این طعام دیگر بہتر بودی و صل سریع بادنی اللہ تعالیٰ بہا تعالیٰ اللہ تعالیٰ آن حادی
رسول فرمود علیہ السلام اگر بدانند مردمان کہ در خرما چہ خیر است ہر آئینہ بخرند آن را بہ وزن طلا و گفت مرانس را
دنی اللہ عز و جل خرمای تر و آبہ بہ تحقیق کہ صفت مرد پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم کہ طعامی شیرین خورد
کند بیچ ندان او و ہر کہ بخورد خشاب بر دو بیماری دہان او خوش کند و بخورد کند و بگذارد و بیماری کند
گفت پیغمبر علیہ السلام کہ دوست دارد کہ طعام او گل شود و خوش او بیماری شود و خوش او بیماری شود
بخورند صفت طعام او خرمائے پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم تخریدند او را بہ زیادت از دانک و بخورد کند و
کند دل را و نگاہ دارد شود از شیطان تا چہل روز فرمود رسول است انار بہشتی کہ در آن دانہ
انار قطعہ است از بہشت صفت سفر جل یاد کردہ بودند بہ رسول علیہ السلام سفر جل را از طائف
نوادہ بر سیدہ بود کہ زنان را بوسید و بر پستانہا و بر رحم نہاد و گفت ای خدا چنانکہ او را زینت کردی در دنیا
در دنیا محروم مکن او را زینت در آخرت گفت رسول علیہ السلام بخورید سفر جل را بدرستیکہ قابض کند دل شجاعت
و دلیری زیادت کند در فرزند ہا حسن و جمال زیادہ شود و گفت حوران بہشت بدہید زنان حامیہ را
سفر جل بدرستیکہ فرزندان نیکو خلق زادہ شوند صفت عناب گفت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم چون
یکی از شما بخورد عناب باید بدرستیکہ دفع کند حرارت تب را و گفت چون یکی از شما را بگلوبود ہفت عناب
بخورد و دستیکہ خون را کم کند و تخم را فربہ کند صفت انگور فرمود پیغمبر
علیہ السلام قبض نکردہ است خدائے تعالیٰ روح پیغمبر مرسل را مگر آنکہ
او را انگور بودہ است و گفت بخورید انگور را بخورید انگور بگذارید بدرستیکہ آن گوارندہ است

صفت خربزہ گفت پیغمبر علیہ السلام خربزہ مفتاد درشیرین است و یاد و ترش خاما آنکہ شیرین است
پیرہای روید و آنکہ ترش است کرا میکشد و دل سگ را میکشد و گفت رسول علیہ السلام گرفتی خربزہ ترا بدست
راست و خربزہ را بدست چپ پس بخوردی و طبلزہ را بدان ہر دو میوہ دوست تر بود نزد یک رسول
علیہ السلام و فرمود رسول صلی اللہ علیہ وسلم بخورید خربزہ را تنظیر دارد او را و ابد سیتا آب رحمت است و حلاوت او
از بہشت است صفت شہد بدستیکہ شہد است غذائی تعالیٰ برکت در شہد و در شفا است از جملہ ادویہ
و در دہا کہ در ہر دوای شربت شہد بخورد سہ روز حق تعالیٰ او را از ہفتاد و ہفت رحمت و علت در عصمت او
کرد و از ان فلج و جذام است و عایشہ رضی اللہ عنہا روایت کرد کہ رسول علیہ السلام دوست داشتی
عسل و حلوا را صفت شیر فرمود پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم بر شما باد بخوردن شیر کہ گفت پیغمبر علیہ السلام
داده شد مرا در شب معراج قدح آب و قدح شیر من اختیار کردم شیر رسول گفت علیہ السلام ہر کہ شیر بخورد
این دعا بخواند اللھم بارک لنا فیہ و زدنا منہ صفت سر کہ در حدیث است بدستیکہ او را
تعالیٰ ہفتاد فرشتہ است موکل ہر کسی کہ سر کہ خورد آمرزش خواہند مرا و تا آن زمان کہ خورد ان سر کہ را
شود گفت رسول علیہ السلام فقیر دشوار اہل خانہ کہ سر کہ باشد گفت بہتر ید کہ سر کہ مبارک برکت است
گفت ہر کہ سر کہ خورد بیزد از خدای تعالیٰ از دل او مثل نقش و شک و تکبر و حسد و عداوت و بغض نفاق
صفت ہریسہ فرمود پیغمبر علیہ السلام بیاورید بر من ہریسہ تا قوی گردد بدن من و فرمود مرا یا محمد بخور ہریسہ را
تا قوت شود و قوت فزود تو را بعبادت پروردگار جل جلالہ صفت گوشت فرمود حضرت علی کرم اللہ
وجہہ ای مردمان بخورید گوشت را کہ بشک خوردن آن صاف میکند خلق را و رنگ بدن را زیادہ میکند
شنوائی را زیاد حضرت علی مرتضیٰ ہر کہ خورد گوشت را اہل روز زیاد شود خلق او پس باید کہ بخورید گوشت
را کہ گوشت از گوشت است و رسول علیہ السلام گفت کہ ہر کہ گوشت را دوست دارد گوشت را حرام مکند بر نفس خود او از من
نیست گفت رسول علیہ السلام سید الطعام فی الدنیا و الآخرۃ گوشت است و ہر بار کہ رسول علیہ السلام را
بجہت گوشت خوردن دعوت کردندی اجابت کردہ است و ہر وقتی کہ گوشت ہدیہ آوردند قبول کردہ
است صفت بیہ گفت پیغمبر نیست از بہ پای کہ اعتماد و عہدہ مگر آنکہ می روید در مکان شفا او بیرون
می رود از آن مکان درد را صفت گوشت بریان دوست ترین طعام نزد پیغمبر علیہ السلام گوشت
بریان بود روزی ام سلمہ رضی اللہ عنہا گوشت پہلوی بریان کردہ پیش رسول علیہ السلام آورد و رسول آنرا
بخورد پیش پائی بایستاد و نماز کرد و وضو تازہ نکرد صفت کباب قدید گفت دیدم رسول علیہ السلام را
کہ گوشت قدید میخورد و طبق نہاد پس بریای ایستاد نماز کرد و وضو نکرد و آورد سفال آنرا بخورد صفت

رو عن خرمه رسول علیه السلام شربت تمر شفا است و خرمن ابنها دوا است و دوست ترین شراب نزد یک
پیغمبر علیه السلام شیر بود که دوست داشتی اظهار کردن بشیر صفت سیاه دانه گفت رسول علیه السلام
یا علی ملائکه بتقفاری گریند بای کسی بنا باد شهد باشد و زیتون سیاه دانه فرمود رسول علیه السلام سیاه دانه
داروی جمله دردها است مگر مرگ صفت خیار فرمود رسول علیه السلام هر که خیار بخورد با امت هزار خیر
تعالی او را بدهد صفت سیر فرمود رسول علیه السلام بخورید سیر را و دار کنید ران بدستیکه در و شفا
از هفتاد درمت رسول علیه السلام فرمود بخورید سیر خام را صفت عدس فرمود رسول علیه السلام شما
با دا بخورید عدس را که مبارک است آن دل را و آب دیده را زیادت کند و بدرستی که برکت گفته اند
در آن هفتاد پیغمبر ایضا در حدیث است که در طعام عدس مشغل از بوی بهشت است و دعا کرده است
مر آن را ابراهیم و محمد علیهما السلام صفت پیاز در خبر است که مردی را فرزند نمی شد یامد بر رسول علیه السلام
و حکایت کرد او را قلت فرزند پس امر کرد او را رسول علیه السلام و بیاز خوردن پیاز ابو وداعه گفت رضی الله تعالی
عنه که رسول علیه السلام مرا گفت چون خانه شما در شهری و دریای و بر سید از و پیش شما باد کر پیاز بخورید و
بدستیکه روشن کند بینائی چشم را و بگیرد مکند آب پشت را و آورده اند که سلیمان نوری را رحمة الله علیه حاجتی
شده بود حبه قدر مبارک بعیادت او آمد پیاز طلبید و آنرا یاد کرد سلیمان را داد و گفت بوی کن پس بوی
کرد آنرا و صله نزد و گفت بحمد الله رب العالمین بدستیکه ساکن شد رحمت من اصل بن مالک رضی الله
عنه گفت که فرمود پیغمبر علیه السلام که دو چیز است که ایمان آن فراموش نمی آرد خوردن شیر و خوردن سویق
و خوردن بخور و کشیز خشک و حجامت کردن بر منکب صفا و گذشتن میان دو زن و نظر کردن بسوی مصلوب
بدار کردن در آب ایستاده و ایستادن پیش زنده و قرائت در مقبره ایضا ابن عباس گفت رضی الله
عنه که فرمود پیغمبر علیه السلام هر که آرزو اخلاق بخورد زیان ندارد ایضا ابن عباس گفت رضی الله عنه که
فرمود پیغمبر صلی الله علیه وسلم چون ترب بخورد و خواهد که بوی او نیاید بر من درود فرستد اول گرد ترب
بدندان و الله اعلم و علمه اتم فائده سی و هشتم در تفرقات در لب بریدن جامه نوبرین ابیات عمل کند
بر بدن جامه نو تا تو میدان ۞ بگشیه بود اهل یقین پرنشان ۞ گشاید رزق دار روز دوشنبه ۞ بپوشند
یا بلاذ در سه شنبه ۞ بروز چهارشنبه شاد باشی ۞ بپنجشنبه زغم آزاد باشی ۞ بروز جمعه حاجت یابی ۞
بشنبه صد بلا در پیچ یابی ۞ تو عدد کن در باب پوشیدن جامه کو برابن ابیات عمل کند و بپوشی جامه
روز شنبه زنهار ۞ اگر پوشی شوی البته بیمار ۞ یکشنبه چو جامه نو پوشی ۞ رسد راحت بسی نعمت بنوشی ۞
دوشنبه گر بپوشی جامه خاشاک ۞ بر محنت سکنی آن جامه را چاک ۞ سه شنبه جامه نو گر بپوشد میان ب

اگر باشد بسوزد ۔ بروز چہارشنبہ جامہ در بر ۔ کہ آید بر سر آن جامہ در بر ۔ پنجشنبہ بپوشی جامہ شاید ۔ کہ تا آن
جامہ ات زیبا نماید ۔ ولیکن زود گردد پارہ پارہ ۔ خورد پیوستہ زخم خارہ خارہ ۔ بروز جمعہ تو می پوش
جامہ ۔ چہ بر براہن چو طاقی بہ عمامہ ۔ تو عہد مگر دہ باغسل برین عمل نماید ۔ روز شنبہ صحت یابد ۔ روز
یکشنبہ عمر دراز شود ۔ روز دوشنبہ شادی بیند روز سہ شنبہ تہمت یابد روز چہارشنبہ نعمت یابد روز پنجشنبہ
دنیا و آخرت یابد روز جمعہ از بلیات محفوظ ماند تو عہد مگر بوی سر تراشیدن برین ابیات عمل نماید الحکمۃ
پرخوش فرمود امام محمد جعفر ۔ کہ تو خواہی بیابی ہم دوا ۔ قول من نبائی روی از نہار ۔ دین من تو ام
کمتر نگہدار ۔ یکشنبہ دشنبہ موی تارک ۔ گری تا را بامداد مبارک ۔ دوشنبہ گر تراشی موی سر ۔ یابی بیان
دولت بجد دل آرا ۔ سہ شنبہ مالت بود نیک مرتبہ ۔ بود بیماری واندوہ تا رنج ۔ بروز چہارشنبہ گر می
سلق ۔ عزیز و محترم باشی بر خلق ۔ بہ پنجشنبہ چو موی سر بیابد ۔ بچشم خلق نیکو تر نماید ۔ بود کہ زیر گیرد از ان
زر ۔ کہ خلقت یار گردد مہربان ہم ۔ تو عہد مگر دریں ناخن تراشی ۔ بدان کہ در روز پنجشنبہ و آدینہ نان
فرض بسیار سعد و نیک است دوشنبہ سہ شنبہ روز نحس و ناسعد است در سفر چون سہ شنبہ آید سفر مبند و در پیش
قبول مکن و روان مشو از سفر باز بسلامت بمقام خود آیی ہیچ آفت او را نرسد روز دوشنبہ قند خورد
بیرون آید تا سلامت باز بخانہ آید روز سہ شنبہ آہن مبند و بسفر رود بسلامت بخانہ باز آید روز چہارشنبہ
کشنیز خورد از خانہ بیرون آید روز پنجشنبہ حلوا و کلیچہ گفتہ بیرون آید بسلامت و در روز جمعہ انار
خورد بیرون آید باز بسلامت آید روز شنبہ قلیہ و نان خورد و طعام نیک خورد بیرون رود و بخیر آید و اللہ
واللہ اعلم بالصواب ایضاً باید کہ قبل از روانگی سفر بخانہ نفل بگذارد در ہر رکعت آیۃ الکرسی سہ بار
بعد از سلام سورہ قل یا ایہا الکافرون و سورہ اخلاص و سورہ فلق و سورہ ناس و سورہ فاتحہ خواند
لیکن باید کہ اول و آخر ہر سورہ بسم اللہ بخواند بعد ازان دعا کند کہ الٰہی من اہل و عیال و فرزندان
و مال و عزت و آبرو بتو سپردم و حوالہ کردم تو حافظ حقیقی و مالک الملک مستی مرا و جمیع اطفال را
بحق اسباب مرا الطفیل حبیب یک خود ہمہ آفات و بلیات محفوظ دار آمین یا رب العالمین خاتمہ در بیان
احکام عمارت مکان و بنای خانہ باید کہ بریں ابیات عمل کند ابیات
[illegible]
صاحب خانہ زیرو ۔ جمادی الآخرہ نیکی نماید ۔ بعید شادی و نیکی نماید ۔ رجب باعدو اگر دگر فتار ۔ شعبان
می شود البتہ بیمار ۔ رمضان نیکوئی بیند ۔ ز اموال بہ بود کی خانہ چون خورشید تابان ۔ بود در ماہ شوال ۔ بسی بیند راحت و ہم صاحب مال ۔ بخصوص تہا بود در ذیقعدہ پیدا ۔ بود جنگ و

جدال دایم شود ۔ بنای خانہ دوزی یا جوای یا ریسمانی نعمت دہم مال بسیار نو عدد گرد سورہای سعد
و نحس بنای خانہ ۔ شنبہ گرد گرفت ۔ بدست آید فراوان مال و نعمت ۔ فقد آتش بہ یکشنبہ مقرر ۔ گرد
بنای خانہ یکشنبہ و شنبہ صاحب آن خانہ رنج بدست آرد شود فرزندی ۔ رنج بہ سہ شنبہ گرد بنا ساز و عمارت
ابرد صاحبش بی امن و علت ۔ اگر در چار شنبہ شد بنائی ۔ شود مسکین صاحب بارسائی ۔
اشارہ ۔ اگر بچہ شنبہ بالای خانہ ترش بود حاجت روائی ۔ بروز جمعہ سازد خانقاہی ۔ یابد رونق
واسع مال و جاہی ۔ فائدہ ۔ جمل و کمر و خواص بعد ہا کہ حمایت و ہشت حروف اند کہ جمع عددی ایشان
باشد چون جواہی کہ جمائے را سنجد کہ بیست و ہشت بار نوشتہ در آب بشوید و بخورند ایضاً اگر بیست و ہشت
زرد چنبہ بہم بسیار بچند ایک کہ دہ ایضاً اگر کاغذی بیست و ہشت بار بہ نام دشمن آویزان
و ہر بار دیوان کند دشمن از خان و مان آوارہ گردد ایضاً اگر کاغذی نوشتہ در خاک پنہان کند البتہ بکرم
اللہ تعالیٰ غائب پیدا شود ۔ ایضاً اگر کسی بجد بار میان مجلس ہوا بدارد البتہ سخنوار و بحث دان مجلس
سخت پدید آید ۔ محبین اگر در مجلس حاضران بنویسد و در غوغا بجوی رسد کہ خون ریزی گردد ایضاً اگر دعا
نوشتہ بجوبی خواند عجائب بیند ایضاً اگر کسی نوشتہ در میان جنگ سر نیزہ خود بندد دشمن مقہور
گردد ایضاً بادی زبانی شیر عورت دادہ نوشتہ بخورند ایضاً اگر کسی نوشتہ در گلوی کودک بندد از
ترسیدن و دلہا ناشد ایضاً اگر طالب العلم نوشتہ بخورد زود بہ صافی و حال شود ایضاً اگر نوشتہ بر
درخت میوہ دار دفن کند میوہ بیشتر دہد و خوشگوار باشد ایضاً بجد نوشتہ در چاہ آویزان کند آب
زیاد گردد ۔ ایضاً روز یکشنبہ بہ سعد و مشتری بجد نویسند و بہ نیت بر روز شنبہ سہ بجد و شصت
دہ بار بخوانند مراد او بلا گزند در شنبہ چہار صد بجد بہ بار تا چند روز بخوانند ہر مرادات حاصل شود
و عجائب بیند روز چہار شنبہ با نصد و شش بار بخواند در عالم افتخار و مباہات بیند روز پنجشنبہ چہار صد
و ہفتاد بار بخواند ہر مرادی کہ بیند حاصل شود روز آدینہ ہزار بار بخواند معشوق عاشق گردد روز شنبہ
پنجاہ و ہفت بار بخواند فتوح غیب رسد و خواص ابجد بسیار است اختصار کردہ شد و آن اینست ابجد
ہوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ ۔ فائدہ چہل و دوم در تاثیر دفع سحر و جادو و چون کسی
ساحر کردہ باشند باید کہ این آیت خون ما کیان سیاہ و مشک و زعفران و گلاب نوشتہ در
گلو بندد ہفت روز بکارد چنین نوشتہ آمدہ روز نخواند در جرابت سَنَتْلُوْ اٰیٰتِ اللّٰہِ لَا نُبْصِرُ عَلَیْکَ اِنَّکَ
اِنَّمَا تَکْفُرُوْنَ اِنَّکَ سَاحِرٌ وَّلَا یُفْلِحُ السّٰحِرُ حَیْثُ اَتٰی بِحَقِّ اٰیٰتِہٖ وَاَثَرِ اٰیٰتِہٖ ایضاً برای دفع سحر بران
بر پارہ کاغذ نوشتہ در گلو بندد و بجرابت بسم اللہ الرحمٰن الرحیم

عَلَيْكُمْ بِمَا عُذِّبَتْ بِهِ سُلَيْمَانُ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
اَهْيَا شَرَاهِيَا يَلُوشَا جَارَا بِلُوشَا قَمَا وَابْجِي كَمِيصِ يَذْكُرُ رَحْمَتِكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ
نِدَاءً خَفِيًّا كَمَا قَالَ وَأَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلٰهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ
الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَيْضًا بِنَوِيسَدْ وَدَرْگُورِ بِنْدَدْ اَزْ پِسِ مُرْدَه
است جَلَّ يَسِدْ سُورَهْ فَاتِحَهْ وَچَهَارْ قُلْ وَقَوْلُهُ تَعَالَى لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ لَرَاَيْتَهُ خَاشِعًا
تَا سُورَهْ بَعْدَ اَنْ جَزْوِيسِ وَنَعْنَتْ سِحْرِ كُلِّ سِلْعَهْ وَعَقَدَ كُلَّ عَاقِدٍ وَكَيْدِ كُلِّ كَائِدٍ عَنْ فُلَانِ بْنِ
فُلَانَةَ بِالَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بِاِحْيَاءِ اللّٰهِ تَعَالَى اَهْيَا شَرَاهِيَا اَزْرِفَا صَبَلُو
شَدَّى بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَالَّذِي اَنْتَ شَاجِدِينَ قَالُوا اٰمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسٰى
وَهٰرُونَ نَفْثَتُكَ اَيُّهَا السِّحْرُ وَالْعَقْدُ وَالْكَيْدُ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ بِاِبْطَالِ اللّٰهِ تَعَالَى اللّٰهُمَّ
وَاٰيَاتِهِ لِاَنَّهُ اِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَاِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَنْ لَا تَعْلُوا عَلَيَّ وَاْتُونِي
مُسْلِمِينَ وَاَمَّا مَنْ بِالْاَمْسِ وَالْيَوْمِ وَغَدًا عَنْ سِلْعَتِهِ وَعَقْدِهِ وَكَيْدِهِ
وَاَبْطَلْنَا بِالْاَمْسِ وَالْيَوْمِ وَغَدًا اَبْطَلْنَا سِحْرَ فُلَانٍ بْنِ فُلَانَةَ اِنْ كَانَتْ شَهْرًا اَوْ حَجَرًا اَوْ خَرَزًا اَوْ شَعْرًا اَوْ حَدِيدًا اَوْ عَظْمًا اَوْ سِنًّا اَوْ حَلْفَةً اَوْ حَبْلًا
اَوْ عَمَلَ رَجُلٍ اَوِ امْرَاَةٍ اَوْ مُسْلِمًا اَوْ مُسْلِمَةً اَوْ يَهُودِيًّا اَوْ يَهُودِيَّةً اَوْ نَصْرَانِيًّا اَوْ نَصْرَانِيَّةً اَوْ
مَجُوسِيًّا اَوْ مَجُوسِيَّةً اَوْ عَمَلَتْ فِي بَرٍّ اَوْ بَحْرٍ وَطَلَعَتْ طَيْرًا اَوْ قَبَرَتْ فِي قَبْرٍ اَوْ اَيِّ جِنْسٍ كَانَتْ فَاِنِّي
نَفَثْتُ جَوَابِيَهُ مَوْنِي فِي جَبَلِ عَيْنِ زَبُورِ دَاوُدَ وَفُرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا نَاقِيَا اَلَكَ
نَعْمَا سِيَا اِلٰى قَوْلِهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَاجْهَا نَصَرْتُ مِنْهُ وَاَلْهِمْ اَنْ نَذْرَهَا وَتَرْكَهَا بِصَمِّ يَوْمٍ
يَوْمَ فِي بَعْضِ اَنْ اَنْجَيْتَنَا مِنْ هٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَاِذَا هُوَ زَاهِقٌ فَاَلْقٰى مُوسٰى عَصَاهُ فَاِذَا هِيَ تَلْقَفُ
مَا يَاْفِكُونَ اَفَغَيْرَ دِينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ وَلَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَاِلَيْهِ يُرْجَعُونَ
يَمُوتُ اَوْ مَنْ كَانَ مَيْتًا فَاَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ
لِلْمُؤْمِنِينَ اَيْضًا اَزْ كَعْبِ اَحْبَارْ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ مَسْاَلَتْ كَهْ صُبْحْ وَشَامْ دَرْ وَاِينْ كَلِمَاتْ مُعَظَّمْ نَكَرْدِي
بِسَبَبِ تَعَصُّبِ دُشْمَنْ اَزْ سِحْرْ بِصُورَتِ كَارْ اَمَدْ كَهْ مَسِّ سَاخْتَنْدِي بِسَبَبِ سُلَيْمَانْ نَخْتَنْ بِاِكَلِمَاتْ مُعَظَّمْ اِينْ
اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ اَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْاَعْلَى الْجَلِيلِ
الْجَلِيلِ الَّذِي لَا يُحِيطُ بِهِ جَبَّارٌ الَّذِي يُمْسِكُ السَّمَاءَ اَنْ

ان تقع على الارض الا باذنه شر الشامة ومن شر ما ذرأ في الارض ومن شر ما يخرج منها ومن شر ما يترل من السماء ومن شر ما يعرج فيها ومن شر ما ذرأ ومن شر كل دابة انت اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم فائده چهل وسوم در شفاء امراض وكيفيت مرض وغيره چون دريافت مرض خواهد كرد در سر مرض كه ام علت عارضه است بايد كه نام روز وهم مرض بحساب جمل عدد كه ... چهارده باشد يكي از ... بدان اگر بر ... اگرچه باندك دلپري اگرچه باندك اثر باد واست ايضا اگر كسي بيمار شود بايد كه وي وتاريخ وي بحساب ابجد جمع كند ... انها تولد شده باشد بران نويسد وبيست روز نگذارد بعد ... باقي آنچه باند بنجاند نگاه بكند اگر در خانه حيات است اميد شفا باشد واگر در ممات است مخلص بود باذن الله ايضا بجهت حصول عافيت بسمائي كه بنويسم اين دعا را وقت مرض

		خانه حيات		
۱	۲	۳	۴	۹
۱۰	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۲۲	۲۳	۲۶	۲۸

اللهم عافني في بدني اللهم عافني في سمعي اللهم عافني في بصري لا اله الا انت ايضا اگر كسي مرض سراقت دارد كه بقسم المعلقات ... ايضا اين دعا بنويسد تمام

		خانه ممات		
۵	۶	۷	۸	۱۱
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۴	۲۵	۲۷	۲۹	۳۰

تتوكل على الله بگويد ربنا الله الذي تقدست اسماؤه امره في السماء والارض كما رحمتك في السماء فاجعل رحمتك في الارض واغفر لنا ذنوبنا وانت رب الطيبين انزل رحمة من رحمتك وشفاء من شفائك على هذا الوجع او الم ... ايضا روايت است از عثمان ابن ابي العاص كه شكايت كرد او پيش رسول الله صلى الله عليه وسلم از وجع كه در جسم خود داشت فرمود نبي صلى الله عليه وسلم كه بنزد ... ودست بر موضع الم بكوبد بسم الله وهفت بار اعوذ بعزة الله وقدرته من شر ما اجد واحاذر ايضا روايت است از ابن عباس رضي الله تعالى عنه كه فرمود نبي صلى الله عليه وسلم بگويد مريض ... بسم الله اسال الله العظيم رب العرش العظيم ان يشفيك ايضا روايت است از علي ابن ابي طالب كرم الله وجهه كه چون خواهد كه خداوند تعالى از جمع اوجاع واسقام وامراض شفا دهد پس بنويسد قوله تعالى قوله تعالى لو انزلنا هذا القرآن على جبل تا آخر سوره وبنويسد وان قرانا سيرت به الجبال او قطعت به الجبال او كلم به الموتى بل لله الامر جميعا ودر كاوه بشويد ايضا بنابر امتحان كردن بيماري اين طلسم را بر مغفل بنويسد وصاحب مرض بطلعت مرتبه از سر تا پا تصدق نمايد ودر آتش اندازد و

چول سرخ شود بردارد و دفن کند اگر حروف سیاه باشد برائد کہ مرض جسمانی است و اگر حروف غائب شود سایۂ جن و پری باشد اگر حروف سرخ برآید آسیب است و اگر حروف سفید برآید اثر دلی ہم و بالله التوفیق این ست ط ۲۲۹۹ ع ع ۲۲۹۹ و ایضاً اگر امتحان مریض منظور باشد و صحت یا بد یا بمیرد این نقش را نوشتہ در طشت بیاسکہ و تعویذ بر آب بنہ اگر تعویذ بالای آب بماند یا شود و اگر در آب غرق شود بمیرد و اگر در ہاون بساید رنج و آزار کشد انشاء اللہ

۱۲۴	۳	۲	۱۲۵

ایضاً برای حصول مطلب

از ہر گونہ امراض این نقش بر کاسۂ چینی نوشتہ سبع و ثمانیہ بخورد انشاء اللہ و ہمہ زیر این نقش آیات شفاء بنویسد و بیشتر حدود بر مؤمنین و مؤمنات شفاء لما فی الصدور و ہدیٰ و رحمۃ للمؤمنین و شفاء تختلف الوانہ فیہ شفاء للناس و ننزل من القرآن ما ہو شفاء و رحمۃ للمؤمنین و اذا مرضت فہو یشفین حتی ہو للذین امنوا ہدی و شفاء۔

۱۸۳۲	۱۸۴۵	۱۸۴۲	۱۸۳۹
۱۸۴۱	۱۸۴۸	۱۸۴۳	۱۸۴۴
۱۸۳۷	۱۸۴۰	۱۸۴۷	۱۸۳۴
۱۸۴۶	۱۸۳۵	۱۸۳۶	۱۸۴۱

ایضاً برای دفع امراض این تعویذ بشام می خورد و باشد بہ است ایضاً برای دفع ہر بیماری نوشتہ بخواند بہ برات ایضاً برای دفع

۱۰	۴	۶	
۲	۸	۱۱	
۸	۹	۳	

۳۹	۵۳	۵۰	۴۶
۵۱	۴۵	۴۰	۵۲
۴۴	۴۸	۵۵	۴۱
۵۴	۴۲	۴۳	۴۹

بخوار لوشتہ بخواند ایضاً این فلیتہ دزدی نکند و دفع شود ایضاً این اسمای مبارک برای صحت از ہر مرض و برای حصول ہر مقصد بہ است

اللہ لا الہ الا ہو الحی القیوم لا تاخذہ سنۃ ولا نوم الخ

روز چہارشنبہ وقت غلوہ آفتاب نوشتہ بندد و فرو شود و ذریعہ شود و ہر چہ [illegible] و ایضاً بجہت
دفع بخار این آیت نوشتہ در گلو بندد دفع شود وقلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراہیم و
اردوا بہ کیدا فجعلناہم الاخسرین برحمتک یا ارحم الراحمین ایضاً برائی صحت از
بسیار مجرب است سہ آیت مرقومہ الذیل نوشتہ سہ روز بخوراند تب دفع شود روز اول باسم اللہ ذالک
من رحمۃ ربی روز دوم روز باسم اللہ ان خلق اللہ منکم وعلم ان فیکم ضعفا
روز سوم باسم اللہ یرید اللہ ان یخفف عنکم وخلق الانسان ضعیفا ایضاً برائی دفع
چشم این دعا خوانده بر کف دست دم کند و بر چشم بالد زود دفع شود ایست قل ھو اللہ احد ان لی عدو
رددا احمر اذی بیاس حسبنا اللہ ونعم الوکیل فاستجاب عونی یا الہی واکفنی شدائد این دشمن
فریاد رس لا الہ الا اللہ ایضاً برائی دفع ہر قسم تب سہ بار بخواند و بآب بدہد و بخوراند و بار
شکم بر عدد کرم تعالی زود شکم دفع شود ایست بسم اللہ الرحمن الرحیم فاذا جاء وعد ربی جعلہ
دکا وکان وعد ربی حقا فتحنا ابواب السماء بماء منہمر ایضاً برائی دفع و دقیق شکم یک
تار جیلی خوانده بدہد و بخوراند قیض بدفع شود وبسم اللہ الرحمن الرحیم یکاد السموات یتفطرن
منہ وتنشق الارض وتخر الجبال ہدا ایضاً برائی دور شدن درد و ناخن بر نال بندد

ایضاً برائی دفع ورم این تعویذ نوشتہ در گلو بندد و اگر ست یا بر چپی ہر قسم

ایضاً برائی دفع اسہال این تعویذ نوشتہ بر شکم بندد قیض شود انشاء اللہ

۱	۲۴	۱۹۶	۸
۱۱۹۵	۱۱	۱	۱۱۹۶
۹	۱۱۹	۱۱۹	۳
۱۱۹۲	۴	۵	۲۹۳

۶	۱۲	۳
۶۵	۷۸	۱۲
۸	۱۶	۳

ایضاً برائی دفع ورم و باد اطفال بیارد شش جاروب نو سر قطع کردہ
ہر یک کاری ہمراہ داشتہ باشد این سورہ انا اعطینا سہ بار بخواند
کاری مذکور بر شکم تصدق کردہ سر بر چکند ہر سہ کاری مذکور بہمین طور کند تا سہ روز بفضل الہی صحت یابد شد

فائده چهل و چهارم [illegible] هر روز [illegible] آیة الکرسی [illegible]
[illegible] باشد [illegible] فلان [illegible]
[illegible] و وقت [illegible] نامه [illegible] باشد [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم لا اله
الا الله ابراهیم خلیل الله [illegible] صلی الله علیه [illegible]
ایضا از ابن عباس رضی الله عنه [illegible] صلی الله علیه و سلم [illegible] این آیت [illegible]
[illegible] قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا
تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا ایضا [illegible]
[illegible] مجربست [illegible]
[illegible]
[illegible] مجرب است [illegible]
فائده [illegible] الرحمن [illegible]
[illegible] این آیت [illegible] روز [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم زین للناس حب الشهوات
من النساء والبنین والقناطیر المقنطرة من الذهب والفضة [illegible] این آیت [illegible]
واصبر وما صبرک الا بالله ولا تحزن علیهم ولا تک فی ضیق مما یمکرون ان الله مع الذین
اتقوا والذین هم محسنون [illegible] فلینظر الانسان مم خلق خلق من ماء دافق [illegible] فالله
خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ایضا [illegible] تعالی [illegible]
[illegible] روز [illegible] آب [illegible]
[illegible] آب [illegible] باشد [illegible] چهل روز [illegible] آب [illegible]
[illegible] روز [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible] ایضا [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اللهم مالک الملک
[illegible] الملک ممن تشاء [illegible] بیدک الخیر [illegible]

علی کل شیء قدیر ایضاً حجب العقل بهر جهت این آیت در گردن عورت ببندد حاجت برآید او
بربندد فضل الله فرزند شود بسم الله الرحمن الرحیم بدوح بدوح بدوح بدوح بدوح بدوح
بدوح بدوح المی بحرمت علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه و ببرکت حق هذه الاسما
القرآن و عند الله و صلی الله تعالی خیر خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعین ایضاً اگر
زنی را در شکم بچه مرده باشد این نقش را بر ران راست زن ببندد در حال بچه آن بچه مرده از
شکم بیرون افتد اینست ایضاً برای آنکه فرزند نر شود بر پاره کاغذ
بنویسد زن هفت روز روزه دارد و در شب افطار کند بعد از آن زیاده بخورد ...
اگر شیر کم شود باب ... بخورد و در هفته ... شوهر ... کند ... از ایام حیض
پاک شود از جهت روزه باشد شروع این تعویذات کند انشاء الله تعالی فرزند نرینه شود
شد بسم الله الرحمن الرحیم لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا
من خشیة الله و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون ایضاً این سه تعویذ را شیر
... و شوهر را بخوراند هر روز یک یک ... روز اول بسم الله الرحمن
هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم روز دوم بسم الله
الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز
الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون روز سوم بسم الله الرحمن الرحیم هو الله الخالق
البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم
ایضاً اگر زنی را فرزند نشود و یا درخت بار نگیرد این تعویذ نوشته بر درخت یا بر زن ببندد بار گیرد و اگر
در گردن مرغ ... ببندد بفضل الله تعالی ... بسم الله الرحمن الرحیم ملی ملی
ملی ملی له له اه اه له له هه هه هه هه هه هه هه ...
... س س س س س س س هذا الرعد ... القدوس قدوس قدوس قدوس
قدوس قدوس ... له له ... اه اه اه اه اه ...
شل ... ایضاً برای ... این آیت ... بسم الله الرحمن الرحیم کل
نفس لما علیها حافظ فلینظر الانسان مم خلق خلق من ماء دافق ... فالله خیر حافظا و هو
ارحم الراحمین ایضاً اگر زنی را ... جاری شود ...
... باشد ... از خون ... تعویذ ...

بندد و دیگر در دهن آن مرغ نهاده در راه
آمد و رفت حامله دفن کند و بعد نه ماه آن
تعویذ را در گلوی بچه باید بست اینست ـ

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ایضاً این نقش حظ بر لوح سیمین نقش کرده
در گلوی اهل بند انشاء الله تعالی از جمله آفات
ایمن باشد مثل [illegible] طاعون و سایه جن و پری و غیره مجربات [illegible]

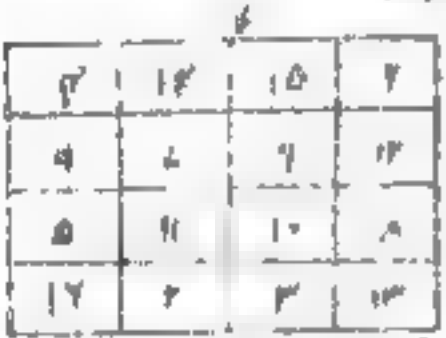

فائده چهل و [illegible] در متفرقات اگر کسی این
تعویذ را نوشته با خود [illegible] وی فراخ گردد و اگر
بنویسد در آب بشوید و آن آب طعام بپزد در طعام
برکت شود یعنی زیاده [illegible] اگر بنویسد و در چهار گوشه
[illegible]
[illegible] از آن چشمه آب کم شود [illegible] شود [illegible]
شود اینست

۴	۱۴	۱۵	۲
۹	۷	۶	۱۲
۵	۱۱	۱۰	۸
۱۶	۲	۳	۱۳

بسم الله الرحمن الرحیم یکیدون
کیدا و اکید کیدا فمهل الکافرین امهلهم
رویدا اسعد مکسنا باسق یا علق بحق
سلیمان بن داود علیهما السلام

[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]

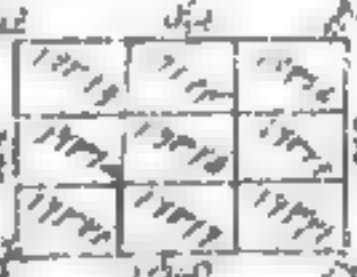

فائده اگر کسی را غلام یا کنیز که گریخته باشد در زیر سنگ بنهد بشرطیکه سنگ گرانبار باشد

فائده برای ظفر و نصرت و غالب شدن بر دشمن
این تعویذ ذیل را نوشته بر بازو بندد

ه	بدوح	ب
بدوح	باسم فلان	بدوح
ح	بدوح	و

بسته راه مغرب بنام فلان

بنابر بند
کرده [illegible]
این نقش نوشته [illegible] زیره سفید شسته بخوراند و برای [illegible]
کردن [illegible] شسته بخوراند اینست ـ

۶	۷	۲
۱	۵	۹
۸	۳	۴

فائده [illegible] اگر حیض نیاید این [illegible]
[illegible]

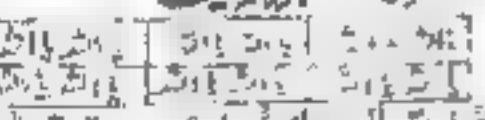

فائدہ جہت کنار دن گل عورت این نام را بکاغذ نوشتہ بران نہادہ بزیر
وابتر گل دفع شود بسم اللہ اومن الرحیم التکور البکول ولا قوۃ
الا باللہ العلی العظیم جہت اجیاء الموات ملاحظہ بجی ایا الشیطان ختمین نویسد بر
واسطہ جلدی جہت ملاحظہ عورت کہ اس ہر دو آیت کو پیپل کے پتے پر لکھ کر اوتارہ باندھے کہ
دھوکہ چلا دے اور دوسرے کاغذ پر لکھ کر بازو سے

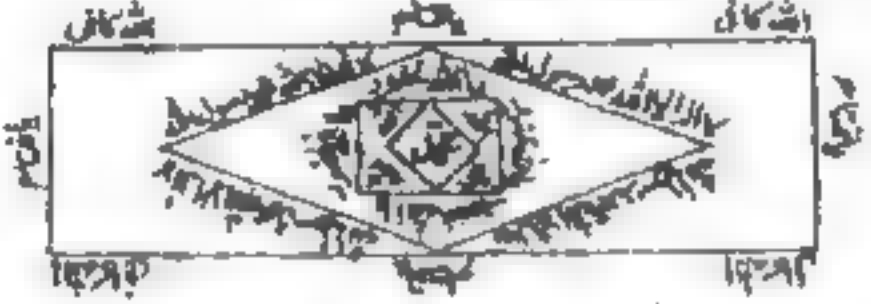

فائدہ برائی رفع احتلام بکر بعد استعمال شود بیت

فائدہ برائی دفع الماس زیر گوش دکور موضع ناں
نویسد۔

ا	ب	ج	د
د	ج	ب	ا
ب	ا	د	ج
ج	د	ا	ب

سع	موحم
سع	مسلم

فائدہ برائی فروخت شدن متاع نوشتہ در مشتری نہد یا خود دارد و گردوست باشد یا دشمن
گردن او بند و بلسان خدائی تعالیٰ فوجہ شود بسم اللہ الرحمن الرحیم ثناء فوجہ یثبت
الناس واسعہ لکم فاستبقوا الخیرات ان اللہ غفور رحیم الصابرین والصادقین والقانتین و
المنفقون والمستغفرین بالاسحار شہد اللہ انہ لا الہ الا ہو والملائکۃ ولستغفر اللہ
لکم اجمعین یا کریم برحمتک وعظمتک یا محیط یا ارحم الراحمین فائدہ جہل و مقیم در
ذکر بعض ادویہ واضح باد تنجات مرقوم الزل بکثر جرب است و بارہا تجربہ رسیدہ اگرچہ ہزار اکتب
حکمت از مثل نہ بہ الکتب چو تنجات بنا مرتبع اصل اندہ بیط تسطیری در آید فائدہ برائی دردِ فتق
منقوش بیٹ غلام بزاد وہ و ایک کوفتہ بر موضع دہند بعد دسہ روز متواتر بفضل تعالیٰ صحت یابد فائدہ برائی
دفع مرض سنگ شانہ بیارد عرق خشکاش با قدر مصطگی دوا مصطگی یک تولہ و عرق بھوین آدھ تولہ
ہر سہ را یکجا کردہ ساعت روز نہار بخورد از ترشی بادی و شیرینی احتراز نماید بکرم اللہ تعالیٰ چارہ اول سنگ شانہ

پاره پاره شده بیفتد نافع بود فائده برای دفع [illegible] مجربات بیارد دو نیم برگ نیم زرد و یک
نیم دانه مرچ سیاه در ظرف بدری از سپاری کهوتی سائیده مانند سرمه کرده نگهدارد از انگشت [illegible]
و پرهیز از ترشی و بادی و غسل نماید ان شاء الله تعالی شفا شود فائده برای دفع [illegible] بواسیر [illegible]
دو تولا [illegible] تمباکوی خشک که اکثر اهل فرنگ آن تمباکوی خشک می کشند دو تولا هر دو یکجا کرده
حل نموده بر سر های بواسیر لیپ نموده از آتش نمک سیده شفا شود فائده برای دفع درد دندان بروز
یکشنبه بوقت صبح بیدار شده نشسته [illegible] هفت بار [illegible] زبان بتمام دندانها گرداند بهمین قسم
هر روز بکند درد دفع شود و دندان قائم شوند [illegible] ثم [illegible] کما [illegible]
[illegible] لا اله الا الله محمد رسول الله فائده برای قوت باه [illegible]
بوزن چهار فلوس [illegible] گوشت [illegible] بوزن [illegible] روغن [illegible]
[illegible] روز صبح بخورد پرهیز ترشی و بادی [illegible] فائده برای قوت باه
[illegible] ایضا [illegible] ایضا [illegible] بوزن چهار فلوس [illegible]
[illegible] ایضا [illegible] بوزن نیم فلوس [illegible] ایضا [illegible] نیم فلوس [illegible] ایضا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فائده برای قوت باه
[illegible] بوزن پنج فلوس [illegible] ایضا [illegible]
[illegible]
[illegible] یک تولا [illegible] بوزن پنج فلوس شکر سفید بوزن هشت فلوس روغن [illegible]
[illegible]
[illegible] فائده برای قوت باه [illegible]
[illegible] بوزن [illegible] هر روز یک [illegible]
[illegible] فائده [illegible] یک تولا [illegible]
[illegible]
[illegible]

بسیار در روز باشد شش معجون [illegible] و یک [illegible] [illegible] تا [illegible] مفید است [illegible]
[illegible] اگر در وقت [illegible] بیار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
روز چهارم [illegible] [illegible] [illegible] فائده [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] فائده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است -

ضمیمهٔ نسخه‌های قوت باه

این نسخه [illegible] [illegible] قوت باه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

یکدل کند کہ تمام ماند و زیچہ نشود پس ہر روز نہ ماشہ تا کمال بخورد نسخہ برائی یوست باہ و مغلظ منی و دفع سرعت انزال عجب است مولفی سیاہ مک تخم بیدمشک تخم کاہو تخم سفید تاج الحسن سرخ یک تولہ سفوف کنند و بیک تولہ عسل بسرشند و بیک ماشہ تا سہ ماشہ بروغن بادام تازہ یک روز در میان بخورد و بعد از ان شیر گاؤ و نصف آب بنوشد و پرہیز بدالبتہ خواہ ساتی و ماشہ زیرہ کوہی نیم تولہ سفوف کنند تخم ہندی یک تولہ بیان صندل سفید ابا قرقحا فارسی ۲ ماشہ تخم تالی کہ ۲ ماشہ گل میلان ۲ ماشہ کہر با ۲ ماشہ طباشیر کہود ۲ ماشہ صمغ عربی ۲ ماشہ زہر مہرہ خطائی ۲ ماشہ سفوف کنند و بیک تولہ سفوف خیارین ۲ تولہ سفوف بادام شیرین ۲ تولہ عرق بیدمشک تولہ ادویہ و سفوف نمودہ را بہ شیر شخت داخل کردہ ہر روز علی الصباح مشش ماشہ بشیر گاؤ تازہ یا بآب تازہ بخورد تا سہ ہفتہ عمل نماید نسخہ دافع سرعت انزال کہ از حرارت باشد دفع شود سبوس اسپغول ۲ ماشہ تخم خربزہ ۲ ماشہ کشنیز خشک سودہ ۲ ماشہ ہر روز ۲ ماشہ بشیر گاؤ یا آب علی الصباح بخورد نسخہ جہت جماع و بند کشادہ ہر برابت کہ بیان کردہ ایم کہ ۲ ماشہ تخم ہندی کہ تخم سرس نیز میگویند ۲ ماشہ مساوی الوزن کنجد سفید بقدر ادویہ داخل کردہ ہر روز علی الصباح یک تولہ ہمراہ آب تازہ بخورد و از عمل با تجمل روز ہمین طور العمل کند پرہیز از ترشی و بادی و سرد و ہوا و جزات ضرور است نسخہ ایضاً تخم سرس ۲ تولہ سفید بہائی ۲ تولہ گوکھرو خورد ۲ تولہ مساوی الوزن گرد و بیکدیگر کردہ بیخ سفوف ساعت گذارد و نبات سفید بقدر ادویہ ہمہ را نیم کوفتہ علی الصباح مشش ماشہ بخورد و بآن شیر گاؤ تازہ نیم آب نوشد نسخہ ایضاً تخم بیدمشک تخم کاہو تخم خربزہ تخم ہندی تخم سرس تخم خیارین مساوی الوزن گرد و بیکدیگر کردہ بیخ سفوف ساعت گذارد و نبات سفید بقدر ادویہ ہمہ را نیم کوفتہ علی الصباح مشش ماشہ بخورد و بآن شیر گاؤ تازہ نیم آب نوشد نسخہ ایضاً تخم بیدمشک تخم کاہو تخم خربزہ تخم ہندی تخم سرس تخم خیارین مساوی الوزن گرد و بیکدیگر کردہ بیخ سفوف ساعت گذارد و نبات سفید بقدر ادویہ ہمہ را نیم کوفتہ علی الصباح مشش ماشہ بخورد و بآن شیر گاؤ تازہ نیم آب نوشد نسخہ ایضاً تخم بیدمشک تخم کاہو تخم خربزہ تخم ہندی تخم سرس تخم خیارین مساوی الوزن گرد و بیکدیگر کردہ بیخ سفوف ساعت گذارد و نبات سفید بقدر ادویہ ہمہ را نیم کوفتہ علی الصباح مشش ماشہ بخورد و بآن شیر گاؤ تازہ نیم آب نوشد نسخہ ایضاً تخم بیدمشک تخم کاہو تخم خربزہ تخم ہندی تخم سرس تخم خیارین مساوی الوزن گرد و بیکدیگر کردہ بیخ سفوف ساعت گذارد و نبات سفید بقدر ادویہ ہمہ را نیم کوفتہ علی الصباح مشش ماشہ بخورد و بآن شیر گاؤ تازہ نیم آب نوشد نسخہ ایضاً تخم بیدمشک تخم کاہو تخم خربزہ تخم ہندی تخم سرس تخم خیارین مساوی الوزن گرد و بیکدیگر کردہ بیخ سفوف ساعت گذارد و نبات سفید بقدر ادویہ ہمہ را نیم کوفتہ علی الصباح مشش ماشہ بخورد و بآن شیر گاؤ تازہ نیم آب نوشد

[illegible] صفت معجون چوب چینی [illegible] درد مفاصل [illegible]
[illegible] جگر و مثانه و گرده [illegible] تبدیل رنگ [illegible] چوب چینی [illegible]
[illegible]

معجون سازند مقدار خوراک ماشہ جوارش لبسابہ دو دانگ بوایسر دو درخت عدد دسوہاگہ دو کسر بیلسانیطر
غاردھی لبسابہ قاقلہ کبار قرقرا از ہر یک نیم ماشہ قاقلہ صغار زنجبیل فلفل دراز اجوائن لسارون
از ہر یک سہ دیم ماشہ فلفل سیاہ ہفت ماشہ قرنفل پنج ماشہ دو مرچ ہمہ را کوفتہ بیختہ قند سفید دو شہد خالص
بالناصفہ سہ چند ادویہ مقوم ساختہ داخل ساختہ جوارش تیار سازند جوارش دارچینی جہت ضعف کلیہ و
مثانہ و معدہ نافع و کاسر ریاح غلیظہ دہم مخرج اخلاط غلیظہ ص دارچینی اکرز بجبیل ثمالی از ہر یک یک تولہ
و ماشہ قرنفل فلفل سیاہ فلفل دراز سنبل الطیب اسارون از ہر یک پنجماشہ دو مرچ زنجبیل خودیہ ہشت
کوا قاقلہ صغار قرقرحا از ہر یک ہفت ماشہ مصطگی بادیان رومی راتریانہ سلیخہ از ہر یک ماشہ دیم کوفتہ بیختہ لعسل خالص
بسرشتہ جوارش اشتف در مکاوہ تولیخ حکم کبیر بارد و در حسکین آلام قویہ منیظہ کاسر ریاح غلیظ بطی
وبای او جاع ظہر و مثانہ صوبعد یل ص تردیوف سفید ستونیا شوی از ہر یک پنج مثقال زنجبیل دارچینی
آملہ شک لبسابہ قرنفل ہر زبوا از ہر یک یک مثقال کوفتہ بیختہ قند سفید نصف وزن ہمہ خالص نصف وزن
بعوام آوردہ بطریق متعارف جوارش تیار نمایند مقدار شربت چہار مثقال ——

خاتمۃ الطبع

پس از سپاس باری تعالیٰ و صلوٰۃ و سلام بر سردار محمد صلی اللہ علیہ وسلم
الامر بالتہادی من الاوداء مادامت الارض والسماء اما بعد لبعوثہ ذکر کتاب تحفۃ الفوائد
مشتمل بر فوائد عجیبہ و غریبہ برائے سافنہ جمیع مسلمین و مؤمنین باہتمام علی بھائی
شرفعلی اینڈ کمپنی پرائیویٹ لمیٹڈ تاجران کتب و
مالکان مطبع محمدی بماہ ربیع الثانی ۱۳۸۹ھ مطابق
جولائی الاول سنہ ۱۹۶۹ء در مطبع محمدی
واقع کتاب گلی روڈ بھگادیوان بمبئی
طابع شد و بہ اشاعت پذیرفت
مسمی بہ
سالمان گردیدہ
والحمد للہ علیٰ ذالک